

Learn English Rapidly

انگلیسی را به سرعت یاد بگیرید

LER





مؤلف و مترجم: احمد عابدینی

Learn English Rapidly

انگلیسی را به سرعت یاد بگیرید

احمد عابدینی

انتشارات هدف نوین

سرشناسه :عابدینی، احمد، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور :انگلیسی را به سرعت یاد بگیرید= learn english rapidly مکالمات و اصطلاحات روزمره‌ای انگلیسی آمریکایی.../ تالیف و ترجمه احمد عابدینی.
وضعیت ویراست :ویراست ۳.
مشخصات نشر :تهران : هدف نوین، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری :۳۷۰ ص.: مصور.
شابک :۹۷۸-۶۰۰-۶۷۳۳-۰۹-۸
موضوع :زبان انگلیسی آمریکایی -- مکالمه و جمله‌سازی -- فارسی
موضوع :زبان انگلیسی آمریکایی -- خودآموز
رده بندی کنگره :۱۳۹۱ ۸الف۲ع/PE۲۸۱۳
رده بندی دیویی :۴۲۸
شماره کتابشناسی ملی:۲۹۷۸۳۳۱
سرشناسه :عابدینی، احمد، ۱۳۵۰ -

انتشارات هدف نوین
www.hadafnovin.ir
hadafnovin@gmail.com

انگلیسی را به سرعت یاد بگیرید

Learn English Rapidly

تالیف و ترجمه : احمد عابدینی.

نوبت و سال چاپ :سوم ۱۳۹۲ (ویرایش سوم)

شمارگان : ۵۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی : هدف نوین

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۳۳-۰۹-۸

قیمت : ۱۲۰۰۰۰ ریال با جلد شومیز به همراه سی دی

تهران- خ انقلاب – خ دانشگاه – بین روانمهر و نظری – کوچه قدیریان – پ ۱۲

تلفن: ۶۶۴۰۰۰۷۰ (در ۱۰ خط)

مقدمه

به نام خداوند علی(ع) که چنین زیبا می گوید:

انْ تیریتینْگْ دِ گاد ایز بریْوری — Entreating the God is bravery

التماس کردن به خداوند، شجاعت است

ایفْ ایتْ ایزْ گرَنْتِد ایزْ نِسِسیتی — if it is granted is necessity

اگر برآورده شود، حاجت است

ایفْ ایتْ ایزْ ناتْ گرَنْتِد ایزْ ویزْدِمْ — if it is not granted is wisdom

اگر برآورده نشود، حکمت است

انْ تیریتینْگْ پیپِل ایزْ هیومیلیایْشِنْ — Entreating people is humiliation

التماس کردن به خَلق، حقارت است

ایفْ ایتْ ایزْ اَکْسِپْتِد ایزْ آبْلیگِیْشِنْ — if it is accepted is obligation

اگر برآورده شود، منّت است

ایفْ ایتْ ایزْ ناتْ اَکْسِپْتِد ایزْ اَبْجِکْشِنْ — if it is not accepted is abjection

اگر برآورده نشود، ذلّت است

خداوند متعال یاری کرد که این مجموعه را برای عزیزانی که علاقه مند به یادگیری زبان انگلیسی آمریکایی هستند فراهم بیاورم و اکنون جا دارد که از دوست عزیز و ارجمندم جناب آقای جواد ایومن کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم چرا که ایده و فکر خلاّق ایشان باعث شد کتاب حاضر، به وجود بیاید. همچنین تشکر و قدردانی می کنم از زحمات و همفکری دوست عزیزم آقای مرتضی شلیلی که طرحی بسیار زیبا و شکیل به این کتاب دادند تا شما زبان آموزان بزرگوار بتوانید آسوده تر مطالب را یاد بگیرید و به خاطر بسپارید.

این مجموعه قابل استفاده برای تمام سطوح از مبتدی تا عالی می باشد چون دارای ویژگی های زیر است:

این کتاب دارای چهار بخش می باشد و تمام بخش ها با تلفظ و ترجمه.

بخش اول مربوط به مکالمات روزمرّه بوده و دارای چهار VCD آموزشی است که ما برای راحتی کار شما دوستان عزیز این چهار VCD را با فرمت MPEG4 در یک CD قرار داده ایم که قابل پخش در کامپیوتر و بسیاری از پخش کننده های تصویری مانند DVD خوان ها می باشد و اگر عزیزی امکان استفاده از فایل تصویری را ندارد می تواند از CD دیگر با فرمت MP3 به فایل های صوتی گوش دهد که تمامی قسمت های مکالمه را بطور کامل همراه ترجمه فارسی، شامل می شود . این بخش شامل سی و چهار مکالمه می باشد که در موقعیّت های مختلف در کشور آمریکا صورت گرفته است وبرای یادگیری آسان تر آن را به هفت صد و پنجاه و چهار شماره تقسیم کرده ایم که دارای بیش از هزار جمله ی مفید و کاربردی است که تمامی تلفظ ها توسط اساتید آمریکایی بیان شده. در این چهار سی دی تصویری تمام مکالمات ابتدا به صورت نوشتاری و سپس به صورت گفتاری همراه با شماره های موجود در کتاب بیان شده است و برای یادگیری آسان تر، هر جمله سه بار تکرار شده. شما عزیزان باید ابتدا خوب به جملات گوش داده و سپس آن ها را با صدای بلند تکرار کنید تا یادگیری حاصل شود و این جملات در حافظه شما با ماندگاری بیشتری طبقه بندی شوند.

توجه: حافظه دارای چهار لایه می باشد. در لایه ی اول اطّلاعات به سرعت یاد گرفته می شوند و اگر تکرار صورت نگیرد به همان سرعت این اطلاعات فراموش می شوند مانند شماره تلفنی که برای بار اول می شنویم و می توانیم بگوییم اما اگر این شماره را تکرار نکنیم، فردای آن روز آن را به خاطر نمی آوریم امّا اگر آن را چند بار تکرار کنیم این شماره وارد لایه ی دوم حافظه شده و برای مدت چند روز هم، شاید به یاد بماند . اگر یک یا چند هفته ی دیگر به آن شماره نیاز داشته باشیم آن را به یاد نخواهیم آورد ولی اگر در زمان های مختلف از این شماره استفاده می کردیم، این شماره وارد لایه ی سوم می شد و ماندگاری آن بسیار بیشتر و در زمان نیاز راحت تر مورد استفاده واقع می شد **حال اگر اطلاعات وارد شده در لایه ی اول با تکرار وتمرین فراوان باشد و عمل تکرار کردن در زمان های مختلف** صورت بگیرد و این عمل استمرار داشته باشد، اطلاعات به صورت طبقه بندی شده به لایه ی چهارم می رسد و در آن می ماند و در صورت نیاز می توانیم به آسانی و بدون مشکل از این اطلاعات استفاده کنیم . یادگیری زبان نیز دقیقاً به همین شکل است یعنی تا آنجا که می توانید باید لغات را در جملات مفید به کار ببرید و آن ها را در زمان ها و مکان های مختلف تکرار کنید.

بخش دوم، مربوط به گرامر مفید و کاربردی می باشد. در این بخش گرامر به صورت بسیار ساده امّا کاربردی بیان شده است. این بخش را با یادگیری زمان ها آغاز کردیم چون یکی از اساسی ترین موارد، زمان می باشد. و ماآن ها را به سه شکل مثبت، سوالی و منفی توضیح داده ایم و مثال های فراوان به کاربرده ایم تا شما نیز بتوانید برای خودتان مثال هایی بیاورید. برای یادگیری گرامر بهتر است که یک قسمت را انتخاب کنید و بخوانید سپس مثال ها را با صدای بلند تکرار کرده و سعی کنید که فرمول ها را حفظ کنید و با توجه به آن ها جمله سازی کنید.

توجه۱. یکی از بهترین مراحل یادگیری، خواندن مطالب از آسان به سخت می باشد. یعنی ابتدا مواردی را یادبگیرید که آسان تر هستند و آرام آرام به سُراغ مطالب مشکل تر بروید تا یادگیری بهتر حاصل شود.

توجه۲. یکی دیگر از مراحلِ یادگیریِ بهتر، این است که ابتدا به سُراغ مَطالبی بروید که به یادگیریِ آن ها علاقه یا نیازِ بیشتری دارید.

بخش سوم، مربوط به اصطلاحاتِ کاربردی می باشد. در این بخش ۱۶۰۰ اصطلاح و جمله ی زیبای کاربردی، بیان شده است تا شما بتوانید با یادگیری آنها مهارت و توانایی های خود را افزایش دهید.

بخش چهارم، مربوط به ضرب المثل ها و گفته ها می باشد.در این بخش ۴۵۰ ضرب المثل و گفته ی زیبا بیان شده این بخش مخصوص عزیزانی است که مراحل تکمیلی را می گذرانند. در این بخش علاوه بر ترجمه و تلفظ، بسیاری از ضرب المثل ها ابتدا به صورت کلمه به کلمه ترجمه شده وسپس معادل فارسیِ آن ها داخل پرانتز نوشته شده است. بعضی از این ضرب المثل ها بیشتر از یک مُعادل داشته اند که آن ها نیز بیان شده اند.

امیدواریم که با این مجموعه بتوانید به هدف خود برسید

ما خود را از نظرات و پیشنهادات شما خواننده ی گرامی بی نیاز نمی دانیم.

آدرس پست الکترونیکی hadafnovin@gmail.com

منتظر پیام های دوستانه ی شما عزیز گرامی خواهد بود.

احمد عابدینی

تقدیم به همسر عزیزم

Contents فهرست

بخش اول : مکالمه — از صفحه ی ۱ تا ۱۱۰

بخش مکالمه براساس شماره هایی می باشد های که در کتاب و CD این مجموعه آمده است

Contents

فهرست

بخش دوم : گرامر — از صفحه ی ۱۱۱ تا ۲۶۹

Contents

فهرست

Contents فهرست

Contents فهرست

Contents

فهرست



A B C Song

آهنگ الفبای انگلیسی

Aa	**Bb**	**Cc**	**Dd**	**Ee**	**Ff**	**Gg**	**Hh**	**Ii**	**Jj**	**Kk**
ایْ	بی	سی	دی	ای	اِفْ	جی	اِیچْ	آیْ	جیْ	کِیْ
Ll	**Mm**	**Nn**	**Oo**	**Pp**	**Qq**	**Rr**	**Ss**	**Tt**	**Uu**	**Vv**
اِلْ	اِمْ	اِنْ	اُ	پی	کیو	آر	اِسْ	تی	یو	وی
		Ww		**Xx**		**Yy**	**(and)**		**Zz**	
		دآبلیو		اِکْسْ		وآیْ	(اَند)		زی (زِد)	

Now I know my A B Cs — حالا من اِیْ . بی . سی. را می دانم

ناوْ آیْ نُ مآیْ اِیْ. بی . سیزْ

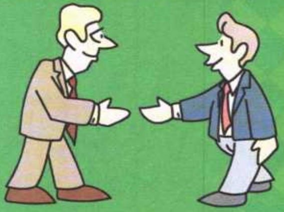
Next time won't you sing along With me? — آیا تو دفعه بعد با من همخوانی نخواهی کرد؟

نِکْسْتْ تآیْمْ وُنْتْ یو سینْگْ اِلآنْگْ وِیتْ می ؟



Greeting

سلام و احوال پرسی



1 2 hello	هِلُ	سلام
3 good morning	گود مُرْنینگْ	صبح بخیر
4 good afternoon	گود اَفتِرْنونْ	بعدازظهر بخیر
5 6 hi	هآیْ	سلام

برای گفتن سلام می توان در حالت عادی و دوستانه از Hello در حالت خیلی دوستانه از Hi و درحالت رسمی از عبارت ?How do you do استفاده کرد. ضمناً عبارات های good morning و good afternoon نیز به معنای سلام می باشند.

7 how are you?	هآوْ آر یو ؟	حال شما چطوراست؟

به جای عبارت ?how are you می توان از جمله های
How are you doing? - How is it going? - How are things with you?
How have you been? - How is everything? -How is life?
به همان معنای (اوضاع و احوال چطور است؟) استفاده کرد.

8 I'm fine.Thanks. And you?	آیمْ فآینْ. تَنکْسْ. آند یو ؟	خوب هستم . متشکرم. و شما؟
9 fine.thanks	فآینْ تَنکْسْ	خوب هستم.متشکرم.
10 how about you?	هآوْ اِباَوتْ یو ؟	شما چطور هستید؟

توجه: عبارت های ? And you و ? What about you نیز مانند جمله ی ?How about you می باشند.

11 pretty good	پرتی گود	کاملاً خوب هستم.
12 I'd like you to meet my friend Christina	آیدْ لآیکْ یو تو میتْ مآیْ فرنْد کیریستینآ	من مایل هستم که شما با دوستم کریستینا آشناشوید
13 nice to meet you	نآیسْ تو میتْ یو	از آشنایی با شما خوشحال هستم
14 nice to meet you, too	نآیس تو میتْ یو ، تو	من هم از آشنایی با شما خوشحال هستم

15 I'm Jessica | آیْم جسیکا | من جسیکا هستم

در جمله ی **I'm Jessica** می توان به جای **I'm** از **this is** استفاده کرد.

16 what's your name? | واتْس یُرْ نِیْم | اسم شما چیه؟

17 by the way, I'm Steve | بآیْ دِ وِیْ ، آیْمْ سْتیوْ | راستی، اسم من استیو است

18 what do you do? | واتْ دو یو دو | شما چکاره هستید؟

توجه: به جای جمله‌ی **what do you do ?** می توان از جملات زیر استفاده نمود.
what is your Job? – what is your occupation? – what is your profession?
what is your career? – what are you?

19 I work with computers | آیْ وُرکْ ویتْ کُمپیوترْز | من با کامپیوتر کار می کنم

20 really? | ری یلیْ ؟ | واقعاً؟

21 do you like your job? | دو یو لآیکْ یُرْ جابْ ؟ | آیا شما شُغلتان را دوست دارید؟

22 that's great | دَتْس گریْتْ | آن عالی است

23 are you a student? | آر یو اِ سْتیودِنْتْ ؟ | آیا شما یک دانش آموز هستید؟

24 Yes, I study Biology | یِسْ، آیْ سْتادی بآیالُجی | بله . من زیست مطالعه می کنم

25 are you married? | آر یو مَرید ؟ | آیا شما ازدواج کرده اید؟

26 No, I'm not married | نُ، آیْمْ ناتْ مَرید | نه. من ازدواج نکرده ام

27 you're very beautiful | یور وری بی یو تی فولْ | شما خیلی زیبا هستید

28 what's it to you? | واتْس ایتْ تو یو ؟ | به شما چه ربطی دارد؟ (به شما چه؟)

29 you are very handsome | یو آر وری هَنْدسامْ | شما خیلی خوش تیپ هستید

30 really? | ری یلیْ ؟ | واقعاً؟

31 well.It was nice meeting you | وِلْ. ایتْ واز نآیسْ میتینگْ یو | خوب. از دیدار با شما لذّت بردم

32 I have to go now. bye | آیْ هَفْ تو گُ ناوْ. بآیْ | من مجبور هستم حالا بروم. خدا حافظ

توجه۱: برای خداحافظی به جای **bye** می توان از عبارت های زیر استفاده نمود.

Good bye. – Bye-bye. – Take care. – So long. – See you later.
Catch you later. – Have a nice day.

توجه۲: برای شب به خیر گفتن می توان عبارت های زیر را بکار برد.
good night. – sleep well. – sweet dreams.

33 It was nice meeting you | ایتْ واز نآیسْ میتینگْ یو | از دیدار با شما لذّت بردم.

34 bye | بآیْ | خدا حافظ

New Words لغات جدید

how	هاوْ	چطور - چگونه
fine	فآینْ	خوب
and	اَند	و
about	اباوْتْ	در مورد - در حدود
pretty	پرتیْ	زیبا - نسبتاً - کاملاً
to like	تو لآیکْ	دوست داشتن
to meet	تو میْتْ	مُلاقات کردن
fried	فرِنْد	دوست
nice	نآیسْ	خوب
too	تو	خیلی - همچنین - هم
what	وآتْ	چه - چی - چه چیزی - چه کاره
to do	تو دو	انجام دادن
to work	تو وُرکْ	کار کردن
job	جآبْ	کار - شغل
great	گریْتْ	عالی
student	سْتیودِنْتْ	دانش آموز
to study	تو سْتآدی	مُطالعه کردن
biology	بآیآ لُجی	زیست شناسی
married	مَرید	متاهل
very	وِری	خیلی
beautiful	بی یو تی فولْ	زیبا
handsome	هَنْد سآمْ	خوش تیپ
well	وِلْ	خوب - سلامت
have to	هَفْ تو	مجبور بودن







Learn English Rapidly 3



Useful sentences

جملات مفید

35 great	گریْتْ	عالی است
36 that's great	دَتْسْ گریْتْ	آن عالی است
37 too bad	تو بَد	خیلی بد
38 that's too bad	دَتْسْ تو بَد	آن خیلی بد است
39 guess	گِسْ	حدس بزن
40 good guess	گود گِسْ	خوب حَدسی بود. (تَشخیص شما دُرست بود)
41 thank you	تَنکْ یو	از شما متشکرم
42 you're welcome	یور وِلکامْ	خواهش می کنم. (قابلی ندارد)
43 have fun	هَوْ فَانْ	خوش باش. (خوش باشید)
44 enjoy your stay	اِینْجُیْ یُرْ سْتیْ	از اقامتتان لذّت ببرید
45 have a nice trip	هَوْ اِ نَایْسْ تریپْ	سفر خوشی داشته باشید
46 have a safe trip	هَوْ اِ سِیفْ تریپْ	سفر اَمنی داشته باشید
47 good luck and have a safe trip		موفّق باشید وسفر اَمنی داشته باشید

گود لاکْ اَند هَوْ اِ سِیفْ تریپْ

48 well, I hope you enjoy your stay in San Francisco

وِلْ، آیْ هُپْ یو اینْجُیْ یُرْ سْتیْ اینْ سَنْ فرَنْسیسکُ

خوب، من امیدوارم که شما از اِقامتتان درسانفرانسیسکو، لذّت ببرید

49 I hope you have a good time in Washington

آیْ هُپْ یو هَوْ اِ گود تَایْمْ اینْ وآشینگْتُنْ

من امیدوارم که شما اوقات خوبی در واشینگتن داشته باشید

50 I'm twenty-three — آیْمْ (توانی) توانْتی - ثِری — من ۲۳ ساله هستم

51 I'm twenty-six — آیْمْ (توانی) توانْتی - سیکْس — من ۲۶ ساله هستم

52 I'm hungry — آیْمْ هانْگِری — من گرسنه هستم

53 I'm sorry. you need a passport — متأسف هستم .شما به پاسپورت نیازدارید

آیْمْ سآری. یو نید اِ پَسْپُرتْ

54 I'm sorry. you need a visa — متأسف هستم. شما به ویزا نیازدارید

آیْمْ سآری. یو نید اِ ویزآ

55 I like sports — آیْ لآیکْ سْپُرتْسْ — من ورزش را دوست دارم

56 I like music and sports — من موسیقی و ورزش را دوست دارم

آیْ لآیکْ میوزیکْ اَند سْپُرتْسْ

57 I like to go Hiking. and you? — من دوست دارم (به گردش بروم) پیاده روی کنم. شما چی ؟

آیْ لآیکْ تو گُ هآیکینْگْ اَند یو ؟

58 I like all kinds of music.how about you?

آیْ لآیکْ آلْ کآیندز آو میوزیکْ . هآوْ اِبآوْتْ یو ؟

من همه نوع موسیقی را دوست دارم. شما چطور؟

59 I like R and B — آیْ لآیکْ آر اَند بی — من موسیقی آر اَند بی دوست دارم

60 I like opera — آیْ لآیکْ آپِرآ — من، اُپرا دوست دارم

61 so do I — سُ دو آیْ — من هم همینطور

62 me too — می تو — من هم همینطور

63 like my sister — لآیکْ مآیْ سیسْتِرْ — مثل خواهرم

64 like my daughter — لآیکْ مآیْ دآتِرْ — مثل دخترم

65 hello. it's good to see you again — سلام. باعث خوشحالی است که دوباره شما را می بینم

هِلُ. ایتْسْ گود تو سی یو اِگِینْ

66 hello. it's a pleasure to meet you

هِلُ. ایتْسْ اِ پلیژِر تو میتْ یو

سلام. باعث خوشحالی است که شما را ملاقات می کنم

67 hello. it's nice to meet you — سلام.از دیدار با شما خوشحال هستم

هِلُ. ایتْسْ نآیسْ تو میتْ یو

68 come on. I'd like you to meet some of my friends

کاَمْ آنْ. آیْد لاَیْک یو تو میتْ سآمْ آوْ مآیْ فرِنْدز

زود باش. مایل هستم که شما ، تعدادی از دوستانم راملاقات کنید

69 good afternoon. may I see your passport, please?

گود اَفتِرْنونْ .میْ آیْ سی یُرْ پَسْپُرْتْ، پیلیزْ؟

بعدازظهر بخیر. ممکن است پاسپورت شما را ببینم؟

70 I'm glad to help. it's part of the job

آیْمْ گلَد تو هِلْپْ . ایْتْسْ پآرتْ آو دِ جآبْ

خوشحال هستم که کمک می کنم. این بخشی ازکارم است

71 we have room 758 reserved for you

ما اتاق ۷۵۸ را برای شما رزرو کرده ایم

وی هَوْ رومْ سونْ فیفْتی ایْتْ ریزِرْوْدْ فُرْ یو

72 it's about a ten-minute walk

حدوداً پیاده ده دقیقه راه است

ایتْسْ اباَوْتْ اِ تِنْ مِنتْ واکْ

73 please hold پیلیزْ هُلْد

لطفاً گوشی را نگهدارید.

74 oh.your English is very good

اُه. انگلیسی شما خیلی خوب است

اُه. یُرْ اینْگلیشْ ایز وِری گود

75 really. my brother is an engineer

واقعاً. برادرم یک مهندس است

ری یِلی . مآیْ برآدِر ایزْ آنْ اِنْجینیرْ

76 my husband is an engineer, too

شوهر (همسر) من، هم یک مهندس است

مآیْ هآزبِنْد ایز آنْ اِنْجینیرْ، تو

77 really. my sister is a business major

واقعاً. رشته ی اَصلیِ خواهرِ من تجارت است

ری یلیْ . مآیْ سیستِرْ ایزْ اِ بیزینِسْ میْجِرْ

78 really. my sister lives in Germany

واقعاً. خواهر من در آلمان زندگی می کند

ری یلیْ. مآیْ سیستِرْ لِوز (لیوز) اینْ جِرْمَنی

79 let's go get something to eat

بیا برویم به چیزی برای خوردن تهیّه کنیم

لِتْسْ گُ گِتْ سآمْثینْگ تو ایت

80 let's talk about your lease

بیا در موردِ اجاره ی شما صحبت کنیم

لِتْسْ تآکْ اباَوْتْ یُرْ لیسْ

81 follow me, please فآلُ می ، پیلیزْ

لطفاً دنبال من بیایید

82 Yes, there is — یس در ایز — بله. وجود دارد

83 you have a visa for three months — شما یک ویزای سه ماهه دارید

یو هو ا ویزآ فُر ثیری مانس

84 where are you going? — ور آر یو گ اینگ؟ — کجا دارید می روید؟

85 here you are — هیر یو آر — بفرمایید. (بفرمایید بگیرید. بفرمایید بخورید.)

توجه: به جای عبارت here you are می توان از عبارت های here it is و یا there you go استفاده کرد.

86 they say, it's a lovely city — آنها(مردم) می گویند،(که) آن یک شهر دوست داشتنی است

دی سی ، ایتس ا لاولی سیتی

87 that's interesting — دتس اینترستینگ — آن جالب است

88 I have insurance — آی هو اینشرنس — من بیمه دارم

89 don't touch me — دنت تاچ می — به من دست نزن

90 Eddie, I need a visa — ادی ، آی نید ا ویزآ — ادی من به یک ویزا نیازدارم

91 he looks exactly like you. Me? — او کاملاً شبیه به شما است.(شبیه به) من؟

هی لوکس اگزکتلی لایک یو. می ؟

92 what's his name? — واتس هیز نیم ؟ — نام او چیست؟

93 excuse me — اکسکیوز می — ببخشید (مرا ببخشید)

94 I beg your pardon — آی بگ یر پاردن — مَعذرت می خواهم

95 I'm sorry. I don't understand — متأسف هستم. من متوجه نمی شوم

آیم ساری . آی دنت آندرستند

96 since last night — سینس لست نایت — از شب گذشته تا حالا

97 I'm going to call the police — قصد دارم به پلیس تلفن کنم. (می خواهم به پلیس تلفن کنم)

آیم گ اینگ تو کال د پلیس

98 Oh, how was your trip? — اُه. هاو واز یر تریپ ؟ — اُه. سفر شما چطور(چگونه) بود؟

99 I'll see you soon — آیل سی یو سون — شما را به زودی می بینم

100 we have one furnished apartment left — ما یک آپارتمان مبله داریم

وی هو وان فرنیشت اپارتمنت لفت

101 you have two options — یو هو تو آپشنز — شما دو (راه) انتخاب دارید

102 a ticket to San Francisco — ا تیکت تو سن فرنسیسک — یک بلیط به سانفرانسیسکو

103 you're not from around here, are you? — شما اهل این اطراف نیستید، اینطور نیست؟

یور نات فرام اراوند هییر، آر یو؟

104 O.K. who saw what happened? — بسیار خوب. چه کسی دید که چه اتفاقی افتاد؟

اُ.کی. هو سا وآت هپند؟

105 a bellman will bring your bags — یک مستخدم کیفهای شما را خواهد آورد

ا بل من ویل بیرینگ یر بگز

106 shall I hold it for you? — آیا می خواهید آن را برای شما نگهدارم؟

شل آی هلد ایت فر یو؟

107 the apartment is on the first floor — آپارتمان در طبقه اول است

د اپارتمنت ایز آن د فرست فلر

108 you can tip the driver if you want — اگر بخواهید می توانید به راننده انعام بدهید

یو کن تیپ د درآیور ایف یو وآنت

109 the room will be on your right — اُتاق، سَمت راست شما خواهد بود

د روم ویل بی آن یر رآیت

110 make sure you go to China town — حتماً به محله ی چینی ها (china town) بروید

میک شر یو گ تو چآینا تاون

New Words لغات جدید

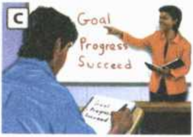
fun	فَانْ	خوشی - شادی - تفریح
to enjoy	تو اینجُیْ	لذّت بردن از
enjoy	اینجُیْ	لذّت ببر از - لذّت ببرید از
trip	تِرِپْ	سفر
safe	سِیفْ	امن - سلامت
luck	لاکْ	شانس - اقبال - موفقیت
to hope	تو هُپْ	امیدوار بودن
hungry	هانگیری	گرسنه
sorry	ساری	متأسف
to need	تو نید	نیاز داشتن
passport	پَسْپُرْتْ	پاسپورت
visa	ویزا	ویزا
sport	سْپُرْتْ	ورزش
music	میوزیکْ	موسیقی
hiking	هایْکینْگْ	پیاده روی
to go	تو گُ	رفتن
all	آلْ	همه
kinds	کاینْدز	انواع
so	سُ	بنابراین
sister	سیسْتِرْ	خواهر
daughter	داتِرْ (دُتِرْ)	دختر
again	اِگِینْ (اِگِنْ)	دوباره
pleasure	پلیژِر	خوشحالی
some	سامْ	مقداری - تعدادی
may	مِی	ممکن بودن
please	پلیزْ	لطفاً
glad	گْلَد	شاد



A. **Set** goals.
اهداف را مشخص کن.



B. **Participate** in class.
در کلاس مشارکت کن.



C. **Take** notes.
یادداشتها را بردار.



D. **Study** at home.
در منزل مطالعه کن.

New Words لغات جدید



E. **Pass** a test.
در امتحان موفق شو.



F. **Ask** for help.
کمک بخواه.



G. **Make** progress.
پیشرفت کن.



H. **Get** good grades.
نمرات خوب بگیر.

room	رُوم	اُتاق
to reserve	تو ریزِرْو	رزرو کردن
for	فُر	برای
minute	مِنِتْ	دقیقه
to walk	تو واکْ	پیاده رفتن - قَدم زدن
to hold	تو هُلْد	نگهداشتن
brother	بِرآدِر	برادر
engineer	اِنْجینیِرْ	مهندس
husband	هَازْبَنْد	شوهر
business	بیزِنِسْ	کار - تجارت
major	میجِر	اصلی
to live	تو لِوْ (تو لیو)	زندگی کردن
to get	تو گِتْ	تهیه کردن- رسیدن
something	سآم ثینگْ	یه چیزی
to eat	تو ایتْ	خوردن
to talk	تو تاکْ	صحبت کردن
lease	لیس	اجاره
to follow	تو فالُ	پیروی کردن - دنبال کردن
month	مآنْث	ماه
where	وِر	کجا
to stay	تو سْتِی	ماندن- اقامت کردن
lovely	لآولی	دوست داشتنی
city	سیتی	شهر
interesting	اینترِسْتینگْ	جالب
insurance	اینْشُرِنْس	بیمه
to touch	تو تآچ	لمس کردن
to look like	تو لوکْ لآیکْ	شبیه بودن

New Words لغات جدید

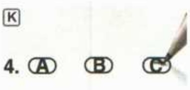
exactly	اِگْزَکْتْ لی	دقیقاً
to understand	تو آنْدِرِسْتَنْد	فهمیدن
since	سینْس	از... تا حالا
last night	لَسْتْ نایْتْ	شب گذشته
to call	تو کالْ	صدا زدن - تلفن کردن
soon	سونْ	به زودی
furnished	فِرْنیشْتْ	مُبله
apartment	اِپارْتْمِنْتْ	آپارتمان
option	آپْشِنْ	اختیار - انتخاب
ticket	تیکِتْ	بلیط
from	فِرامْ	از
around	اَراوْنْد	اطراف
here	هیرْ	اینجا
who	هو	چه کسی
what	واتْ	چه چیزی
to happen	تو هَپِنْ	اتفاق افتادن
bellman	بِلْ مَنْ	مُستخدم
to bring	تو بیرینْگْ	آوردن
bags	بَگْز	کیف ها
first	فِرْسْتْ	اولین - اول
floor	فْلُرْ	طبقه
tip	تیپْ	انعام - پاداش
driver	درایْوِر	راننده
to want	تو وانْتْ	خواستن
your right	یُرْ رایْتْ	سَمت راست شما
sure	شُرْ	حتماً



I. **Clear off** your desk.
چیزها را از روی میز خود بردار.



J. **Erase** the mistake.
اشتباه را پاک کن.



K. **Correct** the mistake.
اشتباه را تصحیح کن.



L. **Hand in** your test.
ورقهٔ امتحان خود را تحویل بده.



Question forms

شکل های سوالی

111 is there a problem? ایز دِر اِ پرآبلِمْ؟ آیا مشکلی وجود دارد؟

112 is there anything wrong? ایز دِر اِنیثینگْ رآنگْ؟ آیا اشکالی وجود دارد؟

113 is this a business trip or just a vacation?

ایز دیسْ اِ بیزینِسْ تریپْ اُر جاسْتْ اِ وکیشِنْ؟

آیا این یک سفر تجاری است یا فقط یک تعطیلی؟

114 are you here for business or pleasure?

آر یو هییرْ فُرْ بیزینِسْ اُر پلیژِر؟

آیا شما برای تجارت اینجا هستید یا برای تفریح؟

115 are you looking for an apartment? آیا شما دنبال یک آپارتمان می گَردید؟

آر یو لوکینگْ فُرْ اَنْ اپآرتْمنْتْ؟

116 are you calling about an apartment?

آر یو کآلینگْ اِبآوتْ اَنْ اپآرتمنْتْ؟

آیا شما دارید درمورد یک آپارتمان تماس می گیرید؟

117 may I help you? مِیْ آیْ هِلْپْ یو؟ آیا اجازه هست کمکتان کنم؟

118 can I help you? کَنْ آیْ هِلْپْ یو؟ آیا اجازه هست کمکتان کنم؟

119 can I have your name? آیا می توانم اسم شما را داشته باشم؟ (یادداشت کنم . بپرسم ؟)

کَنْ آیْ هَوْ یُرْ نِیْمْ؟

120 can you come right now? کَنْ یو کَامْ رآیْتْ نآوْ؟ آیا شما می توانید آلان بیایید؟

121 can I take your picture for school paper? Sure

کَنْ آیْ تِیکْ یُرْ پیکْچِرْ فُرْ سْکولْ پِیپِرْ؟ شُرْ

آیا می توانم تصویر شما را برای روزنامه دیواریِ مدرسه بگیرم؟ حتماً

122 do you understand? دو یو آندِرستَند ؟ آیا شما متوجه می شوید؟

123 do you like sports? دو یو لآیکْ سْپُرتس ؟ آیا شما ورزش دوست دارید؟

124 do you like it here? دو یو لآیکْ ایتْ هییِرْ ؟ آیا شما اینجا را دوست دارید؟

125 do you need directions? آیا شما به راهنمایی (پرسیدن جَهت) نیاز دارید؟

دو یو نید دیرِکْشِنْزْ ؟

126 do you need anything else? آیا شما به چیزِ دیگری هم نیاز دارید؟

دو یو نید اِنیثینگْ اِلسْ ؟

127 do you need to rent a car? آیا شما نیازدارید که یک ماشین اجاره کنید؟

دو یو نید تو رِنْتْ ا کآر ؟

128 do you have a reservation? دو یو هَوْ اِ رِزِروِیشِنْ ؟ آیا شما رزرو دارید؟

129 do you have any questions? دو یو هَوْ اِنیْ کواسْچِنْزْ ؟ آیا شما هیچ ، سؤالی دارید؟

130 do you have a temperature? دو یو هَوْ اِ تِمْپِرچِرْ ؟ آیا شما تَب دارید؟

131 do you have a visa? دو یو هَوْ اِ ویزآ ؟ آیا شما ویزا دارید؟

132 do you have kids? دو یو هَوْ کیدز ؟ آیا شما بچه دارید؟

133 do you have any kids? دو یو هَوْ اِنی کیدز ؟ آیا شما بچه دارید؟

134 do you have any brothers or sisters? آیا شما هیچ ، برادر یا خواهر دارید؟

دو یو هَوْ اِنیْ برآدِرز اُر سیسْتِرْزْ ؟

135 do you want anything to drink? آیا شما چیزی برای نوشیدن می خواهید؟

دو یو وآنْتْ اِنی ثینگْ تو دیرینْکْ ؟

136 do you want Classic coke, Diet coke or Cherry coke?

دو یو وآنْتْ کِلَسیکْ کُکْ ، دآیِتْ کُکْ اُر چِری کُکْ ؟

آیا شما کوکا کولایِ کلاسیک می خواهید یا رژیمی یا آلبالویی؟

137 did you get all of that? دید یو گِتْ آلْ آو دَتْ ؟ آیا همه ی آن را متوجه شدید؟

138 have you rented a car? هَوْ یو رِنْتِد اِ کآر آیا شما ماشین، اجاره کرده اید؟

139 have you seen many things in San Francisco?

هَوْ یو سینْ مِنی تینگزْ اینْ سَنْ فِرَنْسیسْکُ ؟

آیا شما در سانفرانسیسکو چیزهای زیادی را دیده اید؟

140 have you taken anything for it? آیا شما چیزی برای آن (سر درد استفاده کرده اید) خورده اید؟

هَوْ یو تِیکِنْ اِنیثینگْ فُرْ ایتْ ؟

141 have you taken any medication? — آیا شما هیچ دارویی خورده اید؟

هَوْ یو تِیکِنْ انی مدی کِیْشِنْ؟

142 would you like a loaf of bread? — آیا شما یک قُرص نان دوست دارید؟ (می خواهید)

وُود یو (وُوج یو) لآیکْ اِ لُفْ آو بِرد؟

143 would you like some chicken? — آیا شما مقداری مرغ (می خواهید) دوست دارید؟

وُود یو (وُوجْ یو) لآیکْ سآمْ چیکِنْ؟

144 would you like some tomatoes? — آیا شما تعدادی گوجه فرنگی (می خواهید) دوست دارید؟

وُود یو (وُوجْ یو) لآیکْ سآمْ تومِیْ تُزْ؟

145 would you like butter on your popcorn?

وُود یو (وُوج یو) لآیکْ بآتِرْ (بآدِر) آنْ یُرْ پآپکُرْنْ؟

آیا دوست دارید که روی ذرت بو داده شما ،کره باشد؟

146 would you like something to drink? — آیا شما میل دارید که چیزی بنوشید؟

وُود یو (وُوج یو) لآیکْ سآمْ ثینگْ تو دیرینْکْ؟

147 would you like anything else? — آیا شما چیز دیگری هم میل دارید؟

وُود یو (وُوج یو) لآیکْ انی ثینگْ اِلْسْ؟

148 say, would you like to go out sometimes?

سِیْ، وُود یو (وُوج یو) لایکْ تو گُ آوتْ سآمْ تآیمْزْ؟

بگو، آیا شما میل دارید گاهی اوقات بیرون بروید؟

149 would you like to come by and look at the apartment?

وُود یو (وُوج یو) لآیکْ تو کآمْ بآیْ آند لوکْ اَتْ دِ اپآرتِمِنْتْ؟

آیا شما میل دارید سری بزنید و نگاهی به آپارتمان بیاندازید؟

150 would you like to play Tennis sometimes?

وُود یو (وُوج یو) لآیکْ تو پلِیْ تِنیسْ سآمْ تآیمْزْ؟

آیا شما میل دارید گاهی اوقات تنیس بازی کنید؟

151 what's your name? — وآتْسْ یُرْ نِیمْ؟ — نام شما چیست؟

152 now, what's my name? — نآوْ، وآتْسْ مآیْ نِیمْ؟ — حالا اسم من چیست؟

153 what's your address and phone number? — آدرس و شماره تلفن شما چیست؟

وآتْسْ یُرْ اَدرِسْ آند فُنْ نآمبِرْ؟

154 what's your temperature? — وآتْسْ یُرْ تِمپِرچِرْ؟ — درجه حرارت (تَب) شما چند است؟

155 what seems to be the trouble? چه چیزی بنظر می رسد که مشکل باشد؟

وآتْ سیمْزْ تو بی دِ ترآبلْ؟

156 how are you? هآوْ آر یو؟ حال شما چطور است؟

157 how are you doing? هآوْ آر یو دواینگْ؟ حال شما چطور است؟

158 how about you? هآوْ اباَوْتْ یو؟ شما چطور(هستید)؟

159 how old is she? هآوْ اُلد ایزْ شی؟ او چند ساله است؟

160 how do you like it here? (نظر) شما در مورد این (کشور) چگونه است؟

هآوْ دو یو لآیکْ ایتْ هییرْ؟

161 how long are you staying? چه مدت می مانید؟ (چه مدت اقامت می کنید؟)

هآوْ لآنگْ آر یو سْتِی اینگْ؟

162 how long will you be staying? چه مدت اقامت خواهید کرد؟

هآوْ لآنگْ ویلْ یو بی سْتِی اینگْ؟

163 how long do you plan to stay? چه مدت قصد دارید بمانید؟

هآوْ لآنگْ دو یو پلَنْ تو سْتِیْ؟

164 how many would you like? شما چه تعداد می خواهید؟ (چند تا می خواهی؟)

هآوْ مِنی وُود یو (وُوجْ یو) لآیکْ؟

165 how much would you like? شما چه مقدار می خواهید؟(چقدر می خواهی؟)

هآوْ مآچْ وُود یو (وُوجْ یو) لآیکْ؟

166 who's calling, please? چه کسی داره تماس می گیره،لطفاً؟ (لطفاً خودتان را مُعرفی کنید؟)

هُوز کآلینگْ ، پیلیزْ؟

167 which bedroom will you use? از کدام تَخت خواب، استفاده خواهید کرد؟

ویچْ بِدرومْ ویلْ یو یوزْ؟

168 where are you from? وِر آر یو فِرآمْ؟ شما اهل کجا هستید؟

169 where are you going? وِر آر یو گُ اینگْ؟ شما کجا دارید می روید؟

170 where are you headed? وِر آر یو هِدِد ؟ شما کجا دارید می روید؟

171 where can I contact you? وِر کَنْ آیْ کآنْ تَکْتْ یو؟ کجا می توانم با شما تماس بگیرم؟

172 when can you come in? وِنْ کَنْ یو کآمْ اینْ؟ چه موقع می توانید تشریف بیاورید؟

New Words لغات جدید

problem	پرآبلم	مَسئله - مُشکل
anything	انی ثینگ	هیچ چیز
wrong	رآنگ	اشتباه. مسئله. مشکل
just	جآست	فقط - درست
vacation	وکیشن	تعطیلی - تفریح
to look for	تو لوک فر	جستجو کردن
right now	رآیت نآو	همین الان
to take a picture	تو تیک ا پیکچر	عکس گرفتن
direction	دیرکشن	مسیر - جهت
to rent	تو رنت	اجاره کردن
reservation	رزرویشن	رِزرو
question	کواسچن	سؤال
temperature	تمپرچر	تب - درجه حرارت
kid	کید	بچه
brother	برآدر	برادر
to drink	تو دیرینک	نوشیدن
coke	کُک	کوکا کولا
cherry	چری	آلبالو(یی)
to get	تو گت	فهمیدن. متوجه شدن
to take medicine	تو تیک مدیسن	دارو خوردن
medication	مدیکیشن	دارو
bread	برد	نان
loaf of bread	لف آو برد	قُرصِ نان
chicken	چیکن	مرغ
butter	باتر	کَره
to look at	تو لوک اَت	نگاه کردن به
to go out	تو گُ آوت	بیرون رفتن

You use **WHAT** to ask about things.

You use **WHERE** to ask about place.

You use **WHY** to ask about a reason.

You use **HOW** to ask about manner.

You use **WHO** to ask about a person or people.

New Words لغات جدید



sometime	سَامْ تَایْمْ	به وقتی- روزی
come by	کَامْ بَایْ	سَر زدن (دیدن)
address	ادرِسْ	آدرس
number	نَامْبِرْ	شماره
phone number	فُنْ نَامْبِرْ	شماره تلفن
to seem	تو سِیمْ	به نظر رسیدن
trouble	ترآبِلْ	مشکل - مسئله
how old	هَاوْ اُلْد	چند ساله
how long	هَاوْ لَانْگْ	چه مدت
to stay	تو سْتِی	اقامت کردن
to plan	تو پْلَنْ	در نظر داشتن
how many	هَاوْ مِنی	چند تا- چه تعداد
how much	هَاوْ مَاچْ	چه مقدار- چقدر
who	هو	چه کسی
which	ویچْ	کدام
bedroom	بِد رومْ	اتاق خواب
to use	تو یوزْ	استفاده کردن
to contact	تو کَانْتَکْتْ	تماس گرفتن
when	وِنْ	چه موقع - چه زمانی - کی
to come	تو کَامْ	آمدن



Immigration & Customs

مهاجرت و گمرک

173 good afternoon. may I see your passport, please?

گود آفترنون. میْ آیْ سی یُرْ پَسپُرتْ پیلیزْ؟

بعدازظهر بخیر. آیا ممکن است پاسپورت شما را ببینم ،لطفاً؟

174 Yes, here it is. and here's my visa

بله. بفرمایید بگیرید. و این هم ویزای من است

یسْ. هییرْ ایتْ ایزْ. آند هییرْز مآیْ ویزا

175 thank you. You have a tourist visa for three months

تَنکْ یو. یو هَوْ ا توریسْتْ ویزا فُرْ ثیری ماٌنس

متشکرم. شما یک ویزای توریستی، به مدت سه ماه دارید

176 Yes, that's right یسْ. دَتس رآیْتْ

بله. درست است

177 I plan to travel some in the U.S.

من قصد دارم که مدتی در ایالات متحده سفر کنم

آیْ پلَنْ تو ترآولْ سآمْ اینْ د یو.اسْ

178 where are you going? ور آر یو گُ اینگْ؟

کجا دارید می روید؟

179 I'm going to spend some time in Atlanta

قصد دارم مدتی را در آتلانتا بگذرانم

آیْمْ گُ اینگْ تو سْپِنْد سآمْ تآیْمْ اینْ آتلانْتا

180 after that. I'm going to Washington, Chicago, and California

اَفترْ دَتْ. آیْمْ گُ اینگْ تو وآشینگْتُنْ، شیکاگُ آند کَلیفُرْنیا

بعدازآن قصد دارم بروم به واشینگتن، شیکاگو و کالیفرنیا

181 all right. Enjoy your stay

بسیار خوب. از اقامتتان لذّت ببرید

آلْ رآیْتْ. اِنْجُیْ یُرْ سْتِیْ

182 hi! anything to declare?

سلام.چیزی برای اعلان (مُعرفی یا نشان دادن) به گمرک دارید؟

هآیْ! انی ثینگْ تو دیکلرْ؟

5 Immigration customs مهاجرت و گمرک

183 excuse me? I don't understand — مرا ببخشید؟ منظور شما را مُتوجه نمی شوم

اِکْسکییوز می ؟ آیْ دُنْتْ آندرستَند

184 do you have any valuables or alcohol to declare?

دو یو هَوْ انی وَلوابِلْزْ اُر اَلْکُهَلْ تو دیکلِرْ؟

آیا شما چیزهای با ارزشی یا مَشروبات اَلکلی ، برای نشان دادن به گمرک، همراه دارید؟

185 No. nothing at all — نُ. نآثینْگْ اَتْ آلْ — نه. به هیچ وجه چیزی ندارم

186 O.K. you can go ahead — اُکیْ. یو کَنْ گُ اهد — بسیار خوب. شما می توانید بروید

187 thank you — تَنْکْ یو — متشکرم

New Words — لغات جدید

afternoon	آفتِرْ نونْ	بعدازظهر
to see	تو سی	دیدن
tourist visa	توریسْتْ ویزا	ویزای توریستی
to travel	تو تراوِلْ	سفر کردن
to spend	تو سْپِنْد	گذراندن (وقت)- خَرج کردن
after	آفتِرْ	بعداز
to declare	تو دیکلِرْ	اعلان کردن - نشان دادن
to excuse	تو اِکْسکییوز	مَعذرت خواستن
to understand	تو آندرستَند	فهمیدن - متوجه شدن
valuables	وَلوابِلْزْ	باارزش
alcohol	اَلکُهَلْ	مَشروبات اَلکلی
nothing	ناثینْگْ	هیچ چیز
at all	اَتْ آلْ	اَصلاً - به هیچ وجه
immigration	ایمیگْ رِیشِنْ	مُهاجرت
customs	کاسْتَمْزْ	گمرک
stay	سْتِی	ماندن - اقامت کردن
I'm going to	آیْمْ گُ اینگْ تو	قصد دارم
to plan	تو پلَنْ	طرح داشتن- در نظر داشتن
here it is	هیرْ ایتْ ایزْ	اینهاشش. بفرمایید بگیرید
May I see...?	مِیْ آیْ سی...؟	آیا اجازه هست ... ببینم؟



Show your boarding pass and ID.

کارت پرواز و کارت شناسایی را نشان بدهید.



Go through security.

از قسمت امنیت عبور کنید.

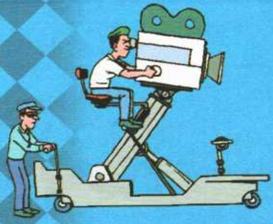


Claim your baggage.

چمدان خود را تحویل بگیرید.

At the movies

در سینما



188 how many? هاوْ مِنی ؟ چند تا (بلیط می خواهید) ؟

189 one ticket, please وآنْ تیکِتْ ، پیلیز لطفاً یک بلیط (بدهید)

190 that will be $6 دَتْ ویلْ بی سیکْسْ دالِرْزْ شش دُلار می شود

191 what can I get for you? چه چیزی می توانم برای شما تهیه کنم(چی می خواهید برای شما بیاورم)؟

وآتْ کَنْ آیْ گِتْ فُرْ یو ؟

192 popcorn, a coke, and some of those chocolates there

پاپْکُرْنْ ، اِ کُکْ اَند سامْ آو دُز چاکلِتْسْ دِر

ذُرت بو داده، یک نوشابه و تعدادی از آن شُکلاتهایی که آنجا هستند

193 you mean Milk Duds? یو مینْ میلْکْ دآدسْ ؟ منظور شما **milk duds** است؟

194 Yes, that's right یِسْ دَتْسْ رآیْتْ بله. درست است

195 a box of Milk Duds اِ باکْسْ آو میلْکْ (مِلْکْ) دآدسْ یک جعبه **milk duds** (بدهید)

196 do you want Classic coke, Diet coke, or Cherry coke?

دو یو وآنْتْ کِلَسیکْ کُکْ ، دآیِتْ کُکْ ، اُر چِری کُکْ ؟

آیا شما نوشابه ی کلاسیک می خواهید یا نوشابه ی رژیمی یا آلبالویی؟

197 Classic coke, I think کِلَسیکْ کُکْ ، آیْ ثِیْنْکْ فکر می کنم نوشابه ی کلاسیک

198 would you like butter on your popcorn?

وُود یو (وُوجْ یو) لآیْکْ باتِرْ (بآدِر) آنْ یُرْ پاپْکُرْنْ ؟

آیا دوست دارید که روی ذُرتِ بو داده ی شما ، کَره باشد ؟

199 Yes. Thank you یِسْ . تَنْکْ یو بله. متشکرم

200 here you go. That'll be four dollars and fifty cents, please

هیرْ یو گُ . دَتْ اِیلْ بی فُرْ دالِرْزْ اَند فیفْتی سِنْتْسْ ، پیلیز

بفرمایید بگیرید. آن ۴ دُلار و ۵۰ سِنت می شود، لطفاً

6 At the movies در سینما

New Words لغات جدید

movie	مووی	فیلم
movies	موویز	سینما
popcorn	پاپکُرن	ذُرت بو داده
chocolate	چاکلِت	شُکلات
Milk Duds	میلکَ دادس	نوعی شُکلات دُرست شده با شیر
a box	ا باکس	یک جعبه
diet	دایِت	رژیم غذایی
to think	تو ثینک	فکر کردن
dollar	دالِر	دُلار
cent	سِنت	سنت
ticket	تیکِت	بلیط
to get	تو گِت	تهیه کردن
right	رایت	درست - صحیح
coke	کُک	نوشابه (کوکاکولا)
cherry	چِری	گیلاس - قرمز آلبالویی
butter	باتِر	کره
here you go	هییر یو گُ	بفرمایید بگیرید
that'll be...	دَت ایل بی	(قیمت آن) ... می شود
to mean	تو مین	منظور داشتن



1. comedy
کمدی



2. science fiction story
داستانهای تخیلی علمی



3. horror story
داستانهای ترسناک



4. tragedy
نمایشهای غم انگیز



5. action story / adventure story
داستانهای ماجرا جویانه



6. mystery / suspense
اسرار آمیز



Dining out

صرف غذا در رستوران

201 hi, will you be having lunch?
سلام. آیا شما ناهار میل خواهید کرد ؟
هآیْ، ویلْ یو بی هَوینگْ لآنچْ؟

202 Yes, but I'm not very hungry
بله. ولی خیلی گرسنه نیستم
یِسْ، بآتْ آیمْ نآتْ وری هآنگیری

203 It's too hot outside ایتْسْ تو هآتْ آوْتْ سآیْد
(هوای) بیرون خیلی گرم است

204 I know what you mean. It's scorcher today
آیْ نُ وآتْ یو مینْ . ایتْسْ اِسْکُرْچِرْ تودیْ
می دانم که منظور شما چیه . امروز، شدیداً هوا گرم است

205 I'm not used to this kind of weather
من به این نوع آب و هوا عادت ندارم
آیمْ نآتْ یوزد تو دیسْ کآیْنْد آو وِدِر

206 I'm glad that everything is air conditioned here
آیمْ گلَد دَتْ اِوْری ثینگْ ایزْ ار کآنْدیشِنْد هییرْ
من خوشحال هستم که همه چیزدر اینجا از نظر شرایط هوایی خوب است

207 hi. my name is Carl هآیْ، مآیْ نِیمْ ایزْ کآرلْ
سلام . اسم من کارل است

208 and I'll be serving you today
اَند آیْلْ بی سِروینگْ یو تودیْ
و امروز من به شما سرویس خواهم داد . (از شما پذیرایی خواهم کرد)

209 can I get you something to drink?
کَنْ آیْ گِتْ یو سآمْ ثینگْ تو دیرینْکْ؟
آیا اجازه هست (می خواهید) چیزی برایتان بیاورم تا بنوشید؟

210 just water, please.With ice جآسْتْ وآتِرْ، پلیزْ . ویتْ آیْسْ
فقط آب به همراه یَخ ، لطفاً

211 of course. I'll be back in a moment — البته . تا یک لحظه ی دیگر بر می گردم

آف کُرْس . آیْلْ بی بَکْ اینْ اِ مُمِنْتْ

212 would you like to hear about our house specials?

وُود یو (وُوجْ یو) لآیکْ تو هییِرْ اباوْتْ آوِرْ هآوْسْ سْپِشِلْزْ ؟

آیا شما مایل هستید که غذای مخصوص سر آشپز را خدمتتان بگویم؟

213 I think. I'll just have a salad, — فکر می کنم که من فقط یک سالاد می خواهم

آیْ ثینکْ . آیْلْ جآسْتْ هَوْ اِ سَلَد ،

214 bread, and a glass of juice — نان و یک لیوان آب میوه

برِد ، اَند اِ گْلَسْ آو جوس

215 O.K. what kind of juice? — بسیار خوب . چه نوع آب میوه ای (میل دارید) ؟

اُکی . وآتْ کآیْنْد آو جوس؟

216 our house juice is quite good — آب میوه ی (مخصوصِ رستوران) ما بسیار خوب است

آوِرْ هآوْسْ جوس ایزْ کوآیْتْ گود

217 fine. I'll have a glass of that — خوب است . یک لیوان از آن را می خواهم

فآیْنْ . آیْلْ هَوْ اِ گْلَسْ آو دَتْ

218 I'll be right back with your juice — اَلان با آب میوه ی شما ، برمی گردم

آیْلْ بی رآیْتْ بَکْ ویتْ یُرْ جوس

219 would you like some desert? — آیا دسر ، میل دارید ؟

وُوجْ یو لآیکْ سآمْ دیزِرتْ ؟

220 we have a delicious chocolate cheese cake

وی هَوْ اِ دیلیشِزْ چاکلِتْ چیزْ کِیْکْ

ما یک کیک پنیرِ شُکلاتیِ خوشمزه ، داریم

221 I don't think so — آیْ دُنْتْ ثینْکْ سُ — اینطور تَصوّر نمی کنم. (میل ندارم)

222 I'm on a diet — آیْمْ آنْ اِ دآیِتْ — من در رژیمِ غذایی هستم (رژیم دارم)

223 just bring the check, please — لطفاً فقط صورت حساب را بیاور

جآسْتْ بیرینْگْ دِ چِکْ ، پیلیزْ

to have	تو هَوْ	خوردن- داشتن
lunch	لانْچْ	ناهار
hungry	هانْگیری	گُرسنه
hot	هاتْ	داغ
outside	آوْتْ سایْد	بیرون
to know	تو نُ	شناختن - دانستن
to mean	تو مینْ	منظور داشتن
weather	ودِر	آب و هوا
air conditioned	اِر کاَنْدیشْنْد	مَطبوع- خوب از نظر شرایط هوایی
to serve	تو سِرْوْ	سرویس دادن
to drink	تو دیرینْکْ	نوشیدن
water	واتِرْ	آب
ice	آیسْ	یَخ
of course	آفْ کُرْسْ	البته
back	بَکْ	پُشت- عَقب
to be back	تو بی بَکْ	برگشتن
moment	مُمِنْتْ	لحظه
to hear	تو هییِرْ	شنیدن
special	سْپِشِلْ	مخصوص
house special	هاوْسْ سْپِشِلْ	غذای مخصوصِ سرآشپز
salad	سَلِد	سالاد
glass	گْلَسْ	لیوان
quite	کو آیْتْ	کاملاً
desert	دیزِرتْ	دسر
delicious	دیلیشِزْ	خوشمزه
cheese	چیزْ	پنیر
cake	کِیکْ	کیک
to bring	تو بیرینْگ	آوردن
check	چِکْ	صورتِ حساب



Shopping
at the Mall
خرید از بازار



224 are you being helped? آر یو بینگْ هلْپْتْ؟ آیا به شما کمک شده است؟

225 No, I'm not نُ. آیمْ نَاتْ نه. نشده.(نه. من راهنمایی نشده ام)

226 I'm looking for gifts for my children من دارم دنبال هدایایی برای بچه هایم می گردم

آیمْ لوکینگْ فُرْ گیفْتْسْ فُرْ مآیْ چیلْدرنْ

227 possibly T-shirts پاسیبْ‌لی تی شرتْسْ احتمالاً تی شرت

228 for a girl or a boy? فُرْ اِ گرلْ اُر اِ بُیْ؟ برای دختر یا پسر؟

229 Both. I have a son and a daughter هر دوتا. من یک پسر و یک دختر دارم

بُثْ. آیْ هَوْ اِ سآنْ آند اِ داتِرْ (دُتِرْ - دآدر)

230 what sizes do you need? شما چه اندازه هایی نیاز دارید؟

وآتْ سآیزز دو یو نید؟

231 I guess I'll need a large for my son

آیْ گِسْ آیلْ نید اِ لآرجْ فُرْ مآیْ سآنْ

حَدس می زنم که برای پسرم به اندازه ی بزرگ نیاز دارم

232 and a medium for my daughter و اندازه متوسط برای دخترم

آند اِ میدی یمْ فُرْ مآیْ داتِرْ

233 how about the color? هآوْ اباوْتْ دِ کآلِرْ؟ رنگِ آنها چطور باشد؟

234 I think I'll get a light green shirt for my daughter

آیْ ثینکْ آیلْ گتْ اِ لآیْتْ گیرینْ شرتْ فُرْ مآیْ داتِرْ

فکر می کنم که یک پیراهن سبز روشن برای دخترم بگیرم

235 and a navy blue one for my son و یک (لباس) سُرمه ای برای پسرم

آند اِ نِیوی بولو وآنْ فُرْ مآیْ سآنْ

236 are they easy to take care of? — آیا نگهداری از آن ها (لباس ها) آسان است؟

آر دیْ ایزی تو تِیکْ کِرْ آو؟

237 Yes, they're machine-washable and shouldn't fade or shrink very much

یِسْ، دِیْرْ مَشینْ-واشیبلْ اَند شودِنْتْ فِید اُر شیرینکْ وری ماچْ

بله.آن ها قابل شستشو با ماشین هستند و نباید رنگشان برود یا آب بروند

238 fine. I'll take the two shirts — خوب. من آن دو پیراهن را می خواهم. (بَر می دارم)

فآینْ. آیلْ تِیکْ دِ تو شِرتْسْ

239 how about something for your husband?

هآوْ اباوتْ سامْ ثینگْ فُرْ یُرْ هازبَند؟

چطور است (که شما) یک چیزی برای شوهرتان (بخرید)؟

240 Not right now — نآتْ رآیتْ ناوْ — همین آلان، نه

241 I'm going to look some more — می خواهم قدری بیشتر، نگاه کنم. (بگردم)

آیمْ گُ اینگْ تو لوکْ سامْ مُرْ

242 where is the fine jewelry department? — بخش جواهرات فروشیِ خوب، کجا است؟

وِر ایز دِ فآینْ جوالری دی پارتْمِنْتْ؟

243 right over there, to the left — رآیتْ اُور دِر، تو دِ لفْتْ — درست آن طرف ، سمت چپ

New Words لغات جدید

to help	تو هلْپْ	کمک کردن
gift	گیفْتْ	هدیه
children	چیلْدرنْ	بچه ها
possibly	پآسیبْلی	احتمالاً
girl	گرْلْ	دختر
boy	بی	پسر
both	بُثْ	هر دو
son	سآنْ	فرزند پسر
daughter	دآترْ (دُترْ - دآدر)	فرزند دختر
what size	وآتْ سآیْزْ	چه اندازه ای
guess	گسْ	حدس بزن
large	لآرجْ	بزرگ
medium	میدیمْ	متوسط
color	کالرْ	رَنگ
light green	لآیتْ گیرینْ	سبز روشن
navy blue	نیْوی بولو	سُرمه ای
easy	ایزی	آسان
to take care of	تو تیْکْ کرْ آو	مراقبت کردن از
machine-washable	مَشینْ - وآشبلْ	قابل شستشو با ماشین
to fade	تو فیْد	رنگ از دست دادن
to shrink	تو شیرینْکْ	آب رفتن (لباس)
some more	سآمْ مُرْ	قدری بیشتر
over there	اُور در	آن طرف
left	لفْتْ	سمت چپ
jewelry	جوالْری	جواهرات



Finding an apartment

پیدا کردن آپارتمان

244 hello. I'm calling about an apartment

هِلُ. آیْمْ کالینگْ اِباوْتْ اَن اِپارْتمِنْتْ

سلام.من دارم در مورد یک آپارتمان تماس می گیرم

245 I'd like to rent a furnished, two-bedroom place

آیْد لایْکْ تو رِنْتْ اِ فِرنیشْتْ تو بِدرومْ پلِیْسْ

من می خواهم یک جایِ (آپارتمان) دو خوابه ی مُبله شده، اجاره کُنم

246 we have one furnished apartment left

ما یک آپارتمانِ مُبله شده داریم

وی هَوْ وآنْ فِرنیشْتْ اِپارْتمِنْتْ لِفْتْ

247 it's air conditioned and rents for $575 per month

ایتْسْ اِر کاندیشِنْد آند رِنْتسْ فُرْ ۵۷۵ (فایْوْ هاندرِد سِونْتی-فایْوْ) دالِرْز پِرْ مانْثْ

آن(منزل) تَهویه ی هوایی دارد و ماهانه ۵۷۵ دُلار اجاره می شود

248 are the utilities included?

آر دِ یوتیلیتیزْ اینْ کولودِد ؟

آیا امکانات رفاهی به آن اضافه شده است؟ (آیا اجاره ، شامل امکانات رفاهی می شود؟)

249 the water is, but not the gas and electricity

دِ وآتِرْ (وُتِرْ) ایزْ ، باتْ ناتْ دِ گَسْ آند اِلکتیریسیتی

(اجاره شامل) آب می باشد اما گاز و برق، نه

250 that's a little more than I wanted to pay

دَتْسْ اِ لیتِلْ مُرْ دَنْ آیْ وآنْتِد تو پِیْ

اجاره،مقداری بیشتر از آن چیزی است که من می خواستم بپردازم

251 thanks anyway تَنْکْسْ اِنی وِیْ

به هر حال متشکرم



Finding an apartment پیدا کردن آپارتمان

252 hello. BreezeWay Maner Apartments. how may I help you?

هِلُ. بیریزوِیْ مَنِرْ اپآرتْمِنتْس .هآوْ مِیْ آیْ هِلْپْ یو؟

سلام .آپارتمان های بیریزوی مَنِر. چطوری می توانم کمکتان بکنم؟

253 do you have a furnished

آیا شما یک .... مبله شده دارید

دو یو هَوْ ا فِرْنیشْتْ

254 two-bedroom apartment? تو - بِدرومْ اپآرتْمِنْتْ؟

آپارتمان دو خوابه؟

255 in the $ 400 range? اینْ دِ فُرْ هآندرِد دآلِرْز رِینْج؟

به نرخ ۴۰۰ دُلار؟

256 why yes. You're in luck وآیْ یِسْ .یور اینْ لآکْ

بله. شما خوش شانس هستید

257 one just came open today

دُرست یک (مورد) امروز رسید. (باز شد)

وآنْ جآسْتْ کِیْمْ اُپِنْ تودِیْ

258 it goes for $450 per month, including water

ایتْ گُزْ فُرْ فُرْ هآندرِد فیفْتی دآلِرْز پِرْ مآنْثْ، اینْ‌کولودینْگْ وآتِرْ

اجاره ی هر ماه، علاوه برآب ۴۵۰ دُلار می باشد

259 is it on the first or second floor?

آیا آن در طبقه اول است یا دوم ؟

ایزْ ایتْ آنْ دِ فِرْسْتْ اُر سِکَنْد فْلُرْ؟

260 the first floor دِ فِرْسْتْ فْلُرْ

طبقه اول

261 it's very close to our swimming pool

آن خیلی نزدیک به استخرِ ما می باشد

ایتْس وِری کْلُسْ تو آوْر سوایمینْگْ پولْ

262 shall I hold it for you?

آیا می خواهید آن را برای شما نگهدارم ؟

شَلْ آیْ هُلْد ایتْ فُرْ یو؟

263 I'll need one month's rent as a deposit as soon as possible

آیلْ نید وآنْ مآنْسْ رِنْتْ اَز ا دیپآزیتْ اَز سُونْ اَز پآسیبِلْ

من یک ماه ، اجاره را هر چه زودتر به عنوان ودیعه نیاز دارم

264 Yes,please do.

بله. لطفاً آنرا برایم نگهدارید . (بله. لطفاً آن کار را انجام دهید)

یِسْ ، پِلیزْ دو

265 I'll be right over

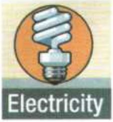
من همین الان به آنجا می آیم. (من همین الان آنجا خواهم بود)

آیلْ بی رآیْتْ اُوِر

to rent	تو رِنتْ	اجاره کردن
two-bedroom	تو - بِد رومْ	دو خوابه
place	پلِیس	مکان
per month	پِرْ مانْث	هر ماه
utilities	یوتی لیتیز	امکانات
to include	تو اینْ کولود	شامل شدن
gas	گَسْ	گاز - بنزین
electricity	الکتیریسیتی	برق
a little	اِ لیتِلْ	مقدار کمی
more	مُرْ	بیشتر
than	دَنْ	از
to want	تو وآنْتْ	خواستن
to pay	تو پِی	پرداختن
anyway	اِنی وِی	به هر حال
range	رِینج	نرخ
luck	لاَکْ	شانس
to open	تو اُپِنْ	باز کردن
including	اینْ کولودینگْ	شامل
second	سِکَند	دومین - دوم
to close	تو کلُزْ	بستن
close کلُز		ببند - ببندید (فعل است s صدای ز می دهد)
close کلُس		نزدیک (صفت است S همان س تلفظ می شود)
swimming	سوایمینگْ	شنا
pool	پولْ	استخر
deposit	دیپازیتْ	وَدیعه
as soon as	اَز سُونْ اَز	به مَحض اینکه
possible	پاسیبلْ	ممکن
as soon as possible	اَز سونْ اَز پاسیبلْ	هر چه زود تر





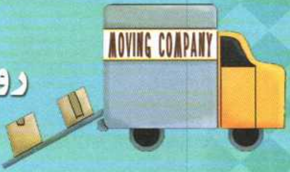






Moving day

روز اثاث کشی



266 good morning. Are you ready to see the apartment?

گود مُرنینگ. آر یو رِدی تو سی دِ اپارتمنت؟

صبح بخیر. آیا شما آماده هستید که آپارتمان را ببینید؟

267 Yes, let's go inside یِس، لِتس گُ این سآید بله.اجازه بدهید برویم داخل

268 we'll start with the kitchen and dining room

ویل ستارت ویت دِ کیچن آند دآینینگ روم

ما از آشپزخانه و اُتاق غذا خوری، شروع خواهیم کرد.

269 oh, good. a refrigerator and stove اُه، خوب. یک یخچال و اجاق گاز

اُه، گود. اِ رفرجریتر آند ستو

270 is there a dishwasher, too? ایز دِر اِ دیش وآشر تو؟ آیا ماشین ظرف شویی هم دارد؟

271 it's right over there. next to the sink آن درست آنطرف است. کنار ظرف شویی

ایتس رآیت اُور دِر. نِکسْت تو دِ سینک

272 there is also a garbage disposal and a trash compactor

دِر ایز آلس اِ گآربیج دیس پُزآل آند اِ ترش کآمپکتر

یک سَطل آشغال ویک مُتراکم کننده ی آشغال هم ، موجود می باشد

273 I'd like to take a look at the bedrooms and bath

آید لآیک تو تیک اِ لوک آت دِ بِدرومز آند بَث

من دوست دارم که نگاهی به اتاق های خواب و حمام، بیاندازم

274 here are the bedrooms هییر آر دِ بِدرومز (بفرمایید) این هم اتاق های خواب

275 they're connected by the bathroom آن ها مرتبط به حمام می باشند

دِیر کآنکتد بآی دِ بَث روم

276 there's also a half bath off the living room

درز آلسُ اِ هَفْ بَثْ آفْ دِ لیوینگْ رومْ

یک حَمّام کوچک هم بیرون اُتاقِ پذیرایی (اتاق نشیمن) می باشد

277 which bedroom will you use? کدام اُتاق خواب را استفاده خواهید کرد؟

ویچْ بِدرومْ ویلْ یو یوز ؟

278 I like the one facing the pool من آن را که روبروی استخر است، دوست دارم

آیْ لآیکْ دِ وآنْ فِیسینْگْ دِ پولْ

279 I'll use the other one for the study از آن یکی برای مطالعه استفاده خواهم کرد

آیلْ یوز دِ آدِر وآنْ فُرْ دِ سْتآدی

280 can I get a desk and chair for the study?

کَنْ آیْ گِتْ اِ دِسْکْ آند چِرْ فُرْ دِ سْتآدی ؟

آیا می توانم یک میز و صندلی برای مطالعه داشته باشم؟

281 I'll call the office and see if there are any in storage

آیلْ کآلْ دِ آفیسْ آند سی ایفْ دِر آر انی اینْ سْتُرِج

با دفتر تماس خواهم گرفت.(تابببنند) اگر چیزی در اَنبار باشد

282 I don't have a car آیْ دُنْتْ هَوْ اِ کآر من ماشین ندارم

283 is there a grocery store nearby? آیا در این نزدیکی، مغازه خواربار فروشی هست؟

ایز دِر اِ گِرُسری سْتُرْ نییرْ بآیْ؟

284 you're in luck یور اینْ لآکْ شما خوش شانس هستید

285 there's a supermarket down the street یک سوپرمارکت پایین خیابان می باشد

درز اِ سوپِرْمآرکتْ دآوْنْ دِ سْتیریتْ

286 it's about a ten-minute walk حدوداً پیاده ده دقیقه راه است

ایْتْسْ اِبآوْتْ اِ تِنْ-مِنتْ وآکْ

287 let's go back to my office and talk about your lease

لِتْسْ گُ بَکْ تو مآیْ آفیسْ آند تآکْ اِبآوْتْ یُرْ لیسْ

بیا برگردیم به دفترم و در مورد اجاره ی شما صحبت کنیم

لغات جدید
New Words

ready	ردی	آماده
letبs	لتس	اجازه دهید (بیایید)
inside	این سایْد	داخل
to start	تو ستارت	شروع کردن
kitchen	کیچن	آشپزخانه
dining room	دآینینگ روم	اُتاق غذاخوری (اُتاق ناهار خوری)
refrigerator	رفرجریتر	یخچال
stove	ستو	اجاق گاز
dish washer	دیش وآشر	ماشین ظرف شویی
next to	نکست تو	نزدیک - کنار
sink	سینک	ظرف شویی
garbage disposal	گاربیج دیسپزآل	سطل زباله. جای آشغال
trash compactor	ترش کامپکتر	متراکم کننده زباله
to take a look	تو تیک ا لوک	نگاهی انداختن
bath	بث	حَمّام
connected	کانکتد	مرتبط - متصل
half	هف	نیم - نصف
living room	لیوینگ روم	اُتاق نشیمَن
to use	تو یوز	استفاده کردن
facing	فیسینگ	روبروی - مقابل
the other	د آدر	دیگر - دیگری
desk	دسک	میز
chair	چر	صندلی
office	آفیس	اداره - دفتر
storage	سترج	اَنبار
grocery store	گرسری ستر	مغازه ی خوار بار فروشی
near by	نییر بآی	نزدیک
supermarket	سوپر مآرکت	سوپر مارکت
street	ستیریت	خیابان

Shopping for groceries



خرید از خواربار فروشی

288 good morning. can I weigh those for you?

گود مُرنینگْ . کَنْ آیْ ویْ دُز فُرْ یو؟

صبح بخیر. آیا اجازه هست آن ها را برای شما بِکشَم؟ (وزن کنم)

289 Yes, and how much are the tomatoes? — بله. و قیمت گوجه فرنگی چقدر است؟

یِسْ ، اَند هاوْ مآچْ آر دِ تومِی‌تِزْ؟

290 eighty cents a pound — اِیتی سِنتْسْ اِ پاوَند — هر پوند ، هشتاد سِنت

291 how many would you like? — هاوْ مِنی وُود یو لآیکْ؟ — چند تا می خواهید؟

292 three will be enough — ثِری ویلْ بی اینآفْ — سه تا کافی است

293 I also want this head of lettuce — من این کاهو را هم می خواهم

آیْ آلسُْ وآنتْ دیسْ هِد آو لِتِسْ

294 how much do I owe you? — هاوْ مآچْ دو آیْ اُ یو؟ — چقدر باید به شما بپردازم؟

295 oh, you don't pay here — اُه ، یو دُنتْ پِیْ هیرْ — اُه. شما اینجا پول پرداخت نمی کنید

296 you pay at the check-out counter when you leave

یو پِیْ اَتْ دِ چِکْ - آوْتْ کاوْنتِرْ وِنْ یو لیوْ (لوْ)

شما پول را به صندوق می پردازید وقتی که می روید

297 sorry about that — سآری اِباوْتْ دَتْ — در مورد آن عُذر می خواهم

298 can I help you? — کَنْ آیْ هِلپْ یو؟ — اجازه هست به شما کمک کنم؟

299 I'd like a chicken, please — آیْد لآیکْ اِ چیکِنْ ، پلیزْ — من یک مرغ می خواهم، لطفاً

300 would you like it whole or cut up? — آیا آنرا کامل می خواهید یا قَطعه قطعه (پاک) شده؟

وُود یو لآیکْ ایتْ هُلْ اُر کآتْ آپْ؟

301 a whole fryer, please — اِ هُلْ فِرآیِرْ ، پلیزْ — لطفاً یک (مُرغ) کاملِ سُرخ کردنی

302 I'll cut it up myself آیلْ کاتْ ایتْ آپْ مآیسِلفْ من خودم آن را قطعه قطعه (پاک) می کنم

303 thanks تَنکْس متشکرم

304 Yes. ma'am? یِس .مَمْ ؟ بله.خانم؟

305 I'd like a loaf of bread, please لطفاً یک قُرص نان بدهید

آیْد لآیکْ ا لُفْ آو بِرِد ، پلیزْ

306 do you want rye, whole wheat or white bread?

دو یو وآنْتْ رآیْ، هُلْ ویتْ اُر وآیتْ بِرِد ؟

آیا شما نانِ رای می خواهید یا نانِ گندم یا نان سفید؟

307 I'll take the rye bread آیلْ تِیکْ دِ رآیْ بِرِد من نان رای (می خواهم) می برم



Canned Foods
غذاهای کنسروی

1. beans
لوبیا
2. soup
سوپ
3. tuna
ماهی تون



Dairy
لبنیات

4. margarine
مارگارین
5. sour cream
خامه ترش
6. yogurt
ماست



Grocery Products
اجناس خواربار

7. aluminum foil
ورقه آلمینیوم
8. plastic wrap
لفافه پلاستیکی
9. plastic storage bags
کیسه ذخیره پلاستیکی



Frozen Foods
غذا های یخ زده

10. ice cream
بستنی
11. frozen vegetables
سبزیجات یخ زده
12. frozen dinner
شام یخ زده



Baking Products
اجناس نانوایی و شیرینی پزی

13. flour
آرد
14. sugar
شکر
15. oil
روغن



Beverages
آشامیدنیها

16. apple juice
آب سیب
17. coffee
قهوه
18. soda / pop
نوشابه گازدار



Snack Foods
غذاهای سرپایی

19. potato chips
چیپس سیب زمینی
20. nuts
آجیل
21. candy bar
شکلات



Baked Goods
اجناس نان پزی

22. cookies
شیرینی ها
23. cake
کیک
24. bagels
نان حلقه ای

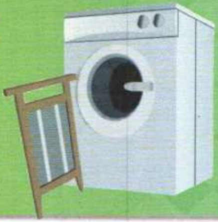
New Words لغات جدید

To weigh	تو وِیْ	وَزن کردن
those	دُز	آن ها
tomato	تومِیْتُ	گوجه فرنگی
eight	اِیْتْ	هشت
eighty	اِیْتی	هشتاد
pound	پاآوند	پوند
enough	اِیناآفْ	کافی - به اندازه ی کافی
also	آلسُ	همچنین
head	هِد	سَر- رَأس
lettuce	لِتِسْ	کاهو
a head of lettuce	اِ هِد آو لِتِسْ	کاهوی کامل
to owe	تو اُ	بدهکار بودن
check-out-counter	چِکْ - آوْتْ - کاآونتِرْ	محل دریافتِ پول
to leave	تو لیوْ	تَرک کردن- رفتن
whole	هُلْ	کامل- درسته- سرتاسر
cut up	کاآتْ آپْ	تکه تکه شده
fryer	فرآیِرْ	سُرخ کردنی
myself	ماآیْسِلْفْ	خودم
rye	رآیْ	نانِ رای (نان جو)
wheat (whole wheat)	ویتْ	گندم (نان سبوس دار)



At the Laundry

در لباسشویی



308 how does this washing machine work?

هاوْ داز دیسْ واشینگْ - مَشینْ وُرکْ ؟

اینِ ماشینِ لباس شویی، چطوری کار می کند؟

309 you have to put four quarters in the slot

شما باید ۴ تا ۲۵ سِنتی در آن شیار بیاندازید

یو هَفْ تو پوتْ فُرْ کُرْتِرْزْ اینْ دِ اِسْلاتْ

310 then add the detergent

سپس پودر (پاک کننده) را (به آن) اضافه کنید

دِنْ اَد دِ دیتِرْجِنْتْ

311 I don't have any change آیْ دُنْتْ هَوْ اِنی چِیْنج

من پول خُرد ندارم

312 where can I get some?

کجا می توانم مقداری (پول خُرد) تهیه کنم؟

وِر کَنْ آیْ گِتْ سامْ؟

313 there is a coin machine over there. it takes dollar bills

دِر ایز اِ کُیْنْ مَشینْ اُوِر دِر. ایتْ تِیْکْسْ دالِرْ بیلْزْ

آن طرف یک ماشین پول خُردکُنی هست. آن اسکناس دُلار قبول می کند

314 do you have any detergent?

آیا شما پودرِ شُستشو دارید؟

دو یو هَوْ اِنی دیتِرْجِنْتْ ؟

315 oh, no! I forgot to buy some at the supermarket

اُه. نُ ! آیْ فُرگاتْ تو بایْ سامْ اَتْ دِ سوپِرْمارکِتْ

اُه. نه. من فراموش کردم که مقداری (پودر) از سوپرمارکت بخرم

316 can I borrow a cup? کَنْ آیْ بارُ اِ کاپْ ؟

آیا می توانم یک فنجان (پودر) قرض بگیرم؟

317 sure. take as much as you need

حتماً. هر قدر که نیاز دارید بردارید

شُرْ. تِیکْ اَز ماچْ اَز یو نید

318 I've finished using the dryer, and there's still some time left if you want to dry your clothes

من کارم را با خُشک کُن تمام کرده ام واگر شما می خواهید لباس هایتان را خُشک کنید، هنوز مقداری وقت باقی مانده است

آیوْ فینیشْتْ یوزینگْ دِ درآیرْ، آند دِرز سْتیلْ سآمْ تآیمْ لِفْتْ ایفْ یو وآنْتْ تو درآیْ یُرْ کلز

319 that's very kind. Thanks a lot

آن نظر لطف شما است. متشکرم خیلی زیاد

دَتْس وری کآیند .تنکْس اِ لآتْ

320 don't mention it

قابلی ندارد .(حرفش هم نزن - خواهش می کنم)

دُنْتْ مِنْشِنْ ایتْ

321 here's my business card if you need anything for yourself or your apartment.

بفرمایید این کارت تجاری من است. اگر شما چیزی برای خودتان یاآپارتمانتان نیاز دارید

هیرْز مآیْ بیزینِسْ کآرد ایفْ یو نید اِنیثینگْ فُرْ یُرْسِلفْ اُر یُرْ اِپآرتْمِنْتْ

322 I manage a department store in the Mall

آیْ مَنِجْ اِ دیپآرتْمِنْتْ سْتُرْ اینْ دِ مآلْ

من مدیریت یک فروشگاه زنجیره ای را ، در مال (بازار) دارم

323 we're having a big sale this week

ما این هفته یک حراج بزرگ داریم

ویرْ هَوینگْ اِ بیگْ سِیلْ دیسْ ویکْ

324 why don't you stop by sometime?

وآیْ دُنْتْ یو سْتآپْ بآیْ سآمْ تآیمْ؟

چرا به وقتی، سری به ما نمی زنی؟ (یه موقع بیا و سری بما بزن)

325 thank you, I'll try to

از شما متشکرم. سعی خودم را می کنم

تَنکْ یو .آیلْ ترآیْ تو

New Words لغات جدید

washing-machine	وآشینگْ - مَشین	ماشینِ لباس شویی
to put	تو پوتْ	قرار دادن - گذاشتن
quarter	کُرْتِرْ	سکه ۲۵ سِنتی
slot	سْلآتْ	شیار

then	دِنْ	سپس
to add	تو اَد	اضافه کردن
detergent	دیتِرْجِنْتْ	پودر رخت شویی
change	چِینْجْ	پول خُرد
coin	کُیْنْ	سکه
coin machine	کُیْنْ مَشینْ	ماشین پول خُردکُنی
bill	بیلْ	اسکناس
to forget	تو فُرْگِتْ	فراموش کردن
to buy	تو بآیْ	خریدن
to borrow	تو بآرُ	قَرض گرفتن
cup	کآپْ	فنجان
to finish	تو فینیشْ	تمام کردن
dryer	درآیِرْ	خُشک کُن
still	سْتیلْ	هنوز
left	لِفْتْ	باقی مانده
to dry	تو درآیْ	خُشک کردن
clothes	کْلُزْ	لباس ها
kind	کآیْنْد	مهربان
card	کآرد	کارت
your self	یُرْسِلْفْ	خودت
to manage	تو مَنِجْ	اداره کردن- مدیریت کردن
store	سْتُرْ	فروشگاه
big	بیگْ	بزرگ
sale	سِیْلْ	حراج- فروش
this	دیسْ	این
week	ویکْ	هفته
why	وآیْ	چرا
to stop by	تو سْتآپْ بآیْ	سَر زدن - دیدن کردن
to try	تو ترآیْ	سَعی کردن



A. **Sort** the laundry.
لباس ها را تفکیک کنید.



B. **Add** the detergent.
پودر لباس شویی اضافه کنید.



C. **Load** the washer.
در ماشین لباسشویی لباسها را بریزید.



D. **Iron** the clothes.
لباسها را اتو کنید.

At the gas station



در ایستگاه پمپ بنزین

326 regular or super unleaded? ریگولاَر اُر سوپرْ آنْ لِیدِد معمولی یا سوپرِ بدونِ سرب؟

327 fill it up with regular, please لطفاً آنرا با (بنزین) معمولی، پُر کنید

فیلْ ایتْ آپْ ویتْ ریگولاَر ، پلیزْ

328 could you also check the oil and the tires? میشه لطفاً روغن و تایرها راکنترل کنید؟

کود یو (کوجْ یو) آلْسْ چکْ دِ (دی) اُیلْ آند دِ (دی) تایرْزْ؟

329 your oil is a little low یُرْ اُیلْ ایزْ اِ لیتِل لُ روغن(ماشین) شما یه مقداری کم است

330 shall I put in a quart? آیا می خواهید حدوداً یک لیتر در آن (روغن) بریزم؟

شَلْ آیْ پوتْ اینْ اِ کُرْتْ؟

331 O.K.would you mind cleaning the windshield, too?

اُکِیْ . وُود یو (وُوجْ یو) مآیْند کیلینینگْ دِ ویند شیلْد تو؟

بسیار خوب. آیا اشکالی ندارد که شیشه ی جلوی اتومبیل را هم تمیز کنید؟

332 sure.Where are you headed? شُرْ. وِر آر یو هِدِد؟ حتماً. به کجا می روید؟

333 to Washington تو واَشینگْتِنْ به واشینگتن

334 I've got to do some research there مجبور هستم در آنجا قدری، تحقیق کنم

آیوْ گاتْ تو دو سآمْ ریسِرْچْ دِر

335 I know nothing about the city من چیزی در مورد آن شهر نمی دانم

آیْ نُ نآثینگْ اِباَوتْ دِ سیتی

336 it's a great place ایتْسْ اِ گریْتْ پلیْس آن یک مکان بسیار خوبی (عالی) است

337 lots of good restaurants, museums and stores

لاَتْسْ آو گود رِستورَنْتْسْ، میوزیِمْزْ آند سْتُرْزْ

تعداد زیادی رستوران های خوب، موزه ها و مغازه های (خوب دارد)

338 how long will you be there? — شما چه مدت در آنجا خواهید ماند؟

هاوْ لانْگْ ویلْ یو بی دِر؟

339 I'm not sure yet — آیْمْ ناتْ شُرْ یِتْ — هنوز اطمینان ندارم

340 probably several days — پْرابْ‌بْلی سِورآلْ دِیْزْ — احتمالاً چند روزی (می مانم)

341 have a safe trip — هَوْ اِ سِیْفْ تریپْ — سفر آمنی داشته باشید

342 and don't miss the Smithsonian!

اَند دُنْتْ میسْ دِ اِسْمِتْ سُنیِنْ!

(تماشای) اسمیس سونین **Smithsonian** را از دست ندهید!

New Words لغات جدید

regular	ریگولآر	معمولی
unleaded	آنلیدد	بدون سرب
to fill up	تو فیلْ آپْ	پُر کردن
to check	تو چِکْ	کُنترل کردن - چک کردن
oil	آیْل	روغن
tire	تآیرْ	لاستیک- تایر
a quart	اِ کُرْتْ	حدوداً یک لیتر
to mind	تو مآیّنْد	اهمّیت دادن
to clean	تو کیلینْ	تمیز کردن
windshield	وینْدْ شیلْد	شیشه ی جلوی اتومبیل
research	ریسِرْچْ	تحقیق
city	سیتی	شهر
lots of	لاَتْسْ آو	زیاد
restaurant	رِسْتورَنْت	رستوران
museum	میوزیِمْ	موزه
probably	پْرآبْلی	احتمالاً
several	سِورآلْ	چندین
to miss	تو میسْ	از دست دادن



A. **Look at** car ads.
به آگهی های فروش ماشین نگاه کن.



B. **Ask** the seller about the car.
درباره ماشین از فروشنده بپرس.



C. **Take** the car to a mechanic.
ماشین را به مکانیکی ببرید.



D. **Negotiate** a price.
درباره قیمت مذاکره کنید.



E. **Get** the title from the seller.
سند مالکیت اتومبیل را از فروشنده بگیرید.



F. **Register** the car.
ماشین را ثبت کنید.

Taking Care of Your Car از اتومبیل خود مراقبت کنید



G. **Fill** the tank with gas.
باک ماشین را با بنزین پر کنید.



H. **Check** the oil.
روغن ماشین را ببینید.



I. **Put in** coolant.
سردکن بریزید.



J. **Go** for a smog check.*
دود ماشین را چک کنید.



K. **Replace** the windshield wipers.
برف پاکن های شیشه را عوض کنید.



L. **Fill** the tires with air.
لاستیک ها را بادکنید.

Car Trouble

خرابی اتومبیل



343 I don't know what's wrong? — من نمی دانم که مشکل چی است؟

آیْ دُنْتْ نُ واَتْس رآنگْ ؟

344 it's a rental car — ایتْس اِ رِنْتالْ کار — آن یک ماشین اجاره ای است

345 maybe I should call the emergency number of the agency

مِیْ بی آیْ شود کاَلْ دِ اِمرْجِنْسیْ ناَمْبِر آو دِ اِیْجِنْسیْ

شاید من باید به شماره ی اضطراری آژانس تلفن کنم

346 can I give you a lift to the service station at the next exit?

کِنْ آیْ گیوْ یو اِ لیفْتْ تو دِ سِرْویسْ سْتِیْشِنْ اَتْ دِ نِکْسْتْ اِگْزیتْ؟

آیا اجازه هست که شما را برسانم به تعمیرگاهی که در خروجیِ بعدی است ؟

347 Yes, if you don't mind — یِسْ ، ایفْ یو دُنْتْ مآیْنْد — بله، اگر اشکالی ندارد

348 I think I'll call the rental agency there

آیْ ثینْکْ آیْلْ کاَلْ دِ رِنْتالْ اِیْجِنْسیْ دِر

من فکر می کنم که در آنجا به آژانس کرایه ای تلفن خواهم کرد

349 I'm glad to help. It's part of the job

آیْمْ گِلَد تو هِلْپْ .ایتْس پآرتْ آو دِ جآبْ

من خوشحال هستم که کمکی کنم.این بخشی از کار من است

350 you're not from around here, are you? — شما اَهلِ این اطراف نیستید، اینطور نیست؟

یور ناَتْ فِرآمْ اَرآوْنْد هییرْ ، آر یو؟

351 No,I'm not an American — نُ ، آیْمْ ناَتْ اَنْ اِمریْکَنْ — نه. من آمریکایی نیستم

352 I'm visiting the U.S for the first time — اولین باری است که دارم ایالات متحده را می بینم

آیْمْ ویزیتینْگْ دِ یو.اِسْ فُرْ دِ فِرْسْتْ تآیْمْ

353 I've been to Atlanta,Georgia — من درآتلانتا و جرجیا بوده ام

آیوْ بینْ تو آتلانْتا ، جورجیا

354 and now I'm on my way to your nation's capital

اَند ناوْ آیمْ آنْ مآیْ وِیْ تو یُرْ نِیشِنْزْ کَپیتال

و حالا در مسیرم هستم به سمت پایتخت ملتِ شما

355 you mean Washington? — یو مینْ وآشینگْتنْ؟ — منظور شما واشینگتن است؟

356 that's right — دَتْس رآیْتْ — دُرست است (بله)

357 I've never been there — آیوْ نِور بینْ دِر — من هرگز آنجا نبوده ام

358 I'd like to go there one day — من دوست دارم یه روزی به آنجا بروم

آیْد لآیْکْ تو گُ دِر وآنْ دِیْ

359 they say it's a lovely city — آن ها (مردم) می گویندکه آن یک شهرِ دوست داشتنی است

دِیْ سِیْ ایْتْس ا لاَوْلی سیتی

360 hope the rest of your trip goes well — اُمید وارم که ادامه ی سفر شما، به خوبی پیش برود

هُپْ دِ رِسْتْ آو یُرْ تریپْ گُزْ وِلْ

361 thank you — تَنْکْ یو — متشکرم

362 you've been very helpful — شما کمک خیلی خوبی بودید. (شما خیلی مُفید بودید)

یوْوْ بینْ وِری هِلْپْ فول



1. windshield
   شیشه جلوی اتومبیل
2. windshield wipers
   برف پاک کن
3. sideview mirror
   اینه بغل
4. hood
   کاپوت ماشین
5. tire
   لاستیک چرخ
6. turn signal
   راهنما
7. headlight
   چراغ جلو
8. bumper
   سپر ماشین

لغات جدید

New Words

wrong	رانْگ	اشکال - اشتباه
rental	رِنْتال	اجاره ای
maybe	مِی بی	شاید
emergency	اِمِرْجِنْسی	اضطراری
agency	اِیْجِنْسی	آژانس
to give a lift	تو گیوْ ا لیفْتْ	رساندن (با ماشین)
station	سْتِیْشِنْ	ایستگاه
service	سِرْویس	خدمت - سرویس
service station	سِرْویس اِسْتِیْشِن	تعمیرگاه
exit	اِگْزیتْ	خروج - خروجی
part	پارْتْ	قسمت - بخش
around	اَرآونْد	اَطراف
American	اِمریکَنْ	آمریکایی
to visit	تو ویزیتْ	دیدن - ملاقات کردن
the first time	دِ فِرْسْتْ تایْمْ	اولین بار
nation	نِیْشِنْ	ملّت
capital	کَپیتالْ	پایتخت
on my way	آنْ مآیْ وِیْ	سَر راه - سَر راه هم - در مسیرم
never	نِوِر	هرگز - هیچ وقت - اصلاً
one day	وآنْ دِیْ	یک روز - روزی

An Automatic Transmission
دنده اتوماتیک



1. brake pedal
   پدال ترمز
2. gas pedal / accelerator
   پدال گاز
3. gear shift
   تغییر دنده
4. hand brake
   ترمز دستی
5. clutch
   کلاچ
6. stick shift
   دسته دنده

A Manual Transmission
دنده دستی



A Washington traffic jam

ازدحام در واشینگتن



363 my year in Washington, D.C. taught me so much about American history

مآیْ یِرْ اینْ وآشینگْتِنْ، دی.سی. تآتْ می سُ مآچْ اِبآوْتْ اِمریکَنْ هیسْتْری

سالهایی که در واشینگتن دی . سی (بودم)، چیزهای زیادی در مورد تاریخِ آمریکا به من یاد داد

364 I therefore instruct my niece to do the following while she is in Washington

آیْ دِرفُرْ اینْ‌سْتراکْتْ مآیْ نیسْ تو دو دِ فآلُ‌اینگْ وآیْلْ شی ایزْ اینْ وآشینگْتِنْ

بنابراین من دستور می دهم به دختر خواهرم که کارهای زیر را انجام دهد ، وقتیکه در واشینگتن است

365 one. visit Georgetown where I lived a number of years ago as a student

وآنْ. ویزیتْ جُرْجْ‌تآوْنْ وِر آیْ لیوْدْ اِ نآمْبِرْ آو یِرْزْ اِگُ اَز اِ سْتیودِنْتْ

اول. جُرجتَون را ببین، جایی را که من سال های زیادی را در گذشته به عُنوان یک دانشجو، زندگی کردم

366 two. have dinner at Antonio's

دوم. در رستوران آنتُنی شام بخور

تو. هَوْ دینِرْ اَتْ آنْتُنیزْ

367 my favorite Italian restaurant

رستورانِ ایتالیاییِ موردِ علاقه ی من

مآیْ فِیوِریتْ ایتآلیِنْ رِسْتورَنْتْ

368 request a menu

ریکواسْتْ اِ مِنیو

درخواستِ لیست غذا کُن

369 and bring back a copy of the check as proof

اَند بیرینگْ بَکْ اِ کُپیْ آو دِ چِکْ اَز پوروفْ

و کپی صورت حساب را برای اثبات (حرفت) بیاور

370 three. visit the Smithsonian institution

ثِری . ویزیتْ دِ اِسْمیسْ سُنیَانْ اَنیسْتی تیوشِنْ

سوم. موسسه ی اسمیس سُنیَن (**Smithsonian**) را ببین

371 take a picture of Lindbergh's "spirit of saint Louis"

تِیک اِ پیکچِر آو لیند بِرگز "سْپیریت آو سِینْت لوئیس"

یک عکس از لیندبرگ (لوح لویس مقدس) بیانداز

372 four. visit the National Archives to view the Declaration of independence

فُر. ویزیت دِ نَشْنال آرکایْوز تو ویو دِ دیکلِرِیشِن آو ایندیپِندِنس

چهارم . آرشیو ملّی را ببین تا اظهارنامه ی استقلال را مشاهده کنی

373 and the Bill of Rights اَند دِ بیل آو رایْتس و سَندِ حَقایق را (ببینی)

374 five. drive through the National Arboretum

فایْو. درایْو ثورو دِ نَشْنال آربُریتِم

پنجم. از میان پارک (باغ) ملی رانندگی کن

375 Washington's best-kept secret بهترین راز حفظ شده واشینگتن

واشینگْتِنز بِسْتْ-کِپْتْ سیکْرِت

376 six. finish by visiting the Lincoln Memorial and the U.S capitol

سیکْس. فینیش بآی ویزیتینگ دِ لینْکُلن مِمُری آل اَند دِ یو.اس کَپیتُل

ششم. (سفر خودت را) باتماشای بَنای یادبودِ آبراهام لینکُلن و عمارت پارلمان ایالتی، به پایان برسان

377 while I do not expect my niece در حالی که من انتظار ندارم دختر خواهرم

to prove that she visited ثابت کند که او تمام مکان هایی

all the places I have listed که من لیست کرده ام را دیده است

وآیل آی دو نات اِکْس‌پِکْت مآی نیس تو پوروو دَت شی ویزیتِد آل دِ پلیسِز آی هَو لیسْتِد

378 I assume that she will follow my wishes

آی اَسیوم دَت شی ویل فالُ مآی ویشیز

من فَرض می کنم که او خواسته های من را انجام خواهد داد

379 my hope is that she will learn as much about the U.S as I did

مآی هُپ ایز دَت شی ویل لِرْن از ماچ اِباوْت دِ یو.اس از آی دید

آرزوی من این است که او یاد بگیرد به همان اندازه ای که من در رابطه با ایالات متحده یاد گرفتم

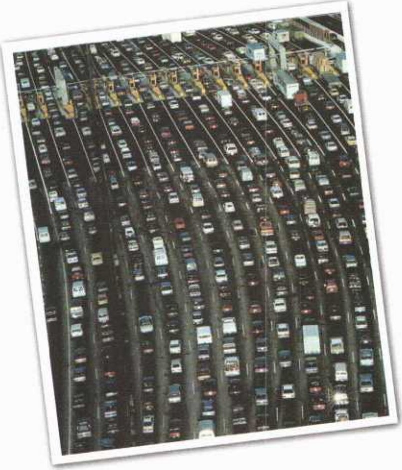
380 when I first moved here وقتی که من برای اولین بار به اینجا آمدم

وِن آی فِرْسْت موود هییِر

New Words لغات جدید

year	یِرْ	سال
taught	تآت	یاد داد (یاد دادم- یاد دادی- یاد داد ...)
so much	سُ ماچْ	خیلی زیاد
history	هیسْتری	تاریخ
therefore	درفُرْ	بنابراین
to instruct	تو اینْ سْتراکْتْ	دستور دادن
niece	نیسْ	دخترِ خواهر یا دخترِ برادر
to follow	تو فالُ	پیروی کردن - دنبال کردن
favorite	فِیْ وریتْ	مورد علاقه
while	وآیلْ	وقتی که
ago	اگُ	قبل - پیش
as	اَز	مانند - به عنوان
dinner	دینِرْ	شام
Italian	ایتالیَنْ	ایتالیایی
to request	تو ریکواسْتْ	درخواست کردن
menu	منییو	لیست غذا
proof	پرووفْ	اثبات
institution	اَنیسْتیتی یوشِنْ	مؤسسه
to take a picture	تو تِیکْ اِ پیکْچِرْ	عَکس گرفتن
national	نَشْنالْ	ملّی
archives	آرکایْوْزْ	آرشیو
to view	تو ویو	نگاه کردن
declaration	دیکْلرِیْشِنْ	اظهار نامه
independence	اینْدیپِنْدِنْسْ	استقلال
bill	بیلْ	سَنَد
right	رآیْتْ	حق - حقایق - راست
through	ثورو	از میان

arboretum	آربُریتِمْ	باغ
memorial	مِمُری آلْ	یادبود
Capitol	کَپیتُلْ	پارلمان - مَجلس
to expect	تو اِکْسْپِکْتْ	انتظار داشتن
to prove	تو پوروو	اثبات کردن
list	لیسْتْ	لیست
to assume	تو اَسیومْ	فَرض کردن
hope	هُپْ	اُمید
to hope	تو هُپْ	اُمیدوار بودن - اُمید داشتن
to learn	تو لِرْنْ	یاد گرفتن
to move	تو مووْ	اثاث کشی کردن- حرکت کردن





A fender bender in Chicago

یک تصادف کوچک در شیکاگو

381 what the hell do you think you're doing? فکر می کنی داری چه غَلطی می کنی؟

وآتْ دِ هِلْ دو یو ثینْکْ یور دوإینگْ؟

382 sorry. I didn't see your turn signal until it was too late to stop

ساری . آیْ دیدِنْتْ سی یُرْ تِرْنْ سیگْنآلْ آنْتیلْ ایتْ وآز تو لِیْتْ تو سْتآپْ

ببخشید. من چراغِ راهنمای شما را ندیدم تا اینکه خیلی دیر شده بود که متوقف شوم

383 hey, did you see what happened? هی، آیا شما دیدید که چه اتفاقی افتاد؟

هِیْ، دید یو سی وآتْ هَپِنْد؟

384 Yes, I think so. Why? بله. فکر می کنم که همین طور است.چرا؟ یِسْ ، آیْ ثینْکْ سُ . وآیْ؟

385 I'm going to call the police من قصد دارم به پلیس خبر بدهم

آیْمْ گُ اینگْ تو کآلْ دِ پُلیسْ

386 you can tell them what you saw شما می توانید به آنها بگویید که چه چیزی دیدید

یو کَنْ تِلْ دِمْ وآتْ یو سآ

387 this jerk ran right in to me این آدم احمق درست به سمت من آمد

دیسْ جِرْکْ رَنْ رآیْتْ اینْ تو می

388 look at my bumper! لوکْ اَتْ مآیْ بآمْپِرْ! به سپرِ ماشینِ من نگاه کن!

389 it'll cost $1000 to fix هزار دُلار هزینه ی تعمیر آن خواهد شد

ایتِلْ کآسْتْ وآنْ تآزِنْد دآلِرْزْ تو فیکْسْ

390 calm down کآلْمْ (کآمْ) دآونْ آرام باش . (کوتاه بیا بابا)

391 it was just one of those things این هم درست، مِثل یکی از اون حرف هایت بود

ایتْ وآز جآسْتْ وآنْ آو دُز ثینگْزْ

392 I have insurance آیْ هَوْ اینْشُرِنْسْ من بیمه دارم

16 A fender bender in Chicago یک تصادف کوچک در شیکاگو

393 I really don't want to get involved
من واقعاً نمی خواهم که درگیر(این موضوع) بشوم
آیْ ری یلیْ دُنْتْ وآنْتْ تو گِتْ اینْوآلْوْد

394 I'm from out of town
من اهل خارج از این شهر هستم. (من ساکن این شهر نیستم)
آیْمْ فِرآمْ آوْتْ آو تاوْنْ

395 you're a witness, right? یور اِ ویتْنِسْ ، رآیتْ ؟
شما شاهد هستید، درست است ؟

396 can I have your name, address, and phone number?
کَنْ آیْ هَوْ یُرْ نِیْمْ ،اَدرِسْ ،اَنْد فُنْ نآمْبِرْ؟
آیا می توانم نام، آدرس و شماره تلفنِ شما را داشته باشم؟ (بنویسم)

397 Yes, I saw what happened
بله. من دیدم که چه اتفاقی افتاد
یِسْ، آیْ سآ وآتْ هَپِنْد

398 here's my passport هییرْز مآیْ پَسْپُرْتْ
بفرمایید. این پاسپورت من است

399 I'm not an American citizen
من شهروندِ آمریکایی نیستم
آیْمْ نآتْ اَنْ اِمریکَنْ سیتیزِنْ

400 I've come to Chicago on business
من برای (کار) تجارت به شیکاگو آمده ام
آیوْ کآمْ تو شیکآگُ آنْ بیزینِسْ

401 here's a contact number if you want to get in touch
هییرْز اِ کآنْتَکْتْ نآمْبِرْ ایفْ یو وآنْتْ تو گِتْ اینْ تآچْ
بفرمایید این شماره ی تماس (من است) اگر می خواهید در تماس باشید



1. stop
ایست



2. do not enter / wrong way
داخل نشوید / راه اشتباه

3. one way
یک طرفه



4. speed limit
سرعت محدود

16 A fender bender in Chicago یک تصادف کوچک در شیکاگو

لغات جدید New Words

what the hell	وآتْ دِ هِلْ	چه غَلَطی (hell به معنای جَهَنّم می باشد)
turn signal	تِرْنْ سیگْنالْ	چراغِ راهنما
until	آنْتیل	تا
late	لِیتْ	دیر
to stop	تو سْتاپْ	متوقف کردن- ایستادن
why	وآیْ	چرا
to call	تو کالْ	خبر کردن- تلفن زدن
to tell	تو تِلْ	گفتن
jerk	جِرْکْ	آشغال- آدم عوضی
To run into	تو رآنْ اینْ تو	زیر گرفتن (با ماشین)
bumper	بآمْپِرْ	سِپَر
to cost	تو کآسْتْ	هزینه داشتن
insurance	اینْشُرِنْسْ	بیمه
to get involved	تو گِتْ اینْوآلْوْدْ	دَرگیر شدن
town	تآوْنْ	شهر- شهر کوچک
witness	ویتْنِسْ	شاهد
citizen	سیتیزِنْ	شهروند
to get in touch	تو گِتْ اینْ تآچْ	در تَماس بودن



5. U-turn OK
دور زدن آزاد



6. no outlet / dead end
بن بست



7. right turn only
فقط گردش به راست



8. no left turn
گردش به چپ ممنوع



9. yield
حق تقدم بدهید



10. merge
به هم بپیوندید



11. no parking
پارک ممنوع



12. handicapped parking
پارکینگ معلولین



Invitation

دعوت



402 good evening.I'm Ellen Jones
عصر بخیر. من الن جونز هستم

گود ایوینینگْ. آیْمْ اِلنْ جُنْزْ

403 won't you come in?
آیا داخل نمی آیی؟ (چرا تو نمی آ یی؟) وُنْتْ یو کاَمْ اینْ؟

404 what lovely flowers! Thank you
چه گل های زیبایی! متشکرم

وآتْ لاَوْلیْ فلاَورز ! تَنْکْ یو

405 I'll call Michael
به مایکل تلفن خواهم کرد. (به مایکل خبر خواهم داد) آیلْ کاَلْ ماَیْکلْ

406 please make yourself at home

پیلیزْ مِیکْ یُرْسِلْفْ اَتْ هُمْ

لطفاً اینجا را منزل خودتان بدانید (فکر کنید که در منزل خودتان هستید)

407 hello, I'm so glad to meet you
سلام. خیلی خوشحال هستم که شما را ملاقات می کنم

هِلُ ، آیْمْ سُ گِلَد تو میتْ یو

408 Stephanie told me so much about you

سْتِفاَنیْ تُلد میْ سُ ماَچْ اِباَوْتْ یو

استفانی در مورد شما، چیزهای زیادی به من گفته است

409 did you know you were her favorite?
آیا می دانستید که شما مورد علاقه ی او بودید؟

دید یو نُ یو وِر هِرْ فِیوریتْ؟

410 No, I'm sorry I didn't get to see her again before she died

نُ، آیْمْ ساَری آیْ دیدِنْتْ گِتْ تو سی هِرْ اِگِینْ بیفُرْ شی دآیْد

نه.متأسفم. من نرسیدم تا دوباره او را ببینم قبل از اینکه بمیرد

411 so, what brings you to Chicago?
بنابراین چی باعث شد تا به شیکاگو بیایید؟

سُ ،وآتْ بیرینگزْ یو تو شیکاگُ؟



412 Aunt Stephanie wanted me to know more about the city

آنتْ سْتِفآنیْ وآنْتِد می تو نُ مُرْ اِباوْتْ دِ سیتی

عَمه ام، استفانی از من خواست، تا مقدار بیشتری در مورد این شهر بدانم

413 did she live around here?

آیا او در این اطراف زندگی می کرد؟

دید شی لیوْ آرآوند هییر؟

414 Yes,we became friend almost twenty years ago

یِسْ، وی بیکِیمْ فرِند آلْمُسْتْ توانتی (توانی) یِرْزْ اِگُ

بله. ما تقریباً ۲۰ سال پیش دوست شدیم

415 she had moved here from Washington

او از واشینگتن به اینجا آمده بود

شی هَد موودْ هییر فِرآمْ وآشینگْتُنْ

416 she left Chicago a few years later

او چند سال پیش شیکاگو را تَرک کرد

شی لِفْتْ شیکاگُ اِ فیو یِرْزْ لِیتِرْ

417 and moved to the West Coast

و به وِست کُست رفت

آند موودْ تو دِ وِسْتْ کُسْتْ

418 Chicago winters were too harsh for her

شیکاگُ وینْتِرْزْ وِر تو هآرشْ فُرْ هِرْ

زمستان های شیکاگو ، برای او خیلی سخت بود

419 she wanted more sun and warmer temperatures

شی وآنْتِد مُر سآنْ آند وآرمِرْ تِمْپِرچِرْزْ

او درجه حرارتِ گرم تر و نور بیشتر می خواست (نیاز داشت)

420 dinner is ready

دینِرْ ایزْ رِدی

شام آماده است

New Words لغات جدید

flower	فلاوِر	گُل
told	تُلد	گفت (گفتم - گفتی - گفت ...)
to know	تو نُ	دانستن- شناختن
to die	تو دآیْ	مُردن
to bring	تو بیرینگ	آوردن
aunt	آنتْ	عَمه - خاله
city	سیتی	شهر
to become	تو بیکآمْ	شدن
almost	آلمُستْ	تقریباً
twenty	توانْتی (توانی)	بیست
a few	ا فیو	تعداد کمی
later	لِیتِرْ	بعداً - بعد
winter	وینْتِرْ	زمستان
harsh	هآرشْ	سخت
sun	سآنْ	خورشید - (آفتاب)
warmer	وآرْمِرْ	گرم تر



A household emergency

کارهای اضطراری منزل



421 what seems to be the trouble?

وآتْ سیمْزْ تو بی دِ ترآبِلْ؟

چه چیزی به نظرمی رسد که مشکل باشد ؟ (مشکل چیست؟)

422 look! there's an inch of water on the floor

لوکْ! دِرز اَنْ اینْچْ آو وآتِرْ آنْ دِ فلُرْ

نگاه کن ! یک اینچ آب روی طبقه (زمین) را گرفته است

423 what a mess! وآتْ اِ مِسْ! چه اِفتضاحی!

424 can you fix it? کَنْ یو فیکْسْ ایتْ ؟ آیا شما می توانید آن را درست کنید؟

425 No sweat نُ سواتْ هیچ کاری ندارد. (آسان است)

426 where's the main water valve? شیرِ اصلیِ آب کجاست ؟

وِرز دِ مِینْ وآتِرْ وَلْوْ؟

427 the what? دِ وآتْ ؟ چی؟

428 do you know where I can cut off the water?

دو یو نُ وِر آیْ کَنْ کآتْ آفْ دِ وآتِرْ؟

آیا تو می دانی که کجا من می توانم آب را قَطع کنم؟

429 I think it is in the closet فکر کنم که آن در قفسه باشد

آیْ ثینْکْ ایتْ ایزْ اینْ دِ کلاَزِتْ

430 what shall I do about all the water on the floor?

وآتْ شَلْ آیْ دو اِبآوْتْ آلْ دِ وآتِرْ آنْ دِ فلُرْ؟

من در مورد آب های روی طبقه چکار باید بکنم؟

431 tell the manager to call a carpet cleaning service

تِلْ دِ مَنِجِرْ تو کاآلْ اِ کاآرپِتْ کیلی نینگْ سِرویسْ

به مُدیر بگویید که با یک فرش شویی تماس بگیرد

432 how much is this going to cost?

این چقدر هزینه دارد؟ (هَزینه اش، چقدر خواهد شد)

هاآوْ ماآچْ ایزْ دیسْ گُ اینگْ تو کاآسْتْ ؟

433 I'm pretty sure the apartment owners will cover it

آیمْ پِرتیْ شُرْ دِ اپاآرتْمِنْتْ اُنِرْز ویلْ کاآوِر ایتْ

من کاملاً اطمینان دارم که صاحبان آپارتمان آن را پرداخت می کنند. (به عهده می گیرند)

434 as long as you didn't cause the problem yourself

اَز لاآنگْ اَز یو دیدِنْتْ کاآز دِ پراآبِلِمْ یُرْسِلْفْ

بخاطر اینکه شما خودتان باعث آن مشکل نشده اید

435 how could I?

من چطور می توانستم (باعث آن مشکل بشوم) ؟ هاآوْ کود آیْ؟

436 I've been out of town for weeks

هفته ها است که من خارج از شهر هستم

آیوْ بینْ آوْتْ آو تاآوْنْ فُرْ ویکْسْ

437 what a way to end my trip!

چگونه سفرم را به پایان برسانم !

واآتْ اِ ویْ تو اِنْد ماآیْ تِرِپْ!

New Words — لغات جدید

inch	اینْچ	اینچ
to fix	تو فیکْسْ	تعمیر کردن
main	مِیْنْ	اَصلی
valve	وَلْوْ	شیر (آب) - فَلَکه ی آب
to cut off	تو کاآتْ آفْ	قَطع کردن - بَستن
closet	کلاآزِتْ	قَفسه
manager	مَنِجِرْ	مدیر
carpet	کاآرْپِتْ	فَرش
owner	اُنِرْ	مالک
to cause	تو کاآزْ	باعث شدن
to end	تو اِنْد	به پایان رساندن

18 A household emergency کارهای اضطراری منزل



1. The water heater is **not working**.
   آب گرم کن کار نمی کند.
2. The power is **out**.
   برق رفته است.
3. The roof is **leaking**.
   سقف چکه می کند.
4. The tile is **cracked**.
   کاشیها شکسته است.
5. The window is **broken**.
   پنجره شکسته است.
6. The lock is **broken**.
   قفل شکسته است.
7. The steps are **broken**.
   پله ها شکسته اند.
8. roofer
   سقف ساز
9. electrician
   برق کار
10. repair person
    تعمیر کار
11. locksmith
    قفل ساز
12. carpenter
    نجار
13. fuse box
    جعبه فیوز
14. gas meter
    کنتور گاز

Under the weather

سرحال نبودن– کسل بودن



438 what seems to be the trouble?

وآتْ سیمْزْ تو بی دِ ترآبلْ؟

چه چیزی به نظرمی رسد که مشکل باشد؟ (مشکل چیست؟)

439 I feel terrible — آیْ فیلْ تریبلْ — احساس بدی دارم

440 I have a fever and chills — آیْ هَوْ اِ فیوِر آند چیلْزْ — من تَب و لَرز ، دارم

441 what's your temperature? — وآتْسْ یُرْ تمْپرِچِرْ؟ — درجه حرارت شما چند است؟

442 one hundred and two degrees — وآنْ هآندرِد آند تو دیگْریز — یکصد و دو دَرجه

443 have you taken anything for it?

هَو یو تیکِنْ اینِیْنگْ فُرْ ایتْ؟

آیا چیزی برای آن (سردرد) خورده اید (استفاده کرده اید)؟

444 just some Aspirin — جآسْتْ سآمْ اَسْپیرینْ — فقط آسپرین

445 what should I do? — وآتْ شود آیْ دو؟ — من باید چه کار کنم؟

446 I think you better see one of our doctors

آیْ ثینْکْ یو بِترْ سی وآنْ آو آوْر داکْترْزْ

فکر می کنم که بهتر است یکی از دکترهای ما را ببینید

447 you probably have an infection — شما احتمالاً عُفونت دارید

یو پرآبْلی هَوْ آنْ اینْفکْشِنْ

448 can you come right now? — آیا می توانید همین الان بیایید؟

کَنْ یو کآمْ رآیْتْ نآوْ؟

449 Yes, I'm on my way — یِسْ ، آیْمْ آنْ مآیْ وِیْ — بله. تو راه هستم.(الان می آیم)

450 I don't have any medical insurance — من بیمه ی دَرمانی ندارم

آیْ دُنْتْ هَوْ اِنی مِدیکاَلْ اینْشُرَنْسْ

451 is that all right? — ایز دَتْ آلْ رآیْتْ؟ — آیا مشکلی نیست؟

452 don't worry — دُنْتْ وُری — نگران نباشید

453 our business office takes cash, personal checks or credit cards

آوْر بیزینِسْ آفیسْ تِیکْسْ کَشْ ، پِرْسوناَلْ چِکْسْ اُر کِرِدیتْ کاَردسْ

دفتر کاری ما، پول نَقد، چِک مسافرتی یا کارتِ اعتباری قبول می کند

New Words لغات جدید

to feel	تو فیلْ	احساس کردن
terrible	تِرِبلْ	بد – وحشتناک
fever	فیوِر	تَب
chill	چیلْ	لَرز
one hundred	وآنْ هاَنْدرِد	یکصد
degree	دیگْری	درجه
better	بِتِر	بهتر
infection	اینفِکْشِنْ	عُفونت
medical insurance	مِدیکاَلْ اینْشُرَنْسْ	بیمه درمانی
cash	کَشْ	پول نقد
personal	پِرْسوناَلْ	شخصی
credit	کِرِدیتْ	اعتباری

1. hot
داغ
2. thirsty
تشنه
3. sleepy
خواب آلوده
4. cold
سرد
5. hungry
گرسنه
6. full / satisfied
سیر / راضی



19 Under the weather سرحال نبودن – کسل بودن

7. disgusted
متنفر
8. calm
آرام
9. uncomfortable
ناراحت
10. nervous
عصبی





11. in pain
در درد
12. sick
مریض
13. worried
نگران
14. well
خوب
15. relieved
آسوده







16. hurt
زخمی، رنج دیده
17. lonely
تنها
18. in love
در عشق













19. sad
غمگین
20. homesick
دل تنگ خانه
21. proud
مغرور







22. excited
هیجان زده
23. scared / afraid
وحشت زده / ترسیده
24. embarrassed
آشفته



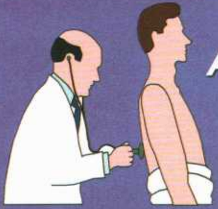




25. bored
بی حوصله
26. confused
مغشوش
27. frustrated
درمانده

At the doctor's office

در مطب دکتر



454 how are you today? — هاوْ آر یو تودِیْ؟ — امروز حال شما چطور است ؟

455 Not so good — نَاتْ سُ گود — خیلی خوب نیستم

456 I think I have the flu or something — من فکر می کنم که آنفلوآنزا یا چیزی شبیه به آن دارم

آیْ ثِینْکْ آیْ هَوْ دِ فولو اُر سَامْ ثِینگْ

457 what are your symptoms? — نشانه های (بیماری) شما چه چیزهایی هستند؟

وآتْ آر یُرْ سِمْپْ تمْزْ؟

458 I have a fever, chills and a sore throat — من تَب و لَرز و گلو دَرد دارم

آیْ هَوْ اِ فیور ، چیلْزْ اَند اِ سُرْ ثوروتْ

459 let's take a look — لِتْسْ تِیکْ اِ لوکْ — اجازه بدهید نگاهی بکنم

460 open wide — اُپِنْ وآیْد — (دهانتان را) کاملاً باز کنید

461 hmmm. your throat is pretty red — هممم. گلوی شما کاملاً قرمز است

هممم. یُر ثوروتْ ایز پِرتی رِد

462 how long have you had a fever? — چه مدت است که تب دارید؟

هاوْ لَانْگْ هَوْ یو هَد اِ فیور؟

463 since last night — سِینْس لَسْتْ نَایْتْ — از شب گذشته تا حالا

464 it comes and goes — ایتْ کَامْزْ اَند گُزْ — آن می آید و می رود

465 what's wrong with me? — وآتْس رَانْگْ وِیتْ می؟ — من چه مشکلی (بیماری) دارم؟

466 you have some sort of bacterial infection — شما یک نوع عُفونت باکتریایی دارید

یو هَوْ سَامْ سُرْتْ آو بَکْتِری یَالْ اینْفِکْشِنْ

467 I'm going to write you a prescription — قصد دارم (می خواهم) برای شما یک نُسخه بنویسم

آیْمْ گُ اینْگْ تو رآیْتْ یو اِ پیریسْ کیریپْ شِنْ

468 take it to any drugstore تِیکْ ایتْ تو اِنی دِراگْ سْتُرْ آن را به داروخانه ببرید

469 and they'll give you some pills that you'll need to take for five days

اَند دِیلْ گیوْ یو سامْ پیلْزْ دَتْ یولْ نید تو تِیکْ فُرْ فایْوْ دِیزْ

وآنها به شما تعدادی قُرص می دهندکه لازم است برای ۵ روز بخورید

470 you should be completely well by then تا آن موقع شما باید کاملاً خوب بشوید

یو شود بی کامْپلیتْلی ولْ بایْ دِنْ

471 thanks. I sure wish I felt better

تَنکْسْ . آیْ شُرْ ویشْ آیْ فِلْتْ بِتِرْ

متشکرم.حتماً آرزو می کنم که بهتر بشوم. (ای کاش حتماً بهتر بشوم)

472 I guess I'll go home and rest گُمان می کنم (بهتر است) بروم خانه و استراحت کنم

آیْ گِسْ آیْلْ گُوْ هُمْ اَند رِسْتْ

New Words لغات جدید

flu	فولو	آنفلوآنزا
symptoms	سِمْپْتِمْزْ	علائم (بیماری)
sore throat	سُرْ ثْرُوتْ	گلو درد
sort	سُرْتْ	نوع
bacterial	بَکْتِریالْ	باکتریایی
to write	تو رآیْتْ	نوشتن
prescription	پیریسْ کیریپْ شِنْ	نُسخه
drugstore	دِراگْ سْتُرْ	داروخانه
pill	پیلْ	قُرص
completely	کامْپلیتْلی	بطور کامل
well	وِلْ	سالم- خوب- سلامت
wish	ویشْ	آرزو
to wish	تو ویشْ	آرزوداشتن- آرزو کردن
to rest	تو رِسْتْ	استراحت کردن











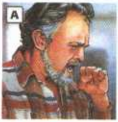




















1. headache
سردرد
2. toothache
دندان درد
3. earache
گوش درد
4. stomachache
دل درد
5. backache
کمر درد
6. sore throat
گلودرد
7. nasal congestion
گرفتگی بینی
8. fever / temperature
تب
9. chills
لرزه ها
10. rash
کهیر

A. **cough**
سرفه
B. **sneeze**
عطسه زدن
C. **feel** dizzy
حالت سرگیجه
D. **feel** nauseous
حالت تهوع
E. **throw up / vomit**
استفراغ

















11. insect bite
گزش حشرات
12. bruise
کوفتگی
13. cut
بریدگی
14. sunburn
آفتاب سوختگی
15. blister
تاول
16. swollen finger
ورم انگشت
17. bloody nose
خون دماغ
18. sprained ankle
پیچ خوردگی مچ پا



At the dentist's office



در مطب دندانپزشکی

473 my assistant said you have a toothache — دَستیارم گفت که شما دندان درد دارید

مَایْ اَسِیْسْتَنْتْ سِد یو هَوْ ا توثْ اِکْ

474 how long have you had it? — چه مدت آن را (دندان درد) دارید؟

هَاوْ لَانْگْ هَوْ یو هَد ایتْ؟

475 for about twenty-four hours — حدوداً ۲۴ ساعت است

فُرْ اِبَاوْتْ توانْتی-فُرْ آورز

476 I've had trouble with this tooth before — من قبلاً هم با این دندان مشکل داشتم

آیْوْ هَد تِرَابِلْ ویثْ دیِسْ توثْ بیفُرْ

477 my dentist at home said that it would eventually have to be removed

مَایْ دِنْتیِسْتْ اَتْ هُمْ سِد دَتْ ایتْ وُود اوِنچولی هَفْ تو بی ریمووْد

دندانپزشکِ من گفت که آن بالاخره باید کشیده شود

478 let me take a closer look — لِتْ می تِیْکْ ا کِلُسِرْ لوکْ — اجازه بده من یک نگاه دقیق تر بکنم

479 hmmm, I concur with your dentist — هممم. من با دندانپزشک شما موافق هستم

هممم، آیْ کَانْکِرْ ویثْ یُرْ دِنْتیِسْتْ

480 the tooth has to come out — دِ توثْ هَزْ تو کَامْ آوْتْ — دندان باید کشیده شود

481 will it hurt? — ویلْ ایتْ هِرْتْ؟ — آیا آن صدمه(درد)خواهد داشت؟

482 not too much — نَاتْ تو مَاچْ — نه خیلی زیاد

483 I'll give you some novocain — من به شما مقداری بی حس کننده می زنم (می دهم)

آیِلْ گیو یو سَامْ نُوُکَیْنْ

484 to make the tooth numb — تو مِیْکْ دِ توثْ نَامْبْ — تا دندان بی حس شود

485 when will you remove it? — وِنْ ویلْ یو ریمووْ ایتْ؟ — چه موقع آن را می کشید؟

486 it should come out right now — آن (دندان) همین الان باید کشیده شود

ایتْ شود کامْ آوتْ رآیتْ ناوْ

487 all right — آلْ رآیتْ — بسیار خوب

488 go ahead — گُ اهد — کارتان را انجام دهید

489 what a way to end my stay in the U.S!

وآتْ اِ ویْ تو اِند مآیْ سْتِیْ اینْ دِ یو.اسْ!

چگونه اقامتم را در ایالات متحده به پایان برسانم !

490 when are you leaving? — وِنْ آر یو لیوینگْ؟ — چه موقع عازم هستید؟

491 I have to see an attorney in the morning

آیْ هَفْ تو سی اَنْ اَتِرْنی اینْ دِ مُرْنینگْ

من مجبور هستم در هنگام صبح ، وکیلی را ببینم

492 my flight home is late tomorrow afternoon

مآیْ فلآیتْ هُمْ ایز لِیتْ تومآرُ اَفْتِرْنونْ

پرواز به کشورم، فردا بعداز ظهر، دیر وقت می باشد

493 around six p.m. — اَرآوْنْد سیکْسْ پی.اِمْ — حدود ساعت ۶ بعداز ظهر

Dental Problems مشکلات دندانی



1. cavity / decay
کرم خوردگی
2. filling
پرکردگی
3. crown
روکش
4. dentures
دندان های مصنوعی
5. gum disease
بیماری لثه دندان
6. plaque
پلاک



New Words لغات جدید

assistant	اَسیسْتَنْتْ	دَستیار
to say	تو سِیْ	گفتن
toothache	توثْ اِکْ	دندان درد
before	بیفُرْ	قبل از
dentist	دِنْتیسْتْ	دندان پزشک
eventually	اِوِنْچولیْ	بالاخره
to remove	تو ریمووْ	در آوردن - کشیدن
to concur	تو کاَنکِرْ	موافق بودن
to hurt	تو هِرْتْ	صدمه زدن
novocain	نُوُکِیْنْ	داروی بیحس کننده
numb	نَامْبْ	بیحس
attorney	اَتِرْنیْ	وکیل
flight	فلاَیْتْ	پرواز
tomorrow	تومآرُ	فردا
p.m	پی.اِمْ	بعد از ظهر

An Office Visit معاینه در اتاق پزشک



A. **clean**...teeth
دندانها را ... تمیز کنید



B. **take** x-rays
عکس بگیرید



C. **numb** the mouth
دهان را بیحس کنید



D. **drill** a tooth
دندان را سوراخ کنید



E. **fill** a cavity
سوراخ را پر کنید



F. **pull** a tooth
کشیدن دندان



Making an appointment

قرار ملاقات گذاشتن

494 good morning. Haskel , Cleaver, and Young

گود مُرنینگ. هَسکِل ، کلیوِر ، آند یانگ

صبح بخیر. (اینجا شرکت) هَسکِل و کلیوِر و یانگ می باشد

495 I'd like to speak with Mr. Young, Please — می خواهم با آقای یانگ صحبت کنم، لطفاً

آید لایک تو سْپیک ویت مِستِر یانگ، پیلیز

496 who's calling, please? — چه کسی داره صحبت می کنه، لطفاً؟ (جنابعالی،لطفاً)

هُوز کالینگ، پیلیز ؟

497 I'm related to Stephanie Garner — من از بستگان اِستفانی گارنِر هستم

آیم ریلِیتِد تو سْتفانی گارنِر

498 Mr.Young asked me to get in touch when I arrived in the U.S.

مِستِر یانگ اَسکت می تو گِت اِین تاچ وِن آی اَرآیود اِین دِ یو.اِس

آقای یانگ از من خواست که وقتی به ایالات مُتحده رسیدم (با ایشان) تماس بگیرم

499 please hold — پیلیز هُلد — لطفاً صَبر کُن. (لطفاً گوشی حضورتان)

500 I'm looking forward to meeting you — مُشتاق دیدار با شما هستم

آیم لوکینگ فُروآرد تو میتینگ یو

501 can you come by tomorrow at ten a.m?

کَن یو کام بای تومارُ اَت تِن ای.اِم؟

آیا می توانید تا فردا ساعت ۱۰ صبح تشریف بیاورید؟

502 Yes, I think so — یِس. آی ثینک سُ — بله. فکر می کنم، بتوانم

503 where are you located? — محل(کار) شما کجا است؟ (جای شما کجاست؟)

وِر آر یو لُکِیتِد ؟

504 our offices are just behind the state capitol building

آوِر آفیسِز آر جاسْت بیهایْند دِ کَپیتِل بیلدینگ

دفترهای ما درست پُشت عمارت پارلمان ایالتی (مجلس) می باشد

505 you can walk here from the hotel

شما می توانید از هُتل تا اینجا، پیاده بیایید

یو کَنْ واکْ هییرْ فرامْ دِ هُتِلْ

506 what time should I leave the hotel?

چه ساعتی (چه زمانی) باید هُتل را تَرک کنم؟

وآتْ تایْم شود آیْ لیو دِ هُتِلْ؟

507 oh. Maybe around 9:30. اُه. مِیبی اَرآوند ناینْ - تِرْتی

اُه. شاید حدود ساعت ۹:۳۰

508 It should only take about twenty minutes on foot

ایتْ شود آنْلی تِیکْ اباوتْ توانْتی مینِتس آنْ فوتْ

آن حدوداً پیاده ۲۰ دقیقه طول می کشد

509 thanks. I'll see you tomorrow morning

متشکرم . فردا صبح شما را خواهم دید

تَنکْس. آیلْ سی یو تومارُ مُرنینگْ

New Words لغات جدید

to speak	تو سْپیکْ	صحبت کردن
with	ویتْ	با
to ask	تو اَسْکْ	پرسیدن
to arrive	تو اَرآیْوْ	رسیدن
to look forward	تو لوکْ فُرْوآرد	مُشتاق دیدار بودن
a.m	ایْ . اِمْ	قبل از ظهر - صبح
to locate	تو لُکِیْتْ	واقع بودن
behind	بیهایْند	پُشت - عَقَب
to walk	تو واکْ	پیاده رفتن- قدم زدن
on foot	آنْ فوتْ	پیاده

A. **Prepare** for the interview.
برای مصاحبه آماده شوید.

B. **Dress** appropriately.
لباس مناسب بپوشید.

C. **Be** neat.
مرتب و تمیز باشید.

D. **Bring** your resume and ID.
سوابق شغلی و شناسایی خود را بیاورید.

E. **Don't be** late.
دیر نکنید.

F. **Be** on time.
سر وقت برسید.

G. **Turn off** your cell phone.
تلفن همراه خود را خاموش کنید.

H. **Greet** the interviewer.
به مصاحبه کننده سلام کنید.

I. **Shake** hands.
دست بدهید.

J. **Make** eye contact.
تماس چشمی برقرار کنید.

K. **Listen** carefully.
با دقت گوش بدهید.

L. **Talk** about your experience.
درباره تجربیات خود گفتگو بکنید.

M. **Ask** questions.
سوال بپرسید.

N. **Thank** the interviewer.
از مصاحبه کننده سپاسگزاری بکنید.

O. **Write** a thank-you note.
یادداشت سپاسگزاری بنویسید.



23 Learn English Rapidly

Meeting an attorney

ملاقات یک وکیل



510 your aunt Stephanie was a fine lady
عَمه ی شما استفانی خانم خوبی بود

یُرْ آنْتْ سْتِفآنی وآز ا فآیْنْ لِیدی

511 she certainly thought a lot of you
او حقیقتا، بسیار به شما فکر می کرد. (به یاد شما بود)

شی سِرْتَنْلی ثآت ا لآتْ آو یو

512 as you may know. She had no direct descendants

اَز یو مِیْ نُ. شی هَد نُ دیرِکْتْ دیسِنْدِنْتْسْ

همان طور که ممکن است بدانید او هیچ وارث اصلی نداشت

513 so she wanted to leave you the bulk of her estate

سُ شی وآنْتِد تو لیو یو دِ بآلْکْ آو هِرْ اِسْتِیْتْ

بنابراین او می خواست تا قسمت اصلی دارایی اش را برای شما بگذارد

514 I can't believe it
آیْ کَنْتْ بیلیو ایتْ
باورم نمی شود

515 she didn't come home to visit very often

شی دیدِنْتْ کآمْ هُمْ تو ویزیتْ وِری آفِنْ

او اغلب به منزل نمی آمد تا سَری(به من) بزند

516 well. It's right here in her will

وِلْ. ایتْسْ رآیْتْ هییْرْ اینْ هِر ویلْ

خوب.این موضوع همین جا در وصیت نامه ی او(نوشته شده) است

517 you can claim your inheritance
شما می توانید ارث تان را دریافت کنید به مَحض اینکه

as soon as you meet the stated requirements
شرایط لازم بیان شده را انجام دهید

یو کَنْ کلِیْمْ یُرْ اینْهِریتِنْسْ اَز سونْ اَز یو میتْ دِ سْتِیْتِد ریکوآیِرْمِنْتْسْ

518 what requirements?
وآتْ ریکوآیِرْمِنْتْسْ؟
چه شَرایطی؟



519 after immigrating to the U.S. — بعد از مهاجرت به ایالات متحده

اَفتِرْ ایمیگرِیْتینگْ تو دِ یو.اِسْ

520 your aunt fell in love with her adopted country

یُرْ آنتْ فِلْ اینْ لاَو ویتْ هِرْ اَدآپْتِد کآنتری

عمه ی شما عاشق به کشوری شد، که به آن عادت کرد

521 she was especially fond of Atlanta, Washington, Chicago, and San Francisco

شی وآز اِسْپِشلیْ فآند آو آتلاَنتا، وآشینگتِنْ، شیکاگُ، اَند سَنْ فرَنسیسکُ

او مخصوصاً، علاقه ای زیاد به آتلانتا، واشینگتن، شیکاگو و سانفرانسیسکو داشت

522 she wanted you to visit some of the places

شی وآنتِد یو تو ویزیتْ سآمْ آو دِ پلِیْسِزْ

او می خواست که شما ببینید بعضی از مکان هایی را

523 that she enjoyed so much — که او خیلی زیاد لذت می برد

دَتْ شی اینْجُید سُ مآچْ

524 that seems easy enough — آن به اندازه ی کافی، آسان به نظر می رسد

دَتْ سیمْز ایزی ایناَفْ

525 anything else? — انی ثینگْ اِلسْ؟ — چیز دیگری هم هست؟

526 here are sealed envelopes — بفرمایید اینها، نامه های مُهر و موم شده هستند

هییِرْ آر سیلْد اِنوِلُپسْ

527 with instructions about each place — با دستورالعمل هایی درباره ی هر مکان

ویتْ اینْ سْتراَکشِنْزْ اِباَوتْ ایچْ پلِیْسْ

528 when you arrived in Washington, for example, open that one

وِنْ یو اَرآیوْد اینْ وآشینگتِنْ ،فُرْ اِگزَمپِل، اُپِنْ دَتْ وآنْ

مثلاً وقتی که شما به واشینگتن رسیدید آن یکی را باز کنید

529 then you'll know what to do. — سپس شما می فهمید که چه کاری انجام دهید

دِنْ یولْ نُ وآتْ تو دو

530 this is all very strange — دیسْ ایزْ آلْ وری سْترِیْنجْ — این ها همه خیلی عَجیب هستند

531 Yes, it's strange — یِسْ، ایتْسْ سْترِیْنجْ — بله. عَجیب است

532 But worth the trouble, I think
اما فکر می کنم که اَرزش به زَحمت اُفتادن را دارد
بَاتْ وُرْثْ دِ تِرآبِلْ ، آیْ ثِینْکْ

533 when you finished your "treasure hunt" and return to Atlanta
وِنْ یو فینیشْتْ یُرْ " تِریژِر هَانْتْ " اَند ریتِرْنْ تو آتلانتا
وقتی که شما " شکار گَنج "را تمام کردید و به آتلانتا برگَشتید

534 I'll give you your check
آیْلْ گیو یو یُرْ چِکْ
من چِکتان را به شما خواهم داد



A. **arrest** a suspect
مظنون را دستگیر کن

1. police officer
افسر پلیس

2. handcuffs
دستبند



B. **hire** a lawyer / **hire** an attorney
یک وکیل استخدام کنید

3. guard
محافظ

4. defense attorney
وکیل مدافع



C. **appear** in court
در دادگاه حاضر شوید

5. defendant
مدعی علیه

6. judge
قاضی



D. **stand** trial
محاکمه کنید

7. courtroom
اتاق دادگاه

8. jury
هیئت ژوری

9. evidence
شواهد و مدارک

10. prosecuting attorney
دادستان

11. witness
شاهد

12. court reporter
گزارشگر دادگاه

13. bailiff
پلیس قضایی



New Words — لغات جدید

lady	لِیدی	خانم
certainly	سِرتِنلی	مطمئناً
thought	ثاتْ	فکر کردم - فکر کردی- فکر کرد ...
direct	دیرِکتْ	مستقیم (اصلی)
descendants	دیسِندِنتْس	وارث
bulk	بالْکْ	قسمت عُمده - مقدار زیاد
estate	اِستِیْتْ	دارایی (ثروت)
to believe	تو بیلیوْ	باور کردن
will	ویلْ	وَصیّت
to claim	تو کلِیْمْ	درخواست کردن
requirements	ریکوآیرْ مِنتْسْ	شرایط- چیزهای مورد نیاز
immigrating	ایمیگْرِیْتینگْ	مُهاجرت
to fall in love	تو فالْ اینْ لاوْ	عاشق شدن
adopted	اَدآپْتِدْ	عادت کرده
country	کانْتری	کشور
especially	اِسْپِشلی	به ویژه
fond	فانْد	عاشق (علاقه مند)
easy	ایزی	آسان
sealed	سیلْد	مُهر و موم شده
envelope	اِنوِلُپْ	پاکت نامه
instructions	اینْسْتراکْشِنْز	دستور العمل
each	ایچْ	هر
for example	فُرْ اِگزَمپِل	برای مثال
strange	سْترِیْنْج	عَجیب
to be worth	تو بی وُرْثْ	اَرزش داشتن



Applying for a credit card
تقاضای کارت اعتباری

535 are you applying for a charge account? آیا شما تقاضای حساب جاری دارید؟

آر یو اَپلای اینگ فُر اِ چارج اکاونت؟

536 Yes. How long will it take for approval? بله. چه مدت برای موافقت طول خواهد کشید؟

یس. هاو لانگ ویل ایت تیک فُر اَپرووال

537 only a few weeks آنلی اِ فیو ویکس فقط چند هفته

538 have you filled out the application form yet? آیا تا کنون فُرم درخواست را پُر کرده اید؟

هَو یو فیلد آوت دِ اَپلیکیشن فُرم یت؟

539 Not entirely. I'm not a U.S citizen نه کاملاً. من شهروند آمریکایی نیستم

نات اِنتایرلی. آیم نات اِ یواس سیتیزن

540 my bank and previous charge accounts are abroad

مای بَنک اَند پریویس چارج اکاونت آر اَبرآد

بانک و حساب های قبلی من همه خارج (از این مملکت) هستند

541 what should I do? وات شود آی دو؟ من چه کار باید بکنم؟

542 I don't think there'll be a problem فکر نمی کنم که مشکلی وجود داشته باشد

آی دنت ثینک درل بی اِ پرآبلم

543 just write down the name and number of your accounts at home

جاست رآیت داون دِ نیم اَند نامبر آو یُر اکاونتس اَت هُم

فقط نام و شماره حساب هایت را (که) درکشورت (داری) بنویس

544 we'll let our credit office work out the details

ویل لت آوَر کردیت آفیس وُرک آوت دِ دی تیلز

ما اجازه می دهیم که دفترِ اعتباریِ مان، خارج از مَحدوده کار کند

545 is there a charge to use the card? — آیا برای استفاده از کارت، هزینه ای باید پرداخت؟

ایز دِر اِ چارج تو یوز دِ کارد؟

546 there's no charge for the card itself — خود کارت هیچ هَزینه ای نمی خواهد

درز نُ چارج فُر دِ کارد ایت سِلف

547 you pay a small amount of interest on the remaining balance at the end of each month — شما بهره ی خیلی کمی را در پایان هر سال برای باقی مانده ی حسابتان می پردازید

یو پِی اِ سْمال اَماونت آو اینترِسْت آن دِ ریمِینینگ بَلَنس اَد دِ اِند آو ایچ مانث

548 is there a limit on what I can charge?

ایز دِر اِ لیمیت آن وات آی کَن چارج؟

آیا محدودیتی هست، برای چیزی که می خواهم هزینه کنم؟

549 we'll start you off with a $1200 maximum

ویل سْتارت یو آف ویت اِ ۱۲۰۰ (وآن تازند تو هاندرد) دالرز مَکسیمُم

برای شروع حداکثر ۱۲۰۰ دُلار (در کارت شما خواهد بود)

550 if your credit history is good — ایف یُر کرِدیت هیستری ایز گود — اگر اعتبارشما خوب باشد

551 and you need to increase your line — و شما نیاز داشته باشید که مبلغ را افزایش دهید

آند یو نید تو اینکریز یُر لاین

552 we can usually do it — وی کَن یوژوالی دو ایت — ما معمولاً می توانیم آن کار را انجام دهیم

553 great.When can I start using it? — عالی است.چه موقع می توانم از آن استفاده کنم؟

گریت. وِن کَن آی سْتارت یوزینگ ایت؟

554 we should have approval with in ten days

وی شود هَو آپروآل ویت این تِن دِیز

ما باید تا ۱۰ روزدیگر، مُجوز (موافقت این کار) را بگیریم

555 where shall we mail your card? — ما کارت شما را به کجا باید پُست کنیم؟

وِر شَل وی مِیل یُر کارد؟

556 to this address — تو دیس اَدرِس — به این آدرس

557 I'm having all my mail forwarded to my attorney's office while I'm out of town

آیم هَوینگ آل مای مِیل فُروآردِد تو مای اَتُرنیز آفیس وآیل آیم آوت آو تاون

من تمام نامه هایم را ارجاع می دهم به دفتر وکیلم وقتی که خارج از شهر هستم

New Words لغات جدید

to apply	تو آپلای	درخواست کردن
charge account	چارج اکاونت	حساب جاری
approval	آپرو وال	موافقت - تصویب
only	اُنلی	فقط
To fill out	تو فیل آوت	پُر کردن (فُرم)
application	اَپلیکیشن	فرم تقاضا
yet	یت	هنوز - تا به حال
entirely	اِنتایرلی	بطور کامل
previous	پرویس	قبلی
abroad	اَبراد	(کشور) خارج
to let	تو لت	اجازه دادن
details	دیتیلز	جزئیات
charge	چارج	هزینه
itself	ایتسلف	خودش
to pay	تو پی	پرداختن
small	سمال	کوچک (کم)
amount	اماونت	مَبلغ
interest	اینترست	سُود
remaining	ریمینینگ	باقی مانده
limit	لیمیت	حَد (محدودیت)
maximum	مَکسیمُم	حداکثر
to increase	تو اینکریز	افزایش دادن
usually	یو ژوالی	معمولاً
to mail	تو میل	فرستادن - پُست کردن
mail	میل	نامه
To forward	تو فُروآرد	فرستادن
forwarded	فُروآردد	به سَمتِ - ارجاع داده شده



A business lunch

صرف ناهار در مورد کار

558 how did you know my aunt?

هاو دید یو نُ مای اَنتْ؟

شما چطوری عَمّه ی من را می شناختید ؟ (چگونه با عَمّه ی من آشنا شدید؟)

559 Stephanie and I founded a small company

ستفانی اَند آیْ فاوندد اِ سمال کامپنی

استفانی و من یک شرکت کوچکی را تأسیس کردیم

560 specializing in juice and foods

که در انواع آب میوه و غذاها، ویژه بود

سپشیالایزینگ اینْ جوس اَند فودز

561 we worked together for about six years

ما تقریباً به مدت ٦ سال با هم کار می کردیم

وی وُرکتْ توگدر فُرْ اباوتْ سیکس یرز

562 she took care of finances

او مُراقب کارهای مالی بود

شی توک (تُکْ) کرْ آو فاینَنسیز

563 and I handled marketing and sales

و من کارهای بازاریابی و فروش را اداره می کردم

اَند آیْ هَندلد مارکتینگ اَند سیلز

564 she was a delighted to work with

کار کردن با او باعث خوشحالی ما بود

شی واز اِ دیلایتد تو وُرکْ ویت

565 I didn't realize that she lived on the West Coast for six years

آیْ دیدنْتْ ریالایزْ دَتْ شی لیود (لِوْد) آنْ دِ وِستْ کُستْ فُرْ سیکس یرز

من نمی دانستم که او به مدت ٦ سال در وِست کُست زندگی می کرد

566 she didn't — شی دیدنْتْ

او (در آنجا) زندگی نمی کرد

567 we met in Chicago — وی مِتْ اینْ شیکاگُ

ما (یک دیگر) را در شیکاگو، ملاقات کردیم

568 as the company grew از دِ کامْپنی گورو وقتی که شرکت توسعه یافت

569 I moved to California to be closer to our distributors

آیْ مووْد تو کَلیفُرنیآ تو بی کِلُسِرْ تو آوْر دیسْتیری بیوترِزْ

من به کالیفرنیا آمدم تا به توزیع کنندگان، نزدیک تر باشم

570 she eventually moved to Atlanta. As you know

شی اونْچولی مووْد تو آتلانْتا. اَز یو نُ

همان طوری که می دانید او بالاخره به آتلانتا رفت (اثاث کشی کرد)

571 how is the company doing?

هاوْ ایزْ دِ کامْپنیْ دو اینگْ؟

حالا شرکت چطوری دارد کارمی کند؟ (حالا اوضاع شرکت چطور است؟)

572 very well. Thank you وریْ وِلْ. تَنکْ یو خیلی خوب است.متشکرم

573 when Stephanie became ill وقتی که استفانی بیمار شد

وِنْ سْتِفآنی بیکِیمْ ایلْ

574 she sold her shares of the company او سَهم شرکت خود را فروخت

شی سُلْد هِرْ شِرْزْ آو دِ کامْپنیْ

575 so what brings you to the states?

سُ وآتْ بیرینگزْ یو تو دِ سْتِیتْسْ؟

بنابراین چه چیزی باعث شده تا شما سری به این ایالت بزنی

576 my aunt wanted me to see the places in America that she loved

مآیْ آنْتْ وآنْتِد می تو سی دِ پلِیسِزْ اینْ امریکآ دَتْ شی لآوِد

عَمه ام از من خواسته تا شهرهایی را که او درآمریکا دوست داشت را ببینم

577 I'll receive an inheritance once I complete this trip

آیِلْ ریسیو آنْ اینْهِریتِنْسْ وآنْسْ آیْ کامْپلیتْ دیسْ تریپْ

من ارثی را دریافت خواهم کرد وقتی که این سفر را کامل کنم

578 and return to Atlanta آند ریتِرنْ تو آتْلانْتا و به آتلانتا برگردم

579 interesting اینْ تِرِسْتینگْ جالب است

580 before you leave San Francisco قبل از اینکه شما سانفرانسیسکو را تَرک کنید

بیفُرْ یو لیو سَنْ فرَنْسیسْکُ

581 be sure you see the Golden Gate bridge — حتماً پُل دروازه طلایی را ببینید

بی شُرْ یو سی دِ گُلدِنْ گِیْتْ بیریجْ

582 Chinatown and Sausalito

چآینآ تآوْنْ اَند سآسلیْتْ

محله ی چینی ها (Chinatown) و ساسلیتو (Sausalito)

583 I've already been to Chinatown

آیْوْ آلردی بینْ تو چآینآتآوْنْ

من پیش از این در محله ی چینی ها (Chinatown) بودم

584 I was just about to go see the bridge — و تقریباً داشتم می رفتم که آن پُل را ببینم

آیْ وآز جآسْتْ اِبآوْتْ تو گُ سی دِ بیریجْ

585 well.Thanks for lunch — وِلْ. تَنکْسْ فُرْ لآنچْ — بسیارخوب . بابت ناهارتان ، متشکرم

586 it was a pleasure meeting you — دیدار با شما باعث خوشحالیِ من بود

ایتْ وآز اِ پیلیژِر میتینْگْ یو



New Words لغات جدید

to found	تو فاوند	تأسیس کردن
company	کامپنی	شرکت- کُمپانی
food	فود	غذا
together	تو گدر	باهم
finance	فاینَنس	مالی
to handle	تو هَندِل	اداره کردن - کُنترل کردن
marketing	مارکتینگ	بازاریابی
to realize	تو ریاَلایز	تشخیص دادن. فهمیدن
to grow	تو گرُ	رُشدکردن - توسعه یافتن
grew	گورو	توسعه یافت
distributors	دیس تیری بیوترز	توزیع کنندگان
ill	ایل	بیمار
sold	سُلد	فروخت (فروختم- فروختی-فروخت ....)
share	شِر	سَهم
to receive	تو ریسیو	دَریافت کردن
once	وآنس	وقتی که - یک بار
already	آلردی	تقریباً





California dreaming

رویای کالیفرنیا

587 one of my favorite places in America — یکی از مکان های مورد علاقه ی من درآمریکا،
is the area around Monterey, California — منطقه ای است اطراف مانتری،کالیفرنیا

وآنْ آو مآیْ فیوریتْ پلیسز اینْ امریکآ ایزْ دِ اریآ آرآوند مآنتری، کَلیفُرنیآ

588 I would like my niece to visit Monterey the way I did, as a tourist

آیْ وُود لآیکْ مآیْ نیسْ تو ویزیتْ مآنتری دِ ویْ آیْ دید، اَز اِ توریستْ

دوست دارم که دختر خواهرم مانتری را ببیند به همان طَریقی که من به عُنوان یک توریست، دیدم

589 she should do the following — او باید کارهای زیر را انجام دهد

شی شود دو دِ فالُ اینگْ

590 one. have lunch at a restaurant on Cannary Row

وآنْ. هَوْ لآنچْ اَتْ اِ رِستورَنْتْ آنْ کَنری رُ

اول. در رستوران کَنری رُ **Cannary Row** ناهار بخور

591 sit at a table overlooking the water — پشت میزی بنشین که مُشرف بر آب باشد

سیتْ اَتْ اِ تیبلْ اُورلوکینگْ دِ وآترْ

592 perhaps you'll be able to catch a glimpse of the famous sea otters

پرهَپسْ یولْ بی ایبلْ تو کَچْ اِ گیلیمْپسْ آو دِ فیمسْ سی آترْز

شاید شما بتوانید بطورِ اتفاقی آن سَمورهای دریایی معروف را ببینید

593 two. visit the Monterey Bay Aquarium — دوم. آکواریوم خلیجیِ مانتری را ببین

تو. ویزیتْ دِ مآنتری بیْ آکوآریمْ

594 three. take the scenic 17 Mile drive

ثیری . تیکْ دِ سینیکْ سونْتینْ مآیلْ درآیوْ

سوم. هفده مایل در آن منظره خوش آب وهوا رانندگی کن

595 four. drive on highway 1 down to Big Sur

فُرْ. دِرآیْوْ آنْ هآیْ‌وِیْ وآنْ دآوْنْ تو بیگْ سِرْ

چهارم. از بزرگراه شماره ۱ به سمت پایین تا **Big Sur** رانندگی کن

596 for a splendid view of the rugged California coastline

فُرْ اِ سْپْلِنْدِد ویو آو دِ رآگِد کَلیفُرْنْیآ کُسْتْ‌لآیْنْ

برای تماشای منظره ی باشکوهِ صَخره های خطِ ساحلیِ کالیفرنیا

597 five. on the return, drive to Monterey

پنجم. در برگشت، به سَمت مانتری رانندگی کن

فآیْوْ. آنْ دِ ریتِرْنْ، دِرآیْوْ تو مآنْتری

598 spend a night at the quaint Lamp Lighter in beautiful Carmel by the sea

سْپِنْد اِ نآیْتْ اَتْ دِ کوایْنْتْ لَمْپْ لآیْتِرْ اینْ بییوتیفولْ کآرمِلْ بآیْ دِ سی

شب را درآن کارمل زیبای کنار دریا با آن روشنایی جالبِ چراغ ها ، بگذران

599 ask for the Hansel and Gretel cottage

درخواست کلبه های هَنسِل و گِرتل را بکن

اَسْکْ فُرْ دِ هَنْسِلْ آند گِرِتِلْ کآتیجْ

600 if you can get it

ایفْ یو کَنْ گِتْ ایتْ

اگر بتوانی بگیری



New Words لغات جدید

area	اریآ	منطقه
tourist	توریسْتْ	توریست
to sit	تو سِیتْ (تو سَتْ)	نشستن
table	تِیبِلْ	میز ناهار خوری
overlooking	اُور لوکینْگْ	چشم اَنداز
perhaps	پِرهَپْسْ	شاید
to be able to	تو بی ایبِلْ تو	قادر بودن
glimpse	گلیمْپْسْ	(بطور ا تفاقی) نظری انداختن به
famous	فِیمِسْ	مَشهور
sea otter	سی آتِرْ	سَمور دریایی
bay	بِیْ	خلیج
aquarium	آکوآریِمْ	آکواریوم
scenic	سینِکْ	خوش مَنظره - تماشایی
highway	هایْ وِیْ	بزرگراه
splendid	سْپْلِنْدِد	باشکوه
coastline	کُسْتْ لاینْ	خط ساحلی
return	ریتِرْنْ	بازگشت
quaint	کوایْنْتْ	خیلی خوب
Lamp Light	لَمْپْ لایْتْ	روشنایی چراغ
cottage	کاتِج	کُلبه

Collecting your inheritance

وصول ارث شما



601 well. How did your trip go? ولْ. هآوْ دید یُرْ تریپْ گُ؟ خوب. سَفر شما چگونه بود؟

602 it was great ایتْ وآز گریْت آن عالی بود

603 I had no idea the U.S was so large

آیْ هَد نُ آیدیآ دِ یوایسْ وآز سُ لآرج

من عَقیده نداشتم (باور نمی کردم) که ایالات متحده ، اینقدر بزرگ است

604 I thought I would never get back to Atlanta

آیْ ثآت آیْ وُود نِور گِتْ بَکْ تو آتلانتا

فکر می کردم که هرگز به آتلانتا باز نخواهم گشت

605 did you follow your aunt's instructions?

دید یو فآلُ یُرْ آنْتس اینْسْتراکْشنز؟

آیا شما از دستورالعمل های عَمه اتان پیروی کردید؟

606 I think so آیْ ثینکْ سُ فکر می کنم که همین طور باشد

607 here are my receipts and the other items she wanted me to collect

هییرْ آر مآیْ رِسییْتسْ اَند دِ آدِر آیتمْز شی وآنتد می تو کالِکْتْ

بفرمایید این هم رسیدهای من و دیگر اَقلامی که او می خواست من جَمع کنم

608 I think everything is in order فکر می کنم که همه چیز مرتب است

آیْ ثینکْ اِوْریْ ثینگْ ایز اینْ اُردِر

609 Yes, I believe you have satisfied the conditions in your aunt's will

یِسْ، آیْ بیلیو یو هَوْ سَتیسْفآیْد دِ کآندیشِنْز اینْ یُرْ آنْتسْ ویلْ

بله.من مُعتقد هستم که شما راضی شده اید با شرایطی که در وصیت نامه ی عَمه ی شما می باشد

610 here's your check هییرْز یُرْ چِکْ بفرمایید این هم چِکِ شما

611 you can deposit it once you get home if you want

یو کَنْ دیپازیتْ ایتْ وآنسْ یو گِتْ هُمْ ایفْ یو وآنتْ

اگر بخواهید شما می توانید وقتی که به منزل برسید آن را به حساب بگذارید

612 wow! I think I'll do that

وای! فکر می کنم که همین کار را انجام خواهم داد

وآوْ! آیْ ثینکْ آیلْ دو دَتْ

613 I'll have a lot of credit card bills waiting for me

آیلْ هَوْ ا لاتْ آو کِردیتْ کارد بیلزْ ویتینگْ فُرْ می

من کارت های اعتباریِ زیادی دارم که منتظرم هستند (تا آنها را پرداخت کنم)

614 one thing is for sure وآنْ ثینگْ ایزْ فُرْ شُرْ یک چیز حتمی می باشد

615 your English has really improved since you arrived

یُرْ اینگلیشْ هَزْ ری یلی ایمپروودْ سینْسْ یو اَرآیوْدْ

از وقتی که شما آمدید تا حالا، انگلیسی شما واقعاً خوب شده است

616 you're kind یور کآینْد نَظرِ لُطف شما است

617 I think it has, too آیْ ثینکْ ایتْ هَزْ ، تو من فکر می کنم که همین طور است

618 I wonder how I'll keep it up فکر می کنم که چه طوری آن را به همین حالت، نگاه دارم

آیْ وآندر هآوْ آیلْ کیپْ ایتْ آپْ

619 with the money from your inheritance با پولی که از ارث به شما رسیده

ویتْ دِ مآنیْ فرآمْ یُرْ اینهریتِنْس

620 you'll be able to come back to the U.S as often as you like

یولْ بی ایبِلْ تو کآمْ بَکْ تو دِ یواِسْ اَز آفنْ اَز یو لآیکْ

شما قادر خواهید بود که هر وقت دوست داشته باشید به ایالات متحده برگردید

621 or go anywhere else in the world for that matter

اُر گُ انی ور اِلسْ اینْ دِ وِرلْد فُرْ دَتْ مَتِرْ

یا برای آن موضوع به هر جایی که در دنیا بخواهید بروید

622 have a safe trip home هَوْ ا سِیفْ تریپْ هُمْ سَفرِ خوبی به منزل داشته باشید

623 thank you. I will be back! تَنکْ یو. آیْ ویلْ بی بَکْ! متشکرم . بَرخواهم گشت !

New Words لغات جدید

idea	آیدیآ	عقیده - نظر
receipt	رسیتْ	رسید (برگه ی رسید)
items	آیتمز	اَقلام
to collect	تو کالِکتْ	جَمع کردن - گرد آوردن
in order to	اینْ اُردِر تو	به منظور
conditions	کاندیشِنْز	شَرایط
to deposit	تو دیپازیتْ	به حساب (بانکی) گذاشتن
to wait	تو ویتْ	مُنتظر ماندن
for sure	فُر شُر	مطمئناً
improved	ایمْ پورووْ	بهتر کردن - ارتقاء دادن
wonder	واندِر	تعجب کردن - فکر کردن
money	مآنی	پول
anywhere	انی ور	هر کجا
else	اِلسْ	دیگر
world	وُلد	جهان
matter	مَتِر	موضوع
safe	سِیفْ	اَمن

Ways to Pay راه های پرداخت



A. **pay** cash
نقد پرداخت کن



B. **use** a credit card
از کارت اعتبار استفاده کن



C. **use** a debit card
از کارت بدهکاری استفاده کن



D. **write** a (personal) check
چک (شخصی) را امضا کن



E. **use** a gift card
از کارت کادوای استفاده کن



F. **cash** a traveler's check
چک مسافرتی را خرد کن



Changing money

تبدیل کردن پول (چنج کردن)

624 hello. I'd like to change some money in to U.S currency, please

هِلُ. آیْد لآیکْ تو چِیْنج سآمْ مآنی اینْ تو یو.اِسْ کآرِنسی، پلیزْ

سلام. من مایل هستم (می خواهم) که مقداری پول را به پولِ رایجِ آمریکا، تبدیل کنم

625 certainly.do you have cash or traveler's checks?

سِرْتِنلی. دو یو هَوْ کَشْ اُر تِرَآوِلِرْز چِکْس؟

حتماً. آیا شما پول نقد دارید یا چک های مسافرتی؟

626 traveler's checks — تِرَآوِلِرْز چِکْس — چک های مسافرتی

627 here they are — هییِرْ دِیْ آر — بفرمایید آنها را بگیرید

628 may I see your passport, please? — ممکن است لطفاً پاسپورتتان را ببینم؟

مِیْ آیْ سی یُرْ پَسْپُرْتْ ، پلیزْ؟

629 of course — آفکُرْسْ — البته

630 let's see — لِتْس سی — اجازه دهید تا ببینم

631 that adds up to one thousand two hundred fifty dollars

دَتْ اَدز آپْ تو وآنْ تآزِنْد تو هآندِرِد فیفْتی دآلِرْز

جمع آن می شود ۱۲۵۰ دلار

632 would you like it in any special denomination?

وود یو (ووجْ یو) لآیکْ ایتْ اینْ انی سْپِشَل دِنآمینِیْشِنْ؟

آیا نوعِ بخصوصی از پول را می خواهید؟

633 I beg your pardon? — آیْ بِگْ یُرْ پآردِنْ؟ — ببخشید؟ (متوجه نمی شوم؟)

634 how would you like your money? — دوست دارید (می خواهید) پول شما چگونه باشد؟

هآوْ وُود یو لآیکْ یُرْ مآنیْ؟

635 in twenties, fifties, or hundred dollar bills

اینْ توانْتیزْ، فیفْتیزْ، اُر هاَنْدرِد داَلرْ بیلْزْ

در اسکناس های ۲۰ دُلاری، ۵۰ دُلاری یا یکصد دُلاری

636 a hundred dollars in twenties

صد دُلار را اسکناس ۲۰ تایی بدهید

اِ هاَنْدرِد داَلِرْز اینْ توانْتیزْ

637 and the rest in hundred dollar bills, Please

اَند دِ رِسْتْ اینْ هاَنْدرِد داَلِرْ بیلْزْ ، پیلیزْ

و مابقی را لطفاً اسکناس ۱۰۰ دُلاری (بدهید)

1. \$.01 = 1¢ a penny / 1 cent یک پنی / ۱ سنت	**3.** \$.10 = 10¢ a dime / 10 cents یک دایم / ۱۰ سنت	**5.** \$.50 = 50¢ a half dollar نصف دلار
2. \$.05 = 5¢ a nickel / 5 cents یک نیکل / ۵ سنت	**4.** \$.25 = 25¢ a quarter / 25 cents یک ربع / ۲۵ سنت	**6.** \$1.00 a dollar coin سکهٔ یک دلاری



A. **Get** change.
پول خرد بگیر.



B. **Borrow** money.
پول قرض بگیر.

C. **Lend** money.
پول قرض بده.



D. **Pay back** the money.
پول پس بده.

New Words لغات جدید

to change	تو چِینج	تبدیل کردن پول
currency	کارِنسی	پول رایج
certainly	سِرتِنلی	حتماً
to add up	تو اَد آپ	جمع بستن
thousand	تاوْزِند	هزار
fifty	فیفْتی	پنجاه
denomination	دِنامینِیشِن	نوع پول
the rest	دِ رِست	مابقی

Fractions and Decimals کسرها و اعشاریها



1. one whole
1 = 1.00
یک کامل

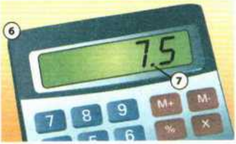
2. one half
1/2 = .5
یک دوم

3. one third
1/3 = .333
یک سوم

4. one fourth
1/4 = .25
یک چهارم

5. one eighth
1/8 = .125
یک هشتم

Percents درصدها





6. calculator
ماشین حساب

7. decimal point
ممیز

8. 100 percent
100 در صد

9. 75 percent
75 در صد

10. 50 percent
50 در صد

11. 25 percent
25 در صد

12. 10 percent
10 در صد

29  Learn English Rapidly

Public transportation

حمل و نقل عمومی



638 may I help you? — مِیْ آیْ هِلْپْ یو؟ — اجازه هست به شما کمک کنم؟

639 Yes. Thanks — یِسْ. تَنْکْسْ — بله. متشکرم

640 I'm staying at the Peachtree Plazza in town

آیْمْ سْتِیْ اینْگْ اَتْ دِ پیچْ تیری پلاَزْآ اینْ تاوْنْ

من در شهر در هُتلِ پیچ تیری پلازا (the Peachtree plaza) اقامت دارم

641 what's the best way to get there? — بهترین راه برای رسیدن به آنجا چیست؟

وآتْسْ دِ بِسْتْ وِیْ تو گِتْ دِر؟

642 you can take a cab, bus, limo or hotel shuttle

یو کَنْ تِیْکْ ا کَبْ، بَاسْ، لِمْ اُر هُتِلْ شاتِلْ

شما می توانید سوار تاکسی، اتوبوس، لمو یا ماشین مخصوص هُتل بشوید

643 what do you recommend? — وآتْ دو یو رِکامِنْد؟ — شما چی پیشنهاد می دهید؟

644 that depends — دَتْ دیپِنْدز — آن بستگی دارد

645 a cab is faster but more expensive — تاکسی سریع تر است، اما گران تر

ا کَبْ ایز فَسْتِرْ بَاتْ مُرْ اکْسْپِنْسیو

646 the bus is cheaper but a little slow — اتوبوس ارزان تر است، اما مقداری کُند

دِ بَاسْ ایز چیپِرْ بَاتْ ا لیتِلْ سْلُ

647 it would probably be a good idea — احتمالاً نظر خوبی است که

ایتْ وُود پرآبِلی بی ا گود آیْدیا

648 to take your hotel shuttle — سوار ماشین مخصوص هُتل خودتان بشوید

تو تِیْکْ یُرْ هُتِلْ شاتِلْ

649 all right — آلْ رآیْتْ — بسیار خوب

650 where do I catch it? — ور دو آیْ کَچْ ایتْ؟ — کجا آنرا سوار شوم؟

651 just go through those doors — فقط از میان آن درها رَد شوید

جاسْتْ گُ ثورو دُز دُرز

652 look for the shuttle sign — و به دنبال علامتِ ماشینِ هُتل، بگردید

لوکْ فُرْ دِ شاتِلْ سآینْ

653 when it comes,wave and the driver will pick you up

ونْ ایتْ کآمْزْ، وِیْوْ آند دِ درآیور ویلْ پیکْ یو آپْ

وقتی که آن می آید، دستتان را تکان دهید و راننده شما را سَوار خواهدکرد.

654 how much does it cost? — هآوْ مآچْ ویلْ ایتْ کآسْتْ؟ — هَزینه ی آن چقدر می شود؟

655 it's a courtesy shuttle, so it's free

ایتْسْ اِ کِرْتِسی شآتِلْ، سُ ایتْسْ فیری

آن ماشینِ هُتل (سرویس دهنده) است. بنابراین مجانی می باشد

656 you can tip the driver if you want — اگر شما بخواهید، می توانید به راننده، انعام بدهید

یو کَنْ تیپْ دِ درآیور ایفْ یو وآنْتْ

657 thank you for your help — تَنْکْ یو فُرْ یُرْ هِلْپْ — از کمک شما متشکرم



1. bus route
مسیر اتوبوس
2. fare
کرایه
3. rider
مسافر



4. subway 6ar
واگن مترو
5. platforn7
سکو
. turnstile
ورودی گردان
. vending machi
دستگاه فروش بلیت

New Words لغات جدید

the best	دِ بِسْتْ	بهترین
way	وِیْ	راه - مسیر
cab	کَبْ	تاکسی
to recommend	تو رِکامِنْد	توصیه کردن
faster	فَسْتِرْ	سریع تر
but	بَاتْ	اما
expensive	اِکْسْپِنْسیو	گران
cheaper	چیپِرْ	ارزان تر
slow	سْلُوْ	کُند - آرام
idea	آیْدیاَ	عقیده - نظر
to catch	تو کَچْ	گرفتن (رسیدن)
sign	سآیْنْ	عَلامت
to wave	تو وِیْوْ	(دست) تکان دادن
courtesy	کِرْتِسی	احترام
free	فِری	مجانی - آزاد
tip	تیپْ	انعام
if	ایفْ	اگر



1. **get into** the taxi
سوار تاکسی بشوید

2. **get out of** the taxi
از تاکسی پیاده بشوید

3. **run across** the street
از میان خیابان عبور کنید

4. **run around** the corner
از نبش با دویدن عبور کنید



Checking into a hotel

رزرو جا در هتل

658 welcome to the Peachtree Plazza

وِلکامْ تو دِ پیچْ تیری پلازآ

به هُتلِ پیچ تیری پلازا (the Peachtree Plazza) خوش آمدید

659 do you have a reservation? دو یو هَوْ اِ رِزِرویْشِنْ؟ آیا شما رزرو دارید؟

660 Yes, I do. I'll be staying for two or three days

یِسْ ، آیْ دو. آیلْ بی سْتِیْ اینْگْ فُرْ تو اُر ثیری دِیْزْ

بله، (رزرو) دارم. من به مدت ۲ یا ۳ روز خواهم ماند

661 are you here for business or pleasure?

آر یو هییرْ فُرْ بیزینِسْ اُر پیلیژِر؟

آیا شما برای تجارت به اینجا آمده اید یا برای تفریح؟

662 could you please speak more slowly? ممکن است لطفاً قدری آهسته تر صحبت کنید؟

کود یو (کوجْ یو) پیلیزْ سْپیکْ مُرْ سْلُلی؟

663 is this a business trip or just a vacation? آیا این یک سفر کاری است یا فقط یک تعطیلی؟

ایزْ دیسْ اِ بیزینِسْ تریپْ اُر جآسْتْ اِ وِکِیْشِنْ؟

664 both, actually بُثْ ، اَکْچوالی در حقیقت هر دو

665 my aunt died recently in Atlanta عَمه ی من اَخیراً در آتلانتا، فوت کرد

مآیْ آنتْ دآیْد ریسِنْتْلی اینْ آتلآنتا

666 I've come to take care of her estate من آمده ام تا مراقب اَموال او باشم

آیْوْ کامْ تو تِیکْ کِرْ آو هِرْ اِسْتِیْتْ

667 I'm sorry for your loss بخاطر اینکه او را از دست دادید، متأسف هستم

آیْمْ سآری فُرْ یُرْ لآسْ

668 we'll make your stay here as worry-free as possible

وِیل مِیک یُر سْتِی هییِر آز وُری-فیری آز پآسیبل

ما اقامت شما را در اینجا تا حد امکان بدون نگرانی می کنیم

669 thank you تَنک یو متشکرم

670 we have room 758 reserved for you ما اُتاقِ شماره ی ۷۵۸ را برای شما رِزرو کرده ایم

وی هَو روم سِوِن فیفتی اِیت ریزِروْد فُر یو

671 will you be paying with cash or a credit card?

ویل یو بی پِی اینگ ویت کَش اُر اِ کِردیت کآرد؟

با پول نقد یا کارت اعتباری می پردازید؟

672 a credit card اِ کِردیت کآرد کارت اعتباری

673 here it is هییِر ایت ایز بفرمایید بگیرید

674 what's the rate? وآتس دِ رِیت؟ نرخِ چقدر است؟ (کرایه چقدر است ؟)

675 one hundred and twenty-nine dollars per month هر ماه ۱۲۹ دُلار

وآن هآندرِد آند توانتی - نآین دآلِرز پِر مآنث

676 there's also a complimentary continental breakfast

دِرز آلسُ اِ کآم پیلیمِنتری کآنتینِنتآل بِرِکفِست

یک صبحانه ی اروپایی رایگان هم، وجود دارد

677 I need to make an imprint of your credit card

آی نید تو مِیک آن ایم پیرینت آو یُر کِردیت کآرد

لازم است که من کارت اعتباری شما را چِک کنم

678 how do I get to my room? هآو دو آی گِت تو مآی روم؟ چگونه به اتاقم بروم؟

679 take the elevator on the right to the seventh floor

تِیک دِ اِلِوِیتِر آن دِ رآیت تو دِ سِوِنث فلُر

سمت راست سوار آسانسور شوید تا طبقه هفتم

680 and turn to your left after you exit the elevator

آند تِرن تو یُر لِفت آفتِر یو اِگزیت دِ اِلِوِیتِر

و بعداز اینکه از آسانسور خارج شدید، به سمت چپ، بپیچید

681 the room will be on your right — اُتاق، سمتِ راست شما خواهد بود

دِ رومْ ویلْ بی آنْ یُرْ رآیْتْ

682 a bellman will bring up your bags — یک مُستخدم، کیف های شما را می آورد

اِ بِلْ مَنْ ویلْ بیرینگْ آپْ یُرْ بگْز



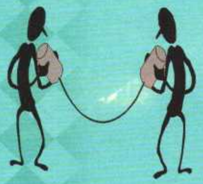
1. doorman
دربان
2. revolving door
در گردان
3. parking attendant
نگهبان پارکینگ
4. concierge
سرایدار
5. gift shop
مغازه هدیه
6. bell captain
سرپیش خدمت
7. bellhop
پیشخدمت
8. luggage cart
گاری چمدان
9. elevator
آسانسور
10. guest
مهمان
11. desk clerk
کارمند پیشخوان
12. front desk
پیش خوان



13. guest room
اتاق مهمان
14. double bed
تخت دونفره
15. king-size bed
تخت بزرگ
16. suite
سوئیت
17. room service
خدمات اتاق
18. hallway
راهرو
19. housekeeping cart
چرخ پیش خدمت
20. housekeeper
پیش خدمت

New Words لغات جدید

welcome	وِلکاَمْ	خوش آمدید
slowly	سْلُ لی	به کندی (به آرامی)
actually	اَکْچوالی	در حقیقت
recently	ریسِنْتْ لی	اَخیراً
loss	لاَسْ	فقدان - کمبود
worry	وُری	نگران - نگرانی
rate	رِیْتْ	نرخ - کرایه
twenty - nine	توانْتی - نآیْنْ	بیست و نه
complimentary	کاَمْپیلیمِنْتری	رایگان - اهدایی
continental	کاَنْتینِنْتاَلْ	قاره ای - اروپایی
breakfast	برِکْفِسْتْ	صبحانه
to need	تو نید	نیاز داشتن
elevator	اِلوِیْتِرْ	آسانسور
on the right	آنْ دِ رآیْتْ	سَمت راست
seventh	سِوِنْثْ	هفتم - هفتمین



Making a phone call

برقراری تماس تلفنی

683 how may I help you? هآوْ مِیْ آیْ هِلْپْ یو ؟ چه طور ممکن است که به شما کمک کنم؟

684 I'd like to make an international call, please

آیْد لآیْکْ تو مِیْکْ اَنْ اینْتِرْنَشْنالْ کاْلْ ، پیلیزْ

می خواهم یک تماسِ تلفنیِ بین المللی بگیرم

685 you can dial directly from your room if you like

یو کَنْ دآیِلْ دیرِکْتْلی فرآمْ یُرْ رُومْ ایفْ یو لآیکْ

اگر شما دوست دارید می توانید مستقیماً از اتاق خود تان شماره گیری کنید

686 I'm sorry آیْمْ سآری متأسف هستم. (ببخشید)

687 I don't understand what to do نمی دانم که چه کار کنم

آیْ دُنْتْ آندِرسْتَنْد وآتْ تو دو

688 just hang up. Then dial zero .one .one

جاسْتْ هَنْگْ آپْ . دِنْ دآیِلْ زیرُ . وآنْ . وآنْ

فقط گوشی را بگذارید. سپس شماره صفر. یک .یک را بگیرید

689 your country and city codes and your number

یُرْ کآنتری آند سیتی کُدز آند یُرْ نآمْبِرْ

کُد کشور و کُد شهر و شماره ی خودتان را (بگیرید)

690 O.K. thanks for your help اُکِیْ. تَنْکْسْ فُرْ یُرْ هِلْپْ بسیار خوب.از کمک شما متشکرم

691 you're welcome یور وِلْ کآمْ خواهش می کنم. (قابلی ندارد)

692 would you like to charge the call آیا شما دوست دارید که هزینه ی تلفن را به حساب

to your room or pay with a credit card? اتاق شما بنویسم یا با کارت اعتباری پرداخت می کنید؟

وُود (وُوجْ) یو لآیْکْ تو چآرجْ دِ کآلْ تو یُرْ رومْ اُر پِیْ ویتْ اِ کِردیتْ کآرد؟

693 to my room تو مآیْ رومْ به حساب اتاقم (بگذارید)

694 all right. I'll take care of it for you

آلْ رآیْتْ . آیلْ تِیکْ کِرْ آو ایتْ فُرْ یو

بسیار خوب.ترتیب آن را می دهم. (آن کار را انجام می دهم)

695 have a nice evening هَوْ اِ نآیْسْ ایوینینگْ عصر خوبی داشته باشید

New Words لغات جدید

international	اِینتِرْنَشْنآلْ	بین المللی
call	کآلْ	تماس (تلفنی)
to dial	تو دآیِلْ	شماره گرفتن
directly	دیرِکْتْ لی	بطور مستقیم
hang up	هَنْگْ آپْ	گوشی را بگذارید
zero	زیرُ	صفر

Making a Phone Call تلفن کردن



A. **Dial** the phone number.
شماره تلفن را بگیر.



B. **Press** "send".
"بفرست" را فشار بده.



C. **Talk** on the phone.
تلفنی حرف بزن.



D. **Hang up**. / **Press** "end".
قطعه تلفن / فشار روی دکمه "پایان" بده.

Making an Emergency Call زنگ اضطراری زدن



E. **Dial** 911.
شماره ۹۱۱ بگیر.



F. **Give** your name.
اسم خود را بده.



G. **State** the emergency.
وضع اضطراری را بگو.



H. **Stay** on the line.
پشت خط باش.

Renting a car

اجاره یک اتومبیل



696 I'd like to rent a car for several weeks

آیْد لایْکْ تو رِنْتْ اِ کار فُرْ سِوِرالْ ویکْس

من دوست دارم (می خواهم) یک ماشین به مدت چند هفته کرایه کنم

697 do you have a reservation? دو یو هَو اِ رِزِرویشِنْ؟ آیا شما رِزرو دارید؟

698 No, I don't نُ آیْ دُنْتْ نه، ندارم

699 all right. I'll see what we have available

آلْ رایْتْ. آیْلْ سی واتْ وی هَوْ اِوِیْلِبِلْ

بسیار خوب. ببینم که چه چیزهایی را موجود داریم

700 would you like a subcompact, compact, mid – sized or luxury car?

وُوجْ یو لایْکْ اِ سابْ کامْپَکْتْ، کامْپَکْتْ، مید-سایْزْد اُر لاکْسِری کار؟

آیا شما ماشین جا دار، کم جا، با اندازه ی کوچک یا ماشین مُجلل (شیک) می خواهید؟

701 I don't need much room آیْ دُنْتْ نید ماچْ رومْ من جای زیادی نمی خواهم

702 just good fuel economy and safety فقط ایمن باشد و از نظر سوخت، اقتصادی

جاسْتْ گود فیولْ اِکانُمی اَند سِیْفْتی

703 what do you recommend? شما چه چیزی را پیشنهاد می کنید؟

واتْ دو یو رِکامِنْد؟

704 I have a Chevrolet Caprice ready. Would that be all right?

آیْ هَوْ اِ شِوْرِلِتْ کَپرایْسْ رِدی. وُود دَتْ بی اُلْ رآیْتْ؟

من یک ماشین شورلت کپرایس آماده دارم.آیا آن مناسب است؟

705 fine.How much does it cost? خوب است. هزینه ی آن چقدر می شود؟

فایْنْ .هاوْ ماچْ داز ایتْ کاسْتْ؟

706 well. if you're renting for a week or more

وِلْ. ایفْ یور رِنْتینْگْ فُرْ ا ویکْ اُر مُرْ

خوب.اگر شما دارید برای مدت یک هفته یا بیشتر اجاره می کنید

707 I would recommend our unlimited mileage plan

آیْ وُود رِکاْمِنْد آوْر آنْلیمیتِد مآیْلِجْ پِلَنْ

من طَرح نامحدود مایلی را پیشنهاد می کنم

708 how does it work? هآوْ داز ایتْ وُرکْ؟ این طرح چگونه است؟

709 you pay a flat rate for the week شما یک نرخِ ثابتی را برای مدت یک هفته، می پردازید

یو پِیْ ا فِلَتْ رِیْتْ فُرْ دِ ویکْ

710 and you can drive as much as you want

آنْد یو کَنْ درآیْوْ اَز ماچْ اَز یو وآنْتْ

و شما می توانید هر چقدر که بخواهید، رانندگی کنید

711 you can also drop off the car شما همچنین می توانید ماشین را تحویل دهید

یو کَنْ آلْسُ درآپْ آفْ دِ کآرْ

712 at any of our agencies nationwide در هر (یک از) آژانس های سراسری ما

اَتْ انی آو آوْرْ ایْجِنْسیزْ نِیْشِنْ وآیْد

713 you'll start off with a full tank of gas شما با یک باک پُر از بنزین حرکت خواهید کرد

یولْ سْتآرتْ آفْ ویتْ ا فولْ تَنْکْ آو گَسْ

714 try to fill it up just before you drop off the car

ترآیْ تو فیلْ ایتْ آپْ جاسْتْ بیفُرْ یو درآپْ آفْ دِ کآرْ

سعی کنید که باک را پُر کنید درست قبل از اینکه ماشین را تحویل می دهید

715 because we charge more than a regular gas station

بیکآز وی چآرجْ مُرْ دَنْ ا ریگولآر گَسْ سْتِیْشِنْ

716 O.K. I'll take it. Where do I sign? زیرا ما بیشتر از پمب بنزینِ معمولی هزینه می گیریم

اُکِیْ. آیلْ تِیْکْ ایتْ. ور دو آیْ سآیْنْ؟

بسیار خوب. من آن را می خواهم.کجا را باید امضاء کنم؟

New Words لغات جدید

to rent	تو رِنْتْ	اجاره کردن
several	سِورآل	چندین
available	اوِیْلبل	موجود
subcompact	سآبْ کآمْپَکْتْ	جا دار - وسیع - بزرگ
compact	کآمْپَکْتْ	جَمع و جور - کوچک
mid- sized	مید - سآیْزْدْ	اندازه ی متوسط
luxury	لآکْشِری	شیک - مُجلّل
fuel	فیولْ	سوخت
economy	اکآنمی	اقتصادی - به صرفه
safety	سِیْفْتی	اَمن - ایمن
unlimited	آنلیمیتِد	نامحدود
flat rate	فلَتْ رِیْتْ	نرخِ ثابت
to drop off	تو درآپْ آفْ	تحویل دادن
nationwide	نِیْشِنْ وآیْدْ	سراسری
to start off	تو سْتآرتْ آفْ	عازم شدن
to fill up	تو فیلْ آپْ	پُر کردن
because	بیکآز	زیرا - چون
to sign	تو سآیْنْ	امضاء کردن



1. 4-door car / sedan
ماشین سواری ۴ در
2. 2-door car / coupe
ماشین ۲ در / کوپه
3. hybrid
دو سوخت
4. sports car
ماشین اسپورت
5. convertible
کروکی
6. station wagon
واگن استیشن
7. SUV (sport-utility vehicle)
اس یو وی (خودروی چند منظوره)
8. minivan
مینی ون

Asking for directions

پرسیدن مسیر



717 good morning. Can I help you?

صبح بخیر. اجازه هست کمکتان کنم؟

گود مُرنینگ . کَن آی هِلپ یو ؟

718 I'm trying to figure out the best way to get to Washington

آیم تِرآی اینگ تو فیگور آوت دِ بِست وِی تو گِت تو وآشینگتن

دارم سعی می کنم که بهترین مسیر به واشینگتن را پیدا کنم

719 are you driving or flying?

آر یو دِرآیوینگ اُر فلآی اینگ ؟

آیا با ماشین می روید یا با هواپیما ؟ (آیا شما دارید رانندگی می کنید یا پرواز؟)

720 I'm driving — آیم دِرآیوینگ — دارم رانندگی می کنم . (ماشین دارم)

721 my car's parked outside — مآی کآرز پآرکت آوت سآید — ماشینِ من بیرون پارک شده است

722 you have two options — یو هَو تو آپشنز — شما دو راهِ انتخاب دارید

723 the first is to take Interstate 85 north

دِ فِرست ایز تو تِیک اینترستِیت اِیتی فآیو نُرث

اولین(انتخاب این است که) به سمت شمال اینتراستیت ۸۵ بروید

724 through Georgia, South Carolina, North Carolina and Virginia

ثورو جُرجی یآ ، ثآوث کآرُلینآ ، نُرث کآرُلینا آند ویرجینی یآ

از جورجیا و جنوب کارولینا و شمال کارولینا و ویرجینیا بگذرید

725 what's the other option? — وآتس دی آدِر آپشن ؟ — انتخاب دیگری چیست؟

726 you could also take I-75 north through Georgia, into Tennessee

یو کود آلسُ تِیک آی- ۷۵ نُرث ثورو جُرجی یآ ، این تو تِنِسی

شما همچنین می توانید ۷۵- I را به سَمت شمال بروید و از جرجیا رَد شوید و وارد تنسی شوید

727 in Tennessee, you pick up I-81 which will take you into Virginia

اِنْ تِنِسیْ ، یو پیکْ آپْ آیْ-۸۱ ویچْ ویلْ تِیکْ یو اینْ تو ویرْجینی یا

در تِنسی I-۸۱ را بروید که شما را به ویرجینیا می برد

728 you then take I-66 to Washington

سپس I-۶۶ را به سَمت واشینگتن بروید

یو دِنْ تِیکْ آیْ-سیکْستی سیکْسْ تو وآشینْگْتِنْ

729 is there a difference in distance between the two?

ایزْ دِر اِ دیفِرِنْسْ این دیسْتَنْسْ بیتْوینْ دِ تو؟

آیا در فاصله فرقی هم بین این دوتا می باشد؟

730 I-85 is somewhat shorter, آیْ.اِیْتی فآیْوْ ایزْ سآمْ وآتْ شُرْتِرْ I-۸۵ قدری کوتاه تر است

731 but it's not as scenic بآتْ ایتْسْ نآتْ آز سینِکْ اما خیلی خوش مَنظره، نیست

732 and there is usually a lot more traffic

و معمولاً ترافیک زیادی هم دارد

آنْد دِر ایزْ یوژوالی اِ لآتْ مُرْ تِرَفیکْ

733 how do I pick up I-85 in Atlanta?

چطوری به I-۸۵ در آتلانتا بروم

هآوْ دو آیْ پیکْ آپْ آیْ - اِیْتی فآیْوْ اینْ آتلآنْتا ؟

734 just head north on the freeway until

فقط مستقیم به سمت شمال

you reach the I-285 (two eighty-five) beltway

درآزاد راه بروید تا به I-۲۸۵ برسید

جآسْتْ هِد نُرْثْ آنْ دِ فیری وِیْ آنْتیلْ یو ریچْ دِ آیْ - تو اِیْتی فآیْو بِلْتْوِیْ

735 then follow the signs دِنْ فآلُ دِ سآیْنْزْ سپس از تابلوها (علامت ها) پیروی کنید

736 by the way, do you have any information about the Washington D.C. area?

بآیْ دِ وِیْ ، دو یو هَوْ اِنی اینْفُرْمِیْشِنْ اِبآوْتْ دِ وآشینْگْتِنْ دی.سی. اِریِآ ؟

راستی،آیا شما اطلاعاتی درمورد منطقه ی واشینگتن دی . سی دارید؟

737 sure. Here's a packet of brochures

شُرْ. هیرْزْ اِ پَکِتْ آو بْرُشُرْزْ

حتماً.بفرمایید این هم یک (کتاب راهنمای کوچک) بسته، بروشور

738 do you need a hotel reservation?

آیا شما نیاز به رزرو هُتل دارید؟

دو یو نید اِ هُتِلْ رِزِرْوِیْشِنْ ؟

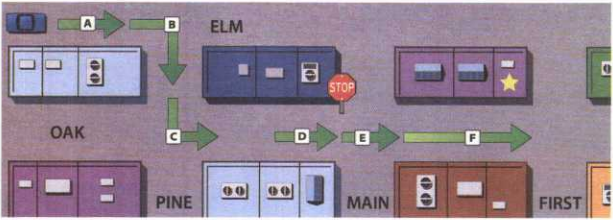
739 No. thanks. I've already made one

نه. متشکرم. قبلاً یکی رزرو کرده ام

نُ. تَنْکْسْ . آیْوْ آلْرِدی مِیْد وآنْ

New Words لغات جدید

to figure out	تو فیگور آوْتْ	فهمیدن - تشخیص دادن
to fly	تو فلآیْ	پرواز کردن
outside	آوْتْ سآیْد	بیرون
south	سَوْثْ	جنوب
north	نُرْثْ	شمال
difference	دیفرِنْس	فَرق - اختلاف
distance	دیسْتَنْس	فاصله
between	بیتْ وینْ	بین
somewhat	سآمْ وآتْ	تاحدی - قدری
shorter	شُرْتِرْ	کوتاه تر
free way	فیری وِیْ	بزرگ راه
information	اینْفُرْمیشِنْ	اطلاعات
area	اریآ	مَنطقه
packet	پَکِتْ	بَسته- کارتُن - پاکت
brochure	بْرُشُرْ	بروشور



A. **Go straight** on Elm Street.
در خیابان الم **مستقیم برو**.

B. **Turn right** on Pine Street.
در خیابان پاین **به راست بپیچ**.

C. **Turn left** on Oak Street.
در خیابان اوک **به چپ بپیچ**.

D. **Stop** at the corner.
در گوشه **بایست**.

E. **Go** past Main Street.
از خیابان اصلی رد **شو**.

F. **Go** one block to First Street.
به اندازه یک بلوک تا خیابان فرست **جلو برو**.

A flight to the West Coast



یک پرواز به وست کست

740 a ticket to San Francisco — یک بلیط به سانفرانسیسکو

اِ تیکِتْ تو سَنْ فِرَنسیسکُ

741 how many pieces of luggage will you be checking?

هآوْ مِنی پیسِزْ آو لاگِجْ ویلْ یو بی چِکینْگْ؟

چند تا چمدان را (برای تحویل دادن) چِک خواهید کرد؟

742 just two — جآسْتْ تو — فقط دوتا

743 may I have an aisle seat? — ممکن است لطفاً یک صندلی، کنارِ راهرو داشته باشم؟

مِیْ آیْ هَوْ اَنْ آیلْ سیتْ؟

744 Yes, seat 12-c in the coach section — بله. صندلی شماره ۱۲- c در قسمت گوشه

یِسْ ، سیتْ توالْوْ-سی اینْ دِ کُچْ سِکْشِنْ

745 you'll be boarding in about 30 minutes from gate 16

یولْ بی بُرْدینگْ اینْ اِبآوْتْ ثِرْتی مِنِسْ فِرآمْ گِیْتْ سیکْسْتینْ

شما حدوداً تا ۳۰ دقیقه دیگر از دَربِ شماره ی شانزده ، سَوار خواهیدشد

746 good morning. Can I offer you something to drink?

گود مُرْنینگْ . کَنْ آیْ آفِرْ یو سآمْ ثینگْ تو دیرینْکْ؟

صبح بخیر.اجازه هست چیزی برای نوشیدن پیشنهاد کنم؟

747 coffee, please. No cream or sugar — لطفاً قهوه . بدون خامه و شِکر

کآفیْ، پیلیزْ. نُ کیریمْ اُر شوگِرْ

748 today we'll be serving lunch — امروز ما ناهار، سرویس خواهیم داد

تودِیْ ویلْ بی سِروینگْ لآنچْ

749 how long will it take to get to San Francisco?

هاوْ لانگْ ویلْ ایتْ تِیکْ تو گِتْ تو سَنْ فِرَنسیسْکُ؟

چه مدت طول می کشد که به سانفرانسیسکو برسیم؟

750 about four hours اباوْتْ فُرْ آورز حدوداً ۴ ساعت

751 would you like a newspaper or magazine? آیا شما روزنامه می خواهید یا مجله؟

وُوجْ یو لایکْ اِ نیوزپیپِرْ اُر مگزینْ؟

752 No. thanks. I brought a book نه. متشکرم. من یک کتاب (همراه خود دارم) آوردم

نُ. تَنکسْ. آیْ بِراتْ اِ بُک (بوکْ)

753 it's all about U.S history همه آن، در مورد تاریخ ایالات مُتحده است

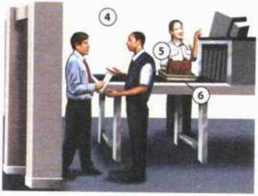
ایتْسْ آلْ اباوْتْ یو.اسْ هیسْتری

754 and it's fascinating! اَند ایتْسْ فَسینِیتینگْ! و آن خیلی جَذاب است

In the Airline Terminal در ترمینال هواپیمایی



At the Security Checkpoint
در محل بازرسی امنیتی

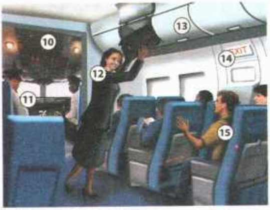


1. skycap
   حمال فرودگاهی
2. check-in kiosk
   کیوسک تحویل چمدان و بار
3. ticket agent
   مامور بلیط
4. screening area
   محل کنترل و بازدید
5. TSA* agent / security screener
   تی اس ای / مامور امنیتی
6. bin
   سینی

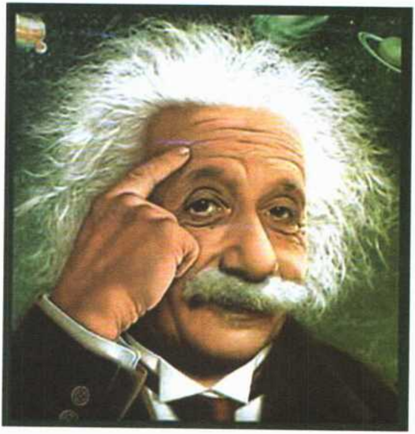
New Words لغات جدید

fascinating	فَسِنِیتِینگ	جالب
ticket	تیکِتْ	بلیط
piece	پیس	تکّه - قطعه
luggage	لاگیج	کیف - چمدان
aisle	آیِلْ	راهرو
seat	سیتْ	جا - صندلی
coach	کُچْ	گوشه - کنار
section	سِکْشِنْ	بخش
to board	تو بُرْدْ	سوار شدن - بارگیری کردن
gate	گِیتْ	دروازه - درب
coffee	کآفی	قهوه
cream	کیریمْ	خامه
sugar	شوگِرْ	شکر
newspaper	نیوزپِیپِرْ - نوز پِیپِر	روزنامه
magazine	مَگِزینْ	مَجلّه





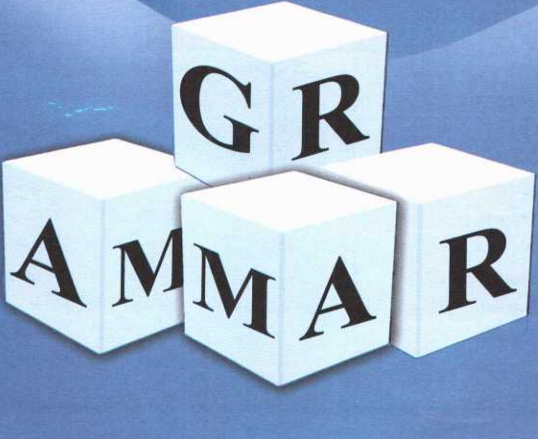
7. arrival and departure monitors
پرده های نمایش پرواز های ورودی و خروجی
8. gate
ورودی
9. boarding area
محل سوار شدن به هواپیما
10. cockpit
کابین خلبان
11. pilot
خلبان
12. flight attendant
مهماندار هواپیما
13. overhead compartment
قفسه های بالای سر
14. emergency exit
خروج اضطراری
15. passenger
مسافر



"The important thing is not to stop questioning.
Curiosity has its own reason for existing."

دستور زبان انگلیسی

بخش دوم



زمان حال ساده
Simple Present Tense

عملی را گویند که به صورت تکرار یا عادت صورت می گیرد. مثلاً :

I go to school everyday اوْریدی سْکول تو گُ آیْ من هر روز به مدرسه می روم

یکی ازعلامت های زمان حال ساده ، عبارت everyday (اوْریدی) به معنای هر روز می باشد.

every به معنای هر ، به همراه زمان می آید. مثلاً :

every morning	اوْری مُرنینْگ	هر روز صبح
every evening	اوْری ای وینینْگ	هر غروب
everyday	اوْریدی	هر روز
every week	اوْری ویکْ	هر هفته
every month	اوْری ماْنث	هر ماه
every year	اوْری یرْ	هر سال

طرز ساخت حال ساده مثبت

برای ساختن حال ساده در انگلیسی کافی است که فاعل یا ضمیر فاعلی را قبل از فعل قرار دهیم. مانند:

we go	وی گُ	ما می رویم
I go	آیْ گُ	من می روم
you go	یو گُ	شما می روید
you go	یو گُ	تو می روی
They go	دِیْ گُ	آنها می روند
We eat	وی ایتْ	ما می خوریم
I eat	آی ایتْ	من می خورم
You eat	یو ایتْ	شما می خورید
You eat	یو ایتْ	تو می خوری
They eat	دِیْ ایتْ	آنها می خورند

توجه۱ : اگر فاعل یا ضمیر فاعلی، سوم شخص مفرد باشد، در این صورت به فعل باید s یا es بدهیم. مانند:

He goes	هی گُز	او می رود
Ali goes	علی گُز	علی می رود
She goes	شی گُز	او می رود
Mina goes	مینا گُز	مینا می رود
He eats	هی ایتْس	او می خورد
Ali eats	علی ایتْس	علی می خورد
She eats	شی ایتْس	او می خورد
Mina eats	مینا ایتْس	مینا می خورد

توجه۲ : اَفعالی که به (x – z – s – sh – ch – o) ختم می شوند، در سوم شخص مفرد حال ساده es می گیرند (در صورتی که جمله ی ما، سؤالی یا منفی نباشد) . مانند:

He goes to school everyday	هی گُز تو سْکولْ اوریدیْ	او هر روز به مدرسه می رود
He teaches English	هی تیچِز اینْگلیش	او انگلیسی درس می دهد
He watches TV everyday	هی وآچِز تی.وی اوریدیْ	او هر روز تلویزیون تماشا می کند
He washes his car every week	هی وآشِز هیز کآر اوْری ویکْ	او هر هفته ماشینش را می شوید

توجه۳ : اگر در حال ساده سوم شخص مفرد ، فعل به y ختم شود وقبل از y حرف بی صدا باشد ، در این صورت باید y را به i تبدیل کرده و سپس es اضافه کنیم مانند: فعل study در مثال زیر

She studies English every day	شی سْتآدیز اینْگلیش اوْریدیْ	او هر روز انگلیسی مطالعه می کند

توجه۴ : اگر در حال ساده ی سوم شخص مفرد ، فعل به y ختم شود و قبل از y حرف صدا دار باشد در این صورت y تغییر نکرده وفقط s اضافه می شود . مانند: pray و play در مثال های زیر

He plays football	هی پلیْز فوتْبآل	او فوتبال بازی می کند
He prays in the mosque every morning	هی پریْز اینْ دِ مآسْکْ اوْری مُرْنینگْ	او هر روز صبح در مسجد نماز می خواند

طرز سؤالی کردن حال ساده

توجه۱ : برای سؤالی کردن جملات فارسی از آیا در اول جمله استفاده می کنیم اما در زبان انگلیسی برای سؤالی کردن نیاز به فعل کمکی مخصوص ـان زمان داریم.

مثلاً برای سؤالی کردن حال ساده، کافی است که فعل های کمکی **Do** یا **Does** را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله علامت سؤال قرار دهیم.

توجه۲ : **does** برای سوم شخص مفرد می باشد و **do** برای غیر سوم شخص مفرد. مانند :

Do we go?	دو وی گُ ؟	آیا ما می رویم ؟
Do I go?	دو آیْ گُ ؟	آیا من می روم ؟
Do you go?	دو یو گُ ؟	آیا شما می روید ؟
Do you go?	دو یو گُ ؟	آیا تو می روی ؟
Does he go?	دآز هی گُ ؟	آیا او می رود ؟
Does Ali go ?	دآز علی گُ ؟	آیا علی می رود ؟
Does Mina go?	دآز مینا گُ ؟	آیا مینا می رود ؟
Does she go?	دآز شی گُ ؟	آیا او می رود ؟

توجه۳ : درجملات سؤالی ، فعل سوم شخص مفرد، دیگر نیازی به **s** یا **es** ندارد .

طرز منفی کردن حال ساده

برای منفی کردن حال ساده ،کافی است فعل های کمکی **don't** یا **doesn't** را قبل از فعل بیاوریم.

توجه۱ : **doesn't** برای سوم شخص مفرد می باشد و **don't** برای غیر سوم شخص مفرد .مانند :

We don't go	وی دُنْتْ گُ	ما نمی رویم
I don't go	آیْ دُنْتْ گُ	من نمی روم
You don't go	یو دُنْتْ گُ	شما نمی روید
You don't go	یو دُنْتْ گُ	تو نمی روی
They don't go	دِیْ دُنْتْ گُ	آنها نمی روند
He doesn't go	هی دآزِنْتْ گُ	او نمی رود
Ali doesn't go	علی دآزِنْتْ گُ	علی نمی رود
She doesn't go	شی دآزِنْتْ گُ	او نمی رود
Mina doesn't go	مینا دآزِنْتْ گُ	مینا نمی رود

توجه۲ : در جملات منفی و یا سؤالی، فعل سوم شخص مفرد، نیازی به **s** یا **es** ندارد.

حالت فرمولی حال ساده

فرمول حال ساده به همراه مثال، در سه حالت سؤالی ، مثبت و منفی به شکل زیر می باشد

سؤالی ۱ : Do + فاعل غیر سوم شخص مفرد + فعل + ... ?

مثال ۱: Do دو they دِی go گُ ... ?

Do they go? دو دِی گُ ؟ آیا آن ها می روند ؟

سؤالی ۲ : Does + فاعل سوم شخص مفرد + فعل + ... ?

مثال ۲ : Does he go ... ?

Does he go? دآزْ هی گُ ؟ آیا او می رود؟

مثبت ۱ : فاعل غیر سوم شخص مفرد + فعل + ...

مثال ۱ : They go

They go دِی گُ آن ها می روند.

مثبت ۲ : فاعل سوم شخص مفرد + فعل + (es – s) + ...

مثال ۲ : He eats هی ایتْس او می خورد

مثال ۲ : He goes هی گُزْ او می رود

منفی ۱ : فاعل غیر سوم شخص مفرد + (do not – don't) + فعل + ...

مثال ۱ : They don't go

They don't go دِی دُنْتْ گُ آن ها نمی روند

منفی ۲ : فاعل سوم شخص مفرد + (does not – doesn't) + فعل + ...

مثال ۲ : He doesn't go

he doesn't go هی دآزِنْتْ گُ او نمی رود

برای یادگیری زبان انگلیسی شناختن زمان ها (حال . گذشته . آینده) و آشنایی بـا افعال ، ضَروری است. برای آشنا شدن با افعال باید بدانیم مَصدر چیست و چگونه تبدیل به فعل می شود ، چون فعل رُکنِ (پایه) اساسیِ جمله است.

تعریف مَصْدَرْ (Infinitive)

مصدر عَملی را گویند که زمان و شخص ندارد . مصدرها در زبان فارسی به دن یا تن خَتم می شوند.

مانند:

خوردن	تو ایتْ	to eat
رفتن	تو گُ	to go
نوشتن	تو رآیْتْ	to write
دیدن	تو سی	to see
بستن	تو کلُزْ	to close
صحبت کردن	تو سْپیکْ	to speak
باز کردن	تو اُپِنْ	to open

توجه : همان گونه که ملاحظه می کنید ، مصدرها در زبان انگلیسی با to آغاز می شوند .

طرز جمله سازی از مصدر

جملات اَمری : اگر بخواهیم به کسی یا کسانی دستور دهیم یا آنها را نصیحت کنیم یا از آنها تقاضایی کنیم. باید از جملات اَمری استفاده کنیم ، که به دو دسته تقسیم می شوند:

۱ - اَمر مثبت ۲ - اَمر منفی

فعل امر مثبت : اگر to را از اول مصدر حذف کنیم در این صورت فعل امر مثبت ساخته ایم که دارای دو معنی می باشد.

مصدر بدون to = امر مثبت

مانند :

رفتن	تو گُ	to go
برو	((امر به یک نفر))	go = گُ
بروید	((امر به بیشتر از یک نفر))	go = گُ
خوردن	تو ایت	to eat
بخور	((امر به یک نفر))	eat = ایتْ
بخورید	((امر به بیشتر از یک نفر))	eat = ایتْ
باز کردن	تو اُپِنْ	to open
باز کُن - باز کنید	اُپِنْ	open

to close	تو کلُز	بستن
close	کلُز	ببند - ببندید
to speak	تو سْپیک	صحبت کردن
speak	سْپیک	صحبت کن - صحبت کنید

فعل امر منفی: اگر to را از اول مصدر حذف کنیم و به جایش don't قرار دهیم، در این صورت امر منفی ساخته ایم با دو معنی. مانند:

مصدر بدون to + don't = امر منفی

to go	تو گُ		رفتن
don't go =	دُنْتْ گُ	((امر به یک نفر))	نرو
don't go =	دُنْتْ گُ	((امر به بیشتر از یک نفر))	نروید
to eat	تو ایت		خوردن
don't eat =	دُنْتْ ایتْ	((امر به یک نفر))	نخور
don't eat =	دُنْتْ ایتْ	((امر به بیشتر از یک نفر))	نخورید

to open	تو اُپن	باز کردن
don't open	دُنْتْ اُپن	باز نکن - باز نکنید
to close	تو کلُز	بستن
don't close	دُنْتْ	نبند - نبندید
to speak	تو سْپیک	صحبت کردن
don't speak	دُنْتْ سْپیک	صحبت نکن - صحبت نکنید

توجه ۱ : جملات امری نیازی به فاعل ندارند. (اگر بخواهیم بر فاعل تأکید کنیم ، می توانیم فاعل را هم بیاوریم)

You come here	یو کاَم هییر	شما بیایید اینجا

توجه ۲ : برای تأکید جملات امری از do استفاده می کنیم. مانند:

Call me	کاَلْ می	به من تلفن کن
Do call me	دو کاَلْ می	که در حالت تأکید می شود حتماً به من تلفن کن

توجه۳: عبارت **please** به معنای لطفاً از علامت فعل امر می باشد که در اول یا آخر جملات امری می آید . مانند :

Please open the door	پلیز اُپن د دُر	لطفاً آن در را باز کن
Open the door, please	اُپن د دُر ، پلیز	آن در را باز کن، لطفاً
Please don't write on the desk	پلیز دُنت رآیت آن د دِسک	لطفاً روی میز ننویس
Don't write on the desk, please	دُنت رآیت آن د دِسک ،پلیز	روی میز ننویس لطفاً

صرف مصدر to be در زمان حال

to be در زمان حال تبدیل می شود به **am - is - are**

am	اَم	هستم
is	ایز	هست
are	آر	هستی. هستیم. هستید. هستند

ترکیب **to be** با ضمایر فاعلی به شکل های زیر می باشد :

We are	وی آر	ما هستیم
You are	یو آر	شما هستید
You are	یو آر	تو هستی
They are	دِی آر	آنها هستند
I am	آی اَم	من هستم
He is	هی ایز	او هست
Ali is	علی ایز	علی هست
She is	شی ایز	او هست
Mina is	مینا ایز	مینا هست
It is	ایت ایز	آن هست
This is	دیس ایز	این هست
That is	دَت ایز	آن هست
We are teachers	وی آر تیچرز	ما معلم هستیم
I am a student	آی اَم ا سْتیودِنت	من یک دانش آموز هستم
He is a doctor	هی ایز ا داکتِر	او یک دکتر است
It is a book	ایت ایز ا بُک (بوک)	آن یک کتاب است

طرز سؤالی کردن to be در زمان حال

برای سؤالی کردن to be کافی است که are . is . am را به اول جمله بیاوریم . مانند :

Are we ... ?	آر وی ... ؟	آیا ما هستیم ... ؟
Are you ... ?	آر یو ... ؟	آیا شما هستید ... ؟
Are you ... ?	آر یو ... ؟	آیا تو هستی ... ؟
Are they ... ?	آر دِیْ ... ؟	آیا آنها هستند ... ؟
Am I ... ?	اَمْ آیْ ... ؟	آیا من هستم ... ؟
Is he ... ?	ایزْ هی ... ؟	آیا او هست ... ؟
Is she ... ?	ایزْ شی ... ؟	آیا او هست ... ؟
Is it ... ?	ایزْ ایتْ ... ؟	آیا آن هست ... ؟
Are we teachers?	آر وی تیچِرزْ ؟	آیا ما معلم هستیم ؟
Am I a student?	اَمْ آیْ اِ سْتیودِنْتْ ؟	آیا من یک دانش آموز هستم ؟
Is he a doctor?	ایزْ هی اِ داکْتِرْ ؟	آیا او یک دکتر است ؟
Is it a book?	ایزْ ایتْ اِ بُکْ (بوکْ) ؟	آیا آن یک کتاب است ؟

طرز منفی کردن to be در زمان حال

برای منفی کردن to be کافی است که یک not جلوی are . is . am قرار دهیم . مانند :

We are not	وی آر نَاتْ	ما نیستیم
You are not	یو آر نَاتْ	شما نیستید
You are not	یو آر نَاتْ	تو نیستی
They are not	دِیْ آر نَاتْ	آن ها نیستند
He is not	هی ایزْ نَاتْ	او نیست
She is not	شی ایزْ نَاتْ	او نیست
It is not	ایتْ ایزْ نَاتْ	آن نیست
We are not teachers	وِیْ آر نَاتْ تیچِرزْ	ما معلم نیستیم
I am not a student	آیْ اَمْ نَاتْ اِ سْتیودِنْتْ	من یک دانش آموز نیستم
He is not a doctor	هی ایزْ نَاتْ اِ داکْتِرْ	او یک دکتر نیست
It is not a book	ایتْ ایزْ نَاتْ اِ بُکْ (بوکْ)	آن یک کتاب نیست

حالت های مخفف to be

برای مخفف کردن to be کافی است که حرف اول am ، is ، are را به آپستُرف ' تبدیل کنیم.

الف) حالت مثبت :

am = 'm	I am = I'm	
I'm a student	آیم ا ستیودنت	من یک دانش آموز هستم
is = 's	he is = he 's	
He's a teacher	هیز ا تیچر	او یک معلم است
are = 're	you are = you're	
You're a doctor	یور ا داکتر	

ب) حالت منفی :

توجه : Am not حالت مُخفّف ندارد

am not = am not	I am not = I'm not	
I'm not a teacher	آیم نات ا تیچر	من معلم نیستم
is not = isn't	He is not = He isn't	
He isn't a student	هی ایزنت ا ستیودنت	او دانش آموز نیست
are not = aren't	You are not = You aren't	
You aren't a nurse	یو آرنت ا نرس	تو پرستار نیستی

مبحث there is و there are

there is به معنای وجود دارد یا هست می باشد که با اسم مفرد می آید و برای بیان بودن چیزی یا شخصی در مکانی به کار می رود. مانند:

There is a pen on the desk — یک خودکار روی میز تحریر(هست) وجود دارد.

در ایز ا پن آن د دسک

There is a red car in the street — یک ماشین قرمز در خیابان هست

در ایز ا رد کار این د ستیریت

There is an apple in the basket — یک سیب در سبد وجود دارد

در ایز آن اپل این د بسکت

توجه : برای سوالی کردن کافی است که is را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله علامت سوال بگذاریم.

مانند:

Is there a pen on the desk? — آیا یک خودکار روی میز تحریر (هست) وجود دارد؟

ایز در ا پن آن د دسک؟

Is there a red car in the street? — آیا یک ماشین قرمز در خیابان هست؟

ایزْ دِر اِ رِد کآر اینْ دِ سْتیریتْ ؟

Is there an apple in the basket? — آیا یک سیب در سبد وجود دارد؟

ایزْ دِر آن آپل این دِ بَسْکتْ ؟

توجه۱ : برای منفی کردن کافی است که یک **not** به **is** اضافه کنیم.

توجه۲ : **There is not = There isn't** به معنای وجود **ندارد** یا **نیست** ، می باشد

There is not a pen on the desk — یک خودکار روی میز تحریر(نیست) وجود ندارد.

دِر ایزْ نآتْ اِ پِنْ آنْ دِ دِسْکْ

There isn't an apple in the basket — یک سیب در سبد وجود ندارد

دِر ایزِنْتْ آن آپل این دِ بَسْکتْ

There isn't a red car in the street — یک ماشین قرمز در خیابان نیست

دِر ایزِنْتْ اِ رِد کآر اینْ دِ سْتیریتْ

There are به معنای **وجود دارند** یا **هستند** می باشد که با اسم جمع قابل شمارش می آید و برای بیان بودن چیزها یا اشخاص در مکانی به کار می رود. مانند:

توجه : در زبان فارسی ما در بسیاری از موارد برای اشیاء از فعل های مفرد استفاده می کنیم. یعنی در اینجا به جای وجود دارند از وجود دارد و به جای هستند از هست ، استفاده می کنیم.

There are ten pens on the desk — ده خودکار روی میز تحریر(هست) وجود دارد.

دِر آر تِن پِنْزْ آنْ دِ دِسْکْ

There are two red cars in the street — دو ماشین قرمز در خیابان هست

دِر آر تو رِد کآرز اینْ دِ سْتیریتْ

There are many apples in the basket — تعداد زیادی سیب در سبد وجود دارد

دِر آر مِنی اَپِلْزْ این دِ بَسْکتْ

توجه : برای سوالی کردن کافی است که **are** را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله علامت سوال بگذاریم. مانند:

Are there ten pens on the desk? — آیا ده خودکار روی میز تحریر(هست) وجود دارد؟

آر دِر تِن پِنْزْ آنْ دِ دِسْکْ ؟

Are there two red cars in the street? — آیا دو ماشین قرمز در خیابان هست؟

آر دِر تو رِد کارز اینْ دِ سْتریتْ؟

Are there many apples in the basket? — آیا تعداد زیادی سیب در سبد وجود دارد؟

آر دِر مِنی اَپلْزْ این دِ بَسْکتْ؟

توجه۱: برای منفی کردن کافی است که یک **not** به **are** اضافه کنیم. مانند:

توجه۲: **There aren't** = **There are not** به معنای وجود ندارند یا نیستند ، می باشد

There are not ten pens on the desk — ده خودکار روی میز تحریر(نیست) وجود ندارد.

دِر آر نَاتْ تِن پِنزْ آنْ دِ دِسْکْ

There aren't two red cars in the street — دو ماشین قرمز در خیابان نیست

دِر آرِنْتْ تو رِد کارز اینْ دِ سْتریتْ

There aren't many apples in the basket — تعداد زیادی سیب در سبد وجود ندارد

دِر آرِنْتْ مِنی اَپلْزْ این دِ بَسْکتْ

توجه: در پاسخ دادن به اینگونه سوالات ، از همان **there** استفاده می کنیم. مانند:

توجه: پاسخ اول ، کوتاه و پاسخ دوم، بلند می باشد.

Is there an apple in the basket? — آیا یک سیب در سبد وجود دارد؟

ایزْ دِر اَن اَپل این دِ بَسْکتْ؟

Yes, there is. — یِسْ دِر ایزْ. — بله وجود دارد.

There is an apple in the basket. — یک سیب در سبد وجود دارد.

دِر ایزْ اَن اَپل این دِ بَسْکتْ

Are there many apples in the basket? — آیا تعداد زیادی سیب در سبد وجود دارد؟

آر دِر مِنی اَپلْزْ این دِ بَسْکتْ؟

Yes, there are. — یِسْ دِر آر. — بله وجود دارد.

There are many apples in the basket. — تعداد زیادی سیب در سبد وجود دارد.

دِر آر مِنی اَپلْزْ این دِ بَسْکتْ

Is there a red car in the street? — آیا یک ماشین قرمز در خیابان هست؟

ایزْ دِر اِ رِد کآر اینْ دِ سْتیریتْ؟

No, there isn't. — نُ دِر ایزِنْتْ. — نه. نیست.

There isn't a red car in the street — یک ماشین قرمز در خیابان نیست.

دِر ایزِنْتْ اِ رِد کآر اینْ دِ سْتیریتْ

Are there two red cars in the street? — آیا دو ماشین قرمز در خیابان هست؟

آر دِر تو رِد کآرز اینْ دِ سْتیریتْ؟

No,there aren't. — نُ دِر آرِنْتْ. — نه. نیست.

There aren't two red cars in the street. — دو ماشین قرمز در خیابان نیست

دِر آرِنْتْ تو رِد کآرز اینْ دِ سْتیریتْ

توجه : در جواب های منفی کوتاه از حالت مخفف استفاده کنید.

توجه بسیار مهم : برای گذشته کردن کافی است که **is** را به **was** و **are** را به **were** تبدیل کرد.

(لطفاً به گذشته ی **to be** مراجعه کنید)

زمان حال استمراری
Present continuous tense

عَملی را گویند که در هنگام صحبت کردن در حال انجام شدن است یعنی از عملی صحبت می کند که هم اکنون در حال انجام است به همین دلیل به آن حال واقعی نیز می گویند. حال استمراری دارای دو فعل می باشد، یکی فعل کمکی ثابت **to be** و دیگری فعلی که درحال انجام شدن است و با توجه به منظور جمله، متغییر می باشد.

توجه : **to be** در زمان حال استمراری همان **am** . **is** . **are** می باشند که فعل های کمکیِ حالِ استمراری هستند .

طرز ساخت حال استمراری طبق فرمول

فرمول : فاعل + (am – is – are) + فعل + ing + ... + now

توجه۱ : در این فرمول **ing** به معنای درحال یا مشغول ، می باشد .

توجه۲ : **now** به معنای (حالا – الان – اکنون) می تواند در آخر جملات حال استمراری بیاید.

به نمونه های زیر دقت کنید

I am going to school now — آیْ اَمْ گُ اینگْ تو سْکولْ ناوْ

اکنون در حال رفتن به مدرسه هستم. (حالا دارم به مدرسه می روم)

He is going to school now — هی ایزْ گُ اینگْ تو سْکولْ ناوْ

او اکنون در حال رفتن به مدرسه است. (او حالا دارد به مدرسه می رود)

They are going to school now — دیْ آر گُ اینگْ تو سْکولْ ناوْ

آن ها حالا در حال رفتن به مدرسه هـ... (آن ها حالا دارند به مدرسه می روند)

طرز سؤالی کردن حال استمراری طبق فرمول

فرمول : (am . is . are) + فاعل + فعل ing + ... + (now) ?

توجه : برای سؤالی کردن حال استمراری کافی است که فعل های کمکی (am . is . are) را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله ، علامت سؤال قرار دهیم . مانند :

Am I going to school now? — اَمْ آیْ گُ اینگْ تو سْکولْ ناوْ؟

آیا حالا درحال رفتن به مدرسه هستم؟ (آیا حالا دارم به مدرسه می روم ؟)

Is he going to school now? — ایزْ هی گُ اینگْ تو سْکولْ ناوْ؟

آیا او حالا درحال رفتن به مدرسه است؟ (آیا حالا دارد به مدرسه می ررود ؟)

Are they going to school now? — آر دیْ گُ اینگْ تو سْکولْ ناوْ؟

آیا آن ها حالا در حال رفتن به مدرسه هستند ؟ (آیا آن ها حالا دارند به مدرسه می روند ؟)

طرز منفی کردن حال استمرای طبق فرمول

فرمول : فاعل + (am . is . are) + not + فعل ing + ... (now)

توجه : برای منفی کردن حال استمراری کافی است که not را جلوی فعل های کمکی (are . is . am) قرار دهیم ، مانند :

I am not going to school now — من حالا در حال رفتن به مدرسه نیستم

آیْ اَمْ نَاتْ گُ اینگْ تو سْکولْ ناوْ

He is not going to school now — او حالا در حال رفتن به مدرسه نیست

هی ایزْ نَاتْ گُ اینگْ تو سْکولْ ناوْ

They are not going to school now — آنها حالا در حال رفتن به مدرسه نیستند

دیْ آر نَاتْ گُ اینگْ تو سْکولْ ناوْ

توجه مهم : هنگام اضافه کردن **ing** به آخر بعضی از افعال ،تغییراتی صورت می گیردکه باید به آنها دقت کرد. افعالی که به یک **e** ختم می شوند در هنگام اضافه کردن **ing** باید **e** را حذف کنیم . مانند :

come + ing →	coming	کامینگ	در حال آمدن
have + ing →	having	هَوینگ	درحال خوردن
make + ing →	making	میکینگ	در حال درست کردن - در حال ساختن
write + ing →	writing	رآیتینگ	در حال نوشتن

توجه : **be** در اینجا استثناء دارد و درسنگام اضافه کردن **ing** حذف نمی شود. (being)

کلیه افعال یک بخشی یا دو بخشی که حرف آخرشان بی صدا باشد و حرف ما قبل آخر یک صدا دار باشد، در هنگام اضافه کردن **ing** حرف بی صدای آخر دو بار تکـرار می شود . لطفاً فعل های زیر را حفظ

put on + ing →	putting on	پوتینگ آنْ	در حال پوشیدن
sit + ing →	sitting	سیتینگ	در حال نشستن (نشسته)
get up + ing →	getting up	گتینگ آپ	در حال بیدار شدن
swim + ing →	swimming	سوایمینگ	در حال شنا کردن
run + ing →	running	رآنینگ	در حال دویدن

توجه : اگر حرف آخر بی صدا و قبل از آن دو حرف صدا دار باشد در اینصورت حرف بی صدای آخر تکرار نمی شود. مانند: در حال خوردن ایتینگ eat + ing = eating

توجه : اگرچه در کلمات زیر، حرف آخر بیصدا است و حرف ماقبل از آخر یک حرف صدادار دارد اما چون استرس (فشار صوتی) در بخش اول می باشد به همین جهت حرف بیصدای آخر ، تکرار نمی شود.

لطفاً افعال زیر را به خاطر بسپارید.

open	اُپِنْ	بازکردن
listen	لیسِنْ	گوش دادن
answer	آنسِرْ	جواب دادن
happen	هَپِنْ	اتفاق افتادن
limit	لیمیتْ	محدود کردن
cover	کاوِر	پوشاندن

مانند:

open + ing = opening اُپنینگ در حال بازکردن

صرف to be در زمان گذشته

برای صرف to be در زمان گذشته از فعل های کمکی was (واز) و were (ور) استفاده می کنیم

Was	وآز	بودم ، بود
were	ور	بودی، بودیم، بودید،بودند
I was	آیْ وآز	من بودم
He was	هی وآز	او بود
We were	وی ور	ما بودیم
You were	یو ور	شما بودید
You were	یو ور	تو بودی
They were	دیْ ور	آنها بودند

مانند جملات زیر:

I was at home yesterday	آیْ وآز اَتْ هُمْ یِسْتِرْدِیْ	من دیروز در منزل بودم
He was absent last week	هی وآز اَبْسِنْتْ لَسْتْ ویکْ	او هفته گذشته غایب بود

طرز سؤالی کردن to be در زمان گذشته

برای سؤالی کرد ن to be در زمان گذشته کافی است که was و were را به اول جمله بیاوریم

Was I ... ?	وآز آیْ ... ؟	آیا من بودم ... ؟
Was he ... ?	وآز هی ... ؟	آیا او بود ... ؟
Were we ... ?	ور وی ... ؟	آیا ما بودیم ... ؟
Were you ...?	ور یو ... ؟	آیا شما بودید ... ؟
Were you ... ?	ور یو ... ؟	آیا تو بودی ... ؟
Were they ...?	ور دیْ ... ؟	آیا آنها بودند ... ؟

مانند جملات زیر:

Was I at home yesterday? — آیا من دیروز در منزل بودم؟

وآز آیْ اَتْ هُمْ یِسْتِرْدِیْ؟

Was he absent lastweek? — آیا او هفته گذشته غایب بود؟

وآز هی اَبْسِنْتْ لَسْتْ ویکْ؟

Were you present yesterday? — ور یو پِرِزِنْتْ یِسْتِرْدِیْ؟ — آیا تو دیروز حاضر بودی؟

طرز منفی کردن to be در زمان گذشته

برای منفی کردن **to be** کافی است که یک **not** جلوی **was** یا **were** قرار دهیم.

مانند : (**were not = weren't** **was not = wasn't**)

من نبودم	آیْ وآزِنْتْ	I wasn't	←	آیْ وآز ناتْ	I was not
او نبود	هی وآزِنْتْ	He wasn't	←	هی وآز ناتْ	He was not
ما نبودیم	وی ورِنْتْ	We weren't	←	وی ور ناتْ	We were not
شما نبودید	یو ورِنْتْ	You weren't	←	یو ور ناتْ	You were not
تو نبودی	یو ورِنْتْ	You weren't	←	یو ور ناتْ	You were not
آن ها نبودند	دِیْ ورِنْتْ	They weren't	←	دِیْ ور ناتْ	They were not

مانند جملات زیر:

من دیروز در منزل نبودم

I wasn't at home yesterday

آیْ وآزِنْتْ اَتْ هُمْ یِسْتِرْدِیْ

او هفته ی گذشته غایب نبود

He wasn't absent last week

هی وآزِنْتْ اَبِسِنْتْ لَسْتْ ویکْ

آن ها دیروز حاضر نبودند

They weren't present yesterday

دِیْ ورِنْتْ پرِزِنْتْ یِسْتِرْدِیْ

توجه : در زمان گذشته از قیدهای زمان گذشته ی زیر استفاده می شود

دیروز	یِسْتِرْدِیْ	yesterday

عدد + زمان + ago

دو روز قبل	تو دِیْز اَگُ	two days ago
پنج هفته ی پیش	فآیو ویکْسْ اَگُ	five weeks ago

last + زمان

هفته ی گذشته	لَسْتْ ویکْ	last week
سال گذشته	لَسْتْ یِر	last year
ماه گذشته	لَسْتْ مآنْتْ	last month

توجه۱ : **ago** به معنای **قبل** یا **پیش** می باشد

توجه۲ : **last** به معنای **گذشته** می باشد

صرف مصدر **to have** در زمان حال

صرف مصدر **to have** به معنای داشتن:

We have	وی هَوْ	ما داریم
I have	آیْ هَوْ	من دارم
You have	یو هَوْ	شما دارید
You have	یو هَوْ	تو داری
They have	دِیْ هَوْ	آنها دارند
He	هی هَزْ	او دارد
She has	شی هَزْ	او دارد
It has	ایت هَزْ	آن دارد- این دارد

به جملات زیر دقت کنید.

We have a house	وی هَوْ ا هاَوْسْ	ما یک خانه داریم
I have a car	آیْ هَوْ ا کاَرْ	من یک ماشین دارم
You have ten maps	یو هَوْ تِنْ مَپْسْ	شما ده تا نقشه دارید
You have a pen	یو هَوْ ا پِنْ	تو یک خودکار داری
They have many pens	دِیْ هَوْ مِنی پِنْزْ	آنها تعداد زیادی خودکار دارند
He has a ball	هی هَزْ ا بآلْ	او یک توپ دارد
She has a scarf	شی هَزْ ا سْکآرفْ	او یک روسری دارد

توجه ۱: برای سوالی کردن می توانیم **have** یا **has** را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله علامت سوال بگذاریم. مانند:

Have we a house?	هَوْ وی ا هاَوْسْ؟	آیا ما یک خانه داریم؟
Have I a car?	هَوْ آیْ ا کاَرْ؟	آیا من یک ماشین دارم؟
Have you ten maps?	هَوْ یو تِنْ مَپْسْ؟	آیا شما ده تا نقشه دارید؟
Have you a pen?	هَوْ یو ا پِنْ؟	آیا تو یک خودکار داری؟
Have they many pens?	هَوْ دِیْ مِنی پِنْزْ؟	آیا آنها تعداد زیادی خودکار دارند؟
Has he a ball?	هَزْ هی ا بآلْ؟	آیا او یک توپ دارد؟
Has she a scarf?	هَزْ شی ا سْکآرفْ؟	آیا او یک روسری دارد؟

توجه۲ : برای منفی کردن کافی است که یک **not** به **have** یا **has** اضافه کنیم. مانند:

We have not a house	وی هَو نات اِ هاوْس	ما خانه نداریم
I have not a car	آیْ هَو ناتْ اِ کار	من ماشین ندارم
You have not ten maps	یو هَو ناتْ تِنْ مَپْس	شما ده تا نقشه ندارید
You have not a pen	یو هَو ناتْ اِ پِنْ	تو خودکار نداری
They have not many pens	دِیْ هَو ناتْ مِنی پِنْز	آنها تعداد زیادی خودکار ندارند
He has not a ball	هی هَزْ ناتْ اِ بال	او توپ ندارد
She has not a scarf	شی هَزْ ناتْ اِ سْکارف	او روسری ندارد

توجه۳ : حالت مخفف **haven't** = **have not** و **hasn't** = **has not** می باشد.

توجه۴ : **have** دارای پنج معنی می باشد. (دارم - داری - داریم - دارید - دارند)

توجه۵ : **has** دارای یک معنی می باشد. (دارد)

توجه۶ : البته می توان برای سوالی کردن **to have** در زمان حال از **do** یا **does** و در زمان گذشته از **did** استفاده کرد. مانند:

Do we have a house?	دو وی هَو اِ هاوْس؟	آیا ما یک خانه داریم؟
Do I have a car?	دو آیْ هَو اِ کار؟	آیا من یک ماشین دارم؟
Do you have ten maps?	دو یو هَو تِنْ مَپْس؟	آیا شما ده تا نقشه دارید؟
Do you have a pen?	دو یو هَو اِ پِنْ؟	آیا تو یک خودکار داری؟
Do they have many pens?	دو دِیْ هَو مِنی پِنْز؟	آیا آنها تعداد زیادی خودکار دارند؟
Does he have a ball?	دآز هی هَو اِ بال؟	آیا او یک توپ دارد؟
Does she have a scarf?	دآز شی هَو اِ سْکارف؟	آیا او یک روسری دارد؟

توجه۷ : از **does** برای سوم شخص مفرد استفاده می کنیم.

نکته ی مهم : در سوالی با **does** باید **has** را به **have** تبدیل کنیم.

توجه۸ : برای منفی کردن نیز می توان از **don't** یا **doesn't** برای زمان حال و از **didn't** برای زمان گذشته استفاده کرد. مانند:

We don't have a house	وی دُنْتْ هَوْ اِ هاوْس	ما خانه نداریم
I don't have a car	آیْ دُنْتْ هَوْ اِ کارْ	من ماشین ندارم
You don't have ten maps	یو دُنْتْ هَوْ تِنْ مَپْس	شما ده تا نقشه ندارید
You don't have a pen	یو دُنْتْ هَوْ اِ پِنْ	تو خودکار نداری
They don't have many pens	دِیْ دُنْتْ هَوْ مِنی پِنْز	آنها تعداد زیادی خودکار ندارند
He doesn't have a ball	هی دازِنْتْ هَوْ اِ بالْ	او توپ ندارد
She doesn't have a scarf	شی دازِنْتْ هَوْ اِ سْکارْفْ	او روسری ندارد

توجه۹ : در حالت منفی با doesn't باید has را به have تبدیل کنیم.

توجه۱۰ : برای سوالی کردن do یا does را به اول جمله می آوریم و برای منفی کردن don't یا doesn't را قبل از فعل قرار می دهیم.

لطفاً برای درک بیشتر این موضوع به زمان حال ساده و طریقه ی سوالی و منفی کردن آن مراجعه کنید.

زمان گذشته ی استمراری
past continuous tense

عملی را گویند که در زمان گذشته به طور استمرار انجام شده است یعنی عملی که در زمان گذشته در هنگام گفتن در حال انجام شدن بوده .گذشته ی استمراری دارای دو فعل می باشد . یکی فعل ثابت to be و دیگری فعلی که در حال انجام شدن بوده ((انجام می شده)) و با توجه به منظور جمله، متغیر می باشد.

توجه : to be در زمان گذشته ی استمراری ، همان was و were می باشد که فعل های کمکی زمان گذشته ی استمراری هستند.

طرز ساخت گذشته ی استمراری طبق فرمول

فرمول : فاعل + was / were + فعل ing + ...

توجه۱ : در این فرمول ing به معنای درحال یا مشغول می باشد.

توجه۲ : was به معنای (بودم - بود) و were به معنای (بودی - بودیم - بودید - بودند) می باشد . مثال :

I was going to school — آیْ واَزْ گُ اینگْ تو سْکول

من در حال رفتن به مدرسه بودم . (داشتم به مدرسه می رفتم)

He was going to school — هی واَز گُ اینگْ تو سْکول

او در حال رفتن به مدرسه بود . (داشت به مدرسه می رفت)

They were going to school — دیْ وِر گُ اینگْ تو سْکول

آنها در حال رفتن به مدرسه بودند. (داشتند به مدرسه می رفتند)

طرز سؤالی کردن گذشته ی استمراری طبق فرمول

فرمول : (was / were) + فاعل + فعل ing + ... ?

توجه : برای سؤالی کردن گذشته ی استمراری کافی است که فعل های کمکی **was** و **were** را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله علامت سؤال قرار دهیم . مانند :

Was I going to school? — واَز آیْ گُ اینگْ تو سْکول؟

آیا من در حال رفتن به مدرسه بودم ؟ (آیا داشتم به مدرسه می رفتم؟)

Was he going to school? — واَز هی گُ اینگْ تو سْکول؟

آیا او در حال رفتن به مدرسه بود ؟ (آیا او داشت به مدرسه می رفت؟)

Were they going to school? — وِر دیْ گُ اینگْ تو سْکول؟

آیا آن ها درحال رفتن به مدرسه بودند؟ (آیا داشتند به مدرسه می رفتند؟)

طرز منفی کردن گذشته ی استمراری طبق فرمول

فرمول : فاعل + (was not / were not) + فعل ing + ...

توجه : برای منفی کردن گذشته ی استمراری کافی است که **not** را جلوی فعل های کمکی **was** و **were** قرار دهیم. مانند:

I wasn't going to school — من در حال رفتن به مدرسه نبودم

آیْ واَزْنْتْ گُ اینگْ تو سْکول

He wasn't going to school — و در حال رفتن به مدرسه نبود

هی واَزْنْتْ گُ اینگْ تو سْکول

They weren't going to school — آن ها در حال رفتن به مدرسه نبودند

دیْ وِرنْتْ گُ اینگْ تو سْکول

توجه مهم : (چه موقع فعل را بصورت گذشته ی استمراری می آوریم؟) هرگاه بخواهیم زمان وقوع کاری را در زمان گذشته که معمولاً با حرف اضافه at بیان می شود را بگوییم . آن را بصورت گذشته ی استمراری می آوریم . مانند:

I was studying English — دیروز در این موقع ، مشغول مطالعه کردن انگلیسی بودم

at this time yesterday — (دیروز همین موقع ، داشتم انگلیسی مطالعه می کردم)

آیْ واز سْتادینگْ اینگلیشْ اَتْ دیس تآیْمْ یِسْتِرْدِیْ

They were playing football — دیشب ساعت ۱۰ آن ها در حال بازی کردن فوتبال بودند

at 10 o'clock last night — (دیشب ساعت ۱۰ داشتند فوتبال بازی می کردند)

دِیْ وِر پلِیْ اینگْ فوتْبآلْ اَتْ تِنْ اُکْلاکْ لَسْتْ نآیتْ

زمان گذشته ی ساده
Simple past tense

عملی را گویند که در زمان گذشته صورت گرفته و در همان زمان به پایان رسیده است . مثلاً :

They played football yesterday — آن ها دیروز فوتبال بازی کردند

دِیْ پلِیْد فوتبآلْ یِسْتِرْدِیْ

I saw Ali yesterday — آیْ سآ علی یِسْتِرْدِیْ — من دیروز علی را دیدم

توجه : دوستان عزیز، برای دَرک گذشته ی ساده بهتر است که ابتدا حالت سؤالی و سپس حالت منفی آن را بخوانید و در آخر، حالت مثبت آن را یاد بگیرید

طرز ساخت سؤالی گذشته ی ساده طبق فرمول

فرمول : Did + فاعل + فعل ساده + ... ?

مثال : Did دید you یو see سی آیا تو دیدی؟

مانند:

Did he see ? — دید هی سی ؟ — آیا او دید ...؟

Did you tell her anything? — آیا همه چیز را به او گفتی؟

دید یو تِلْ هِرْ اِنیثینگْ ؟

Did Mina help you? — دید مینا هِلْپْ یو؟ — آیا مینا به تو کمک کرد؟

لطفاً نمونه های مرتب شده ی زیر را تمرین کنید.

Did we play football ?	دید وی پلِیْ فوتبآلْ ؟	آیا ما فوتبال بازی کردیم ؟
Did I play football ?	دید آیْ پلِیْ فوتبآلْ ؟	آیا من فوتبال بازی کردم ؟
Did you play football ?	دید یو پلِیْ فوتبآلْ ؟	آیا شما فوتبال بازی کردید؟
Did you play football ?	دید یو پلِیْ فوتبآلْ ؟	آیا تو فوتبال بازی کردی ؟
Did they play football ?	دید دِیْ پلِیْ فوتبآلْ ؟	آیا آنها فوتبال بازی کردند ؟
Did he play football ?	دید هی پلِیْ فوتبآلْ ؟	آیا او فوتبال بازی کرد ؟
Did Ali play football ?	دید علی پلِیْ فوتبآلْ ؟	آیا علی فوتبال بازی کرد ؟
Did she play football ?	دید شی پلِیْ فوتبآلْ ؟	آیا او فوتبال بازی کرد ؟
Did Mina play football ?	دید مینا پلِیْ فوتبآلْ ؟	آیا مینا فوتبال بازی کرد ؟
Did your brother play football ?	دید یُرْ برآدر پلِیْ فوتبآلْ ؟	آیا برادرت فوتبال بازی کرد ؟
Did your brothers play football ?	دید یُرْ برآدرز پلِیْ فوتبآلْ ؟	آیا برادرانت فوتبال بازی کردند ؟
Did we go to school yesterday?	دید وی گُ تو سْکولْ یِسْتِرْدِیْ ؟	آیا ما دیروز به مدرسه رفتیم ؟
Did I go to school yesterday ?	دید آیْ گ تو سْکولْ یِسْتِرْدِیْ؟	آیا من دیروز به مدرسه رفتم؟
Did you go to school yesterday?	دید یو گُ تو سْکولْ یِسْتِرْدِیْ ؟	آیا شما دیروز به مدرسه رفتید ؟
Did you go to school yesterday?	دید یو گُ تو سْکولْ یِسْتِرْدِیْ؟	آیا تو دیروز به مدرسه رفتی ؟
Did they go to school yesterday?	دید دِیْ گُ تو سْکولْ یِسْتِرْدِیْ ؟	آیا آنها دیروز به مدرسه رفتند ؟
Did he go to school yesterday?	دید هیْ گُ تو سْکولْ یِسْتِرْدِیْ ؟	آیا او دیروز به مدرسه رفت ؟

Did Ali go to school yesterday? آیا علی دیروز به مدرسه رفت ؟

دید علی گُ تو سْکول یِسْتِرْدِی ؟

Did she go to school yesterday? آیا او دیروز به مدرسه رفت ؟

دید شی گُ تو سْکول یِسْتِرْدِی ؟

Did Mina go to school yesterday? آیا مینا دیروز به مدرسه رفت ؟

دید مینا گُ تو سْکول یِسْتِرْدِی ؟

توجه : برای سؤالی کردن گذشته ی ساده از فعل کمکی **did** در اول جمله استفاده می شود

طرز منفی کردن گذشته ی ساده طبق فرمول

فرمول : فاعل + **did not / didn't** + (**to** مصدر بدون) فعل ساده + ...

مثال الف)

We didn't play football yesterday ما دیروز فوتبال بازی نکردیم

وی دیدِنْت پلیْ فوتْبال یِسْتِرْدِی

I didn't play football yesterday من دیروز فوتبال بازی نکردم

آیْ دیدِنْت پلیْ فوتْبال یِسْتِرْدِی

You didn't play football yesterday شما دیروز فوتبال بازی نکردید

یو دیدِنْت پلیْ فوتْبال یِسْتِرْدِی

You didn't play football yesterday تو دیروز فوتبال بازی نکردی

یو دیدِنْت پلیْ فوتْبال یِسْتِرْدِی

They didn't play football yesterday آنها دیروز فوتبال بازی نکردند

دِیْ دیدِنْت پلیْ فوتْبال یِسْتِرْدِی

He didn't play football yesterday او دیروز فوتبال بازی نکرد

هی دیدِنْت پلیْ فوتْبال یِسْتِرْدِی

Ali didn't play football yesterday علی دیروز فوتبال بازی نکرد

علی دیدِنْت پلیْ فوتْبال یِسْتِرْدِی

She didn't play football yesterday — او دیروز فوتبال بازی نکرد

شی دیدنْت پلیْ فوتْبآلْ یِسْتِرْدیْ

Mina didn't play football yesterday — مینا دیروز فوتبال بازی نکرد

مینا دیدنْت پلیْ فوتْبآلْ یِسْتِرْدیْ

Your brother didn't play football yesterday — برادرت دیروز فوتبال بازی نکرد

یُرْ برآدِر دیدنْت پلیْ فوتْبآلْ یِسْتِرْدیْ

Your brothers didn't play football yesterday — برادرانت دیروز فوتبال بازی نکردند

یُرْ برآدِرز دیدنْت پلیْ فوتْبآلْ یِسْتِرْدیْ

مثال ب)

We didn't go to school yesterday — ما دیروز به مدرسه نرفتیم

وی دیدنْت گُ تو سْکولْ یِسْتِرْدیْ

I didn't go to school yesterday — من دیروز به مدرسه نرفتم

آیْ دیدنْت گُ تو سْکولْ یِسْتِرْدیْ

You didn't go to school yesterday — شما دیروز به مدرسه نرفتید

یو دیدنْت گُ تو سْکولْ یِسْتِرْدیْ

You didn't go to school yesterday — تو دیروز به مدرسه نرفتی

یو دیدنْت گُ تو سْکولْ یِسْتِرْدیْ

They didn't go to school yesterday — آنها دیروز به مدرسه نرفتند

دِیْ دیدنْت گُ تو سْکولْ یِسْتِرْدیْ

He didn't go to school yesterday — او دیروز به مدرسه نرفت

هی دیدنْت گُ تو سْکولْ یِسْتِرْدیْ

Ali didn't go to school yesterday — علی دیروز به مدرسه نرفت

علی دیدنْت گُ تو سْکولْ یِسْتِرْدیْ

She didn't go to school yesterday — او دیروز به مدرسه نرفت

شی دیدنْت گُ تو سْکولْ یِسْتِرْدیْ

Mina didn't go to school yesterday — مینا دیروز به مدرسه نرفت

مینا دیدنْت گُ تو سْکولْ یِسْتِرْدیْ

توجه : برای منفی کردن گذشته ی ساده از (did not دید نَاتْ) یا (didn't دیدنْتْ) استفاده می شود.

طرز ساخت گذشته ی ساده ی مثبت، طبق فرمول

فرمول : فاعل + فعل گذشته + ...

توجه : فعل گذشته به دو شکل ساخته می شود.

الف) اگر فعل با قاعده باشد برای گذشته شدن نیاز به ed دارد . مانند :

We played football yesterday وی پلِیْد فوتْبآلْ یِسْتِرْدِیْ	ما دیروز فوتبال بازی کردیم
I played football yesterday آیْ پلِیْد فوتْبآلْ یِسْتِرْدِیْ	من دیروز فوتبال بازی کردم
You played football yesterday یو پلِیْد فوتْبآلْ یِسْتِرْدِیْ	شما دیروز فوتبال بازی کردید
You played football yesterday یو پلِیْد فوتْبآلْ یِسْتِرْدِیْ	تو دیروز فوتبال بازی کردی
They played football yesterday دِیْ پلِیْد فوتْبآلْ یِسْتِرْدِیْ	آنها دیروز فوتبال بازی کردند
He played football yesterday هی پلِیْد فوتْبآلْ یِسْتِرْدِیْ	او دیروز فوتبال بازی کرد
Ali played football yesterday علی پلِیْد فوتْبآلْ یِسْتِردِیْ	علی دیروز فوتبال بازی کرد
She played football yesterday شی پلِیْد فوتْبآلْ یِسْتِرْدِیْ	او دیروز فوتبال بازی کرد
Mina played football yesterday مینا پلِیْد فوتْبآلْ یِسْتِرْدِیْ	مینا دیروز فوتبال بازی کرد
Your brother played football yesterday یُرْ برآدِر پلِیْد فوتْبآلْ یِسْتِرْدِیْ	برادرت دیروز فوتبال بازی کرد
Your brothers played football yesterday یُرْ برآدِرز پلِیْد فوتْبآلْ یِسْتِرْدِیْ	برادرانت دیروز فوتبال بازی کردند

ب) اگر فعل بی قاعده باشد برای گذشته شدن، حالت خاصی وجود ندارد و بایـــد آن را حفظ کـرد.
مانند **to go** (تو گُ) کـــه بی قاعده است و گذشته آن می شود **went** (وِنْتْ) . مثال :

We went to school yesterday — ما دیروز به مدرسه رفتیم
وی وِنْتْ تو سْکول یِسْتِرْدِیْ

I went to school yesterday — من دیروز به مدرسه رفتم
آیْ وِنْتْ تو سْکول یِسْتِرْدِیْ

You went to school yesterday — شما دیروز به مدرسه رفتید
یو وِنْتْ تو سْکول یِسْتِرْدِیْ

You went to school yesterday — تو دیروز به مدرسه رفتی
یو وِنْتْ تو سْکول یِسْتِرْدِیْ

They went to school yesterday — آنها دیروز به مدرسه رفتند
دِیْ وِنْتْ تو سْکول یِسْتِرْدِیْ

He went to school yesterday — او دیروز به مدرسه رفت
هی وِنْتْ تو سْکول یِسْتِرْدِیْ

Ali went to school yesterday — علی دیروز به مدرسه رفت
علی وِنْتْ تو سْکول یِسْتِرْدِیْ

She went to school yesterday — او دیروز به مدرسه رفت
شی وِنْتْ تو سْکول یِسْتِرْدِیْ

Mina went to school yesterday — مینا دیروز به مدرسه رفت
مینا وِنْتْ تو سْکول یِسْتِرْدِیْ

Your brother went to school yesterday — برادرت دیروز به مدرسه رفت
یُرْ بْرآدِر وِنْتْ تو سْکول یِسْتِرْدِیْ

Your brothers went to school yesterday — برادرانت دیروز به مدرسه رفتند
یُرْ بْرآدِرز وِنْتْ تو سْکول یِسْتِرْدِیْ

توجه : فعل گذشته ی ساده در حالت مثبت برای سوم شخص مفرد دیگر نیازی به **s** یا **es** ندارد.
(چون **s** یا **es** مربوط به زمان حال ساده ی سوم شخص مفرد در حالت مثبت می باشند)

توجه: هر فعل بی قاعده که گذشته شود، به تنهایی شش معنی دارد . به چند فعل بی قاعده زیر دقت کنید :

(تو سی to see) به معنای دیدن می باشد که گذشته آن می شود (saw سا) به معنای:

دیدم ، دیدی ، دید ، دیدیم ، دیدید ، دیدند. مثال :

We saw	وی سآ	ما دیدیم
I saw	آی سآ	من دیدم
You saw	یو سآ	شما دیدید
You saw	یو سآ	تو دیدی
They saw	دی سآ	آنها دیدند
He saw	هی سآ	او دید
Ali saw	علی سآ	علی دید
She saw	شی سآ	او دید
Mina saw	مینا سآ	مینا دید

Ali and Mina saw my friend in the park — علی و مینا دوست مرا در پارک دیدند

علی اَند مینا سآ مآی فرِنْد اینْ د پآرکْ

(تو ایت to eat) به معنای خوردن می باشد که گذشته آن می شود (ate اِیْتْ) به معنای:

خوردم ،خوردی ،خورد ،خوردیم ،خوردید ،خوردند. مثال :

We ate	وی اِیْتْ	ما خوردیم
I ate	آیْ اِیْتْ	من خوردم
You ate	یو اِیْتْ	شما خوردید
You ate	یو اِیْتْ	تو خوردی
They ate	دیْ اِیْتْ	آن ها خوردند
He ate	هی اِیْتْ	او خورد
Ali ate	علی اِیْتْ	علی خورد
Mina ate	مینا اِیْتْ	مینا خورد
She ate	شی اِیْتْ	او خورد
your brother ate an apple	یُرْ براِدِر اِیْت اَن اَپِلْ	برادرت یک سیب خورد
His brother ate two apples	هیزْ براِدِر اِیْت تو اَپِلز	برادرش دوتا سیب خورد

(تو کَآم to come) به معنای آمدن می باشد که گذشته ی آن می شود (came کِیْمْ) به
معنای : آمدم ، آمدی ، آمد ،آمدیم ،آمدید ،آمدند. مثال :

We came	وی کِیْمْ	ما آمدیم
I came	آیْ کِیْمْ	من آمدم
You came	یو کِیْمْ	شما آمدید
You came	یو کِیْمْ	تو آمدی
They came	دِیْ کِیْمْ	آن ها آمدند
He came	هی کِیْمْ	او آمد
Ali came	علی کِیْمْ	علی آمد
She came	شی کِیْمْ	او آمد
Ali and Mina came	علی آنْد مینا کِیْمْ	علی و مینا آمدند
your brother came here yesterday morning		دیروز صبح برادرت به اینجا آمد

یُرْ بِرآدِر کِیْمْ هییِرْ یِسْتِرْدِیْ مُرْنینْگْ

(تو بآیْ to buy) به معنای خریدن می باشد که گذشته ی آن می شود (bought بآتْ) به
معنای: خریدم،خریدی،خرید،خریدیم،خریدید،خریدند. مثال:

We bought	وی بآتْ	ما خریدیم
I bought	آیْ بآتْ	من خریدم
You bought	یو بآتْ	شما خریدید
You bought	یو بآتْ	تو خریدی
They bought	دِیْ بآتْ	آن ها خریدند
He bought	هی بآتْ	او خرید
Ali bought	علی بآتْ	علی خرید
She bought	شی بآتْ	او خرید
Mina bought	مینا بآتْ	مینا خرید
My father bought a big house last year		سال گذشته پدرم یک خانه ی بزگ خرید

مآیْ فآدِر بآتْ ا بیگْ هآوْسْ لَسْتْ یِرْ

توجه ۱ : **to study** (تو سْتَـآدی) به معنای مطالعه کردن، فعل با قاعده است اما در هنگام گرفتن **ed** چون قبل از حرف **y** یک حرف بی صدا وجود دارد، ابتدا **y** تبدیل به **i** شده و سپس **ed** اضافه می شود. مانند:

ما دیروز انگلیسی مطالعه کردیم — We studied English yesterday

وی سْتآدید اینْگلیش یِسْتِرْدی

من دیروزانگلیسی مطالعه کردم — I studied English yesterday

آی سْتآدید اینْگلیش یِسْتِرْدی

شما دیروز انگلیسی مطالعه کردید — You studied English yesterday

یو سْتآدید اینْگلیش یِسْتِرْدی

تو دیروز انگلیسی مطالعه کردی — You studied English yesterday

یو سْتآدید اینْگلیش یِسْتِرْدی

آن ها دیروز انگلیسی مطالعه کردند — They studied English yesterday

دِی سْتآدید اینْگلیش یِسْتِرْدی

او دیروز انگلیسی مطالعه کرد — He studied English yesterday

هی سْتآدید اینْگلیش یِسْتِرْدی

علی دیروز انگلیسی مطالعه کرد — Ali studied English yesterday

علی سْتآدید اینْگلیش یِسْتِرْدی

او دیروز انگلیسی مطالعه کرد — She studied English yesterday

شی سْتآدید اینْگلیش یِسْتِرْدی

مینا دیروز انگلیسی مطالعه کرد — Mina studied English yesterday

مینا سْتآدید اینْگلیش یِسْتِرْدی

توجه ۲ : اگر افعال یک بخشی و یا دو بخشی که فشار صوتی روی بخش دوم آن ها باشد به حرف بی صدا ختم شوند و قبل از آن یک حرف صدادار باشد ، در هنگام اضافه کردن **ed** حرف بی صدای آخر، دوبار تکرار می شود. مانند:

(تو سْتآپْ **to stop**) به معنای متوقف کردن یا ایستادن

stop + ed >>>>>>>>>>>> **stopped**

توجه : در **stop** حرف **p** بی صدا و حرف **o** صدا دار می باشد.

توجه ۳ : طرز تلفّظ ed

ed دارای سه صدای / t /ت/ یا / d / د / یا / Id / اِد / می باشد.

الف) اگر ed به صداهای t یا d برسد در این صورت / Id / تلفّظ می شود . مانند

wanted	وآنتِد	خواستم.خواستی.خواست.خواستیم خواستید خواستند
needed	نیدِد	نیاز داشتم. نیاز داشتی. نیاز داشت ...
waited	ویتِد	منتظر ماندم. منتظر ماندی. منتظر ماند ...

الف) توضیح اضافی : چون آخر فعل t یا d است پس در این کلمات ed صدای / اِد / می دهد.

ب) توضیح اضافی : اگر آخر فعلِ با قاعده یکی از صداهای Sh (ش) ، ch (چ) ، p، k باشد در این صورت ed صدای / t . ت / می دهد . مانند :

walked	وآکْتْ	(پیاده رفتم. پیاده رفتی ...)	قدم زدم. قدم زدی ...
Asked	اَسْکْتْ	(پرسیدم. پرسیدی ...)	سوال کردم. سوال کردی ...
Helped	هِلْپْتْ		کمک کردم. کمک کردی ...
washed	وآشْتْ		شستم. شستی ...
watched	وآچْتْ		تماشاکردم. تماشا کردی ...

ج) در غیر دو صورت بالا ed صدای / d / می دهد . مانند :

played	پلِیْد	بازی کردم. بازی کردی ...
prayed	پرِیْد	نماز خواندم. نماز خواندی ...
studied	سْتآدید	مطالعه کردم. مطالعه کردی ...

زمان آینده ی ساده
Simple future tense

عملی را گویند که در زمان آینده انجام خواهد شد . مثال :

I will play football tomorrow — من فردا فوتبال بازی خواهم کرد

آیْ ویلْ پلِیْ فوتْبآلْ تومآرُ

توجه۱ : will (ویلْ) فعل کمکی آینده ی ساده می باشد که به تنهایی شش معنی دارد:

(خواهم ، خواهی ، خواهد ، خواهیم ، خواهید ، خواهند) ولی باید آنها را در جمله بکار برد.

ازعلامت های شناسایی زمان آینده ی ساده، عبارات زیر را می توان نام برد:

1) tomorrow	تومآرُ	فردا
2) soon	سونْ	به زودی
3) next + زمان		
next week	نِکْسْتْ ویکْ	هفته بعد
next year	نِکْسْتْ یِرْ	سال آینده

توجه۲ : next (نِکْسْتْ) به معنای آینده ، بَعد یا بَعدی می باشد .

طرز ساخت زمان آینده ی ساده ی مثبت طبق فرمول

فرمول : فاعل + will + فعل ساده + ...

We will go to school tomorrow — ما فردا به مدرسه خواهیم رفت

وی ویلْ گُ تو سْکولْ تومآرُ

I will go to school tomorrow — من فردا به مدرسه خواهم رفت

آیْ ویلْ گُ تو سْکولْ تومآرُ

You will go to school tomorrow — شما فردا به مدرسه خواهید رفت

یو ویلْ گُ تو سْکولْ تومآرُ

You will go to school tomorrow — تو فردا به مدرسه خواهی رفت

یو ویلْ گُ تو سْکولْ تومآرُ

They will go to school tomorrow — آن ها فردا به مدرسه خواهند رفت

دِیْ ویلْ گُ تو سْکولْ تومآرُ

He will go to school tomorrow — او فردا به مدرسه خواهد رفت

هیْ ویلْ گُ تو سْکولْ تومآرُ

Ali will go to school tomorrow — علی فردا به مدرسه خواهد رفت

علی ویلْ گُ تو سْکولْ تومآرُ

She will go to school tomorrow — او فردا به مدرسه خواهد رفت

شیْ ویلْ گُ تو سْکولْ تومآرُ

Mina will go to school tomorrow — مینا فردا به مدرسه خواهد رفت

مینا ویلْ گُ تو سْکولْ تومآرُ

توجه: برای مخفف کردن will کافی است که دو حرف اول آن را به ' (آپُسترُف) تبدیل کنیم. مانند:

Will = 'll	ایل = ویل	خواهم . خواهی. خواهد. خواهیم. خواهید. خواهند.
We will = we'll	ویل = وی ویل	ما خواهیم...
I will = I'll	آیل = آی ویل	من خواهم...
You will = you'll	یول = یو ویل	شما خواهید...
They will = they'll	دیل = دی ویل	آنها خواهند...
he will = He'll	هیل = هی ویل	او خواهد...
She will = She'll	شیل = شی ویل	او خواهد...
It will = It'll	ایتیل = ایت ویل	آن خواهد

طرز ساخت زمان آینده ی ساده ی سؤالی طبق فرمول

فرمول : Will + فاعل + فعل + ... ?

Will we go ... ?	ویل وی گُ ... ؟	آیا ما خواهیم رفت ؟
Will I go ... ?	ویل آی گُ ... ؟	آیا من خواهم رفت ؟
Will you go ... ?	ویل یو گُ ... ؟	آیا شما خواهید رفت ؟
Will you go ... ?	ویل یو گُ ... ؟	آیا تو خواهی رفت ؟
Will they go ... ?	ویل دی گُ ... ؟	آیا آنها خواهند رفت ؟
Will he go ... ?	ویل هی گُ ... ؟	آیا او خواهد رفت ؟
Will Ali go ... ?	ویل علی گُ ... ؟	آیا علی خواهد رفت ؟
Will she go ... ?	ویل شی گُ ... ؟	آیا او خواهد رفت ؟
Will Mina go ... ?	ویل مینا گُ ... ؟	آیا مینا خواهد رفت ؟
Will your brother go ...?	ویل یُر برآدر گُ ... ؟	آیا برادرت خواهد رفت؟
will your brohters go ...?	ویل یُر برآدرز گُ ... ؟	آیا برادرانت خواهند رفت؟

توجه : برای سوالی کردن آینده، از فعل کمکی will در اول جمله استفاده می کنیم و آخر جمله علامت سوال قرار می دهیم.

طرز ساخت زمان آینده ی منفی طبق فرمول

فرمول : فاعل + will not (یا won't) + فعل + ...

We won't go	وی وُنتْ گُ	ما نخواهیم رفت
We will not go	وی ویلْ نآتْ گُ	ما نخواهیم رفت
I won't go	آیْ وُنتْ گُ	من نخواهم رفت
I will not go	آیْ ویلْ نآتْ گُ	من نخواهم رفت
You won't go	یو وُنتْ گُ	شما نخواهید رفت
You won't go	یو وُنتْ گُ	تو نخواهی رفت
They won't go	دِیْ وُنتْ گُ	آن ها نخواهند رفت
He won't go	هی وُنتْ گُ	او نخواهد رفت
Ali won't go	علی وُنتْ گُ	علی نخواهد رفت
She won't go	شی وُنتْ گُ	او نخواهد رفت
Mina won't go	مینا وُنتْ گُ	مینا نخواهد رفت

توجه : برای منفی کردن آینده ی ساده از **will not** یا **won't** قبل از فعل استفاده می کنیم .

با معلومات دستوری خود جمله ی زیر را کامل کنید .

A: I .... phone the doctor tomorrow.

توضیح :

چون **tomorrow** به معنای فردا ، مخصوص زمان آینده است بنابراین در جای خالی باید **will** بیاوریم.

ترجمه : من فردا به دکتر تلفن خواهم کرد . (اگر بخواهیم جمله را منفی بگوییم باید **won't** بیاوریم)

B: She won't go to the park .... (yesterday - soon - everyday)

توضیح : چون **she won't go** به معنای او نخواهد رفت و **won't** مخصوص زمان آینده است بنابراین در جای خالی باید **soon** به معنای به زودی که مربوط به آینده می باشد را بیاوریم.

ترجمه : او به زودی به پارک نخواهد رفت.

توجه : **yesterday** به معنای دیروز ، علامت گذشته و **everyday** به معنای هرروز ، علامت حال ساده می باشد.

مبحث اعداد اصلی
Cardinal Numbers

Numbers	نامبرز	اعداد
0- Zero	زیرُ	صفر
1- one	وآن	یک
2- two	تو	دو
3- three	ثیری	سه
4-four	فُر	چهار
5- five	فآیو	پنج
6- six	سیکْس	شش
7- seven	سِوِن	هفت
8- eight	اِیْت	هشت
9- nine	نآین	نه
10- ten	تِن	ده
11- eleven	اِلِوِن (ایلوِن)	یازده
12- twelve	توالو	دوازده
13- thirteen	ثِرْتین	سیزده
14- fourteen	فُرْتین	چهارده
15- fifteen	فیفْتین	پانزده
16- sixteen	سیکْستین	شانزده
17- seventeen	سِوِنْتین	هفده
18- eighteen	اِیْتین	هیجده
19- nineteen	نآیْنتین	نوزده
20- twenty	توِنْتی	بیست
21- twenty-one	توِنْتی. وآن	بیست و یک

Numbers	نَآمبِرز	اعداد
22- twenty- two	توانتی. تو	بیست و دو
23- twenty- three	توانتی. ثیری	بیست و سه
24- twenty- four	توانتی.فُر	بیست و چهار
25- twenty- five	توانتی. فآیو	بیست و پنج
30- thirty	ثِرتی (ثِردی)	سی
40- forty	فُرتی (فُردی)	چهل
50- fifty	فیفتی	پنجاه
60- sixty	سیکْستی	شصت
70- seventy	سِوِنتی (سِوِندی)	هفتاد
80- eighty	اِیْتی (ایدی)	هشتاد
90- ninety	نآینتی	نود
100- one hundred	وآنْ هآندرِد	صد - یکصد
101- one hundred one	وآنْ هآندرِد وآنْ	صد و یک
1000- one thousand	وآنْ ثآوْزِنْد	هزار - یک هزار
10000- ten thousand	تِنْ ثآوْزِنْد	ده هزار
100000- one hundred thousand	وآنْ هآندرِد ثآوْزِنْد	صد هزار - یکصد هزار
1000000- one million	وآنْ میلیِنْ	یک میلیون
1000000000- one billion	وآنْ بیلیِنْ	یک بیلیون (یک میلیارد)

مبحث اعداد ترتیبی
Ordinal Numbers

1st = first	فِرْسْت	اول - اولین - اولی
2nd = second	سِکِنْد	دوم - دومین - دومی
3rd = third	ثِرْد	سوم - سومین - سومی
4th = forth	فُرْث	چهارم - چهارمین - چهارمی
5th = fifth	فیفْث	پنجم - پنجمین - پنجمی
6th = sixth	سیکْث	ششم - ششمین - ششمی
7th = seventh	سِوِنْث	هفتم - هفتمین - هفتمی
8th = eighth	اِیْتْث	هشتم - هشتمین - هشتمی
9th = ninth	نآیْنْث	نهم - نهمین - نهمی
10th = tenth	تِنْث	دهم - دهمین - دهمی
11th = eleventh	اِلِوِنْث	یازدهم - یازدهمین - یازدهمی
12th = twelfth	توالْفْث	دوازدهم - دوازدهمین - دوازدهمی
13th = thirteenth	ثِرْتینْث	سیزدهم - سیزدهمین - سیزدهمی
14th = fourteenth	فُرْتینْث	چهاردهم - چهاردهمین - چهاردهمی
15th = fifteenth	فیفْتینْث	پانزدهم - پانزدهمین - پانزدهمی
16th = sixteenth	سیکْستینْث	شانزدهم - شانزدهمین - شانزدهمی
17th = seventeenth	سِوِنْتینْث	هفدهم - هفدهمین - هفدهمی
18th = eighteenth	اِیْتینْث	هجدهم -هیجدهمین - هجدهمی
19th = nineteenth	نآیْنتینْث	نوزدهم - نوزدهمین - نوزدهمی
20th = twentieth	توانْتی اِث	بیستم - بیستمین - بیستمی
21st = twenty-first	توانْتی.فِرْسْت	بیست و یکم - بیست و یکمین
30th = thirtieth	ثِرْتی اِث	سی ام - سی امین
40th= fortieth	فُرْتی اِث	چهلم - چهلمین - چهلمی

50th= fiftieth	فیفْتی اِثْ	پنجاهم- پنجاهمین - پنجاهمی
60th= sixtieth	سیکْسْتی اِثْ	شصتم- شصتمین- شصتمی
70th= seventieth	سوِنْتی اِثْ	هفتادم- هفتادمین - هفتادمی
80th= eightieth	اِیْتی اِثْ	هشتادم - هشتادمین - هشتادمی
90th= ninetieth	نآیْنتی اِثْ	نودم - نودمین - نودمی
100th= one hundredth	وآنْ هآنْدرِدثْ	صدم - صدمین - صدمی
1000th= one thousandth	وآنْ ثآزَنْدثْ	هزارم- هزارمین - هزارمی

اعداد لاتین
Roman Numbers

I	1	X	10
II	2	XV	15
III	3	XX	20
IV	4	XXX	30
V	5	XL	40
VI	6	L	50
VII	7	C	100
VIII	8	D	500
IX	9	M	1.000



مبحث زمان
Time





1- hour	آور	ساعت	
2- minutes	مِنِتس (مینِتس)	دقایق	
3- seconds	سِکَندز	ثانیه ها	
4- a.m.	ای.اِم	قبل از ظهر	
5- p.m.	پی.اِم	بعد از ظهر	





6- 1:00 one o'clock — وآن اُکلاک — ساعت یک



7- 1:05 one-oh-five — وآن.اُ.فآیو — یک و پنج دقیقه
five after one — فآیو آفتِر وآن — پنج دقیقه بعد از یک



8- 1:10 one-ten — وآن.تِن — یک و ده دقیقه
ten after one — تِن آفتِرْ وآن — ده دقیقه بعد از یک



9- 1:15 one-fifteen — وآن.فیفْتین — یک و پانزده دقیقه
a quarter after one — اِ کْوُرتِر آفتِر وآن — یک ربع بعد از یک



10- 1:20 one-twenty — وآن.توانْتی — یک و بیست دقیقه
twenty after one — توانْتی آفتِر وآن — بیست دقیقه بعد از یک



11- 1:30 one-thirty — وآن.تِرْتی — یک و سی دقیقه
half past one — هَف پَسْت وآن — نیم ساعت گذشته از یک



12

13







12- 1:40	one-forty	وآن.فُرْتی	یک و چهل دقیقه
twenty to two		توانْتی تو تو	بیست دقیقه (مانده) به دو
13- 1:45	one-forty-five	وآن.فُرْتی فآیْو	یک و چهل و پنج دقیقه
a quarter to two		اِ کْوُرْتِرْ تو تو	یک ربع (مانده) به دو
14- sunrise		سآنْ رآیْز	طلوع آفتاب
15- morning		مُرْنینْگْ	صبح
16- noon		نون	ظهر
17- afternoon		اَفْتِرْنون	بعد از ظهر






18- sunset	سآنْ سِت	غروب آفتاب
19- evening	ایوِنینْگْ	عصر
20- night	نآیْت	شب
21- midnight	میدنآیْت	نیمه شب







22- early	اِرْلی	زود
23- on time	آنْ تآیْم	به موقع (سر وقت)
24- late	لِیْت	دیر

توجه۱ : کلمه ی o'clock فقط برای ساعت کامل به کار می رود.

توجه۲ : past یا after به معنای گذشته از می باشد و از ساعت دوازده و یک دقیقه تا پنج و پنجاه و نه دقیقه ، به کار می رود.

توجه۳ : to به معنای مانده به برای ساعت شش و یک دقیقه تا ساعت یازده و پنجاه و نه دقیقه به کار می رود.

توجه۴ : a quarter to به معنای یک ربع مانده به و a quarter past به معنای یک ربع گذشته از می باشند که می توانند بدون a هم در جمله بکار روند.

توجه۵ : برای بیان ساعت بصورت کامپیوتری (عددی) کافی است که اعداد را به همان ترتیبی که آمده اند بیان کنیم.

توجه۶ : a. m به معنای قبل از ظهر یا صبح از ساعت دوازده و یک دقیقه ی شب (یعنی یک دقیقه بامداد) شروع شده و تا ساعت یازده و پنجاه و نه دقیقه ی (ظهر) به کار می رود.

توجه۷ : p. m به معنای بعد از ظهر و یا شب می باشد که از ساعت دوازده و یک دقیقه ی (ظهر) شروع شده و تا یازده و پنجاه و نه دقیقه ی شب استفاده می شود.

توجه۸ : 12:00 a.m یعنی دوازده شب که midnight یعنی نیمه شب نیز گفته می شود.

توجه۹ : 12:00 p.m یعنی دوازده ظهر که noon یعنی ظهر نیز گفته می شود.

زمان حال کامل یا ماضی نَقلی
Present perfect tense

حال کامل یا ماضی نَقلی بیان کننده ی عملی است که در زمان گذشته انجام شده و اثر آن تا به زمان حال باقی مانده است و شاید این اثر به زمان آینده نیز برسد. مانند :

I have seen that film before — آیْ هَوْ سینْ دَتْ فیلْمْ بیفُرْ

یعنی من قبلاً آن فیلم را دیده ام. یعنی عمل دیدن در زمان گذشته انجام شده است اما اثر آن که به یاد ماندن فیلم است تا کنون باقی مانده وشاید این اثر تا چندین سال دیگر هم باقی بماند، به همین دلیل جمله را به شکل زمان ماضی نقلی بیان کردیم. برای ساختن حال کامل (ماضی نقلی) از فرمول زیر استفاده می کنیم.

فرمول حال کامل : فاعل + (Have – has) + P. P یا قسمت سوم فعل + ...

I have seen Ali	آیْ هَوْ سینْ علی	من علی را دیده ام
she has seen Ali	شیْ هَزْ سینْ علی	او علی را دیده است

توجه : P.P یا **Past Participle** همان قسمت سوم فعل می باشد که به آن در زبان فارسی اسم مفعول می گویند.

توجه : برای ساختن اسم مفعول در زبان فارسی کافی است که (ن) مصدر را حذف کرده و به جای آن (ه) اضافه کنیم. مانند: ۱ - رفتن >>> رفته ۲ - دیدن >>> دیده ۳ - خوردن >>> خورده ۴ - گفتن >>> گفته ۵ - شستن >>> شسته ۶ - بازی کردن >>> بازی کرده

اما برای یادگیری اسم مفعول (p.p) در زبان انگلیسی باید آنها را حفظ کنید. مانند:

seen	سین	دیده
eaten	ایتن	خورده
gone	گان	رفته
washed	واشت	شسته
played	پلید	بازی کرده
visited	ویزیتد	دیده- ملاقات کرده

توجه مهم : افعال در انگلیسی به دو دسته ی باقاعده و بی قاعده تقسیم می شوند.

افعال باقاعده آنهایی هستند که قسمت دوم (گذشته) و قسمت سوم آن ها (اسم مفعول) با اضافه کردن **ed** ساخته می شود، مانند:

افعال باقاعده

قسمت اول حال		قسمت دوم گذشته		قسمت سوم اسم مفعول	
play	بازی کردن	played	بازی کرد	played	بازی کرده
pray	نماز خواندن	prayed	نماز خواند	prayed	نماز خوانده
work	کار کردن	worked	کار کرد	worked	کار کرده
want	خواستن	wanted	خواست	wanted	خواسته
watch	تماشا کردن	watched	تماشا کرد	watched	تماشا کرده
wash	شستن	washed	شست	washed	شسته
decide	تصمیم گرفتن	decided	تصمیم گرفت	decided	تصمیم گرفته
prefer	ترجیح دادن	preferred	ترجیح داد	preferred	ترجیح داده

و افعال بی قاعده آنهایی هستندکه مانند افعال با قاعده ed نمی گیرند و قسمت دوم و قسمت سوم آنها باید حفظ شوند، مانند:

افعال بی قاعده

قسمت اول		قسمت دوم		قسمت سوم	
حال		گذشته		اسم مفعول	
see	سی	saw	سآ	seen	سین
دیدن		دید		دیده	
come	کاَم	came	کیم	come	کاَم
آمدن		آمد		آمده	
eat	ایت	ate	اِیْت	eaten	ایتن
خوردن		خورد		خورده	
go	گُ	went	وِنْت	gone	گآن
رفتن		رفت		رفته	
sleep	سْلیپ	slept	سْلِپْت	slept	سْلِپْت
خوابیدن		خوابید		خوابیده	
bring	بیرینگ	brought	بِرآت	brought	بِرآت
آوردن		آورد		آورده	
bet	بِت	bet	بِت	bet	بِت
شرط بستن		شرط بست		شرط بسته	
build	بیلد	built	بِلْت	built	بیلت
ساختن		ساخت		ساخته	
buy	بآی	bought	بآت	bought	بآت
خریدن		خرید		خریده	

طرز سوالی حال کامل

برای سوالی کردن حال کامل، کافی است که فعل کمکی **have** یا **has** را به اول جمله بیاوریم و آخرجمله علامت سوال بگذاریم . مانند فرمول:

? ... + have یا has : فرمول سوالی حال کامل

have you seen Ali ? — هَو یو سین علی ؟ — آیا تو علی را دیده ای ؟

has she seen Ali ? — هَز شی سین علی ؟ — آیا او علی را دیده است؟

طرز منفی کردن حال کامل

برای منفی کردن حال کامل ، کافی است که به فعل کمک **have** یا **has** یک **not** اضافه کنیم، مانند.

فرمول:

... + p.p / قسمت سوم فعل + have not یا has not + فاعل : فرمول حال کامل منفی

I have not (haven't) seen Ali — آیْ هَوْ نَاتْ (هَونْتْ) سینْ علی — من علی را ندیده ام

She has not (hasn't) seen Ali — شیْ هَزْ نَاتْ (هَزِنْتْ) سینْ علی — او علی را ندیده است

توجه : از علامتهای حال کامل **for** و **since** می باشد. اگر عمل انجام شده در زمان مشخصی از گذشته باشد و تا زمان حال ادامه داشته باشد از عبارت **since** به معنای (از .... تا حالا) استفاده می کنیم، مانند:

He has been sick since last night — او از شب گذشته تا حالا بیمار بوده است

هی هَزْ بینْ سیکْ سینْس لَسْتْ نَایْتْ

Have you seen him since 1999? — آیا شما از سال ۱۹۹۹ تا حالا او را دیده اید؟

هَو یو سین هیمْ سینْسْ نَایْنْتینْ نَایْنْتی نَایْنْ؟

و برای بیان طول زمان از **for** استفاده می کنیم، مانند:

I haven't seen Mina for two years — من دوسال است که مینا را ندیده ام

آیْ هَونْتْ سینْ مینا فُرْ تو یِرْز

I haven't watched TV for a long time — برای مدت زیادی است که تلویزیون تماشا نکرده ام

آیْ هَونْتْ وآچْتْ تی.وی فُرْ اِ لانْگْ تایْم

توجه : در حال کامل ، فعل کمکی **has** به معنای است می باشد و فعل کمکی **have** دارای پنج معنی (ام – ای – ایم – اید – اند) است.

زمان گذشته ی کامل یا ماضیِ بعید
Past Perfect Tense

ماضی بعید بیان کننده ی عَملی است که در زمان گذشته، قبل از یک عمل دیگر انجام شده است. ماضی بعید معمولاً به تنهایی در جمله کاربرد ندارد و با یک فعلِ گذشته ی دیگر، بیان می شود و برای رَبط این دو جمله از کلمات ربطیِ زیر استفاده می شود

After – before – when – as soon as – by the time – because

گذشته ی کامل طبق فرمول زیر ساخته می شود

فرمول ماضی بعید : فاعل + **had** + قسمت سوم فعل (P.P) + ...

We had seen

We had seen — وی هَد سین — ما دیده بودیم

The man had left when I got there — آن مرد رفته بود وقتیکه من به آنجا رسیدم

دِ مَنْ هَد لِفْتْ وِنْ آیْ گاتْ دِر

The old man had died by the time the doctor arrived

دِ اُلد مَنْ هَد دآیْد بآیْ دِ تآیْم دِ داکْتِرْ اَرآیْوْد

آن پیر مرد مرده بود زمانیکه دکتر به آنجا رسید

She had studied English before she went to the U.S

شی هَد سْتآدید اینگلیش بیفُرْ شی وِنْتْ تو دِ یو.اِس

او قبل از اینکه به ایالات متحده برود، انگلیسی مطالعه کرده بود

They went home after they had finished their homework

دِیْ وِنْتْ هُمْ اَفْتِرْ دِیْ هَد فینیشْتْ دِر هُمْ وُرکْ

آن ها بعداز اینکه تکالیفشان را تمام کردند، به منزل رفتند

He was tierd because he had worked hard

هی وآز تآیِرْد بیکآز هی هَد وُرکْتْ هآرد

او خسته بود چون سخت کار کرده بود

طرز سوالی کردن ماضی بعید

برای سوالی کردن ماضی بعید کافی است که فعل کمکی **had** را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله علامت سوال بگذاریم. مانند فرمول :

فرمول ماضی بعید سوالی : Had + فاعل + قسمت سوم فعل (P.P) + ... ?

Had you seen the film?	هَد یو سینْ دِ فیلْمْ ؟	آیا شما آن فیلم را دیده بودید؟
Yes, I had.	یِسْ آیْ هَد	بله. دیده بودم
No, I hadn't.	نُ آیْ هَدِنْتْ	نه. ندیده بودم
Had Ali seen the film?	هَد علی سینْ دِ فیلْمْ ؟	آیا علی آن فیلم را دیده بود؟
Yes, He had.	یِسْ هی هَد	بله. دیده بود
No, He hadn't.	نُ هی هَدِنْتْ	نه. ندیده بود
Had your sister seen the film?	هَد یُرْ سیسْتِرْ سینْ دِ فیلْمْ ؟	آیا خواهرت آن فیلم را دیده بود ؟
Yes, She had.	یِسْ شی هَد	بله. دیده بود
No, She hadn't.	نُ شی هَدِنْتْ	نه. ندیده بود

طرز منفی کردن ماضی بعید

برای منفی کردن ماضی بعید کافی است که یک **not** جلوی فعل کمکی **had** بگذاریم، مانند فرمول:

فرمول ماضی بعید : فاعل + had not / hadn't + قسمت سوم فعل (P.P) + ...

I hadn't seen the film before — من قبلاً آن فیلم را ندیده بودم

آیْ هَدِنْتْ سینْ دِ فیلْمْ بیفُرْ

He hadn't seen the film before — او قبلاً آن فیلم را ندیده بود

هی هَدِنْتْ سینْ دِ فیلْمْ بیفُرْ

They hadn't seen the film before — آنها قبلاً آن فیلم را ندیده بودند

دِیْ هَدِنْتْ سینْ دِ فیلْمْ بیفُرْ

توجه : در ماضی بعید، فعل کمکی **had** دارای شش معنی(بودم. بودی. بود. بودیم. بودید. بودند) می باشد.

نکاتی در مورد (to be going to + مصدر بدون to)

to be going to برای بیان عملی به کار می رود که در زمان آینده با تصمیم و برنامه ریزی قبلی، انجام خواهد شد. مانند جمله های زیر

We are going to buy a car — ما قصد دارم یک ماشین بخریم. (یعنی هم پول داریم و هم تصمیم خرید)

وی آر گُ اینگْ تو بآیْ ا کآر

I am going to buy a car — من قصد دار م یک ماشین بخرم. (یعنی هم پول دارم و هم تصمیم خرید)

آیْ اَم گُ اینگْ تو بآیْ ا کآر

You are going to buy a car — شما قصد دارید یک ماشین بخرید

یو آر گُ اینگْ تو بآیْ ا کآر

You are going to buy a car — تو قصد داری یک ماشین بخری

یو آر گُ اینگْ تو بآیْ ا کآر

They are going to buy a car — آنها قصد دارند یک ماشین بخرند

دیْ آر گُ اینگْ تو بآیْ ا کآر

He is going to buy a car — او قصد دارد یک ماشین بخرد

هی ایزْ گُ اینگْ تو بآیْ ا کآر

She is going to buy a car — او قصد دارد یک ماشین بخرد

شی ایزْ گُ اینگْ تو بآیْ ا کآر

My parents are going to buy a car — والدینم قصد دارند یک ماشین بخرند

مآیْ پِرِنْتْسْ آر گُ اینگْ تو بآیْ ا کآر

His friend is going to buy a car — دوستش قصد دارد یک ماشین بخرد

هیزْ فرِنْدْ ایزْ گُ اینگْ تو بآیْ ا کآر

در حقیقت **to be going to** = **to intend** به معنای قَصد داشتن است

They intend to play football — آن ها قصد دارند فوتبال بازی کنند

دیْ اینْتِنْدْ تو پلیْ فوتْبآلْ

They are going to play football — آنها قصد دارند فوتبال بازی کنند

دیْ آر گُ اینگْ تو پلیْ فوتْبآلْ

to be going to طرز سوالی کردن

برای سوالی کردن **to be going to** کافی است که مانند سوالی کردن **to be** در زمان حال و گذشته

(لطفاً به مبحث آن مراجعه کنید)

از فعل های کمکی (**am - is - are - was - were**) استفاده کنیم . مانند جملات زیر:

آیا ما قصد داریم یک ماشین بخریم؟ — Are we going to buy a car?

آر وی گُ اینگْ تو بآیْ اِ کآر ؟

آیا من قصد دارم یک ماشین بخرم؟ — Am I going to buy a car?

اَم آیْ گُ اینگْ تو بآیْ اِ کآر ؟

آیا شما قصد دارید یک ماشین بخرید؟ — Are you going to buy a car?

آر یو گُ اینگْ تو بآیْ اِ کآر ؟

آیا تو قصد داری یک ماشین بخری؟ — Are you going to buy a car?

آر یو گُ اینگْ تو بآیْ اِ کآر ؟

آیا آنها قصد دارند یک ماشین بخرند؟ — Are they going to buy a car?

آر دِیْ گُ اینگْ تو بآیْ اِ کآر ؟

آیا او قصد دارد یک ماشین بخرد؟ — Is he going to buy a car?

ایزْ هی گُ اینگْ تو بآیْ اِ کآر ؟

آیا او قصد دارد یک ماشین بخرد؟ — Is she going to buy a car?

ایزْ شی گُ اینگْ تو بآیْ اِ کآر ؟

آیا والدینم قصد دارند یک ماشین بخرند؟ — Are my parents going to buy a car?

آر مآیْ پَرِنْتسْ گُ اینگْ تو بآیْ اِ کآر ؟

آیا دوستش قصد دارد یک ماشین بخرد؟ — Is his friend going to buy a car?

ایزْ هیزْ فرِنْدْ گُ اینگْ تو بآیْ اِ کآر ؟

قصد داری چی بخری؟ — What are you going to buy?

وآتْ آر یو گُ اینگْ تو بآیْ ؟

چرا قصد داری آنرا بخری؟ — Why are you going to buy it?

وآیْ آر یو گُ اینگْ تو بآیْ ایت ؟

طرز منفی کردن to be going to

برای منفی کردن to be going to کافی است که مانند منفی کردن to be در زمان حال و گذشته

(لطفاً به مبحث آن مراجعه کنید)

از فعل های کمکی (am - is - are - was - were) استفاده کنیم . مانند جملات زیر:

ما قصد نداریم یک ماشین بخریم. (یعنی تصمیم خرید، نداریم) We are not going to buy a car

وی آر نات گُ اینگ تو بای ا کار

من قصد ندارم یک ماشین بخرم. (یعنی تصمیم خرید، ندارم) I am not going to buy a car

آ ام نات گُ اینگ تو بای ا کار

شما قصد ندارید یک ماشین بخرید You are not going to buy a car

یو آر نات گُ اینگ تو بای ا کار

تو قصد نداری یک ماشین بخری You are not going to buy a car

یو آر نات گُ اینگ تو بای ا کار

آنها قصد ندارند یک ماشین بخرند They are not going to buy a car

دی آر نات گُ اینگ تو بای ا کار

او قصد ندارد یک ماشین بخرد He is not going to buy a car

هی ایز نات گُ اینگ تو بای ا کار

او قصد ندارد یک ماشین بخرد She is not going to buy a car

شی ایز نات گُ اینگ تو بای ا کار

والدینم قصد ندارند یک ماشین بخرند My parents are not going to buy a car

مای پرنتس آر نات گُ اینگ تو بای ا کار

دوستش قصد ندارد یک ماشین بخرد His friend isnot going to buy a car

هیز فرند ایز نات گُ اینگ تو بای ا کار

اگر بخواهیم، می توانیم جملات را بصورت سوالی و منفی (جمله هم سوالی باشد و هم منفی) بیان کنیم

در این حالت باید فعل کمکی منفی شده را به اول جمله بیاوریم. مانند:

آیا شما قصد ندارید آن ماشین را بخرید؟ Are not (aren't) you going to buy the car?

آر نات (آرنت) یو گُ اینگ تو بای ا کار ؟

مبحث جملات شَرطی
Conditional Sentences

جملات شرطی انواع گوناگونی دارند که سه نوعِ مهم آنها عبارتند از:

۱- شرطی نوعِ اول : یا شرطیِ حقیقی که مربوط به زمان آینده می شود و امکان انجام آن می باشد.

توجه : هر جمله ی شرطی دو قسمت دارد ۱ - جمله ی شرط ،که با **if** شروع می شود ۲ - جواب شرط.

در شرطی نوع اول جمله ی شرط به زمان حال ساده و جواب آن به زمان آینده ی ساده می باشد.

طبق فرمول :

فرمول شرطی نوع اول : **if** + زمان حال ساده , زمان آینده ساده .

If I buy a car, I will go to Mashha. اگر من یک ماشین بخرم ، به مشهد می روم. (خواهم رفت)

ایفْ آیْ بآیْ اِ کآر ، آیْ ویلْ گُ تو مشهَد

توجه داشته باشید که:

۱ - به جای **will** می توانیم از فعلهای کمکی

(**can** – **must** – **may** – **ought to** – **needn't**) استفاده کنید.

۲ - شما می توانید جواب شرط را به اول جمله بیاورید و در اینصورت باید کاما (,) را حذف کنید.

مانند:

If you come early, you can watch the film.

ایفْ یو کآمْ ارلی ،یو کَنْ وآچْ دِ فیلْمْ

اگر شما زود بیایید ، (شما) می توانید فیلم را تماشا کنید.

You can watch the film If you come early.

یو کَنْ وآچْ دِ فیلْمْ ایفْ یو کآمْ ارلی

شما می توانید فیلم را تماشا کنید اگر (شما) زود بیایید.

If you open the windows , you may catch cold

ایفْ یو اُپِنْ دِ ویِنْدُز، یو میْ کَچْ کُلْد

اگر شما پنجره ها را باز کنید، ممکن است که سرما بخورید

You may catch cold If you open the windows

یو میْ کَچْ کُلْد ایفْ یو اُپِنْ دِ ویِنْدُز

ممکن است که سرما بخورید اگر شما پنجره ها را باز کنید

If you know the story, you needn't read the book

ایفْ یو نُ دِ ستُری ،یو نیدِنْتْ رید دِ بوکْ

اگر شما داستان را می دانید ، لازم نیست که آن کتاب را بخوانید

You needn't read the book If you know the story

یو نیدِنْتْ رید دِ بُک (بوکْ) ایفْ یو نُ دِ ستُری

لازم نیست که آن کتاب را بخوانید، اگر شما داستان را می دانید

۲ - شرطی نوع دوم : به شرطی نوع دوم ، شرطی غیرمُحتمل وغیرواقعی می گویند که طبق فرمول زیر ساخته می شود. (این شرطی مربوط به زمان حال می باشد)

فرمول شرطی نوع دوم : if + زمان گذشته ی ساده ، زمان آینده در گذشته

توجه ۱ : برای ساختن زمان آینده در گذشته ی ساده کافی است که **will** را به **would** تبدیل کنیم.

توجه ۲ : به جای **would** می توان از فعلهای کمکی **should - could - might** استفاده کرد. مانند:

If I studied hard, I would pass the exam

ایفْ آیْ سْتَادید هارد، آیْ وُود پَسْ دِ اِگْزَمْ

اگر به سختی مطالعه می کردم ، قبول می شدم. (یعنی سخت مطالعه نکردم و قبول نشدم.)

I would pass the exam If I studied hard — من قبول می شدم اگر به سختی مطالعه می کردم

آیْ وُود پَسْ دِ اِگْزَمْ ایفْ آیْ سْتَادید هارد

If you came early, you could see them

ایفْ یو کِیْمْ اِرلی ، یو کود سی دِمْ

اگر زود می آمدی ، می توانستی آن ها را ببینی. (یعنی زود نیامدی و آن ها را نمی توانی ببینی)

You could see them If you came early — می توانستی آن ها را ببینی اگر زود می آمدی.

یو کود سی دِمْ ایفْ یو کِیْمْ اِرلی

If you came early, you could watch the film.

ایفْ یو کِیْمْ اِرلی ، یو کود واچْ دِ فیلْمْ

اگر شما زود می آمدید ، (شما) می توانستید فیلم را تماشا کنید.

If you opened the windows , you might catch cold

ایفْ یو اُپِنْد دِ وینْدُزْ ، یو مآیْتْ کَچْ کُلْد

اگر شما پنجره ها را باز می کردید، ممکن بود که سرما بخورید

You might catch cold If you opened the windows

یو مآیْتْ کَچْ کُلْد ایفْ یو اُپِنْد دِ وینْدُزْ

ممکن بود که سرما بخورید اگر شما پنجره ها را باز می کردید

۳ - شرطی نوع سوم : این شرطی نیز غیر حقیقی می باشد ومربوط به زمان گذشته است و طبق فرمول زیر ساخته می شود.

فرمول شرطی نوع سوم : If + ماضی بعید ، آینده در گذشته کامل

توجه : برای ساختن زمان آینده در گذشته ی کامل، کافی است که بعد از عبارت **would have** قسمت سوم فعل را بیاوریم . مانند:

If he had invited me, I would have gone there

ایفْ هی هَد اینْوآیْتِد می ، آیْ وود هَوْ گآنْ دِر

اگر او مرا دعوت کرده بود، به آنجا می رفتم. (یعنی او مرا دعوت نکرد و من هم به آنجا نرفتم)

I would have gone there If he had invited me

آیْ وود هَوْ گآنْ دِر ایفْ هی هَد اینْوآیْتِد می

به آنجا می رفتم اگر او مرا دعوت کرده بود . (یعنی او مرا دعوت نکرد و من هم به آنجا نرفتم)

If you had came early, we would have watched the film.

ایفْ یو هَدْ کِیْمْ اِرلی ، یو وود هَوْ وآچْتْ دِ فیلْمْ

اگر شما زود آمده بودید ، ما آن فیلم را تماشا کرده بودیم.

If I had bought the car , we would have gone there

ایفْ آیْ هَدْ بآتْ دِ کآر ، وی وود هَوْ گآنْ دِر

اگر من آن ماشین را خریده بودم ، ما به آنجا رفته بودیم

If he had known that man, he would have helped him

ایفْ هی هَد نُنْ دَتْ مَنْ ، هی وود هَوْ هِلْپْتْ هیمْ

اگر او، آن مرد را شناخته بود ، به او کمک کرده بود

نکاتی در مورد
can – may – should

الف) can به معنای توانستن می باشد ، فعل کمکی است و بیان کننده ی توانایی انجام کار می باشد و بعد از آن فعل ساده می آید یعنی همان مصدر بدون to . مانند :

I can swim. آیْ کَنْ سوایمْ

من می توانم شنا کنم یعنی من توانایی شنا کردن را دارم، یعنی من شنا بلد هستم .

توجه : برای منفی کردن کافی است یک not به can اضافه کنیم .

can't (کَنْتْ) = can not (کَنْ نآتْ)

که در این صورت عدم توانایی انجام کار را می رساند . مثال :

I can't drive. آیْ کَنْتْ درآیْوْ

یعنی من نمی توانم رانندگی کنم، یعنی رانندگی بلد نیستم .

توجه : برای سؤالی کردن can را به اول جمله می آوریم و آخر جمله علامت سوال می گذاریم. مانند :

Can he drive? کَنْ هی درآیْوْ ؟ آیا او می تواند رانندگی کند ؟

توجه : ? ... Can I به معنای (آیا من می توانم ... ؟) برای اجازه گرفتن نیز بکار می رود یعنی (آیا اجازه هست من ... ؟) مانند مثال های زیر :

Can I leave the classroom? اجازه هست کلاس درس را ترک کنم ؟

کَنْ آیْ لیو دِ کلَسْ رومْ ؟

Can I go out? کَنْ آیْ گُوْ آوْتْ ؟ اجازه هست بیرون بروم ؟

Can I help you? کَنْ آیْ هلْپْ یو ؟ اجازه هست کمکتان کنم ؟

توجه : برای جواب کوتاه دادن به هر جمله ای باید از فعل کمکی آن جمله استفاده کنیم . مانند :

Can he drive the car? کَنْ هی درآیْوْ دِ کآر ؟ آیا او می تواند آن ماشین را براند ؟

No, he can't. نُ، هی کَنْتْ نه او نمی تواند

Yes, he can. یِسْ، هی کَنْ بله او می تواند

توجه : گذشته can می شود could که برای بیان توانایی انجام کار در زمان گذشته می باشد و couldn't بیان کننده ی عَدم توانایی در زمان گذشته است. مانند:

I can swim now but I couldn't swim last year

آیْ کَنْ سوایمْ نآوْ بآتْ آیْ کودنْتْ سوایمْ لَسْتْ یِرْ

من حالا می توانم شنا کنم امّا سال گذشته نمی توانستم. یعنی سال گذشته توانایی شنا کردن را نداشتم

توجه: از عبارت could برای اجازه گرفتن در زمان حال نیز استفاده می شود. مانند:

Could you please open the door? — میشه لطفاً در را باز کنید ؟

کود یو (کوجْ یو) پیلیزْ اُپِنْ دِ دُر ؟

ب) may (مِیْ) به معنای ممکن بودن می باشد و فعل کمکی است و برای بیان امکان چیزی به کار می رود و بعد از آن فعل ساده می آید یعنی مصدر بدون to . مانند :

I may see him	آیْ مِیْ سی هیمْ	ممکن است او را ببینم
It may rain tonight	ایتْ مِیْ رِیْنْ تونآیْتْ	ممکن است امشب باران ببارد

توجه۱ : it برای بیان آب و هوا به کار می رود . توجه۲ : rain (رِیْنْ) به معنای باران و باران باریدن می باشد. توجه ۳ : برای منفی کردن کافی است یک not به may اضافه کنیم .

توجه۴ : may not حالت مخفف ندارد . مثال :

It may not rain	ایتْ مِیْ نآتْ رِیْنْ	ممکن نیست باران ببارد

توجه۵ : برای سؤالی کردن may را به اول جمله می آوریم . مانند :

May they come?	مِیْ دِیْ کآمْ ؟	آیا ممکن است آن ها بیایند؟
May he go?	مِیْ هی گُ ؟	آیا ممکن است او برود ؟

توجه۶ : ? ... May I (مِیْ آیْ ... ؟) به معنای (آیا ممکن است من ... ؟) ، برای اجازه گرفتن مؤدبانه نیز به کار می رود و در این صورت به معنای (آیا اجازه هست من ... ؟) می باشد . مانند:

May I use your pen? — مِیْ آیْ یوزْ یُر پِنْ ؟

آیا ممکن است از خودکار شما استفاده کنم ؟ (یعنی آیا اجازه هست از خودکار شما استفاده کنم ؟)

May I go out?	مِیْ آیْ گُ آوْتْ ؟	اجازه هست بیرون بروم ؟
May I help you?	مِیْ آیْ هِلپْ یو ؟	اجازه هست کمکتان کنم ؟

توجه۷: برای جواب کوتاه دادن باید از فعل کمکی خود جمله استفاده کنیم . مانند :

آیا او ممکن است به اینجا بیاید ؟ (اجازه هست او به اینجا بیاید؟) May he come here?

مِیْ هی کاَمْ هییرْ؟

بله، ممکن است. (بله، اجازه دارد) یِسْ، هی مِیْ Yes,He may.

نه، ممکن نیست. (نه، اجازه ندارد) نُ، هی مِیْ نَاتْ No,He may not.

توجه۸: **might** (مَایْتْ) گذشته **may** می باشد.

توجه۹: **should** (شود) به معنای **باید** می باشد و فعل کمکی است و بیشتر برای بیان (انجام وظایف) به کار می رود و بعد از آن ، فعل ساده یعنی **مصدر بدون to** می آید. مانند :

او باید در را باز کند هی شود اُپِنْ دِ دُر He should open the door

من باید اتاقم را تمیز کنم؟ آیْ شود کِلِینْ مَایْ رومْ I should clean my room

توجه۱۰: برای منفی کردن کافی است **not** را به **should** اضافه کنیم .

(شود نَاتْ) **should not** نباید = (شودِنْتْ) **shouldn't**

او نباید پنجره را باز کند هی شودِنْتْ اُپِنْ دِ وینْدُ He shouldn't open the window

من نباید به آنجا بروم آیْ شودِنْتْ گُ دِر I shouldn't go there

توجه۱۱: برای سؤالی کردن **should** را به اول جمله می آوریم و آخر جمله علامت سوال می گذاریم مانند:

آیا آنها باید انگلیسی مطالعه کنند ؟ Should they study English?

شود دِیْ سْتَادی اینگیلیشْ؟

آیا شما باید عربی صحبت کنید ؟ Should you speak Arabic?

شود یو سْپیکْ آرَبیکْ

توجه۱۲: برای جواب کوتاه دادن باید از فعل کمکی خود جمله استفاده کنیم . مانند :

آیا او باید در این رودخانه شنا کند Should he swim in this river?

شود هی سوایْم اینْ دیسْ ریوِر؟

بله او باید شنا کند یِسْ، هی شود. Yes, he should.

نه او نباید شنا کند نُ، هی شودِنْتْ. No, he shouldn't.

نکاتی در مورد
have to & must

Have to (هَفْ تو) مربوط به زمان حال و به معنای مجبور بودن می باشد و بعد از آن باید از شکل ساده ی فعل یعنی **مصدر بدون to** استفاده کرد. مانند:

We have to go	وی هَفْ تو گُ	ما مجبوریم برویم
I have to go	آیْ هَفْ تو گُ	من مجبورم بروم
You have to go	یو هَفْ تو گُ	شما مجبورید بروید
You have to go	یو هَفْ تو گُ	تو مجبوری بروی
They have to go	دیْ هَفْ تو گُ	آنها مجبورند بروند
He has to go	هی هَزْ تو گُ	او مجبور است برود
She has to go	شی هَزْ تو گُ	او مجبور است برود

توجه۱ : **have to** بصورت (هَفْ تو) تلفظ می شود

توجه۲ : در حالت مثبت در سوم شخص مفرد از **has to** استفاده می کنیم

توجه۳ : برای سوالی کردن **have to** از **do** یا **does** استفاده می کنیم.

توجه۴ : **does** مخصوص سوم شخص مفرد می باشد

توجه۵ : در حالت سوالی یا منفی برای تمام فاعل ها فقط از **have to** استفاده می شود.

Do we have to go?	دو وی هَفْ تو گُ؟	آیا ما مجبوریم برویم؟
Do I have to go?	دو آیْ هَفْ تو گُ؟	آیا من مجبورم بروم؟
Do you have to go?	دو یو هَفْ تو گُ؟	آیا شما مجبورید بروید؟
Do you have to go?	دو یو هَفْ تو گُ؟	آیا تو مجبوری بروی؟
Do they have to go?	دو دیْ هَفْ تو گُ؟	آیا آنها مجبورند بروند؟
Does he have to go?	دازْ هی هَفْ تو گُ؟	آیا او مجبور است برود؟
Does she have to go?	دازْ شی هَفْ تو گُ؟	آیا او مجبور است برود؟

توجه۱ : برای منفی کردن **have to** کافی است که از **don't** یا **doesn't** استفاده کنیم.

توجه۲ : **doesn't** مخصوص سوم شخص مفرد می باشد.

توجه۳ : در جملات منفی و یا سوالی هرگز از **has to** استفاده نمی شود. مانند:

We don't have to go	وی دُنْتْ هَفْ تو گُ	ما مجبور نیستیم برویم
I don't have to go	آیْ دُنْتْ هَفْ تو گُ	من مجبور نیستم بروم
You don't have to go	یو دُنْتْ هَفْ تو گُ	شما مجبور نیستید بروید
You don't have to go	یو دُنْتْ هَفْ تو گُ	تو مجبور نیستی بروی
They don't have to go	دِیْ دُنْتْ هَفْ تو گُ	آنها مجبور نیستند بروند
He doesn't have to go	هی دآزِنْتْ هَفْ تو گُ	او مجبور نیست برود
She doesn't have to go	شی دآزِنْتْ هَفْ تو گُ	او مجبور نیست برود

نکته : اگر بخواهیم زمان گذشته ی **have to** و یا **has to** را بکار ببریم، باید از **had to** استفاده کنیم.

مانند:

We had to go	وی هَد تو گُ	ما مجبور بودیم برویم
I had to go	آیْ هَد تو گُ	من مجبور بودم بروم
You had to go	یو هَد تو گُ	شما مجبور بودید بروید
You had to go	یو هَد تو گُ	تو مجبورب ودی بروی
They had to go	دِیْ هَد تو گُ	آنها مجبور بودند بروند
He had to go	هی هَد تو گُ	او مجبور بود برود
Ali had to go	علی هَد تو گُ	علی مجبور بود برود
She had to go	شی هَد تو گُ	او مجبور بود برود
Mina had to go	مینا هَد تو گُ	مینا مجبور بود برود
Ali and Reza had to go	علی اَند رضا هَد تو گُ	علی و رضا مجبور بودند بروند

توجه۱: برای سوالی کردن **had to** از **did** استفاده می شود.

توجه۲: در حالت سوالی برای تمام ضمایر از **have to** استفاده می کنیم. مانند:

Did we have to go?	دید وی هَفْ تو گُ ؟	آیا ما مجبور بودیم برویم؟
Did I have to go?	دید آیْ هَفْ تو گُ ؟	آیا من مجبور بودم بروم؟
Did you have to go?	دید یو هَفْ تو گُ ؟	آیا شما مجبور بودید بروید؟
Did you have to go?	دید یو هَفْ تو گُ ؟	آیا تو مجبور بودی بروی؟
Did they have to go?	دید دِیْ هَفْ تو گُ ؟	آیا آنها مجبور بودند بروند؟
Did he have to go?	دید هی هَفْ تو گُ ؟	آیا او مجبور بود برود؟
Did she have to go?	دید شی هَفْ تو گُ ؟	آیا او مجبور بود برود؟

توجه۱ : برای منفی کردن **had to** از **didn't** استفاده می شود.

توجه۲ : در حالت منفی برای تمام ضمایر از **have to** استفاده می کنیم. مانند:

We didn't have to go	وی دیدنْتْ هَفْ تو گُ	ما مجبور نبودیم برویم
I didn't have to go	آیْ دیدنْتْ هَفْ تو گُ	من مجبور نبودم بروم
You didn't have to go	یو دیدنْتْ هَفْ تو گُ	شما مجبور نبودید بروید
You didn't have to go	یو دیدنْتْ هَفْ تو گُ	تو مجبور نبودی بروی
They didn't have to go	دِیْ دیدنْتْ هَفْ تو گُ	آنها مجبور نبودند بروند
He didn't have to go	هی دیدنْتْ هَفْ تو گُ	او مجبور نبود برود
She didn't have to go	شی دیدنْتْ هَفْ تو گُ	او مجبور نبود برود

نکته : **must** به معنای باید می باشد و برای تمام ضمایر به یک شکل به کار می رود و بعد از آن از فعل ساده یعنی همان مصدر بدون **to** استفاده می شود. مانند:

We must go	وی ماَسْتْ گُ	ما باید برویم
I must go	آیْ ماَسْتْ گُ	من باید بروم
You must go	یو ماَسْتْ گُ	شما باید بروید
You must go	یو ماَسْتْ گُ	تو باید بروی
They must go	دِیْ ماَسْتْ گُ	آنها باید بروند
He must go	هی ماَسْتْ گُ	او باید برود
She must go	شی ماَسْتْ گُ	او باید برود

توجه: **must** در حالت سوالی به اول جمله می آید. مانند:

Must we go?	مَاسْتْ وی گُ؟	آیا ما باید برویم؟
Must I go ?	مَاسْتْ آیْ گُ؟	آیا من باید بروم؟
Must you go?	مَاسْتْ یو گُ؟	آیا شما باید بروید؟
Must you go?	مَاسْتْ یو گُ؟	آیا تو باید بروی؟
Must they go?	مَاسْتْ دِیْ گُ؟	آیا آنها باید بروند؟
Must he go?	مَاسْتْ هی گُ؟	آیا او باید برود؟
Must Ali go?	مَاسْتْ علی گُ؟	آیا علی باید برود؟
Must she go?	مَاسْتْ شی گُ؟	آیا او باید برود؟
Must Mina go?	مَاسْتْ مینا گُ؟	آیا مینا باید برود؟
Must your brother go home?	مَاسْتْ یُرْ برآدِر گُ هُمْ؟	آیا برادرت باید به خانه برود؟
Must your brothers go home?	مَاسْتْ یُرْ برآدِرز گُ هُمْ؟	آیا برادرانت باید به خانه بروند؟

توجه۱: درحالت منفی باید به **must** یک **not** اضافه شود و حالت مخفف آن **mustn't** (مَاسِنْتْ) می باشد. مانند:

We must not go	وی مَاسْتْ نَاتْ گُ	ما نباید برویم
We mustn't go	وی مَاسِنْتْ گُ	ما نباید برویم
I mustn't go	آیْ مَاسِنْتْ گُ	من نباید بروم
You mustn't go	یو مَاسِنْتْ گُ	شما نباید بروید
You mustn't go	یو مَاسِنْتْ گُ	تو نباید بروی
They mustn't go	دِیْ مَاسِنْتْ گُ	آنها نباید بروند
He mustn't go	هی مَاسِنْتْ گُ	او نباید برود
Ali mustn't go	علی مَاسِنْتْ گُ	علی نباید برود
She mustn't go	شی مَاسِنْتْ گُ	او نباید برود
Mina mustn't go	مینا مَاسِنْتْ گُ	مینا نباید برود

مبحث ضمایر مفعولی

ضمایر مفعولی به جای اسمی که مفعول جمله باشد ، می توانند قرار بگیرند و از تکرار آن جلوگیری کنند.

ضمایر مفعولی بعد از فعل می آیند و عبارتند از :

us	آسْ	ما را ، به ما
me	می	من را ، به من
you	یو	شما را ، به شما
you	یو	تورا ، به تو
them	دِمْ	آن ها را ، به آن ها
him	هیمْ	او را، به او (مخصوص مذکر)
her	هِرْ	او را، به او (مخصوص مؤنث)
it	ایتْ	آن را ، به آن

مانند مثال های زیر :

I saw them	آیْ سآ دِمْ	من آن ها را دیدم
I saw him	آیْ سآ هیمْ	من او را دیدم
I saw you	آیْ سآ یو	من تو را دیدم
I saw it	آیْ سآ ایتْ	من آن را دیدم
They saw me	دِیْ سآ می	آن ها مرا دیدند
They saw us	دِیْ سآ آسْ	آن ها ما را دیدند
Give them a ball	گیوْ دِمْ اِ بآلْ	به آن ها یک توپ بدهید
Give her a cup	گیوْ هِرْ اِ کآپْ	به او یک فنجان بدهید
Give me a pen	گیوْ می اِ پِنْ	به من یک خودکار بدهید
Please help me	پلیزْ هِلْپْ می	لطفاً به من کمک کنید
Please help him	پلیزْ هِلْپْ هیمْ	لطفاً به او کمک کنید
Please help them	پلیزْ هِلْپْ دِمْ	لطفاً به آنها کمک کنید

جدول مقایسه

ضَمایر مفعولی بعد از فعل	صفات ملکی قبل از اسم	ضَمایر فاعلی قبل از فعل
us = مارا ، به ما	مان = our = مال ما	we = ما
me = من را ، به من	م = my = مال من	I = من
you = شما را ، به شما	تان = your = مال شما	you = شما
you = تو را ، به تو	ت = your = مال تو	you = تو
them = آنها را ، به آنها	شان = their = مال آنها	they = آنها
him = او را ، به او (مذکر)	ش = his = مال او (مذکر)	he = او (مذکر)
her = او را ، به او (مؤنث)	ش = her = مال او (مؤنث)	she = او (مؤنث)
it = آن را ، به آن (حیوان و اشیاء)	ش = its = مال آن (حیوان و اشیاء)	it = آن (حیوان و اشیاء)

مثال :

مفعول	فعل	فاعل
them (دِمْ) آن ها را	saw (سآ) دیدم	I (آیْ) من
me (مِی) مرا	saw (سآ) دیدند	They (دِیْ) آنها

توجه ۱ : صفات ملکی به همراه اسم می آیند و بدون اسم ، بی معنا و مفهوم می باشند .

توجه ۲ : صفت ملکی به همراه اسم ، می تواند فاعل یا مفعول جمله باشد . مانند :

My brother (فاعل) saw (فعل) your father (مفعول) — مآیْ برآدِر سآ یُرْ فآدِر — برادرم ، پدرت را دید

His sister (فاعل) gave (فعل) my mother (مفعول انسانی) a cup of tea (مفعول غیر انسان) — خواهرش یک فنجان چای به مادرم داد

هیزْ سیستِرْ گیْوْ مآیْ مآدِر اِ کآپْ آوْ تی

مبحث ضمایر ملکی
Possessive pronouns

ضمیر ملکی به جای اسم و صفت ملکی می آید . چون به جای اسم می آید به آن ضمیر می گویند و چون مالکیت را می رساند به آن ملکی می گویند. ضمایر ملکی عبارتند از:

ours	آوْرز	مال ما - برای ما
mine	مآیْن	مال من - برای من
yours	یُرز	مال شما - برای شما
yours	یُرْز	مال تو - برای تو
theirs	درز	مال آن ها - برای آن ها
his	هیزْ	مال او - برای او (مذکر)
hers	هرْز	مال او - برای او (مونث)
its	ایتْس	مال آن - برای آن (غیرانسان)

This is my car	=	this car is mine	=	this is mine
دیسْ ایزْ مآیْ کآر	=	دیسْ کآر ایزْ مآیْنْ	=	دیسْ ایزْ مآیْنْ
این ماشین من است	=	این ماشین مال من است	=	این مال من است

Is that your bag?	ایزْ دَتْ یُرْ بَگْ ؟	آیا آن کیف تو است؟
No, it's hers	نُ ایتْس هرْز	نه. آن مال او (مؤنث) است
No, it's Mina's	نُ ایتْس میناز	نه. آن مال مینا است
No, it's my brother's	نُ ایتْس مآیْ برآدرز	نه. آن مال برادرم است
No, it's Ali's	نُ ایتْس عَلیز	نه. آن مال علی است
No, it's his	نُ ایتْس هیزْ	نه. آن مال او است
No, it isn't mine.	نُ ایتْ ایزنتْ مآیْنْ	نه. آن مال من است
whose car is it?	هوز کآر ایز ایت ؟	آن ماشین چه کسی است؟
It's mine	ایتْس مآیْنْ	آن برای من است

مبحث ضمایر انعکاسی
Reflexive pronouns

می دانیم که در جملات بعد از فعل جایگاه مفعول می باشد حال اگر فاعل و مفعول جمله یکی باشد ، در این صورت به جای مفعول جمله، از ضمیرِ انعکاسی استفاده می کنیم . ضمایر انعکاسی عبارتند از:

ourselves	آوْر سلْوْز	خودمان را
myself	مآیْ سلْفْ	خودم را
yourselves	یُرْ سلْوْز	خودتان را
yourself	یُرْ سلْفْ	خودت را
themselves	دِمْ سلْوْز	خودشان را
himself	هیمْ سلْفْ	خودش را (مذکر)
herself	هِرْ سلْفْ	خودش را (مونث)
itself	ایتْ سلْفْ	خودش را (غیر انسان)

به مثالهای زیر دقت کنید:

I hurt Ali	آیْ هرْتْ علی	من به علی صدمه زدم
I hurt him	آیْ هرْتْ هیم	من به او صدمه زدم

در این جملات Ali و him مفعول جمله می باشند و با فاعل جمله فرق دارند.

اما در جمله ی اشتباه I hurt me که فاعل و مفعول جمله یکی هستند به جای me باید از ضمیر انعکاسی مربوط به آن یعنی myself به معنای خودم را، استفاده کنیم. مانند:

I hurt myself	آیْ هرْتْ مآیْ سلْفْ	من به خودم صدمه زدم
You hurt yourself	یو هرْتْ یُرْ سلْفْ	تو به خودت صدمه زدی
He hurt himself	هی هرْتْ هیمْ سلْفْ	او به خودش صدمه زد
She hurt herself	شی هرْتْ هرْ سلْفْ	او به خودش صدمه زد
they hurt themselves	دیْ هرْتْ دمْ سلْوْز	آنها به خودشان صدمه زدند
We hurt ourselves	ویْ هرْتْ آوْر سلْوْز	ما به خودمان صدمه زدیم
You hurt yourselves	یوْ هرْتْ یُرْ سلْوْز	شما به خودتان صدمه زدید

He saw himself in the mirror

او خودش را در آیینه دید

هی سآ هیمْ‌سِلْفْ اینْ دِ میرِر

The girl burnt herself badly

آن دختر بَد جوری خودش را سوزاند

دِ گِرْلْ بِرْنْتْ هِرْسِلْفْ بَدلی

توجه۱ : بعضی از افعال نیاز به دو مفعول دارند. اگر مفعول شخصی بصورت ضمیر مفعولی یا ضمیر انعکاسی بعد از مفعولی که غیر انسان باشد بیاید، دراینصورت قبل از خود نیاز به حرف اضافه **for** یا **to** دارد. مانند:

They bought a car for themselves

آنها یک ماشین برای خودشان خریدند

دِیْ بآتْ ا کآر فُرْ دِمْ‌سِلْوْزْ

We built a house for ourselves

ما برای خودمان یک خانه ساختیم

وی بیلْتْ ا هاوْسْ فُرْ آوْرسِلْوْزْ

He made a cake for himself

او برای خودش یک کیک درست کرد

هی مِیْدْ ا کِیْکْ فُر هیمْ‌سِلْفْ

توجه۲ : در حالی که اگر ابتدا مفعول انسانی و سپس مفعول غیر انسانی بیاید هیچ نیازی به حرف اضافه نمی باشد. مانند:

They bought themselves a car

آنها یک ماشین برای خودشان خریدند

دِیْ بآتْ دِمْ‌سِلْوْزْ ا کآر

We built ourselves a house

ما برای خودمان یک خانه ساختیم

وی بیلْتْ آوْرسِلْوْزْ ا هاوْسْ

He made himself a cake

او برای خودش یک کیک درست کرد

هی مِیْدْ هیمْ‌سِلْفْ ا کِیْکْ

توجه۳ : بعد از حرف اضافه ی **with** از ضمایر مفعولی استفاده می شود نه ضمایر انعکاسی. مانند:

Mina took the baby with **her**

مینا نوزاد را با (به همراه) خود برد

میناَ توکْ دِ بِیبی ویثْ هِرْ

They took the car with them

آنها ماشین را با خود بردند

دِیْ توکْ دِ کآر ویثْ دِمْ

ضمایر تأکیدی
Emphasizing Pronouns

ضمایرتاکیدی به دو دسته ی تاکیدِ فاعلی و تاکیدِ مفعولی تقسیم می شوند و از نظر شکلی مانند ضمایر انعکاسی می باشند اما در جمله کاربرد آن ها فرق دارد، برای مثال ضمیر تاکیدی فاعلی بعد از فاعل و یا بعد از مفعول جمله می آید، مانند:

I myself wrote the letter	آیْ مایْ سِلْفْ رُتْ دِ لِتِرْ	من خودم آن نامه را نوشتم
I wrote the letter myself	آی رُت دِ لِتِر مایْ سِلْفْ	من خودم آن نامه را نوشتم
I myself saw them	آیْ مایْ سِلْفْ سا دِمْ	من خودم آن ها را دیدم
I saw them myself	آیْ سا دِمْ مایْ سِلْفْ	من خودم آن ها را دیدم

و ضمیر تاکیدی مفعولی بعداز مفعول مورد نظر می آید، مانند:

I saw Ali himself	آیْ سا علی هیمْ سِلْفْ	من خود علی را دیدم
I saw him himself	آیْ سا هیمْ هیمْ سِلْفْ	من خود او را دیدم
I saw Mina herself	آیْ سا مینا هِرْسِلْفْ	من خود مینا را دیدم
I saw her herselff	آیْ سا هِرْ هِرْسِلْفْ	من خود او را دیدم
I saw Ali and Mina themselves	آیْ سا علی اَنْدْ مینا دِمْ سِلْوْزْ	من خود علی و مینا را دیدم
I saw them themselves	آیْ سا دِمْ دِم سِلْوْزْ	من خود آن ها را دیدم
I gave the wallet to the man himself	آیْ گِیْوْ دِ والِتْ تو دِ مَنْ هیمْ سِلْفْ	من کیف پول را به خودِ آن مرد دادم

توجه: اگر این ضمایر بعد از حرف **by** بیایند ، معنای به تنهایی می دهند، مانند:

You can't do it by yourself	یو کَنْتْ دو ایتْ بایْ یُرْسِلْفْ	شما نمی توانید آن (کار) را به تنهایی انجام دهید
My sister likes to study by herself	مایْ سیسْتِرْ لایْکْسْ تو سْتادی بایْ هِرْسِلْفْ	خواهرم دوست دارد به تنهایی مطالعه کند

قیدهای تکرار (قیود تکرار)
Adverbs of frequency

بعضی از قیدهای تکرار عبارتند از :

always	آلْ وِیْزْ	همیشه
often	آفِنْ	اغلب
usually	یوژوالی	معمولاً
sometimes	سآمْ تآیْمزْ	گاهی اوقات
never	نِوِر	هرگز
seldom	سِلْ دِمْ	به ندرت
rarely	رِرلی	به ندرت
generally	جِنِرآلی	معمولاً

قید تکرار بیان کننده ی تکرار فعل، می باشد. مثلاً اگر عمل انجام شده همیشگی و صد درصد باشد ، از قید تکرار **always** (آلْ وِیْزْ) به معنای همیشه ، استفاده می کنیم . مانند:

I am always at home on Fridays — من همیشه جمعه ها در منزل هستم

آیْ اَمْ آلْ وِیْزْ اَتْ هُمْ آنْ فرآیْ دِیْزْ

و اگر تکرار فعل به صفر برسد از **never** استفاده می کنیم .

توجه : **never** به معنای هرگز می باشد ، در جملات مثبت می آید و معنای جمله را منفی می کند . مانند:

He is never at home on Fridays — او هرگز جمعه ها در منزل نیست

هی ایزْ نِوِر اَتْ هُمْ آنْ فرآیْ دِیْزْ

جایگاه قیدهای تکرار

۱) بعد از **to be** مانند :

He is always here at ten — هی ایز آلوِیْزْ هییرْ اَتْ تِنْ — او همیشه ساعت ۱۰ اینجا است

They are often there on Sundays — آنها اغلب یکشنبه ها آنجا هستند

دِیْ آرْ آفِنْ دِرْ آنْ سآنْدِیْزْ

۲) قبل از فعل اصلی . مانند :

They always study English — دِیْ آلْ وِیْزْ سْتآدی اینگْلیش — آن ها همیشه انگلیسی مطالعه می کنند

He never comes here on Mondays — او هرگز دوشنبه ها به اینجا نمی آید

هی نِوِر کآمْزْ هییرْ آنْ مآنْدِیْزْ

مبحث مالکیت of و s'

برای بیان مالکیت برای غیر انسان از of استفاده می شود .

در انگلیسی (در) می شود the door و کلاس می شود the class اگر بخواهیم بگوییم (درِ کلاس) یعنی دَری که مُتعلق به کلاس است، باید به جای کسره مالکیت از of استفاده کنیم . مانند :

درِ کلاس	دِ دُر آو دِ کلَس	the door of the class
درِ ماشین	دِ دُر آو دِ کاَر	the door of the car
درِ خانه	دِ دُر آو دِ هاَوْس	the door of the house
پشت بامِ خانه	دِ روفْ آو دِ هاَوْس	the roof of the house
پنجره ها ی خانه	دِ ویندُز آو دِ هاَوْس	the windows of the house
پایه های میز	دِ لگْز آو دِ تیبِلْ	the legs of the table
چرخ های دوچرخه	دِ ویلْز آو دِ باَیسیکِلْ	the wheels of the bicycle

توجه : of را از سَمت چپ، ترجمه می کنیم .

برای بیان مالکیت برای انسان از s' استفاده می شود . s' همان کسره ی مالکیت برای انسان می باشد . مثال

کتابِ علی	علیزْ بُکْ (بوکْ)	Ali's book
پدرِ علی	علیزْ فاَدر	Ali's father
عَمویم	ماَیْ آنکِلْ	My uncle
برادرِ پدرم	ماَیْ فاَدرز براَدر	My father's brother
عمه ام	ماَیْ آنْتْ	My aunt
خواهرِ پدرم	ماَیْ فا درز سیستِرْ	My father's sister
دایی ام	ماَیْ آنکِلْ	My uncle
برادرِ مادرم	ماَیْ ماَدرز براَدر	My mother's brother
خاله ام	ماَیْ آنْتْ	My aunt
خواهرِ مادرم	ماَیْ ماَدرز سیستِرْ	My mother's sister

توجه۱ : s' را از سمت راست ترجمه می کنیم . مثال :

ماشینِ مینا	میناز کاَر	← Mina's car

the wheels of Ali's bicycle are big — چرخ های دوچرخه ی علی، بزرگ هستند

دِ ویلْزْ آو علیزْ بآیْسیکِلْ آر بیگْ

The colour of Mina's car is brown — رنگِ ماشینِ مینا، قهوه ای است

دِ کالِرْ آو میناز کآر ایزْ براوْنْ

طرز قرار گیری کلمات در جملات انگلیسی در حالت کلّی

فاعل	فعل	مفعول	قید مکان	قید زمان
I	saw	him	in the park	yesterday
آیْ	سآ	هیمْ	اینْ دِ پآرکْ	یِستِرْدِی
من	دیدم	او را	در پارک	دیروز

توجه ۱ : دقت داشته باشید که

فاعل : کننده ی کار را می گویند . (من = I)

فعل : عمل انجام شده است . (دیدم = saw)

مفعول : کسی یا چیزی که کار، روی آن انجام می شود. (اورا = him)

(قید) مکان : محلی که فعل در آن جا انجام می شود. (درپارک = in the park)

(قید) زمان : زمانی که فعل انجام می شود . (دیروز = yesterday)

توجه ۲ : این فرمول فقط برای حالت مثبت می باشد .

توجه ۳ : بین فعل و زمان رابطه ی مستقیم برقرار است یعنی اگر فعل آینده باشد، زمان هم باید آینده باشد و به همین ترتیب . مانند :

زمان آینده <<<<<<< >>>>>> فعل آینده

I will see him in the park tomorrow — من فردا او را در پارک خواهم دید

آیْ ویلْ سی هیمْ اینْ دِ پآرکْ تومآرُ

زمان حال <<<<<<< >>>>>> فعل حال

I see him in the park every day — من هرروز او را در پارک می بینم

آیْ سی هیمْ اینْ دِ پآرکْ اِوْریدِیْ

زمان گذشته <<<<<<< >>>>>> فعل گذشته

I saw him in the park last night — من شب گذشته او را در پارک دیدم

آیْ سآ هیمْ اینْ دِ پآرکْ لَسْتْ نآیْتْ

مبحث قید های حالت
Adverbs of manner

قید حالت بیان کننده چگونگی و حالت فعل می باشد .

طرز ساخت قید حالت : اگر به بعضی از صفت ها ly اضافه کنیم آنها را به قید حالت تبدیل کرده ایم.مانند:

صفت			قید حالت		
bad	بَد	بد	badly	بَدلی	به بدی
quick	کوایکْ	سریع ، تند	quickly	کوایکلی	به تندی ، به سرعت
rapid	رَپید	سریع ، تند	rapidly	رَپیدلی	به تندی ، به سرعت
careful	کِرْفولْ	با دقت	carefully	کِرْفولی	به دقت
careless	کِرْلِسْ	بی دقت	carelessly	کِرْلِسْ لی	با بی دقتی
beautiful	بیوتیفولْ	زیبا	beautifully	بیوتیفولی	به زیبایی
slow	سْلُ	آرام ، کند ، آهسته	slowly	سْلُ لی	به آرامی
easy	ایزی	آسان	easily	ایزی لی	به آسانی

چند قید حالت بی قاعده که باید حفظ شوند .

good	گود	خوب	Well	وِلْ	به خوبی
fast	فَسْتْ	سریع	Fast	فَسْتْ	به سرعت
hard	هآرد	سخت	Hard	هآرد	به سختی

جایگاه قید حالت

قیدهای حالت ، بعد از مفعول می آیند و اگر در جمله مفعول نداشتیم ، قید حالت را بعد از فعل می آوریم

مانند :

He can speak English quickly — او می تواند به سرعت انگلیسی صحبت کند

هی کَنْ سْپیکْ اینگلیشْ کوایکلیْ

She can speak English fast — او می تواند به سرعت انگلیسی صحبت کند

شی کَنْ سْپیکْ اینگلیشْ فَسْتْ

A careful driver drives carefully — یک راننده با دقت ، به دقت رانندگی می کند

اِ کِرْفولْ درآیور درآیوز کِرْفولی

He swims slowly	هی سوایمز سْلُلی	او به کندی شنا می کند
A fast runner runs fast	اِ فَسْت رآنِرْ رآنز فَسْت	یک دونده سریع، به سرعت می دود

توجه : در هنگام اضافه کردن ly به صفت easy باید y را به i تبدیل کنیم .

easy + ly >>>>>>>>>> ایزیلی easily به آسانی

He speaks Arabic easily	هی سْپیکس آرَبیکْ ایزیلیْ	او به آسانی عربی صحبت می کند

صفتهای زیر نیز مانند easy می باشند.

happy	هَپی	شاد
pretty	پرتی	زیبا
heavy	هوی	سنگین
busy	بیزی	گرفتار

مبحث صفت

صفت در زبان انگلیسی قبل از اسم می آید و در مورد آن اسم توضیح می دهد و آن را بیان می کند .

توجه : هر چیزی که به اسم نسبت داده می شود ، صفت است . مانند:

short	شُرْتْ	کوتاه - قد کوتاه
thin	ثینْ	لاغر
tall	تآلْ	بلند - قد بلند
fat	فَتْ	چاق
bad	بَد	بد
good	گود	خوب
white	وآیْتْ	سفید
black	بْلَکْ	سیاه

مانند:

a fat boy	اِ فَتْ بُی	یه پسر چاق
a white shirt	اِ وآیْتْ شِرْتْ	یه پیراهن سفید

جایگاه صفت : صفت دو جایگاه دارد : ۱) قبل از اسم. ۲) بعد از فعل های ربطی که to be یکی از آن ها می باشد. مانند :

صفت قبل از اسم

He is a tall boy	هی ایز ا تآل بُی	او پسر بلند قدی است
Ali is a fat driver	علی ایز ا گود درآیوِر	علی یک راننده ی چاق است

صفت بعد از to be

He is tall	هی ایز تآل	او بلند قد است
Ali is fat	علی ایز فَت	علی چاق است

صفت بعد از فعل ربطی

The soup tastes nice	دِ سوپ تِیْستْس نآیس	مَزه ی سوپ خوب است
You look tired	یو لوکْ تآیرْد	شما خسته به نظر می رسید
She got bored	شی گآتْ بُرْد	او خسته شد
I feel fine now	آیْ فیلْ فآین نآو	حالا حالم خوب است
It smells great	ایتْ سْملْز گریْتْ	بوی آن عالی است

مبحث اسم فاعل

اسم فاعل از فعل ساخته می شود و بیان کننده ی عَملِ فعل می باشد .

طرز ساخت اسم فاعل : بعضی از فعل ها + er = اسم فاعل

speaker	سْپیکِرْ	سُخنگو،سُخنران،بُلند گو	player	پلیِرْ	بازی کن
teacher	تیچِرْ	معلم	writer	رآیتِرْ	نویسنده
swimmer	سوایمِرْ	شناگر	driver	درآیوِر	راننده
runner	رآنِرْ	دونده	worker	وُرکِرْ	کارگر

به جملات زیر دقت کنید.

He is a swimmer	هی ایزْ ا سوایمِرْ	او یک شناگر است
Ali is a runner	علی ایزْ ا رآنِرْ	علی یک دونده است
Mina is a writer	مینا ایزْ ا رآیتِرْ	مینا یک نویسنده است
Sina is a worker	سینا ایزْ ا وُرکِرِ	سینا یک کارگر است

طرز قرارگیری چند صفت قبل از یک اسم

یک اسم می تواند قبل از خود یک یا چند صفت داشته باشد. مانند فرمول زیر:

determiner +	quality +	size +	age +	color +	nationality +	material +	noun
تعریف کننده ها +	کیفیت +	اندازه +	سن و سال(قدمت) +	رنگ +	ملیت +	جنس (ماده) +	اسم
a	nice	large	new	colorful	Iranian	silk	carpet
اِ	نآیس	لآرج	نیو	کالِرفول	ایرآنیَن	سیلْک	کآرپِت
یک	خوب	بزرگ	جدید	رنگارنگ	ایرانی	ابریشمی	فرش

توجه: در این فرمول می توانیم به جای تعریف کننده ها از (اعداد ، صفات اشاره به دور و نزدیک، صفات ملکی، حرف تعریف نکره (a – an) حرف تعریف معین (the) استفاده نمود. مانند:

The tall old man was clever

آن پیر مرد بلند قد، باهوش بود

دِ تآل اُلد مَن وآز کلِوِر

This old gold watch is expensive

این ساعت طلای قدیمی، گران می باشد

دیس اُلد گُلد وآچ ایز اِکسْپِنسیو

That difficult new history book is over there

آن کتاب تاریخ جدید مشکل، آنطرف می باشد

دَت دیفیکآلت نیو هیستری بُک ایز اُوِر دِر

I saw an old Italian physics teacher

من یک معلم فیزیک ایتالیایی پیر را دیدم

آی سآ اَن اُلد ایتآلیَن فیزیکْس تیچِر

The thin tall boy felt very tired

آن پسر بلند قد لاغر، خیلی احساس خستگی می کرد

دِ ثین تآل بُی فِلت وِری تآیِرد

The new green plastic chairs will become cheaper

دِ نیو گیرین پْلَستیک چِرز ویل بیکآم چیپِر

صندلی های پلاستیکی سبز رنگ جدید، ارزانتر خواهند شد

These large white cotton shirts are very old

دیز لآرج وآیت کآتِن شِرتْس آر وِری اُلد

این پیراهن های نخی سفید بزرگ، خیلی قدیمی هستند

اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

اسامی قابل شمارش : آن هایی را گویند که هم حالت مفرد دارند و هم حالت جمع . مانند :

pen	پِنْ	(مفرد)	خودکار
pens	پِنْز	(جمع)	خودکارها
book	بُکْ (بوکْ)		کتاب
books	بُکْس (بوکْس)		کتاب ها
man	مَنْ		مرد
men	مِنْ		مردها
woman	وُمَنْ		زن
women	وِمِنْ		زن ها
country	کآنتری		کشور
countries	کآنتریز		کشورها
city	سیتی		شهر
cities	سیتیز		شهرها
box	باکْس		جعبه
boxes	باکْسِز		جعبه ها
glass	گلَسْ		لیوان
glasses	گلَسِز		لیوان ها
dress	دِرِسْ		لباس زنانه
dresses	دِرِسِز		لباس های زنانه
bus	بآسْ		اتوبوس
buses	بآسِز		اتوبوس ها
watch	وآچْ		ساعتِ مُچی
watches	وآچِز		ساعت های مُچی
orange	آرِنْجْ		پرتقال
oranges	آرِنجِز		پرتقال ها

توجه : اگر **es** به صداهای (س- ش- چ- ج- ز) برسد، صدای / **IZ** / از (ایز) می دهد

اسامی غیر قابل شمارش: آنهایی را می گویند که فقط حالت مفرد دارند و هرگز جمع بسته نمی شوند.مانند:

water	واتِرْ	آب
milk	مِلْکْ (میلْکْ)	شیر
tea	تی	چای
coffee	کافی	قهوه
sugar	شوگِرْ	شکر
rice	رآیْسْ	برنج
meat	میتْ	گوشت
bread	بِرِد	نان
cheese	چیزْ	پنیر
butter	باتِرْ	کَره
money	مانی	پول

طرز استفاده از
a little (اِ لیتِلْ) **much** - (ماچْ)

a little به معنای مقدار کم امّا در حدّ مثبت می باشد و همیشه با اسامیِ غیرقابل شمارش به کار می رود.مانند:

There is a little bread on the plate

دِر ایزْ اِ لیتِلْ بِرِد آنْ دِ پلِیْتْ

مقدار کمی نان (اما در حد کافی) بر روی بشقاب وجود دارد

little به معنای مقدار کم و ناکافی می باشد و همیشه با اسامیِ غیرقابل شمارش به کار می رود.مانند:

There is little bread on the plate

دِر ایزْ لیتِلْ بِرِد آنْ دِ پلِیْتْ

مقدار کمی نان (در حد ناکافی - بسیار ناچیز) بر روی بشقاب وجود دارد

much به معنای مقدارِ زیادی می باشد و با اسامیِ غیرقابل شمارش به کار می رود . مانند :

There is much bread on the plate — مقدار زیادی نان برروی بشقاب هست

دِر ایزْ ماچْ بِرِد آنْ دِ پِلیتْ

طرز استفاده از
a few (اِفیو) **many** (مِنی)

a few به معنای تعداد کمی اما در حد مثبت می باشد و همیشه با اسامی جمع بکار می رود . مانند :

There are a few books on the table

دِر آر اِ فیو بُکْس (بوکْس) آنْ دِ تِیبِلْ

تعداد کمی کتاب (مثلاً با اینکه تعداد آنها کم می باشد اما برای امتحان مورد نظر کافی است) روی میز وجود دارد

few به معنای تعداد کمی و ناکافی می باشد و همیشه با اسامی جمع بکار می رود . مانند :

There are few books on the table

دِر آر فیو بُکْس (بوکْس) آنْ دِ تِیبِلْ

تعداد کمی کتاب (تعداد آنها کم است و برای امتحان مورد نظر کافی نمی باشند) روی میز وجود دارد

many به معنای تعداد زیادی می باشد و همیشه با اسامی جمع بکار می رود . مانند :

There are many cars in the street — در خیابان تعداد زیادی ماشین وجود دارد

دِر آر مِنی کآرز این دِ سْتیریتْ

توجه : **several** به معنای چندین می باشد و همیشه با اسامی جمع بکار می رود . مانند :

There are several cars in the street — در خیابان چندین ماشین وجود دارد

دِر آر سِورآلْ کآرْزْ این دِ سْتیریتْ

توجه : **a lot of** به معنای زیاد (تعداد زیادی یا مقدار زیادی) می باشد پس اگر معنای تعداد بدهد، با اسامی جمع بکار می رود و اگر معنای مقدار بدهد، با اسامی غیر قابل شمارش می آید . مانند :

There are a lot of cars in the street — در خیابان تعداد زیادی ماشین وجود دارد

دِر آر اِ لآتْ آو کآرز این دِ سْتیریتْ

There is a lot of bread on the plate — مقدار زیادی نان برروی بشقاب هست

دِر ایزْ اِ لآتْ آو بِرِد آنْ دِ پِلیتْ

مبحث سؤالی با کلمات پُرسشی

طرز سؤالی با ((How much هاوْ ماچْ))

How much به معنای چه مقداری یا چقدر می باشد که بعد از آن اسم غیرقابل شمارش می آید و سپس جمله ی سؤالی . مانند فرمول :

فرمول : How much + اسم غیر قابل شمارش + یک جمله ی پرسشی ... ?

How much milk is there in the cup? — در فنجان چقدر شیر وجود دارد ؟

هاوْ ماچْ مِلکْ (میلْکْ) ایزْ در این دِ کاپْ ؟

There is much milk in the cup — مقدار زیادی شیر در فنجان می باشد

در ایزْ ماچْ مِلکْ (میلْکْ) این دِ کاپْ

How much money do you need? — شما چقدر پول نیاز دارید ؟

هاوْ ماچْ مَآنی دو یو نید ؟

I need a little money — آیْ نید اِ لیتِلْ مَآنی — من مقدار کمی پول نیاز دارم

طرز سؤالی با ((How many هاوْ منی))

How many به معنای چه تعدادی یا چندتا می باشد که بعد از آن اسم جمع و سپس جمله ی سؤالی می آید. مانند فرمول زیر:

فرمول : How many + اسم جمع + یک جمله ی پرسشی ... ?

How many books are there in the library ? — در آن کتابخانه چندتا کتاب وجود دارد ؟

هاوْ منی بُکْسْ (بوکْسْ) آر در اینْ دِ لاَیْبرری؟

There are many books in the library. — تعداد زیادی کتاب در کتابخانه وجود دارد

در آر منی بُکْسْ (بوکْسْ) اینْ دِ لاَیْبرری

How many pens do you have ? — شما چندتا خودکار دارید ؟

هاوْ منی پِنْزْ دو یو هَوْ؟

I have five pens — آیْ هَوْ فاَیْو پِنْزْ — من پنج خودکار دارم

((who هو)) کلمه ی پرسشی

who به معنای چه کسی یا چه کسانی می باشد و مخصوص سؤالی کردن فاعل انسانی می باشد .

مراحل سؤالی با who :

۱) who را به اول جمله می آوریم .

۲) فاعل جمله را حذف کرده و مابقی جمله را می نویسیم . مانند :

He plays football well in the park every day

هی پلیز فوتبال ول این د پارک اوری دی

او هرروز در پارک به خوبی فوتبال بازی می کند

Who plays football well in the park every day?

هو پلیز فوتبال ول این د پارک اوری دی؟

چه کسی هرروز در پارک به خوبی فوتبال بازی می کند ؟

They play football well in the park every day

دی پلی فوتبال ول این د پارک اوری دی

آنها هرروز در پارک به خوبی فوتبال بازی می کنند

Who play football well in the park every day?

هو پلی فوتبال ول این د پارک اوری دی؟

چه کسانی هرروز در پارک به خوبی فوتبال بازی می کنند ؟

((what وآت)) کلمه ی پرسشی

الف) what به معنای چه چیزی یا چه چیزهایی ، مخصوص سوالی کردن فاعل غیر انسانی می باشد.

مراحل سؤالی با what فاعلی :

۱) what را به اول جمله می آوریم .

۲) فاعل غیر انسانی جمله را حذف کرده و مابقی جمله را می نویسیم . مانند :

That black dog runs very fast — آن سگ سیاه خیلی سریع می دود

دت بلک داگ رانز وری فست

What runs very fast? — وآت رانز وری فست؟ — چه چیزی خیلی سریع می دود؟

ب) **what** به معنای چه، چی یا چه چیزی را، می باشد و مخصوص سؤالی کردن مفعول غیر انسانی است.

مراحل سؤالی با **what** مفعولی :

۱) **what** را به اول جمله می آوریم . ۲) مفعول جمله را حذف می کنیم .

۳) جمله را به شکل سؤالی می نویسیم . مانند :

He plays football well in the park every day

هی پلیْزْ فوتْبالْ وِلْ اینْ دِ پارکْ اِوْری دیْ

او هرروز در پارک به خوبی فوتبال بازی می کند

What does he play well in the park every day?

وآتْ داز هی پلیْ وِلْ اینْ دِ پارکْ اِوْری دیْ؟

او هرروز در پارک چی (چه چیزی) را به خوبی بازی می کند ؟

کلمه ی پرسشی ((How هاوْ))

How به معنای چطور یا چگونه می باشد و برای سؤالی کردن چگونگی و حالت فعل بکار می رود ، مثلاً برای سؤالی کردن قید حالت از **How** استفاده می کنیم .

مراحل سؤالی با **How** :

۱) **How** را به اول جمله می آوریم . ۲) قید حالت را حذف می کنیم .

۳) جمله را به شکل سؤالی می نویسیم . مانند :

He plays football well in the park every day

هی پلیْزْ فوتْبالْ وِلْ اینْ دِ پارکْ اِوْری دیْ

او هرروز در پارک به خوبی فوتبال بازی می کند

How does he play football in the park every day?

هاوْ داز هی پلیْ فوتْبالْ اینْ دِ پارکْ اِوْری دیْ؟

او هرروز در پارک، چگونه فوتبال بازی می کند ؟

He goes to school by bus every day. — او هرروز با اتوبوس به مدرسه می رود.

هی گزْ تو سْکولْ بایْ باسْ اِوْری دیْ

How does He go to school every day? — او هرروز چگونه به مدرسه می رود؟

هاوْ داز هی گُ تو سْکولْ اِوْری دیْ ؟

کلمه ی پرسشی ((ور where))

where به معنای کجا می باشد و مخصوصِ سؤالی کردنِ مکان جمله است .

مراحل سؤالی با where :

۱) where را به اول جمله می آوریم . ۲) مکان جمله را حذف می کنیم .

۳) جمله را به شکل سؤالی می نویسیم . مانند :

He plays football well in the park every day — او هرروز در پارک به خوبی بازی می کند

هی پلیز فوتبال وِل این دِ پارک اِوری دی

Where does he play football well every day?

ور داز هی پلی فوتبال وِل اِوری دی؟

او هرروز در کجا به خوبی فوتبال بازی می کند ؟

The cat is under the car. — دِ کَت ایز آندِر دِ کار — آن گربه زیر ماشین است

Where is the cat? — ور ایز دِ کَت؟ — آن گربه کجا است؟

The dog was in the car. — دِ داگ واز این دِ کار — آن سگ داخل ماشین بود

Where was the dog? — ور واز دِ داگ ؟ — آن سگ کجا بود؟

کلمه ی پرسشی ((وِن when))

when به معنای چه موقع یا کِیْ ،مخصوص سؤالی کردن زمان جمله است .

مراحل سؤالی با when :

۱) when را به اول جمله می آوریم . ۲) زمان جمله را حذف می کنیم .

۳) جمله را به شکل سؤالی می نویسیم . مانند :

He plays football well in the park every day

هی پلیز فوتبال وِل این دِ پارک اِوری دی

او هرروز در پارک به خوبی فوتبال بازی می کند

When does he play football well in the park?

وِن داز هی پلی فوتبال وِل این دِ پارک؟

او چه موقع در پارک به خوبی فوتبال بازی می کند ؟

They went to Mashhad last year — آنها سال پیش به مشهد رفتند.

دِیْ وِنْتْ تو مَشْهَدْ لَسْتْ یِرْ

When did they go to Mashhad? — آنها کِی به مشهد رفتند؟

وِنْ دید دِیْ گُو تو مَشْهَدْ ؟

کلمه ی پرسشی ((why وای))

why به معنای چرا ،مخصوص پرسیدن علت و دلیل می باشد.

مراحل سؤالی با why :

۱) why را به اول جمله می آوریم . ۲) علت و دلیل را حذف می کنیم .

۳) جمله را به شکل سوالی می نویسیم . مانند :

They took a bus because it was cheap

دِیْ تُکْ (توکْ) اِ بَاْسْ بیکآز اِتْ وآز چیپْ

آن ها اتوبوس گرفتند (سوار شدن) چون (زیرا) آن ارزان بود

Why did they take a bus? — چرا آن ها اتوبوس سوار شدند ؟

وآی دید دِیْ تِیکْ اِ بَاْسْ؟

کلمه ی پرسشی ((whose هوز))

whose به معنای مال چه کسی یا برای چه کسی، مخصوص سؤالی کردن مالکیت برای اشخاص می باشد.

مراحل سؤالی با whose :

۱) whose را به اول جمله می آوریم . ۲) اسمی که به همراه s' مالکیت است را حذف می کنیم .

۳) جمله را به شکل سؤالی می نویسیم .

توجه : اگر اسمی که s' مالکیت دارد به همراه اسم بعد از خود ، فاعل جمله باشد در این صورت نیازی به سؤالی کردن جمله نمی باشد. مانند :

Ali's bag is on the ground — کیفِ علی روی زمین است

علیزْ بَگْ ایزْ آنْ دِ گِرآوَنْد

Whose bag is on the ground? — کیفِ چه کسی روی زمین است؟

هوز بَگْ ایزْ آنْ دِ گِرآوَنْد ؟

Ali's brother went there yesterday
دیروز برادرِ علی به آنجا رفت

علیزْ برآدِر وِنْتْ دِر یِسْتِرْدِیْ

Whose brother went there yesterday?
دیروز برادرِ چه کسی به آنجا رفت ؟

هوز برآدِر وِنْتْ دِر یِسْتِرْدِیْ ؟

He sees Mina's bag on the table
او کیفِ مینا را روی میز می بیند

هِیْ سیزْ میناز بَگْ آنْ دِ تِیبِلْ

Whose bag does he see on the table ?
او،کیفِ چه کسی را روی میز می بیند ؟

هوز بَگْ داز هی سی آنْ دِ تِیبِلْ ؟

کلمه ی پُرسشی ((ویچ which))

Which به معنای کدام می باشد ، اگر قبل از اسم بیاید ، صفت است و اگر به تنهایی بیاید ضمیر می باشد و در حالت فاعلی و مفعولی به کار می رود. مانند:

The old bus goes to the airport.
آن اتوبوس قدیمی به فرودگاه می رود

دِ اُلد بَاسْ گُزْ تو دِ اِرپُرْتْ ؟

Which bus goes to the airport?
کدام اتوبوس به فرودگاه می رود؟ (حالت فاعلی)

ویچْ بَاسْ گُزْ تو دِ اِرپُرْتْ ؟

Which bus did you choose?
کدام اتوبوس را انتخاب کردید؟ (حالت مفعولی)

ویچْ بَاس دید یو چوز ؟

The red pen is mine and the blue one is yours

دِ رِد پِنْ ایزْ مآیْنْ اَند دِ بولو وآنْ ایز یُرْزْ

آن خودکار قرمز مال من است و آن آبیه مال شما می باشد.

Which pen is yours? ویچْ پِنْ ایزْ یُرْزْ ؟
کدام خودکار برای شما است؟ (در حالت صفت)

Which is yours? ویچْ ایزْ یُرْزْ ؟
کدام برای شما است؟ (در حالت ضمیر)

Which man did you see in the park?
کدام مرد را در پارک دیدی؟

ویچْ مَن دید یو سی اینْ دِ پآرکْ ؟

Which one is Ali's? ویچْ وآنْ ایزْ علیزْ
کدام یکی برای علی است؟

مبحث کاربردهای It

it اگر قبل از فعل بیایید ضمیر فاعلی می باشد و اگر بعد از فعل بیایید، ضمیر مفعولی است که در این مورد توضیح داده شده است. حال می خواهیم کاربرد های **it** را به عنوان فاعل جمله بیان کنیم.

۱) کاربرد **it** برای بیان اشیاء ، حیوان و یا انسان

It is a cat	ایتْ ایزْ اِ کَتْ	آن یک گربه است
It is a hat	ایتْ ایزْ اِ هَتْ	آن یک کلاه است
It is me	ایتْ ایزْ می	من هستم (منم)

۲) **it** برای بیان زمان

It is two oclock	ایتْ ایزْ تو اُکلاکْ	ساعت دو است
It is late	ایتْ ایزْ لِیْتْ	دیر است
It is early	ایتْ ایزْ اِرلی	زود است
It is time for lunch	ایتْ ایزْ تآیمْ فُرْ لآنچْ	وقت ناهار است

۳) **it** برای بیان آب و هوا

It is cold	ایتْ ایزْ کُلد	سرد است
It is hot	ایتْ ایزْ هآتْ	گرم است
It is raining	ایتْ ایزْ رِینینگْ	دارد باران می بارد
It is windy	ایتْ ایزْ ویندی	هوا بادی است
It is cloudy	ایتْ ایزْ کلآوْدی	هوا ابری است

۴) **it** برای بیان مسافت

It is near	ایتْ ایزْ نییرْ	(فاصله) نزدیک است
It is far	ایتْ ایزْ فآر	(مسافت) دور است

How far is it from here to the next shop   از اینجا تا فروشگاه بعدی چقدر فاصله می باشد؟

هآوْ فآر ایزْ ایتْ فِرآمْ هییرْ تو دِ نِکْسْتْ شآپْ

It is 50 meters from here to there   از اینجا تا آنجا، پنجاه متر است

ایتْ ایزْ فیفْتی میترْزْ فِرآمْ هییرْ تو دِر

۵) کاربرد **it** در فرمول زیر

فرمول : It + tobe + صفت یا اسم + (مفعول for) + مصدر با to + ...

توجه : آمدن **for** با مفعول ، اجباری نیست اما اگر بیایید جمله را از حالت کلی بودن خارج کرده و آن را محدود می سازد. مانند:

حالت کُلی

صحبت کردن انگلیسی آسان می باشد — It is easy to speak English

ایتْ ایزْ ایزی تو سْپیکْ اینْگلیشْ

حالت محدود

صحبت کردن انگلیسی برای من آسان می باشد — It is easy for me to speak English

ایتْ ایزْ ایزی فُرْ می تو سْپیکْ اینْگلیشْ

به نمونه های دیگر توجه نمایید.

وقت خوردن شام است — ایتْ ایزْ تآیْمْ تو ایتْ دینِرْ — It is time to eat dinner

در صف ایستادن ضروری است — It is necessary to stand in line

ایتْ ایزْ نِسِسِری تو سْتَنْد اینْ لآیْنْ

آیا به اتمام رساندن آن کتاب سخت است؟ — Is it hard to finish the book?

ایزْ ایتْ هآرد تو فینیشْ دِ بُکْ؟

بالا رفتن از آن درخت آسان نبود — It wasn't easy to climb the tree

ایتْ وآزِنْتْ ایزی تو کْلآیْمْ دِ تْری

نکته : در این فرمول اگر بخواهیم **it** را حذف کنیم باید ابتدا مصدر جمله را تبدیل به اسم مصدر کرده یعنی آن را به شکل **ing** دار نوشته و به جای **it** بیاوریم. مانند:

صحبت کردن انگلیسی برای من آسان می باشد — It is easy for me to speak English

ایتْ ایزْ ایزی فُرْ می تو سْپیکْ اینْگلیشْ

صحبت کردن انگلیسی برای من آسان می باشد — Speaking English is easy for me

سْپیکینْگْ اینْگلیشْ ایزْ ایزی فُرْ می

یک مثال دیگر

It is necessary to stand in line — در صف ایستادن ضروری است

ایتْ ایزْ نِسِسری تو سْتَند اینْ لاَیْنْ

Standing in line is necessary — در صف ایستادن ضروری است

سْتَندینگ اینْ لاَیْنْ ایزْ نِسِسری

مبحث ربط دو جمله با استفاده از افعال

(know – believe – think – hope – guess)

to know	تو نُ	دانستن
to believe	تو بیلیو	اعتقاد داشتن - ایمان داشتن
to think	تو ثینْکْ	فکر کردن
to hope	تو هُپْ	امیدوار بودن
to guess	تو گِسْ	حدس زدن

اگر بخواهیم دو جمله را به هم ربط بدهیم و از افعال بالا استفاده کنیم ، می توانیم از حرف ربط **that** به معنای **که** بعد از افعال مذکور استفاده کنیم. مانند:

I know that she lives with you. — من می دانم که او با تو زندگی می کند.

آیْ نُ دَتْ شی لیوز ویتْ یو

We believe that he can't do it. — ما اعتقاد داریم که او نمی تواند آن کار را انجام دهد.

وی بیلیو دَتْ هی کَنْتْ دُ ایتْ

Do you think that I can work here? — آیا تو فکر می کنی که من می توانم اینجا کار کنم؟

دو یو ثینْکْ دَتْ آیْ کَنْ وُرکْ هییِرْ؟

They don't hope that he will arrive on time. — آنها امیدی ندارند که او به موقع خواهد رسید.

دِیْ دُنْتْ هُپْ دَتْ هی ویلْ اَرآیْوْ آنْ تآیم

I guess that he comes here — من حدس می زنم که او به اینجا می آید

آیْ گِسْ دَتْ هی کآمْزْ هییِرْ

توجه۱ : در جملات مذکور می توان that را حذف کرد.

توجه۲ : قسمت قبل از that می تواند به شکل مثبت، سوالی و یا منفی باشد.

توجه۲ : قسمت بعد از that می تواند به شکل مثبت و یا منفی باشد اما هرگز به شکل سوالی نمی آید.

چند اصطلاح مهم با Do

Do a favor	دو ا فِیور	لُطف کردن
Do one's best	دو وآنز بِسْت	کوشش کردن
Do one's duty	دو وآنز دیوتی	انجام وظیفه کردن
Do a service	دو ا سِرْویس	خدمت کردن
Do homework	دو هُمْ وُرکْ	تکلیف، انجام دادن
Do a sum	دو ا سآمْ	مسئله حل کردن
Do work	دو وُرکْ	کار انجام دادن
Do the bedroom	دو دِ بِد رومْ	مُرتّب کردن اُتاق خواب
Do a kindness	دو ا کآیْند نِسْ	مهربانی کردن
Do injury	دو اینْجری	آسیب رساندن
Do good	دو گود	خوبی کردن
Do by	دو بآیْ	رفتار کردن با
Do over	دو اُور	تکرار کردن
Do justice	دو جآسْتیسْ	با عدالت رفتار کردن
Do harm	دو هآرمْ	آسیب رساندن

Do your best

دو یُر بِست

نهایت تلاشت را بکن

چند اصطلاح مهم با Make

Make a mistake	مِیْکْ ا میسْتِیْکْ	اشتباه کردن
Make money	مِیْکْ مآنی	پول درآوردن
Make a living	مِیْکْ ا لیوینْگْ	امرار مَعاش کردن
Make a fire	مِیْکْ ا فآیرْ	آتش درست کردن
Make a journey	مِیْکْ ا جرْنی	سَفر کردن
Make a face	مِیْکْ ا فِیْسْ	شکلک درآوردن
Make laugh	مِیْکْ لَفْ	خنداندن
Make fun of	مِیْکْ فآنْ آوْ	مَسخره کردن
Make sure	مِیْکْ شُرْ	مطمئن کردن
Make speech	مِیْکْ سْپیچْ	سخنرانی کردن
Make friend	مِیْکْ فرِنْد	دوست شدن
Make war	مِیْکْ وآر	جنگ کردن
Make haste	مِیْکْ هِیْسْتْ	عجله کردن
Make a discovery	مِیْکْ ا دیسْکآوری	کشف کردن
Make an appointment	مِیْکْ اَنْ اَپْینْتْمِنْتْ	قرار ملاقات گذاشتن
Make one's mind up	مِیْکْ وآنْزْ مآیْنْد آپْ	تصمیم گرفتن

haste makes waste

هِیْست مِیْکْس وِیْست

عجله کار شیطان است

مبحث زمان آینده ی کامل
Future perfect

آینده ی کامل برای بیان عملی است که تا زمان مشخصی از آینده به اتمام خواهد رسید. شروع این زمان ممکن است که در زمان گذشته ، حال و یا آینده باشد، امّا اتمام آن حتماً در آینده ای مشخص است. مانند مثال های زیر

I started studying this book yesterday. I will have finished it by next week

آیْ سْتآرتِد سْتآدینْگْ دیسْ بوکْ یِسترْدِی. آیْ ویلْ هَوْ فینیشْتْ ایتْ بآیْ نِکْسْتْ ویکْ

من مطالعه ی این کتاب را دیروز شروع کردم. من آن را تا هفته ی آینده به پایان خواهم رساند (می رسانم)

I start studying this book now. I will have finished it by next week

آیْ سْتآرتْ سْتآدینْگْ دیسْ بوکْ نآوْ. آیْ ویلْ هَوْ فینیشْتْ ایتْ بآیْ نِکْسْتْ ویکْ

من مطالعه ی این کتاب را حالا شروع می کنم. من آن را تا هفته ی آینده به پایان خواهم رساند (می رسانم)

I will start studying this book tomorrow. I will have finished it by next week

آیْ ویلْ سْتآرتْ سْتآدینْگْ دیسْ بوکْ تومآرُ. آیْ ویلْ هَوْ فینیشْتْ ایتْ بآیْ نِکْسْتْ ویکْ

من مطالعه ی این کتاب را فردا شروع خواهم کرد (می کنم) . من آن را تا هفته ی آینده به پایان خواهم رساند (می رسانم)

توجه : برای بیان آینده ی کامل از فرمول زیر استفاده می کنیم

فرمول آینده ی کامل

فرمول : فاعل + will + have + قسمت سوم فعل (pp) + (by - in - on) + زمان

در این فرمول (by – in – on) به معنای تا می باشد که به شکل های زیر به کار می روند.

۱ - by با قید زمان به کار می رود. مانند :

I will have finished it by next month

آیْ ویلْ هَوْ فینیشْتْ ایتْ بآیْ نِکْسْتْ مآنْثْ

تا ماه آینده، آن را تمام کرده ام (تمام خواهم کرد - تمام می کنم)

برای ترجمه ی این فرمول به زبان فارسی از تا + اصطلاح زمان + زمان ماضی نقلی استفاده می شود.

۲ - in با طول زمان به کار می رود. مانند :

I will have finished it in two weeks

آیْ ویلْ هَوْ فینیشْتْ ایتْ اینْ تو ویکْسْ

تا دو هفته ی دیگه آن را تمام کرده ام (تمام خواهم کرد - تمام می کنم)

۳ - on برای روز ها به کار می رود. مانند :

I will have finished it on the first of June

آیْ ویلْ هَوْ فینیشْتْ ایتْ آنْ دِ فِرْسْتْ آو جونْ

تا اوّل ژوئن آن را تمام کرده ام (تمام خواهم کرد - تمام می کنم)

توجه ۱ : عبارت by the time به معنای تا زمانی که از علامت های آینده ی کامل است. مانند :

By the time you come here I will have seen the film

بآیْ دِ تآیْمْ یو کآمْ هییرْ آیْ ویلْ هَوْ سینْ دِ فیلْمْ

تا زمانی که به اینجا بیایی، من آن فیلم را دیده ام (خواهم دید . می بینم)

توجه۲ : عبارت after به معنای بعداز می توانند در زمان آینده ی کامل به کار رود. مانند :

The leaves will have fallen after two weeks

دِ لیوزْ ویلْ هَوْ فآلِنْ آفتِرْ تو ویکْسْ

بعد از دو هفته ی دیگر برگ ها افتاده اند (خواهند افتاد)

توجه۳ : عبارت before به معنای بعداز می توانند در زمان آینده ی کامل به کار رود. مانند :

They will have arrived there before five o'clock

دِیْ ویلْ هَوْ اَرآیْوْدْ دِر بیفُرْ فآیْوْ اُکْلاکْ

آن ها قبل از ساعت پنج به آنجا رسیده اند (خواهند رسید)

مبحث جملات سببی
Causative form

اگر عمل انجام شده به درخواست یا فرمان شخص دیگری باشد، در اینصورت باید از جملات سببی استفاده کنیم. مثلاً در جمله ی ، دادم خانه ام را رنگ کردند، عمل رنگ کردن توسط اشخاص دیگری انجام شده امّا به میل و اراده و فرمان من بوده است.

جملات سببی به دو دسته ی معلوم و مجهول تقسیم می شوند. اگر فاعل را مشخص نکنیم جمله ی ما مجهول سببی است و اگر فاعل را ذکر کنیم، جمله ی ما معلوم سببی می باشد وطبق فرمول های زیر ساخته می شوند.

فرمول سببی مجهول

فرمول : فاعل + (have - has - get) + مفعول غیر انسان + قسمت سوم فعل + ...

I have my house painted آیْ هَوْ مآیْ هاوْس پِینْتِد می دهم خانه ام را رنگ کنند(حال)

I get my house painted آیْ گِتْ مآیْ هاوْس پِینْتِد می دهم خانه ام را رنگ کنند(حال)

I will have my house painted می دهم (خواهم داد) خانه ام را رنگ کنند(زمان آینده)

آیْ ویلْ هَوْ مآیْ هاوْس پِینْتِد

I will get my house painted می دهم (خواهم داد) خانه ام را رنگ کنند(زمان آینده)

آیْ ویلْ گِتْ مآیْ هاوْس پِینْتِد

I had my house painted آیْ هَد مآیْ هاوْس پِینْتِد دادم خانه ام را رنگ کردند(گذشته)

I got my house painted آیْ گاتْ مآیْ هاوْس پِینْتِد دادم خانه ام را رنگ کردند(گذشته)

He has his car washed every week او می دهد هر هفته ماشینش را می شویند

هی هَزْ هیزْ کآر وآشْتْ اِوْری ویکْ

He gets his car washed every week او می دهد هر هفته ماشینش را می شویند

هی گِتْسْ هیزْ کآر وآشْتْ اِوْری ویکْ

He will have his car washed tomorrow او فردا می دهد (خواهد داد) ماشینش را بشویند

هی ویلْ هَوْ هیزْ کآر وآشْتْ تومآرْ

He will get his car washed tomorrow او فردا می دهد (خواهد داد) ماشینش را بشویند

هی ویلْ گِتْ هیزْ کآر وآشْتْ تومآرْ

He had his car washed هی هَدْ هیزْ کآر وآشْتْ او داد ماشینش را شُستند

He got his car washed هی گاتْ هیزْ کآر وآشْتْ او داد ماشینش را شُستند

فرمول سببی معلوم۱

فرمول : فاعل + (have – has – make) + مفعول انسانی + مصدر بدون to + ...

I have Ali paint my house every year

من هر سال می دهم علی خانه ام را رنگ کند

آیْ هَوْ علی پِینْتْ مآیْ هآوْسْ اِوْری یِرْ

I make Ali paint my house every year

آی مِیکْ علی پِینْتْ مآیْ هآوْسْ اِوْری یِرْ

من هر سال می دهم علی (علی را مجبور می کنم) خانه ام را رنگ کند

She has Ali wash the car every day

او هر روز می دهد علی ماشین را بشوید

شی هَزْ علی وآش دِ کآر اِوْری دیْ

I had Ali paint my house last week

هفته ی گذشته دادم علی خانه ام را رنگ کرد

آیْ هَد علی پِینْتْ مآیْ هآوْسْ لَسْتْ ویکْ

فرمول سببی معلوم۲

فرمول : فاعل + (get – ask – want) + مفعول انسانی + to مصدر با + ...

I get Ali to paint my house every year

من هر سال می دهم علی خانه ام را رنگ کند

آیْ گِتْ علی تو پِینْتْ مآیْ هآوْسْ اِوْری یِرْ

I ask Ali to paint my house every year

آیْ اَسْکْ علی تو پِینْتْ مآیْ هآوْسْ اِوْری یِرْ

من هر سال می دهم علی (ازعلی تَقاضا می کنم) خانه ام را رنگ کند

She gets Ali to wash the car every day

او هر روز می دهد علی ماشین را بشوید

شی گِتْسْ علی تو وآشْ دِ کآر اِوْری دیْ

I got Ali to paint my house last week

هفته ی گذشته دادم علی خانه ام را رنگ کرد

آیْ گآتْ علی تو پِینْتْ مآیْ هآوْسْ لَسْتْ ویکْ

I wanted Ali to paint my house last week

آیْ وآنْتِد علی تو پِینْتْ مآیْ هآوْسْ لَسْتْ ویکْ

هفته ی گذشته دادم علی (از علی خواستم) خانه ام را رنگ کرد

مبحث حروف اضافه
prepositions

حرف اضافه کلمه ای است که رابطه ی میان کلمات را نشان می دهد. این کلمات با اسم، صفت و یا فعل به کار می روند و به تنهایی دارای معنی می باشند. مانند:

She is at home	شی ایزْ اَتْ هُمْ	او در منزل است
We live near here	وی لیو نیرْ هیرْ	ما همین نزدیکی ها زندگی می کنیم
The cat is under the car	دِ کَتْ ایزْ آندر دِ کاَر	آن گربه زیر آن ماشین است
Your passport is on the table	یُرْ پَسْپُرْتْ ایزْ آنْ دِ تِیْبِلْ	پاسپورت شما روی آن میز است
His hat is in my bag	هیزْ هَتْ ایزْ اینْ مآیْ بَگْ	کُلاه او در (داخل) کیف من است
He is standing next to me	هی ایزْ سْتَنْدینگْ نِکْسْتْ تو می	او کنار من ایستاده است
My car is behind the building	مآیْ کاَر ایزْ بیهآیْنْد دِ بیلْدینْگْ	ماشین من پُشت ساختمان است

توجه: دقت داشته باشید که حروف اضافه یکی از قسمت های مهم در زبان انگلیسی هستند و شما عزیزان باید در به کار بردن آن ها دقّت کنید.

مبحث حرف اضافه ی in

In در موارد زیر بکار می رود

۱ - با ماه های سال مانند:

In January	اینْ جَنْیواری	در ماه ژانویه (ماه اول سال مسیحی)
In February	اینْ فِبْرواری	در ماه فوریه (ماه دوم سال مسیحی)
In March	اینْ مآرْچ	در ماه مارس (ماه سوم سال مسیحی)
In April	اینْ اِیْپْرِلْ	ماه آوریل (ماه چهارم سال مسیحی)
In May	اینْ مِیْ	در ماه مه (ماه پنجم سال مسیحی)
In June	اینْ جونْ	در ماه ژوئن (ماه ششم سال مسیحی)
In July	اینْ جولآیْ	ژوئیه (ماه هفتم سال مسیحی)
In August	اینْ آگِسْتْ	در ماه اوت- ماه آگوست (ماه هشتم سال مسیحی)
In September	اینْ سِپْتِمْبِر	در ماه سپتامبر (ماه نهم سال مسیحی)
In October	اینْ آکْتُبِر	در ماه اُکتبر (ماه دهم سال مسیحی)
In November	اینْ نُوِمْبِر	در ماه نوامبر (ماه یازدهم سال مسیحی)
In December	اینْ دیسِمْبِر	در ماه دسامبر (ماه دوازدهم سال مسیحی)

۲ - با بخش هایی از روز مانند :

در هنگام صبح	این دِ مُرنینگ	In the morning
در هنگام بعداز ظهر	این دِ آفتِرنون	In the afternoon
در هنگام غروب	این دِ ایوینینگ	In the evening
در هنگام شب	این دِ نایت	In the night

توجه : برای بیان تاریخ دو روش وجود دارد.

الف : به روش انگلیسی آمریکایی : در این روش ابتد[illegible] سپس روز و بعد از آن سال می آید. مانند:

بیست و یک مارس ۱۹۹۹	((نوشتاری . رسمی))	March 21, 1999
بیست و یکم مارس ۱۹۹۹	((نوشتاری. غیر رسمی))	March 21st, 1999
بیست و یکم مارس ۱۹۹۹	((گفتاری))	March 21st, 1999
بیست و یک مارس ۱۹۹۹	((بصورت عددی))	3/21/1999

ب : به روش انگلیسی بریتانیایی : در این روش ابتدا روز سپس ماه و بعد از آن سال می آید.

بیست و یک مارس ۱۹۹۹	((نوشتاری . رسمی))	21 March, 1999
بیست و یکم مارس ۱۹۹۹	((نوشتاری. غیر رسمی))	21st March, 1999
بیست و یکم مارس ۱۹۹۹	((گفتاری))	21st of March, 1999
بیست و یک مارس ۱۹۹۹	((بصورت عددی))	21/3/1999

توجه : برای گفتن سال ها باید آنها را دوتا ، دوتا از چپ به راست بخوانیم. مانند:

سال ۱۹۹۹	نایْنتین نایْنتی-نایْن	1999
سال ۱۸۱۰	اِیْتین تِن	1810

اما اگر سال ما در آخر دو صفر داشته باشد، دو صفر آخر را (هاندرد) می گوییم. **hundred = 00**

سال ۱۸۰۰	اِیْتین هاندرد	1800
سال ۱۹۰۰	نایْنتین هاندرد	1900

اگر حرف ماقبل از آخر، صفر باشد آنرا **oh** و یا **o** تلفظ می کنیم و یا به شکل های زیر می گوییم. مانند:

سال ۲۰۰۸	توانْتی اُه اِیْت	2008
سال ۲۰۰۸	تو تازِنْد اَند اِیْت	2008
سال ۲۰۰۸	تو تازِنْد اِیْت	2008

توجه : اگر سال ما در آخر سه صفر داشته باشد به شکل زیر تلفظ می شود.

سال ۲۰۰۰	دِ یِرْ تو تاْزِنْد	2000
سال ۲۰۰۰	تو تاْزِنْد	2000

۳ - با فصل های سال مانند:

در بهار	اینْ سْپیرینگْ	In spring
در تابستان	اینْ ساْمِرْ	In summer
در پاییز	این آتِمْ (اُتِمْ)	In autumn
در زمستان	این وینْتِرْ	In winter

۴ - با دوره های زمان مانند:

در دوران جوانی اش	اینْ هیزْ یوثْ	In his youth
در زمان غیبَتَش	اینْ هیزْ اَبْسِنْس	In his absence
سر انجام - در آخر	اینْ دِ (دی) اِنْد	In the end

۵ - با بسیاری از مکان ها می آید. مانند:

در آسمان	اینْ دِ سْکاْیْ	In the sky
در شیراز	اینْ شیراز	In Shiraz
در رختخواب	این بِد	In bed
در خیابان	این دِ سْتْریتْ	In the street

۶ - **in** در زمان آینده می آید و به معنای **تا** و یا **در مدت** می باشد. مانند:

I will be there in 5 minutes — تا پنج دقیقه ی دیگر، آنجا خواهم بود

آیْ ویلْ بی دِر اینْ فاْیْوْ مینِتْسْ

The bus will leave in 10 minutes — اتوبوس تا ده دقیقه ی دیگر حرکت خواهد کرد

دِ باْسْ ویلْ لیو اینْ تِنْ مینِتْسْ

I will see you in ten minutes — من شما را تا ده دقیقه ی دیگر خواهم دید

آیْ ویلْ سی یو اینْ تِنْ مینِتْسْ

The plane will arrive in 20 minutes — هواپیما تا بیست دقیقه ی دیگر (می رسد) خواهد رسید

دِ پلینْ ویلْ اَرآیْوْ اینْ توانْتی مینِتْسْ

مبحث حرف اضافه ی on

۱ - On در مورد مکان (در صورتی که تماس برقرار باشد) به معنای روی می باشد . مانند:

On the table	آنْ دِ تِیبِلْ	روی میز
On the book	آن دِ (بُکْ) بوکْ	روی کتاب
On the wall	آنْ دِ وآلْ	روی دیوار

۲ - با روز های هفته مانند :

On Saturday	آن سَتِرْدِیْ	در روز شنبه
On Sunday	آن سآنْدِیْ	در روز یکشنبه
On Monday	آنْ مآنْدِیْ	در روز دوشنبه
On Tuesday	آنْ تی یوزْدِیْ	در روز سه شنبه
On Wednesday	آنْ وِنْزْدِیْ	در روز چهار شنبه
On Thursday	آنْ تِرْزْدِیْ	در روز پنج شنبه
On Friday	آنْ فِرآیْدِیْ	در روز جمعه

۳ - با روز های ماه و هرچه که مربوط به یک روز خاص باشد. مانند:

On March 5th	آن مآرِچْ فیفْثْ	روز پنجم مارس
On my birthday	آنْ مآیْ بِرْثْ دِیْ	در روز تولدم

مبحث حرف اضافه ی at

۱ - at برای بیان زمان کوتاه مانند:

At night	اَتْ نآیْتْ	در شب
At midnight	اَتْ میدْنآیْتْ	در نیمه شب
At noon	اَتْ نونْ	در ظهر
At five o'clock	اَتْ فآیْوْ اُکْلاکْ	در ساعت ۵
At sunset	اَتْ سآنْسِتْ	در غروب آفتاب

۲ - با مناسبت ها و برای بیان سِن و سال

At Christmas	اَتْ کیریسْمِسْ	در کریسمس
At the age of forty	اَتْ دِ اِیْجْ آوْ فُرْتی	در سِنِ چهل سالگی

۳ - برای نشان دادن مکان مانند:

At the station	اَتْ دِ سْتِیْشِنْ	در ایستگاه
At school	اَتْ سْکولْ	در مدرسه
At the window	اَتْ دِ وینْدُ	در کنار پنجره
At the door	اَتْ دِ دُر	در کنار در
At home	اَتْ هُمْ	در منزل
At work	اَتْ وُرکْ	(در) سرِ کار

توجه : اگر حروف اضافه با اَفعال بیایند معنای آن ها را عوض می کنند و ترکیبات دیگری می سازند. مانند:

put که به معنای گذاشتن می باشد ولی اگر با حرف اضافه ی **on** بیاید به معنای پوشیدن است.

به نمونه ی زیر توجه کنید

Put your hat on the desk	پوتْ یُرْ هَتْ آنْ دِ دِسْکْ	کُلاهت را روی میز بگذار
Put on your hat	پوتْ آنْ یُرْ هَتْ	کُلاهت را سَرت بگذار (بپوش)

بنابراین یکی از بهترین راه های یادگیری حرف اضافه این است که آن ها را به همراهِ فعل ها یا صفت ها یا اسم هایی که می آیند، به خاطر بسپاریم

مبحث حرف تعریف معین (معرفه) The

حرف تعریف معین **the** قبل از اسم های به کار می رود که برای گوینده و شنونده معرفه باشند یعنی اینکه هم گوینده و هم شنونده آن اسم را بشناسند. مثلاً وقتی که گوینده جمله ی زیر را بکار می برد

I bought the car	آیْ بآتْ دِ کآر	من آن ماشین (ماشینِ) را خریدم

یعنی ماشینی را که شنونده در مورد آن با خبر بوده درحالیکه اگر شنونده خبر نداشت، جمله را به این صورت بکار می برد

I bought a car	آیْ بآتْ اِ کآر	من یک ماشین خریدم

از دیگر کاربردهای **the** در موارد زیر می باشد.

۱ - اگر یک بار اسمی را بصورت نکره بکار بردیم در موارد بعدی آن را بصورت معرفه می آوریم. مانند:

I saw a man in the park	آیْ سآ اِ مَنْ اینْ دِ پآرکْ	من مردی را در پارک دیدم
The man had a new car	دِمَنْ هَد اِ نیو کآر	مرد (آن مرد) یک مآشین جدید داشت
The new car was white	دِ نیو کآر وآز وآیْتْ	آن مآشین جدید، سفید بود

توجه : حرف تعریف معین **the** می تواند هم قبل از اسم مفرد بیاید هم قبل از اسم جمع. مانند:

I bought the bag	آیْ بآتْ دِ بَگْ	من آن کیف را خریدم
I bought the bags	آیْ بآتْ دِ بَگزْ	من آن کیف ها را خریدم

۲ - در جملات امری از اسم معرفه استفاده می کنیم. مانند:

Open the door, please	اُپنْ دِ دُر، پلیزْ	لطفاً در را باز کنید
Please point to the fan	پلیزْ پُیْنتْ تو دِ فَنْ	لطفاً به پنکه اشاره کنید

۳ - حرف تعریف معین **the** می تواند به همراه قسمت هایی از شبانه روز بیاید. مانند:

In the morning	اینْ دِ مُرنینگْ	در هنگام صبح
In the evening	اینْ دِ ایوینینگْ	در هنگام غروب
In the afternoon	اینْ دِ اَفتِرنونْ	در هنگام بعد از ظهر

۴ - حرف تعریف معین **the** با آنهایی که در دنیا یکی هستند می آید. مانند:

The sun	دِ سآن	خورشید
The earth	دِ ارثْ	زمین
The moon	دِ مونْ	ماه
The sky	دِ سْکآیْ	آسمان

۵ - با اسامی زیر حرف تعریف **the** به کار می رود.

۱ - اگر بخواهیم بعضی از صفات را به جمع تبدیل کنیم.

۲ - با نام رودخانه ها و اقیانوس ها.

۳ - با کشورهایی که بصورت اسم جمع می باشند

۴ - با زمان ها ، روزها ، ماه ها و فصل های مشخص شده از طرف خودمان. مانند:

1- the poor - the rich	دِ پور - دِ ریچ	فقرا - ثروتمندان
2- the Mississippi River	دِ میسیسیپی ریور	رودخانه ی میسیسیپی
3- the united states	دِ یونآیْتِد سْتِیْتْس	ایالآت متحده
4- on the Monday before Christmas	آنْ دِ مآندیْ بیفُرْ کِریسْمِس	روز دوشنبه ی قبل از کیریسمس

۶ - حرف تعریف معین **the** در موارد زیر به کار نمی رود.

۱ - با تعریف کننده ها مانند :

صفات اشاره (this - that - these - those)

صفات ملکی (my - our - your - his - her - its - their)

صفات کمی (some - much- many- a few- a little - few - little- several - a lot)

۲ - با اسامی کشورها ، شهرها و اسامی اشخاص. مانند:

من ایران را دوست دارم	آیْ لاَو ایرآنْ	I love Iran
من در تهران زندگی می کنم	آیْ لوْ (لیو) اینْ تهْرآنْ	I live in Tehran
او آقای امینی است	هی ایزْ مِسْتِرْ اَمینی	He is Mr Amini

۳ - با بسیاری از اسامی متداولی از قبیل وعده های غذایی ، بیماری ها و روشهای مسافرت. مانند:

آیا ناهار را با من صرف خواهید کرد؟	ویلْ یو هَوْ لاَنچْ ویتْ می؟	Will you have lunch wite me?
مادرش سرطان دارد	هِرْ مآدِرْ هَزْ کَنْسِرْ	Her mother has Cancer
من با اتومبیل به سرکار میروم	آیْ گُ تو وُرکْ بآیْ کآر	I go to work by car

۴ - اگر در رابطه با اسامی جمع در حالت کلی صحبت کنیم ، دراینصورت نیازی به **the** نمی باشد. مانند:

ببرها خیلی ترسناک می باشند	تآیگِرْز آر وِری فیرْسْ	Tigers are very fierce
قیمت ها همینطور به بالا رفتن ادامه می دهند	پرآیسز آر کیپْ گُ اینگْ آپْ	Prices are keep going up

حرف نامعین a/an

حرف نامعین **a** به معنای **یک** می باشد که برای اسامی مفرد نامشخص(نکره) به کار می رود. مانند:

این یک توپ است	ایتْ ایزْ ا بآلْ	It is a ball
او یک معلم است	هی ایزْ ا تیچِرْ	He is a teacher
من یک پسر (پسری) را در ماشین می بینم	آیْ سی ا بُیْ اینْ دِ کآر	I see a boy in the car

اگر حرف بعد از a یکی از حروف صدادار (a - e - i - o - u) باشد. دراینصورت به جای a باید از an به معنای یک استفاده کرد. مانند:

این یک سیب است	ایتْ ایزْ اَنْ اَپِلْ	It is an apple
این یک تخم مرغ است	ایتْ ایزْ اَنْ اِگْ	It is an egg
این یک بستنی است	ایتْ ایزْ اَنْ آیس.کیریمْ	It is an ice-cream
این یک پرتقال است	ایتْ ایزْ اَنْ آرِنْجْ (اُرِنْجْ)	It is an orange
این یک چتر است	ایتْ ایزْ اَنْ آمْبِرِلاّ	It is an umbrella

اگر اسم ما به بیشتر از یک چیز دلالت کنید دیگر نمی توانیم از a / an استفاده کنیم. مانند :

من دوتا سیب دارم	آیْ هَوْ تو اَپِلْزْ	I have two apples

مبحث افعال دوکلمه ای
Two-word verbs

افعال دو کلمه ای به دو دسته تقسیم می شوند ۱ - جُدا نشدنی ۲ - جدا شدنی

افعال جدا نشدنی آنهایی هستند که مفعول به صورت اسم یا ضمیر مفعولی، بعد از حرف اضافه می آید.مانند:

به من نگاه کن	لُکْ (لوکْ) اَتْ می	Look at me
به علی نگاه نکن	دُنْتْ لُکْ (لوکْ) اَتْ علی	Don't Look at Ali

همان طور که می بینید Ali و me که مفعول هستند، بعد از حرف اضافه آمده اند.

تعدادی از افعال دوکلمه ای جدا نشدنی
Unseparable verbs

به توافق رسیدن درمورد چیزی	اَگیری آنْ	Agree on
موافق بودن با	اَگیری ویتْ	Agree with
درخواست کردن	اَسْکْ فُرْ	Ask for
اعتقاد داشتن به	بیلیو اینْ	Believe in
به جایی یا مکانی رفتن (سَرزدن- دیدن)	کاَلْ اَتْ	Call at
کَسی را مُلاقات کردن - به کَسی سَرزدن	کاَلْ آنْ	Call on
فریاد کردن	کاَلْ آوْتْ	Call out

Care for	کِرْ فُرْ	توجه داشتن به
Depend on	دیپِنْد آنْ	بستگی داشتن به
Differ from	دیفِرْ فرآمْ	فرق داشتن با
Export from	اِکْسْپُرْتْ فرآمْ	صادر کردن از
Get along with	گِتْ اَلآنْگْ ویتْ	کنار آمدن با - سازگاری کردن با
Get out of	گِتْ آوْتْ آو	کنار رفتن از
Get rid of	گِتْ رِد آو	خَلاص شدن از
Give in	گیو اینْ	تَسلیم شدن
Go over	گُئْ اُور	مُرور کردن
Hear of	هییرْ آو	خبردار شدن از
Hold on	هُلد آنْ	صَبر کردن - نگه داشتن
Hope for	هُپْ فُرْ	اُمیدوار بودن به
Import into	ایمْپُرْتْ اینْ تو	وارد کردن به
Insist on	اینْسیسْتْ آنْ	اصرار داشتن بر- اصرار کردن بر
Keep off	کیپْ آفْ	فاصله گرفتن از
Keep off the grass	کیپْ آفْ دِ گْرَسْ	وارد چَمَن نشوید (از چمن فاصله بگیرید)
Keep on	کیپْ آنْ	ادامه دادن
Listen to	لیسِنْ تو	گوش دادن به
Look after	لُکْ (لوکْ) آفْتِرْ	مُراقبت کردن از
Look at	لُکْ (لوکْ) اَتْ	نگاه کردن به
Look for	لُکْ (لوکْ) فُرْ	جُستجو کردن - دُنبال گشتن
Look into	لُکْ (لوکْ) این تو	بَررسی کردن- رسیدگی کردن
Look like	لُکْ (لوکْ) لآیکْ	شبیه بودن به
Look out	لُکْ (لوکْ) آوْتْ	مواظب بودن - مُراقب بودن
Look upon	لُکْ (لوکْ) اِپآنْ	مُلاحظه کردن

Persist in	پِرْسیسْتْ اینْ	پافشاری کردن بر
Rely on	ریلاَی آنْ	تکیه کردن بَر - تکیه داشتن بر
Run across	رآنْ اَکْرآسْ	مواجه شدن - برخورد کردن
Run into	رآنْ این تو	بطور تصادفی مواجه شدن با
Run out of	رآنْ آوْتْ آو	تمام شدن- تمام کردن
Run over	رآنْ اُور	تصادف کردن (زیر گرفتن)
Search for	سِرْچْ فُرْ	جستجو کردن - دنبال گشتن
Take care of	تِیکْ کِرْ آو	مُراقبت کردن از
Talk about	تاکْ اِباَوْتْ	صحبت کردن درمورد
Talk to	تاکْ تو	صحبت کردن با
Talk with	تاکْ ویتْ	صحبت کردن با
Think about	ثینْکْ اِباَوْتْ	فکر کردن درمورد
To be afraid of	تو بی اَفْرِیْد آو	تَرسیدن از
To be different from	تو بی دیفِرِنْتْ فِرآمْ	فَرق داشتن از
To be interested in	تو بی اینْتِرِسْتِد اینْ	عَلاقه مند بودن به
To be responsible for	تو بی ریسْپآنْسیبِلْ فُرْ	مَسئول بودن
To be similar to	تو بی سیمیلاَر تو	شبیه بودن به
To be sorry about	تو بی سآری اِباَوْتْ	متأسف بودن درمورد
To be tired of	تو بی تآیِرْد آو	خسته بودن از
To be worry about	تو بی وُری اِباَوْتْ	نگران بودن درمورد
Wait for	ویْتْ فُرْ	مُنتظر ماندن
Wish for	ویشْ فُرْ	آرزو داشتن بر

افعال جدا شدنی آن هایی هستند که مفعول به صورت اسم می تواند هم بعد از حرف اضافه بیاید وهم قبل از حرف اضافه، اما اگر مفعول به شکل ضمیر مفعولی باشد، حتماً باید قبل از حرف اضافه قرار بگیرد. مانند:

Call up	کاْل آپْ	تلفن کردن
Call up Mina	کاْل آپْ مینا	به مینا تلفن کُن
Call Mina up	کاْل مینا آپْ	به مینا تلفن کُن
Call her up	کاْل هِرْ آپْ	به او تلفن کُن

این عبارت (Call up her) غلط می باشد ، چون ضمیر مفعولی هرگز در افعال دوکلمه ی جداشدنی بعد از حرف اضافه نمی آید

تعدادی از افعال دوکلمه ای جداشدنی
Separable verbs

Call down	کاْل داوْنْ	سَرزنش کردن
Don't call her down for that mistake	دُنْتْ کاْل هِرْ داوْنْ فُرْ دَتْ میستِیْکْ	به خاطر آن اشتباه، او را سَرزنش نکن
Call off	کاْل آفْ	به تَعویق انداختن
Call up	کاْل آپْ	تلفن زدن
Call them up	کاْل دِمْ آپْ	به آن ها تلفن بزَن
Fill out	فیلْ آوْتْ	کامل کردن - پُر کردن
Give away	گیو اوِیْ	بَخشیدن
Give back	گیو بَکْ	پَس دادن - برگرداندن
Give up	گیو آپْ	رَها کردن - تسلیم شدن
Hand in	هَنْد اینْ	تحویل دادن
Leave alone	لیو اَلُنْ	به حال خود گذاشتن - رَهاکردن
Leave out	لیو آوْتْ	حَذف کردن
Look up	لُکْ (لوکْ) آپْ	پیداکردن (واژه در فرهنگ لُغت)

Pick up	پیکْ آپْ	چیدن - (با دست) بَرداشتن
Put away	پوتْ اوِیْ	کنار گذاشتن
Put down	پوتْ داوْنْ	پایین گذاشتن
Put on	پوتْ آنْ	پوشیدن
Put out	پوتْ آوْتْ	خاموش کردن
Put up with	پوتْ آپْ ویتْ	سازش کردن - کنار آمدن - ساختن
Save up	سِیْوْ آپْ	پَس انداز کردن
Take away	تِیْکْ اوِیْ	دور کردن
Take back	تِیْکْ بَکْ	پس دادن
Take down	تِیْکْ داوْنْ	یادداشت کردن - پایین بردن
Take off	تِیْکْ آفْ	در آوردن - کَندن لباس
Please take off your shoes	پلیزْ تِیْکْ آفْ یُرْ شوزْ	لطفاً کفش هایتان را در بیاورید
Please take them off	پلیزْ تِیْکْ دِمْ آفْ	لطفاً آن هارا (کَفش هایتان را) در بیاورید
Please take your shoes off	پلیزْ تِیْکْ یُرْ شوزْ آفْ	لطفاً کفش هایتان را در بیاورید
Take over	تِیْکْ اُورْ	به عُهده گرفتن
Think over	ثِیْنْکْ اُورْ	مُرور کردن
Turn down	تِرْنْ داوْنْ	کَم کردنِ صدای (رادیو ،تلویزیون ....)
Turn off	تِرْنْ آفْ	خاموش کردن (رادیو، تلویزیون ...)
Turn on	تِرْنْ آنْ	روشن کردن (رادیو، تلویزیون ...)
Turn up	تِرْنْ آپْ	بلند کردن صدای (رادیو، تلویزیون ...)
Wake up	وِیْکْ آپْ	بیدار کردن
Write down	رآیْتْ داوْنْ	یادداشت کردن

مبحث جملات معلوم و مجهول
Active and Passive

تعریف جمله ی معلوم : جمله ای را معلوم گویند که فاعل آن مشخص بوده و فاعل در جای اصلیِ خود یعنی در اوّل جمله قرار دارد. مثلاً: حمید هر هفته آن ماشین را می شوید. در اینجا حمید فاعل جمله است چون حمید است که عملِ شستن را ، انجام می دهد.

حمید هر هفته آن ماشین را می شوید — Hamid washes the car every week

حمید وآشیز د کآر اوری ویک

جمله ی مجهول

جمله ای را مجهول می گویند که فاعل آن مشخص نبوده و عمل انجام شده به مفعول نسبت داده می شود. در این گونه جملات ، مفعول به شکل ضمیر فاعلی یا اسم به جای فاعل در اوّل جمله می آید که به آن نایب فاعل می گویند . مثلاً می گوییم : آن ماشین هر هفته شسته می شود. در این جمله مشخص نیست که چه کسی ماشین را می شوید امّا مفعول ماشین بوده و مشخص است چون عَمل شستن بر روی ماشین انجام شده است.

آن ماشین هر هفته شسته می شود — The car is washed every week

د کآر ایز وآشت اوری ویک

توجه : جمله ی مجهول ، فاعل ندارد امّا می توان فاعل را در آخر جمله به همراه by آورد.

by به معنای به وسیله ی یا توسط می باشد

آن ماشین هر هفته توسط حمید شسته می شود — The car is washed every week by Hamid

د کآر ایز وآشت اوری ویک بآی حَمید

اگر بخواهیم اسمی را بصورت ضمیر بعد از by بیاوریم باید از ضمیر مفعولی استفاده کنیم. مانند :

آن ماشین هر هفته توسط او شسته می شود — The car is washed every week by him

د کآر ایز وآشت اوری ویک بآی هیم

چرا جمله را به شکل مجهول به کار می بریم ؟

ما بسیاری از جملات را به شکل مجهول بکار می بریم چون در بسیاری از موارد عَمل انجام شده مُهم است نه کسی که آن کار را انجام می دهد . مثلاً می گوییم : هزار تُن شکر به ایران وارد شد. در این جمله عمل انجام شده که وارد کردن شکر است مهم می باشد نه شخص یا اشخاصی که این عمل را انجام داده اند. و اگر عَملی انجام شود و فاعل آن، معلوم و مشخص نباشد، باید جمله را مجهول بگوییم. مثلاً: آن مرد دیروز کُشته شد. در این جمله مشخص نیست که عمل انجام شده (کُشتن) توسط چه کسی، صورت گرفته است.

فرمول جملات مجهول در حالت کُلّی

فرمول: نایب فاعل + (To be با توجه به زمان جمله) + (p.p) قسمت سوم فعل جمله + ...

توجه ۱ : این فرمول برای تمام جملات مجهول به کار می رود.

توجه ۲ : در این فرمول باید نایب فاعل را به شکل اسم یا ضمیر فاعلی به کار ببرید.

توجه ۳ : در این فرمول منظور از to be با توجه به زمان جمله ، یعنی اگر جمله زمان گذشته است باید از was یا were استفاده کرد و اگر جمله آینده است باید از will be استفاده شود.

صرف to be در زمان های مختلف

زمان ها	صرف to be	معانی
حال ساده	am - is - are	می شود
گذشته ی ساده	was - were	شد
آینده ی ساده	will be	خواهد شد
حال استمراری	(am . is . are) + being	دارد می شود
گذشته ی استمراری	(was . were) + being	داشت می شد
حال کامل (ماضی نقلی)	(have – has) + been	شده است
گذشته ی کامل (ماضی بعید)	had + been	شده بود
آینده ی کامل	Will have been	خواهد شد (زمان مشخص از آینده)

مثال کلی جملات مجهول در زمانهای مختلف

فیلم دیده می شود	دِ فیلْمْ ایزْ سینْ	The film is seen
فیلم دیده شد	دِ فیلْمْ واَزْ سینْ	The film was seen
فیلم دیده خواهد شد	دِ فیلْمْ ویلْ بیْ سینْ	The film will be seen
فیلم دارد دیده می شود	دِ فیلْمْ ایزْ بینگْ سینْ	The film is being seen
فیلم داشت دیده می شد	دِ فیلْمْ واَزْ بینگْ سینْ	The film was being seen
فیلم دیده شده است	دِ فیلْمْ هَزْ بینْ سینْ	The film has been seen
فیلم دیده شده بود	دِ فیلْمْ هَدْ بینْ سینْ	The film had been seen
فیلم دیده خواهد شد	دِ فیلْمْ ویلْ هَوْ بینْ سینْ	The film will have been seen

مبحث سؤالات کوتاه پایان جمله (دُم سؤالی)
Tag questions

tag question عبارت کوتاه سوالی می باشد که به آخر جمله اضافه شده و منظور از آن، سؤال نیست بلکه برای تأیید جمله ی بیان شده می باشد.

عبارت های (مگه نه ؟ اینطور نیست؟ هان ؟ درسته ؟) مُعادل هایی برای **tag question** می باشند.

مثال:

He is a good boy, isn't he? — او پسر خوبی است، مگه نه؟

هی ایزْ اِ گود بُیْ ، ایزِنْتْ هی ؟

He is not a good boy, is he? — او پسر خوبی نیست، هست؟

هی ایزْ نَاتْ اِ گود بُیْ ، ایزْ هی ؟

He was not a good boy, was he? — او پسر خوبی نبود، بود؟

هی وآز نَاتْ اِ گود بُیْ ، وآز هی ؟

They can swim well, can't they? — آن ها می توانند به خوبی شنا کنند، این طور نیست؟

دِیْ کَنْ سوایِمْ وِلْ ، کَنْتْ دِیْ ؟

They can not swim well, can they? — آن ها نمی توانند به خوبی شنا کنند، این طور نیست؟

دِیْ کَنْ نَاتْ سوایِمْ وِلْ ، کَنْ دِیْ ؟

We will go there, won't we? — ما به آنجا خواهیم رفت، مگه نه؟

وی ویلْ گُ دِر ، وُنْتْ وی ؟

We will not go there, will we? — ما به آنجا نخواهیم رفت، مگه نه؟

وی ویلْ نَاتْ گُ دِر ، ویلْ وی ؟

طرز ساخت دُم سوالی

برای ساخت دُم سؤالی باید به موارد زیر دقّت کرد.

۱ - دُم سوالی را برای جملات مُثبت یا منفی به کار می برند.

۲ - برای ساخت دُم سؤالی نیاز به فعل کمکی جمله داریم.

۳ - اگر جمله فعل کمکی نداشته باشد باید از **do** و **does** برای جملات زمان حال ساده و از **did** برای جملات زمان گذشته ی ساده استفاده کنیم.

You love her, don't you? یو لاَوْ هِرْ ، دُنْتْ یو ؟ تو او را دوست داری ، مگه نه؟

You don't love her, do you? یو دُنْتْ لاَوْ هِرْ ، دو یو ؟ تو او را دوست نداری ، داری؟

She loves you, doesn't she? او تو را دوست دارد ، این طور نیست؟

شی لاَوْز یو ، دآزِنْتْ شی ؟

She doesn't love you, does she? او تو را دوست ندارد ، این طور نیست؟

شی دآزِنْتْ لاَوْ یو ، دآز شی ؟

She told them anything, didn't she? او همه چیز را به آن ها گفت ، نگفت؟

شی تُلد دِمْ اِنیثینگْ ، دیدِنْتْ شی ؟

She didn't tell them anything, did she? او به آن ها هیچ چیز نگفت ، گفت؟

شی دیدِنْتْ تِلْ دِمْ اِنیثینگْ، دید شی ؟

نکات مهم

۱ - اگر جمله مثبت باشد در این صورت باید برای دُم سوالی از فعل کمکی منفی مُخفف استفاده کنیم

۲ - اگر جمله منفی باشد در این صورت باید برای دُم سوالی از فعل کمکی مثبت غیر مُخفف استفاده کنیم

۳ - ابتدا فعل کمکی را می آوریم و سپس ضمیر فاعلی

۴ - در دُم سؤالی هرگز نباید از اسم استفاده کنیم

Ali was here, wasn't he? علی وآز هییرْ، وآزِنْتْ هی؟ علی اینجا بود ، مگه نه؟

Mina wasn't there, was she? مینا وآزِنْتْ دِر ، وآز شی؟ مینا آنجا نبود ، مگه نه؟

۸ - اگر جمله ی ما با **let us** یا **let's** شروع شود ، در دُم سوالی آن **shall we?** می آوریم

Let us play football, shall we? بیا فوتبال بازی کنیم ، باشه؟

لِتْ آسْ پِلیْ فوتْبآلْ ، شَلْ وی ؟

Let's play chess, shall we? لِتْسْ پِلیْ چِسْ، شَلْ وی؟ بیا شطرنج بازی کنیم، می آیی؟

۹ - در **tag** جملات امری از **will you ?** استفاده می کنیم

Open the door, will you? اُپِنْ دِ دُر ، ویلْ یو ؟ در را باز کُن، مُمکنه؟

Come here, will you? کآم هییرْ ، ویلْ یو ؟ بیا اینجا، میشه؟

۱۰ – در tag جمله ای که فعل آن am باشد ، از aren't I? استفاده می کنیم

I am a teacher, aren't I ? آیْ اَمْ اِ تیچِرْ، آرِنْتْ آیْ ؟ من معلم هستم ، نیستم؟

I am four years older than you, aren't I ? من چهار سال از تو بزرگتر هستم ، مگه نه؟

آیْ اَمْ فُرْ یِرِزْ اُلْدِر دَنْ یو ، آرِنْتْ آیْ ؟

I am eating your food, aren't I ? من دارم غذای شما را می خورم، مگه نه؟

آیْ اَمْ ایتینْگْ یُرْ فود ، آرِنْتْ آیْ ؟

مبحث جملات تعجّبی

What ....! What a ....! What an ....!

این عبارات به همراه اسم و یا اسمی که صفت دارد ، برای بیان تعجّب به کار می روند و در آخر جمله ، علامت تعجّب (!) می آید . مانند:

What a splendid park!	وآتْ اِ سْپْلِنْدِد پارکْ!	چه پارک با شُکوهی!
What an able woman!	وآتْ اَنْ ایْبِلْ وُمَنْ!	چه خانم توانایی!
What an attractive woman!	وآتْ اَنْ اَتْرَکْتیوْ وُمَنْ!	چه خانم جذّابی!
What a nice girl!	وآتْ اِ نآیْسْ گِرْلْ!	چه دختر خوبی! - چه دختر زیبایی!
What a beautiful day!	وآت اِ بیوتیفولْ دیْ!	چه روز زیبایی!
What beautiful days!	وآت بیوتیفولْ دِیْزْ!	چه روزهای قشنگی!
What a brave soldier!	وآتْ اِ بریْوْ سُلْجِرْ!	چه سرباز شجاعی!
what apples!	وآتْ اَپِلْزْ!	چه سیب هایی!
What an apple!	وآتْ اَنْ اَپِلْ!	چه سیبی!
What an active member!	وآتْ اَنْ اَکْتیوْ مِمْبِرْ!	چه عُضو فعّالی!
What an angry man!	وآتْ اَنْ اَنْگیری مَنْ!	چه مرد خشمگینی!
What a game!	وآتْ اِ گیْمْ!	چه بازی ای! - چه مسابقه ای!
What a building!	وآتْ اِ بیلْدینْگْ!	عَجَب ساختمانی!

مبحث ربط دو جمله با wh ها
عبارات اسمی
Noun Clauses

اگر بعد از کلمات پُرسشی از جملات خبری(جمله ای که سؤالی نباشد) استفاده کنیم در این صورت کلمه ی پرسشی تبدیل به کلمه ی ربط (موصول) می شود و هرگز بعد از موصول از جمله ی پرسشی استفاده نمی شود. توجه داشته باشید که در این قسمت، از کلمات پرسشی تبدیل شده به کلمه ی ربط (موصول) برای ربط دو جمله استفاده می کنیم.

Where do you go? — وِر دو یو گُ؟ — کجا می روی؟

I know where you go. — آیْ نُ وِر یو گُ. — من می دانم که کجا می روی.

در جمله ی اول **where** به معنای **کجا** کلمه ی پرسشی است و بعد از آن جمله ی سوالی آمده و آخر جمله علامت سؤال قرار گرفته.

در جمله ی دوم **where** به معنای **که کجا** کلمه ی ربط است و بعد از آن جمله از حالت سوالی خارج شده و آخر جمله نقطه آمده است.

I know who you are. — آیْ نُ هو یو آر. — من می دانم که شما کی هستید.

I don't know who you are. — آیْ دُنْتْ نُ هو یو آر. — من نمی دانم که شما کی هستید.

She knows when they will come. — او می داند که چه موقع آن ها خواهند آمد.(می آیند)

شی نُزْ وِنْ دِیْ ویلْ کاَم.

She doesn't know when they will come. — او نمی داند که چه موقع آن ها خواهند آمد.(می آیند)

شی دآزِنْتْ نُ وِنْ دِیْ ویلْ کاَمْ.

He doesnot know what you want. — او نمی داند که تو چه چیزی می خواهی.

هی دآزِنْتْ نُ وآتْ یو وآنْتْ.

They can guess what time she comes here.

دِیْ کَنْ گِسْ وآتْ تآیْمْ شی کآمزْ هیرْ.

آنها می توانند حدس بزنند که او چه ساعتی به اینجا می آید.

I know where your passport is. — من می دانم که پاسپورتت کجاست.

آیْ نُ وِر یُرْ پَسْپُرْتْ ایزْ.

مبحث ضمایر موصولی (که موصولی)
Relative Pronouns

که موصولی جمله ی وصفی را به اسم قبل از خود وصل کرده و به همین جهت موصول نامیده می شود و خاصیت آن این است که از تکرار اسم قبل از خود جلوگیری می کند و به همین دلیل ضمیر نام می گیرد.
ضمایر موصولی همان (که) در زبان فارسی می باشند اما در زبان انگلیسی آنها را با توجه به اسمی که قبل از آنها می آید و جایگاهی که آن اسم دارد مشخص می کنند.
مثلاً اگر این اسم مخصوص شخص باشد و این شخص فاعل جمله نیز باشد ، باید از **who** استفاده کنیم.
مانند :

The man is very polite. دِ مَنْ ایزْ وری پُلاَیتْ آن مرد خیلی مؤدب است.

He lives here. هی لِوز (لیوز) هییرْ او اینجا زندگی می کند.

The man who lives here is very polite مردی که در اینجا زندگی می کند خیلی مؤدب است

دِ مَنْ هو لِوز هییرْ ایزْ وری پُلاَیتْ

که در اینجا **who** به معنای **که** می باشد و از تکرار اسم اول (**the man**) در جمله ی دوم (**he**) جلوگیری کرده است . به مثال دیگری توجه کنید.

The boy is my friend. دِ بُیْ ایزْ مآیْ فرِنْد آن پسر دوست من است.

He plays football very well. هی پلِیْزْ فوتْبآلْ وری وِلْ او خیلی خوب فوتبال بازی می کند.

The boy who plays football very well is my friend.

دِ بُیْ هو پلِیْزْ فوتْبآلْ وری وِلْ ایزْ مآیْ فرِنْد

پسری که خیلی خوب فوتبال بازی می کند، دوست من است

توجه۱ : در این جمله **who** نقش فاعلی را دارد چرا که بعد از آن بلافاصله از فعل استفاده کرده ایم.

توجه۲ : می توان از **that** به جای **who** استفاده کرد. مانند:

The man that lives here is very polite. مردی که در اینجا زندگی می کند خیلی مؤدب است.

دِ مَنْ دَتْ لِوز هییرْ ایزْ وری پُلاَیتْ

The boy that plays football very well is my friend.

دِ بُیْ دَتْ پلِیْزْ فوتْبآلْ وری وِلْ ایزْ مآیْ فرِنْد

پسری که خیلی خوب فوتبال بازی می کند، دوست من است.

حال اگر بخواهیم از تکرار اسم شخصی که مفعول جمله ی دوم است جلوگیری کنیم باید از **whom** استفاده کنیم. مانند:

The man is very polite. دِ مَنْ ایزْ وِری پُلاَیتْ آن مرد خیلی مؤدب است.

I meet him in the park آیْ میتْ هیمْ اینْ دِ پارکْ من او را در پارک ملاقات می کنم.

The man whom I meet in the park is very polite

دِ مَنْ هوم آیْ میتْ اینْ دِ پارکْ ایزْ وِری پُلاَیتْ

مردی را که من در پارک ملاقات می کنم خیلی مؤدب است

توجه۱ : در این جمله **whom** نقش مفعولی را دارد چرا که بعد از آن بلافاصله از فاعل استفاده کرده ایم.

توجه۲ : در این جمله می توان از **who** به جای **whom** استفاده کرد.

توجه۳ : **whom** فقط حالت مفعولی دارد درحالی که **who** هم حالت فاعلی و هم حالت مفعولی دارد.

توجه۴ : می توان از **that** به جای **who** و **whom** استفاده کرد. مانند:

The man whom I meet in the park is very polite

دِ مَنْ هوم آیْ میتْ اینْ دِ پارکْ ایزْ وِری پُلاَیتْ

مردی را که من در پارک ملاقات می کنم خیلی مؤدب است

The man who I meet in the park is very polite

دِ مَنْ هو آیْ میتْ اینْ دِ پارکْ ایزْ وِری پُلاَیتْ

مردی را که من در پارک ملاقات می کنم خیلی مؤدب است

The man that I meet in the park is very polite

دِ مَنْ دَتْ آیْ میتْ اینْ دِ پارکْ ایزْ وِری پُلاَیتْ

مردی را که من در پارک ملاقات می کنم خیلی مؤدب است

اگر بخواهیم از تکرار اسم غیر انسان که حالت فاعلی یا مفعولی دارد جلوگیری بکنیم باید از **which** به معنای (که) استفاده شود.

توجه۱ : اگر بعد از **which** از فعل استفاده کنیم حالت حذف فاعلی است.

توجه۲ : اگر بعد از **which** از فاعل استفاده کنیم حالت حذف مفعولی است.

مانند:

The birds which fly south are beautiful پرندگانی که به جنوب پرواز می کنند، زیبا هستند

دِ بِرْدسْ ویچْ فلاَیْ ساَوْثْ آر بیوتیفولْ

The bag which he bought yesterday is in his room

دِ بَگْ ویچْ هی باَتْ یِسْتِرْدِیْ ایزْ اینْ هیزْ رومْ

کیفی را که او دیروز خرید، در اتاقش می باشد

توجه۱ : چون **fly** فعل است پس **which** حالت فاعلی دارد.

توجه۲ : چون **he** فاعل است پس **which** حالت مفعولی دارد.

توجه۳ : می توان از **that** به جای **which** استفاده کرد. مانند:

The birds that fly south are beautiful پرندگانی که به جنوب پرواز می کنند، زیبا هستند

دِ بِرْدسْ دَتْ فلاَیْ ساَوْثْ آر بیوتیفولْ

The bag that he bought yesterday is in his room

دِ بَگْ دَتْ هی باَتْ یِسْتِرْدِیْ ایزْ اینْ هیزْ رومْ

کیفی را که او دیروز خرید، در اتاقش می باشد

نکته۱ : از میان ضمایر موصولی می توان **whom** و **which** مفعولی را حذف کرد. مانند:

The man whom I meet in the park is very polite

دِ مَنْ هوم آیْ میتْ اینْ دِ پاَرکْ ایزْ وِری پُلاَیْتْ

مردی را که من در پارک ملاقات می کنم خیلی مؤدب است

The man I meet in the park is very polite

دِ مَنْ آیْ میتْ اینْ دِ پاَرکْ ایزْ وِری پُلاَیْتْ

مردی را که من در پارک ملاقات می کنم خیلی مؤدب است

The bag which he bought yesterday is in his room

دِ بَگْ ویچْ هی باَتْ یِسْتِرْدِیْ ایزْ اینْ هیزْ رومْ

کیفی را که او دیروز خرید، در اتاقش می باشد

The bag he bought yesterday is in his room کیفی را که او دیروز خرید، در اتاقش است

دِ بَگْ هی باَتْ یِسْتِرْدِیْ ایزْ اینْ هیزْ رومْ

نکته۲ : اگر بعد از ضمایر موصولی فاعلی (who-which-that) از am-is-are-was-were یعنی to be استفاده کرده باشیم ، دراینصورت می توانیم ضمایر موصولی به همراه فعل to be را از جمله حذف کنیم. مانند:

The man who is sitting on the chair is my friend

دِ مَنْ هو ایزْ سیتینگْ آنْ دِ چِرْ ایزْ مآیْ فرِنْد

مردی که روی صندلی نشسته است ، دوست من است

The man sitting on the chair is my friend

مرد روی صندلی نشسته ، دوست من است

دِ مَنْ سیتینگْ آنْ دِ چِرْ ایزْ مآیْ فرِنْد

The pens which are on the desk are mine

دِ پِنْزْ ویچْ آر آنْ دِ دِسْکْ آر مآیْنْ

خودکارهایی که روی میز هستند، برای من می باشند

The pens on the desk are mine

خودکارهای روی میز ، برای من می باشند

دِ پِنْزْ آنْ دِ دِسْکْ آر مآیْنْ

The car that is over there is hers.

ماشینی که آنطرف است، مال اوست

دِ کآر دَتْ ایزْ اُوِر دِر ایزْ هِرْزْ

The car over there is hers.

ماشینی که آنطرف است، مال اوست

دِ کآر اُوِر دِر ایزْ هِرْزْ

مبحث مقایسه ی صفت
Comparison of adjectives

صفت از نظر مقایسه به سه دسته تقسیم می شود

۱ - صفت مطلق یا ساده ۲ - صفت تفضیلی یا برتر ۳ - صفت عالی یا برترین

اگر بخواهیم دو صفت ساده را با هم مقایسه کنیم و بین آن دو هیچ فرقی نگذاریم در این صورت از فرمول زیر استفاده می کنیم

Comparison of Equality
as صفت ساده as

که آن بیان کننده ی مقایسه صفتِ برابری می باشد ، مانند:

as tall as	آز تآلْ آز	به بلندیِ
as short as	آز شُرْتْ آز	به کوتاه قَدیِ
as beautiful as	آز بی یو تی فولْ آز	به زیباییِ
as old as	آز آلْد آز	به پیریِ = هم سنِ
as big as	آز بیگْ آز	به بزرگیِ
as new as	آز نی یو آز	به جدیدیِ = به تازگیِ
as warm as	آز وآرم آز	به گرمیِ
as good as	آز گود آز	به خوبیِ
as easy as	آز ایزی آز	به آسانیِ = به سادگیِ
as expensive as	آز اِکْسْ پِنْ سیوْ آز	به گرانیِ

برای مثال اگر علی بلند قد باشد و رضا هم به همان اندازه بلند قد باشد، در این صورت می گوییم علی و رضا هر دو به یک اندازه بلند قَد هستند ویا علی هم قَد رضا است. مانند:

Ali is as tall as Reza — علی ایز آز تآلْ آز رضا — علی به بلند قَدیِ رضا هست

ویا اگر علی ۶۵ سال داشته باشد و مینا هم ۶۵ سال داشته باشد در این صورت می گوییم علی هم سِنِ مینا هست. یعنی آنها هم سنِ هم می باشند.

Ali is as old as Mina — علی ایز آز آلْد از مینا — علی و مینا هم سِن هستند

واگر بخواهیم جمله را منفی کنیم بهتر است به جای **as** اول از **so** استفاده کنیم مانند

Ali isn't so old as Mina — علی ایزِنْتْ سُ آلْد آز مینا — علی و مینا هم سن نیستند

I am not so old as you — آیْ اَمْ ناتْ سُ آلْد آز یو — من هم سنِ تو نیستم

مبحث صفت تفضیلی
Comparative Adjective

اگر بخواهیم دو صفت را باهم مقایسه کنیم و یکی را بر دیگری برتری بدهیم در این صورت از صفت تفضیلی استفاده می کنیم. صفت تفضیلی بین دو اسم یا دو چیز یا دو گروه ، یک صفت را بر صفت دیگر برتری می دهد. صفت تفضیلی به شکل های زیر ساخته می شوند:

۱ – اگر صفت یک سیلابی (یک بَخشی) باشد در این صورت برای تبدیل شدن به تفضیلی کافی است که بعد از صفت **er** و **than** اضافه کنیم مانند فرمول:

فرمول صفت تفضیلی (یک) = صفت یک بخشی + er + than

که در این فرمول er به معنای تر و than به معنای از می باشد مانند :

taller than	تالِرْ دَنْ	بلند تر از
older than	اُلدِر دَنْ	بزرگتر از – پیرتر از – قدیمی تر از
bigger than	بیگِرْ دَنْ	بزرگتر از (از نظر اندازه)
newer than	نی یو ار دَنْ	جدیدتر از – نوتر از
smaller than	سْماآلِرْ دَنْ	کوچک تر از (از نظر اندازه)
larger than	لآرجِرْ دَنْ	بزرگتر از (از نظر اندازه و سایز)
fatter than	فَتِرْ دَنْ	چاق تر از
colder than	کُلدِر دَنْ	سَردتر از
warmer than	وآرمِرْ دَنْ	گرم تر از
faster than	فَستِرْ دَنْ	سَریع تر از – تندتر از
finer than	فآینِر دَنْ	زیباتر از
hotter than	هآتِرْ دَنْ	داغ تر از

مثلاً اگر دو ماشین داشته باشیم و یکی از دیگری جدید تر باشد ، می گوییم

This car is newer than that car — این ماشین از آن ماشین جدید تر است

دیسْ کآرْ ایزْ نی یو ار دَنْ دَتْ کآرْ

ویا می توانیم بگوییم

That car is older than this car — آن ماشین از این ماشین قدیمی تر است

دَتْ کآرْ ایزْ اُلدِرْ دَنْ دیسْ کآرْ

توجه۱ : اگر صفت یک بخشی به حرف بی صدا ختم شود و حرف ماقبل از آخر، یک صدا دار باشد در این صورت حرف بی صدای آخر در هنگام گرفتن er دوبار تکرار می شود. مانند :

1- big + er = bigger   2- hot + er = hotter   3- fat + er = fatter

می بینید که g در big بی صدا بوده و قبل از آن یک حرف با صدا (i) وجود دارد، بنابراین حرف g دوبار تکرار شده است.

توجه۲ : اگر صفت یک بخشی به حرف e برسد در این صورت برای تبدیل شدن به صفت تفضیلی کافی است که یک r به آن اضافه کنیم. مانند:

1- Large + er = larger   2- fine + er = finer

۲ - اگر صفت دو سیلابی (دو بخشی) باشد و حرف آخر آن y باشد در این صورت برای تبدیل شدن به تفضیلی کافی است که بعد از صفت er و than اضافه کنیم مانند فرمول :

فرمول صفت تفضیلی (دو) = صفت دو بخشی که آخرش y باشد + er + than

توجه : اگر قبل از y حرف بی صدا باشد باید y را به i تبدیل کنیم

grey + er = greyer	گریِر	خاکستری تر
easy + er = easier	ایزی یِر	آسان تر
heavy + er = heavier	هوی یِر	سنگین تر
pretty + er = prettier	پرتی یِر	زیباتر
happy + er = happier	هَپی یِر	خوشحال تر
merry + er = merrier	مری یِر	خوشحال تر
busy + er = busier	بیزی یِر	گرفتارتر - مشغول تر

۳ - اگر صفت دو بخش یا بیشتر از دو بخش داشته باشد در این صورت برای تبدیل شدن به صفت تفضیلی کافی است که قبل از صفت more و بعد از صفت than اضافه کنیم. مانند فرمول:

فرمول صفت تفضیلی(سه) = more + صفت دوبخش و بیشتر از دو بخش + than

که در این فرمول more به معنای تر و than به معنای از می باشد مانند:

More beautiful than	مُرْ بی یو تی فولْ دَنْ	زیباتر از
More expensive than	مُرْ اِکْسْ پِنْ سیوْ دَنْ	گران تر از
More difficult than	مُرْ دیفیکالْتْ دَنْ	سخت تر از
More interesting than	مُرْ اینْترِسْتینگْ دَنْ	جالب تر از
More useful than	مُرْ یوز فولْ دَنْ	مفیدتر از
More careful than	مُرْ کِرْفولْ دَنْ	بادقّت تر از
More amused than	مُرْ اَمْ یوزد دَنْ	سرگرم شده تر از

مبحث صفت عالی
Superlative Adjective

اگر بخواهیم از بین یک اسم با چند اسم یا یک چیز با چند چیز یا یک گروه با چند گروه، چند صفت را باهم مقایسه کنیم و یکی را بر صفات دیگر، برتری بدهیم در این صورت از صفت عالی استفاده می کنیم.

صفت عالی به شکل های زیر ساخته می شود

۱ - اگر صفت یک سیلابی (یک بخشی) باشد در این صورت برای تبدیل شدن به صفت عالی کافی است که قبل از صفت **the** و بعد از صفت **est** اضافه کنیم. مانند فرمول :

the + صفت یک بخشی + **est** = فرمول صفت عالی (یک)

که در این فرمول **est** به معنای ترین و **the** از نشانه های صفت عالی می باشد مانند:

The tallest	تآلِسْتْ	بلندترین
The oldest	اُلدِسْتْ	بزرگترین - پیرترین - قدیمی ترین
the biggest	بیگِسْتْ	بزرگترین (از نظر اندازه)
the newest	نی یو اِسْتْ	جدیدترین - نوترین
the smallest	سْمالِسْتْ	کوچک تر ین (از نظر اندازه)
the largest	لآرجِسْتْ	بزرگترین (از نظر اندازه و سایز)
the fattest	فَتِسْتْ	چاق ترین
the coldest	کُلدِسْتْ	سردترین
the warmest	وآرمِسْتْ	گرم ترین
the fastest	فَسْتِسْتْ	سریع ترین - تندترین
the finest	فآینِسْتْ	زیباترین
the hottest	هآتِسْتْ	داغ ترین

۲ - اگر صفت دو سیلابی (دو بخشی) باشد و حرف آخر آن **y** باشد در این صورت برای تبدیل شدن به صفت عالی کافی است که قبل از صفت **the** وبعد از صفت **est** اضافه کنیم مانند فرمول :

the + صفت دو بخشی که آخرش **y** باشد + **est** = فرمول صفت عالی (دو)

توجه : اگر قبل از **y** حرف بی صدا باشد باید **y** را به **i** تبدیل کنیم.

grey + est = greyest	د گریِسْت	خاکستری ترین
easy + est = easiest	د ایزی یِسْت	آسان ترین
heavy + est = heaviest	د هِوی یِسْت	سنگین ترین
pretty + est = prettiest	د پرِتی یِسْت	زیباترین
happy + est = happiest	د هَپی یِسْت	خوشحال ترین
merry + est = merriest	د مِری یِسْت	خوشحال ترین
busy + est = busiest	د بیزی یِسْت	گرفتارترین - مشغول ترین

۳ - اگر صفت دو بخش یا بیشتر از دو بخش داشته باشد در این صورت برای تبدیل شدن به صفت عالی کافی است که قبل از صفت **the most** اضافه کنیم مانند فرمول :

صفت دوبخش و بیشتر از دو بخش + **the most** = فرمول صفت عالی (سه)

که در این فرمول **the most** به معنای ترین می باشد. مانند:

The most beautiful	د مُسْت بی یو تی فول	زیباترین
The most expensive	د مُسْت اِکسْ پِنْ سیوْ	گران ترین
The most difficult	د مُسْت دیفیکالْت	سخت ترین
The most interesting	د مُسْت اینتِرِسْتینگ	جالب ترین
The most useful	د مُسْت یوز فول	مُفیدترین
The most careful	د مُسْت کِرْفول	بادقت ترین
The most amused	د مُسْت اَمْ یوزد	سرگرم شده ترین - خوشحال ترین

نکته۱ : یکی از علامت های صفت عالی حرف اضافه ی **in** می باشد که به همراه مکان می آید. مانند:

This is the most beautiful garden in this city — این زیباترین باغ در این شهر می باشد

دیسْ ایزْ د مُسْت بیوتیفول گاردِنْ اینْ دیسْ سیتی

This is the most expensive car in this place — این گران ترین ماشین در این مکان می باشد

دیسْ ایزْ د مُسْت اِکْسْپِنْسیوْ کار اینْ دیسْ پلِیْس

نکته۲ : یکی از علامت های صفت عالی عبارت **of all** به معنای (... از همه) می باشد. مانند:

This car is the most expensive of all — این ماشین از همه گرانتر است. (گرانترین ماشین است)

دیسْ کار ایزْ د مُسْت اِکْسْپِنْسیوْ کار آو آل

صفات بی قاعده

برای تبدیل صفات زیر به حالت تفضیلی یا عالی، قانونِ خاصّی وجود ندارد و باید آن ها را حفظ کرد

گود	Good	خوب	بِترْ دَنْ	Better than	خوب تر از	دِ بِسْتْ	The best	خوب ترین
بَد	Bad	بد	وُرسْ دَنْ	Worse than	بدتر از	دِ وُرِسْتْ	The worst	بدترین
مآچْ	Much	زیاد	مُرْ دَنْ	More than	زیادتر از	دِ مُسْتْ	The most	زیادترین
مِنی	Many	زیاد	مُرْ دَنْ	More than	زیادتر از	دِ مُسْتْ	The most	زیادترین
ایلْ	Ill	مریض	وُرسْ دَنْ	Worse than	بدتر از	دِ وُرِسْتْ	The worst	بدترین
لیتلْ	Little	کَم	لِسْ دَنْ	Less than	کمتر از	دِ لیسْتْ	The least	کمترین
اُلد	Old	مُسن	الْدِر دَنْ	Elder than	مُسن تر از	دِ الْدِسْتْ	The eldest	مُسن ترین
فآر	Far	دور	فِرْدِر دَنْ	Further than	بیشتر از	دِ فِرْدِسْتْ	The furthest	بیشترین
فآر	Far	دور	فآردِر دَنْ	Farther than	دورتر از	دِ فآردِسْتْ	The farthest	دورترین
لِیْتْ	Late	دیر	لِیْتِرْ دَنْ	Later than	دیرتر از	دِ لِیْتِسْتْ	The latest	آخرین
لِیْتْ	Late	دیر	لَترْ	Latter	دومی - اخیر	دِ لَسْتْ	The last	آخری
اینْ	In	داخل	اینرْ	Inner	داخلی	اینْ مُسْتْ	Inmost	داخلی ترین
آپْ	Up	بالا	آپرْ	Upper	بالاتر	آپْ مُسْتْ	Upmost	بالاترین

inner most	اینرْ مُسْتْ	=	**Inmost**	اینْ مُسْتْ	نکته :
upper most	آپرْ مُسْتْ	=	**Upmost**	آپْ مُسْتْ	

به مثال زیر دقت کنید

This is a good car — دیسْ ایزْ اِ گود کآر — این یک ماشین خوب است

That car is better than this one — آن ماشین، بهتر از این یکی است

دَتْ کآر ایزْ بِترْ دَنْ دیسْ وآن

My car is the best — مآیْ کآر ایزْ دِ بِسْتْ — ماشینِ من ، بهترین است

مبحث rather (رَدِر) و fairly (فِرْلی)

این دو کلمه قید هستند ، به معنای نسبتاً می باشند و صفت یا قید را توصیف می کنند و فرق آن ها در این است که rather بیشتر با صفت و یا قیدی به کار می رود که برای گوینده، چندان خوشآیند نباشد.
مانند:

It's rather cold in here — ایتْس رَدِر کُلْد اینْ هییِرْ — اینجا نسبتاً سَرد است

که در این مثال سَرمای اُتاق از نظر گوینده ، چیز خوشآیندی نمی باشد.

His office is fairly modern — هیزْ آفیسْ ایزْ فِرْلی مآدِرنْ — اداره ی او نسبتاً پیشرفته است

She types fairly well — شی تآیْپسْ فِرْلی وِلْ — نسبتاً خوب تایپ می کند

در اینجا صفت modern و قید well توصیف شده اند.

مبحث قرارگیری یک فعل بعد از فعل دیگر

در زبان انگلیسی برای آوردن دو فعل در کنار یک دیگر، الگو هایی وجود دارد که باید آن ها را حفظ کنیم و به کار ببریم.

۱ – افعالی که بعد از آن ها، فعل به صورت مصدر با to می آید بسیار زیاد بوده و ما آن هایی که خیلی مهم هستند را برای شما می گوییم

مصدر با to + فعل

advise — اَدْوآیْز — نَصیحت کردن

He advised me to do it — او به من نصیحت کرد که آن کار را انجام بدهم

هی اَدْوآیْزْد می تو دو ایتْ

afford — اَفُرْد — استطاعت داشتن

agree — اَگیری — موافق بودن – موافقت کردن

She agreed to come — شی اَگیرید تو کآم — او قبول کرد که بیاید

allow — اَلآوْ — اجازه دادن

My boss doesn't allow her to use the telephone

مآیْ بآسْ دآزِنْتْ اَلآوْ هِرْ تو یوز دِ تِلِفُنْ

رئیس من به او اجازه نمی دهد که از تلفن استفاده کند

appear	آپیر	ظاهر شدن
arrange	اَرِینج	مُرتّب کردن- چیدن
ask	اَسْک	خواستن - تَقاضا کردن
She asked me to stay with her		او از من خواست که با او بمانم
	شی اَسْکْتْ می تو سْتِی ویث هِرْ	
attempt	اَتِمپْتْ	کوشش کردن
beg	بِگْ	درخواست کردن - خواهش کردن
begin	بیگین	شروع کردن
cause	کاز	سَبَب شدن - باعث شدن
choose	چوز	انتخاب کردن
command	کامَند	دستور دادن
compel	کامْپِل	وادار کردن - مجبور کردن
consent	کانْ سِنْتْ	راضی شدن
dare	دِر	جُرأت کردن
decide	دیسایْد	تصمیم گرفتن
He decided to go there	هی دیسایْدِد تو گُ دِر	او تصمیم گرفت به آنجا برود
determine	دِتِرْمِنْ - دِتِرْمینْ	تَصمیم گرفتن
encourage	اِنْکارِج	تَشویق کردن - تَرغیب کردن
They encouraged her to come		آن ها او را تشویق کردند که بیاید
	دِیْ اینکارِجْد هِرْ تو کام	
expect	اِکْسْپِکْتْ	انتظار داشتن
She expected me to do it		او از من انتظار داشت که آن را انجام بدهم
	شی اِکْسْپِکْتِد می تو دو ایتْ	
fail	فِیل	شکست خوردن - رَد شدن
force	فُرْس	مَجبور کردن

forget	فُرگِتْ	فراموش کردن
You forgot to buy it again	یو فُرگاتْ تو بآیْ ایت اگِینْ	دوباره فراموش کردی، آن را بخَری
happen	هَپِنْ	اتفاق افتادن – رُخ دادن
hate	هِیْتْ	نفرت داشتن – متنفر بودن
hesitate	هِزیتِیْتْ	شک داشتن
hope	هُپْ	اُمیدوار بودن
instruct	اینْ سْتراکْتْ	دستور دادن – آموزش دادن
intend	اینْتِنْد	قَصد داشتن
invite	اینْوآیْتْ	دعوت کردن
learn	لِرْنْ	یاد گرفتن – آموختن
Learn to speak English	لِرْنْ تو سْپیک اینگلیشْ	صحبت کردن انگلیسی را یاد بگیرید
leave	لیو	تَرک کردن – رفتن
like	لآیْکْ	دوست داشتن
I like to be with you	آیْ لآیْکْ تو بی ویتْ یو	دوست دارم با تو باشم
love	لاَوْ	عشق ورزیدن
manage	مَنِج	اداره کردن – مدیریت کردن
mean	مینْ	مَنظور داشتن – مَعنی دادن
need	نید	احتیاج داشتن – نیاز داشتن
I need to buy a new book	آیْ نید تو بآیْ اِ نیو بُکْ	لازم است که یک کتاب جدید بخرم
neglect	نِگْلِکْتْ	غفلت کردن – کوتاهی کردن
He neglected to write	هی نِگْلِکْتِد تو رآیْتْ	از نوشتن کوتاهی کرد
oblige	اَبلآیج	مجبور کردن
offer	آفِر	پیشنهاد کردن
order	اُردر	دستور دادن – سفارش دادن
He ordered me to stay at home	هی اُردِرد می تو سْتِیْ اَتْ هُمْ	او به من گفت (دستور داد) در منزل بمانم

permit	پِرْمیتْ	اجازه دادن
I permitted them to play	آیْ پِرْمیتِد دِمْ تو پِلِیْ	به آن ها اجازه دادم که بازی کنند
persuade	پِرْسوایْد	تَرغیب کردن
plan	پِلَنْ	در نَظَر داشتن - برنامه داشتن
They plan to come here	دِیْ پِلَنْ تو کام هییِرْ	آن ها در نظر دارن که به اینجا بیایند
prefer	پیریفِرْ	تَرجیح دادن
I prefer to stay	آیْ پیریفِرْ تو سْتِی	تَرجیح می دهم (که) بمانم
prepare	پیریپِرْ	آماده کردن - تَدارک دیدن
press	پِرِسْ	فشار دادن - هُل دادن
pretend	پیریتِنْد	وانمود کردن
promise	پِرآمیسْ	قول دادن
He promised to buy it	هی پِرآمیسْد تو بآیْ ایتْ	او قول داد که آن را بخرد
propose	پِرُپُزْ	پیشنهاد کردن
recommend	رِکامِنْد	توصیه کردن
refuse	ریفیوز	امتناع کردن
regret	ریگْرِتْ	اَفسوس خوردن - پَشیمان شدن
remember	ریمِمْبِرْ	به خاطر آوردن
Remember to wake me up	ریمِمْبِرْ تو وِیْکْ می آپْ	یادت باشه که مرا بیدار کُنی
remind	ریمآیْنْد	یادآوری کردن
request	ریکْواِسْتْ	تقاضا کردن - درخواست کردن
start	سْتآرتْ	شروع کردن
He started to learn English	هی سْتآرتِد تو لِرْنْ اینگلیشْ	او شروع به یادگیریِ انگلیسی کرد
swear	سوِر	قَسَم خوردن
He swore to do it	هی سْرْ تو دو ایت	او قسم خورد که آن کار را انجام دهد
teach	تیچ	درس دادن - تَعلیم دادن

tell	تِلْ	گفتن
Tell her to stay here	تِلْ هِرْ تو سْتِیْ هییِرْ	به او بگو که اینجا بماند
tempt	تِمْپْتْ	فَریفتن - اغوا کردن - وَسوَسه کردن
threaten	ثرِتِنْ	تَهدید کردن - تَرساندن

They threatened to kill all the passengers

دِیْ ثرِتِنْد تو کیلْ آلْ دِ پَسِنجرز

آن ها تَهدید کردند که همه ی مسافران را می کُشند

trouble	ترآبِلْ	زَحمت دادن
try	ترآیْ	سَعی کردن - تَلاش کردن
Try to succeed	ترآیْ تو ساکْسید	سعی کُن که موفق بشوی
want	وآنْتْ	خواستن
I want to leave	آیْ وآنْتْ تو لیو	می خواهم بروم
I want you to leave	آیْ وآنْتْ یو تو لیو	از تو می خواهم که بروی
warn	وُرنْ	هُشدار دادن
wish	ویشْ	آرزو داشتن
I wish to see you again	آیْ ویشْ تو سی یو اِگِین	اُمیدوارم که شما را دوباره ببینم

توجه۱ : افعال بر طبق حروف الفبا آمده اند

توجه۲ : **need** اگر به صورت فعل ناقص به کار برود، می تواند برای سوالی به اول جمله بیاید و برای منفی ، **not** بگیرد و در این صورت فعل بعد از آن، بدون **to** می آید. مانند مثال:

You needn't work so hard — لازم نیست که شما این قدر سخت، کار بکنید

یو نیدِنْتْ وُرکْ سُ هآرد

Need I tell you anything I do? — آیا لازم است که هر کاری می کنم به شما بگویم؟

نید آی تِل یو اِنیثینگ آی دو؟

Need you see me? — نید یو سی می؟ — آیا لازم است که مرا ببینید؟

۲ - افعالی که بعد از آن ها فعل بصورت **مصدر بدون to** می آید عبارتند از

فعل + مصدر بدون to

can	کَنْ	توانستن
I can see you	آیْ کَنْ سی یو	من می توانم شما را ببینم
I can help you	آیْ کَنْ هَلْپْ یو	من می توانم به شما کمک کنم
could	کُد (کود)	گذشته ی **can** می باشد
he could swim	هی کُد (کود) سوایِمْ	او می توانست شنا کند
Had better	هَد بِتِر	بهتر است
I had better start it	آیْ هَد بِتِرْ سْتارت ایت	بهتر است آن را شروع کنم
help	هَلْپْ	کمک کردن
I helped her carry the heavy box	آیْ هَلْپْتْ هِرْ کَری دِ هِوی باکْسْ	من به او در حمل آن جعبه ی سنگین، کمک کردم
let	لِتْ	اجازه دادن
let me help you	لِتْ می هَلْپْ یو	اجازه بده کمکت کنم
I let him leave the class	آیْ لِتْ هیمْ لیو دِ کَلَسْ	به او اجازه دادم از کلاس خارج شود
make	مِیْکْ	مجبور کردن - وادار کردن
I make them go	آیْ مِیْکْ دِمْ گُ	آن ها را مجبور می کنم که بروند
he made me stay there	هی مِیْد می سْتِیْ دِر	او مرا مجبور کرد که آنجا بمانم
may	مِیْ	ممکن بودن
it may rain	ایتْ مِیْ رِیْنْ	ممکن است باران ببارد
might	مآیْتْ	گذشته ی **may** می باشد
must	مآسْتْ	باید
I must see her	آیْ مآسْتْ سی هِرْ	باید او را ببینم
You must do it right now	یو مآسْتْ دو ایت رآیْتْ نآوْ	شما باید آن را همین الان انجام بدهید

Would rather	وُود رَدِر	ترجیح دادن
He would rather live here		او ترجیح می دهد که اینجا زندگی کند
	هی وُود رَدِر لِو (لیو) هییِرْ	
ought to	آتْ تو (اُتْ تو)	باید
I ought to leave	آیْ اُتْ تو لیو	باید بروم
we ought to help each other	وی اُتْ تو هِلْپْ ایچْ آدِر	ما باید به یکدیگر کمک کنیم
shall	شَلْ	به جای آن از **will** استفاده می شود
should	شُد (شود)	باید
I should leave	آی شُد (شود) لیو	باید بروم
we should help each other	وی شُد (شود) هِلْپْ ایچْ آدِر	ما باید به یکدیگر کمک کنیم
will	ویلْ	فعل کمکی آینده می باشد. (خواهم، خواهی ...)
she will go there	شی ویلْ گُ دِر	او به آنجا خواهد رفت
would	وُد (وُود)	گذشته ی **will** می باشد

توجه : انگلیسی ها بعد از **help** از مصدر با **to** استفاده می کنند و آمریکایی ها بعد از **help** مصدر بدون **to** می آورند.

۳ - افعالی که بعد از آن ها فعل یا به صورت **ing** یا به صورت مصدر با **to** می آیند، عبارتند از:

فعل + ing
\+ فعل
مصدر با to

advise	اَدوآیْزْ	نصیحت کردن
allow	اَلآوْ	اجازه دادن
We don't allow smoking in our house		اجازه ی سیگار کشیدن در منزلمان را نمی دهیم
	وی دُنْتْ اَلآوْ سْمُکینْگْ اینْ آوِر هَاوْس	
attempt	اَتِمْپْتْ	کوشش کردن
begin	بِگینْ	شروع کردن

can't bear — کَنْت بِرْ — توان جلوگیری از انجامِ کاری را نداشتن - تَحمّل نکردن

cease — سیس — دستگیر کردن - متوقف کردن

continue — کانتینیو — ادامه دادن

forbid — فُرْبید — قَدغَن کردن - ممنوع کردن

forget — فُرْگِتْ — فراموش کردن

hate — هِیْتْ — متنفر بودن

intend — اینْتِنْد — قصد داشتن

like — لآیْکْ — دوست داشتن

I like to swim — دوست دارم شنا کنم (مربوط به حالِ حاضر می باشد یعنی الان دوست دارم شنا کنم)

آیْ لآیْکْ تو سوایمْ

I like swimming

آیْ لآیْکْ سوایمینْگْ

شنا کردن را دوست دارم (برای بیان حالت کُلی می باشد. شاید در حال حاضر میل به شنا کردن هم نداشته باشم)

love — لآو — عشق ورزیدن

neglect — نِگْلِکْتْ — غفلت کردن

permit — پِرْمیتْ — اجازه دادن

prefer — پیریفِرْ — ترجیح دادن

I prefer to watch TV — من تَرجیح می دهم که تلویزیون تماشا کنم

آیْ پیریفِرْ تو واچْ تی.وی

I prefer to stay at home — آی پیریفِر تو سْتِیْ اَتْ هُمْ — من ترجیح می دهم در منزل بمانم

She prefers playing to working — او بازی را به کار ترجیح می دهد

شی پیریفِرْزْ پلیْ اینْگْ تو وُرکینْگْ

propose — پرپُزْ — پیشنهاد دادن

regret — ریگْرِتْ — اَفسوس خوردن - پَشیمان شدن

remember — ریممْبِرْ — به خاطر آوردن - به یاد داشتن

start — سْتآرتْ — شروع کردن

stop — سْتآپْ — متوقف کردن - ایستادن

try — ترآیْ — سَعی کردن - تَلاش کردن

I like skiing — آیْ لآیکْ سْکی اینْگْ — من اسکی را دوست دارم (در حالت کُلّی)

I like to ski — آیْ لآیکْ تو سْکی — دوست دارم اسکی کنم (یعنی همین اَلان)

Remember to visit my mother

ریمِمْبِرْ تو ویزیتْ مآیْ مآدِر

به خاطر داشته باش که به مادرم سَری بزنی (این عَمل مربوط به آینده می باشد)

Remember visiting my mother?

ریمِمْبِرْ ویزیتینْگْ مآیْ مآدِر؟

دیدار با مادرم را به خاطر می آوری؟ (یادت می آید که مادرم را ملاقات کردی؟ این عَمل مربوط به گذشته است)

۴ - افعالی که بعد از آن ها فعل به صورت ing یا مصدر بدون to می آیند عبارتند از

فعل + ing

فعل +

مصدر بدون to

feel — فیلْ — احساس کردن

hear — هییرْ — شنیدن

I didn't hear the phone ring — نشنیدم که تلفن زنگ بزند (صدای زنگ تلفن را نشنیدم)

آیْ دیدنْتْ هییرْ د فُنْ رینْگْ

I heard her sing — آیْ هِرْدْ هِرْ سینْگْ — شنیدم که آواز خواند

I heard her singing — آیْ هِرْدْ هِرْ سینْگینْگْ — شنیدم که داشت آواز می خواند

notice — نُتیس — مُتوجه شدن

observe — آبْزِروْ — مُشاهده کردن

I observed her drop the letter — آیْ آبْزِروْدْ هِرْ درآپْ د لِتِرْ — دیدم که نامه را انداخت

I observed her dropping the letter — دیدم که داشت نامه را می انداخت

آیْ آبْزِروْدْ هِرْ درآپینْگْ د لِتِرْ

See — سی — دیدن

I saw him take the money

آیْ سا هیم تِیکْ دِ مانی

او را دیدم که پول را برداشت (عَمل برداشتن پول، به طور کامل دیده شده است)

I saw him taking the money

آی سا هیمْ تِیکینگْ دِ مانی

او را دیدم که داشت پول را بر می داشت (در این حالت عَمل برداشتن پول، به طور کامل دیده نشده است)

Watch — واْچْ — تماشا کردن

I watched Jone hit katty — آیْ واْچْتْ جانْ هیتْ کَتی — من دیدم که جان ، کَتی را زَد

I watched Jone hitting katty — من دیدم که جان، داشت کَتی را می زد

آیْ واْچْتْ جانْ هیتینگْ کَتی

۵ - افعالی که بعد از آن ها فعل به صورت **ing** می آید عبارتند از

فعل + فعل + ing

admit	اَدمیتْ	پذیرفتن - قبول کردن - اقرار کردن
advise	اَد وآیْزْ	نَصیحت کردن
appreciate	اَپریشیایْتْ	قَدردانی کردن
avoid	اَوُیْد	پرهیز کردن - خودداری کردن
Avoid smoking	اَوُیْد سْمُکینگْ	از سیگار کشیدن بپرهیزید
call off	کاْل آفْ	لَغو کردن
can't avoid	کَنْتْ اَوُیْد	توان انجام ندادن کاری را نداشتن
I can't avoid picking the flower	آیْ کَنْتْ اَوُیْد پیکینگْ دِ فلاْوِر	نمی توانم آن گُل را نچینم
can't help	کَنْتْ هلْپْ	توان انجام ندادن کاری را نداشتن
I cant help eating it	آیْ کَنْتْ هلْپْ ایتینگْ ایتْ	نمی توانم آن را نخورم

can't stand	کَنْتْ سْتَنْد	استقامت انجام ندادن کاری را نداشتن
I can't stand eating it	آیْ کَنْتْ سْتَنْد ایتینْگْ ایتْ	نمی توانم آن را نخورم
can't resist	کَنْتْ رِزیسْتْ	توان انجام ندادن کاری را نداشتن
I can't resist eating it	آیْ کَنْتْ رِزیسْتْ ایتینْگْ ایتْ	نمی توانم آن را نخورم
consider	کانْسیدر	درنَظَر داشتن
I consider retiring	آیْ کانْسیدر ریتایرینْگْ	درنظر دارم که بازنشسته شوم
contemplate	کانْتِمْپلِیْتْ	درنظر داشتن - اندیشیدن
delay	دِلِیْ (دیلِیْ)	تأخیر کردن - به تأخیر انداختن
deny	دِنایْ	انکار کردن
detest	دیتِسْتْ	تَنَفُّر داشتن از
dislike	دیسْ لایْکْ	دوست نداشتن - بیزار بودن از
endure	اِنْ دُیُر	تَحمّل کردن
enjoy	اینْجُیْ	لذت بردن از
I enjoy watching the film	آیْ اینْجُیْ واچینْگْ دِ فیلْمْ	از تماشای آن فیلم لذّت می برم
I enjoy running in the morning	آیْ اینْجُیْ رانینْگْ اینْ دِ مُرْنینْگْ	من از دویدن در هنگام صبح لذّت می برم
escape	اِسْکیپْ	گُریختن - فَرارکردن
excuse	اِکْسْکیوز	مَعذرت خواستن
finish	فینیشْ	تمام کردن - به اتمام رساندن
forgive	فُرْگیوْ	بَخشیدن- عَفو کردن
give up	گیو آپْ	تَرک کردن - رَها کردن
go on	گُ آنْ	ادامه دادن
imagine	ایمَجِنْ	تَصوّر کردن
involve	اینْوآلْوْ	مُستَلزِم بودن - گرفتار شدن
keep	کیپْ	نگاه داشتن - ادامه دادن

keep on	کیپْ آنْ	ادامه دادن
leave off	لیو آفْ	مُتوقف کردن
mention	مِنْشِنْ	ذکر کردن - نام بردن
mind	مآیْنْد	اهمیت دادن
do you mind closing the door?		ممکن است، در را ببندید؟
	دو یو مآیْنْد کْلُزینْگْ دِ دُر؟	
do you mind not closing the door?		ممکن است، در را نبندید؟
	دو یو مآیْنْد نآتْ کْلُزینْگْ دِ دُر؟	
miss	میسْ	از دست دادن
postpone	پُسْتْپُنْ	به تأخیر انداختن
practice	پْرَکْتیسْ	تمرین کردن
Put off	پوتْ آفْ	به تعویق انداختن - کَنسل کردن
resent	ریزِنْتْ	اظهار تَنفر کردن از - مُنزَجر شدن از
quit	کو ای تْ	رَها کردن - دست کشیدن از
resist	رِزیسْتْ	استقامت کردن
regret	ریگْرِتْ	اَفسوس خوردن - پَشیمان شدن
risk	ریسْکْ	خَطر کردن - به خطر انداختن
stop	سْتآپْ	مُتوقف کردن
Stop eating	سْتآپْ ایتینْگْ	دیگه نَخور
stop singing	سْتآپْ سینْگینْگْ	دیگه آواز نَخوان
stop spesking	سْتآپْ سْپیکینْگْ	دیگه صحبت نکن
suggest	سآجِسْتْ	پیشنهاد کردن
understand	آنْدِرسْتَنْد	فهمیدن

۴- عبارات و صفاتی که بعد از آن ها فعل به صورت ing می آید عبارتند از

ing + فعل + بعضی از عبارات

have difficulty in — هَوْ دیفیکالْتی اینْ — اشکال داشتن در- مُشکل داشتن در

I have no difficalty in doing it — در انجام آن هیچ اشکالی(مُشکلی) ندارم

آیْ هَوْ نُ دیفیکالْتی اینْ دوایْنگْ ایتْ

have the pleasure of — هَوْ دِ پلژر آو — احساس شادی داشتن

it is no good — ایتْ ایزْ نُ گود — خوب نیست

It is no good watching that film — تماشای آن فیلم خوب نیست

ایتْ ایزْ نُ گود وآچینگْ دَتْ فیلْمْ

It is no good getting angry — عصبانی شدن، خوب نیست

ایتْ ایزْ نُ گود گِتینگْ آنگیری

it is no use — ایتْ ایزْ نُ یوز — فایده ای ندارد

It is no use working here — کار کردن در اینجا بی فایده است

ایتْ ایزْ نُ یوز وُرکینگْ هیرْ

It is no use crying — ایتْ ایزْ نُ یوز کِرآیْ اینْگْ — گریه، فایده ای ندارد

look forward to — لُکْ (لوکْ) فُروآرد تو — مُشتاق بودن

take pleasure in — تِیکْ پلیژِر اینْ — احساس لذت بردن

She takes pleasure in helping the poor — او از کمک به فقرا، لذّت می بَرَد

شی تِیکْسْ پلیژِر اینْ هِلْپینگْ دِ پور

there is no harm in — دِر ایزْ نُ هآرم اینْ — در آن ضرری نیست

To be busy — تو بی بیزی — گرفتار بودن - مَشغول بودن

to be used to — تو بی یوزد تو — عادت داشتن

To be worth — تو بی وُرثْ — اَرزش داشتن

The film is worth seeing — دِ فیلْمْ ایزْ وُرثْ سی اینگْ — آن فیلم اَرزشِ دیدن را دارد

to get used to — تو گِتْ یوزد تو — عادت کردن

much & very مبحث

very به معنای خیلی می باشد و با صفت های ساده و قیدهای ساده به کار می رود. مانند:

Very cold	وری کُلد	خیلی سَرد
Very tall	وری تآلْ	خیلی قد بلند
Very fat	وری فَتْ	خیلی چاق
Very late	وری لِیتْ	خیلی دیر
Very early	وری اِرلی	خیلی زود
Very brave	وری بریْو	خیلی شجاع
Very slowly	وری سْلُلی	خیلی آرام - خیلی آهسته - خیلی کند
Very quickly	وری کوایکلی	خیلی سَریع - خیلی تُند
Very rapidly	وری رَپیدلی	خیلی سریع - خیلی تند
Very bravely	وری بریْوْلی	خیلی شجاعانه
Very carefully	وری کِرْفولی	خیلی بادقّت
She is very fat	شی ایز وری فَتْ	او خیلی چاق است
It is very late	ایتْ ایز وری لِیتْ	خیلی دیر است
I drive very rapidly	آیْ درآیْوْ وری رَپیدلی	من خیلی سَریع رانندگی می کنم
He fights very bravely	هی فآیْتس وری بریْوْلی	او خیلی شجاعانه می جنگد
She runs very slowly	شی رآنْز وری سْلُلی	او خیلی آرام می دود

Much به معنای خیلی یا زیاد می باشد و با صفت ها یا قیدهای تفضیلی به کار می رود. مانند:

Much more careful than — ماچْ مُرْ کِرْفول دَنْ — خیلی با دقّت تر از

Leila is much more careful than Ahmad — لیلا خیلی با دقّت تر از احمد است

لیلا ایزْ ماچْ مُرْ کِرْفول دَنْ آحمد

Much more beautiful than — ماچْ مُرْ بی یوتی فولْ دَن — خیلی زیباتر از

Leila is much more beautiful than her friends — لیلا خیلی زیباتر از دوستانش است

لیلا ایز ماچْ مُرْ بی یوتی فولْ دَنْ هِرْ فرِنْدز

خیلی شجاعانه تر مَاچْ مُرْ بریوْلی دَنْ Much more bravely than

او خیلی شجاعانه تر از دوستانش می جنگد He fights Much more bravely than his friends

هی فَایتْس مَاچْ مُرْ بریوْلی دَنْ هیز فرِندز

مبحث It is time ...

به معنای (وقتش است که ...) می باشد و به دو صورت به کار می رود

۱ - اگر بعد از ... it is time مصدر با to بیاید ، در این حالت، این عمل مربوط به آینده ی نزدیک می باشد که باید صورت بگیرد. مانند :

وقتِ خواب است (یعنی ما باید برویم و بخوابیم) It is time to go to bed

ایتْ ایزْ تآیمْ تو گُ تو بِد

وقتِ این است که به تو یه درسی بدهم (تو را تَنبیه کنم) It is time to teach you a lesson

ایت ایزْ تآیمْ تو تیچْ یو اِ لِسنْ

وقتش است که تو را (بزنم) خونی کنم It's time to bleed you

ایتْ ایزْ تآیمْ توْ بلید یو

۲ - اگر بعد از ... it is time فعل گذشته بیاید ، بیان کننده ی عَملی است که بهتر بوده انجام شود ولی آن عمل انجام نشده است. مانند:

It is time we went home

ایتْ ایزْ تآیمْ وی وِنْتْ هُمْ

وقتش است که خانه باشیم (یعنی در حال حاضر، ما باید در منزل باشیم ولی آنجا نیستیم)

مبحث none & every

every به معنای همه می باشد و با فعل مفرد به کار می رود. None در حقیقت no one بوده و معنای هیچ کس می دهد و حالت منفیِ every می باشد . برای دَرک بیشتر به مثال های زیر دقت کنید.

همه ی شاگردان، حاضر هستند اِوْری سْتیودِنْتْ ایزْ پرزِنْتْ Every student is present

به جای جمله ی بالا که با فعل مفرد به کار رفته است می توان از all به معنای همه، استفاده کرد که در این صورت باید فعل را به شکلِ جمع بیاوریم.

All the students are present — همه ی شاگردان، حاضر هستند

آلْ دِ سْتیودِنْتس آر پِرِزِنْتْ

None is absent — هیچ کَس غایب نیست

نانْ ایزْ اَبسِنْتْ

توجه : none برای غیر انسان نیز استفاده می شود و با فعل های مفرد و جمع، به کار می رود

I had four cats once, none of them is \ are alive now

آیْ هَدْ فُرْ کَتْس وانْس، نان آو دِمْ ایزْ \ آر اِلایْوْ ناوْ

یه زمانی چهار تا گربه داشتم، حال هیچ کدام از آن ها زنده نیستند

I wanted some money but there was none in my wallet

آیْ وآنْتِد سامْ مانی باتْ دِر وآز نانْ اینْ مایْ وآلِتْ

مقداری پول می خواستم امّا هیچی در کیفِ پولم نبود

مبحث any & no

any به معنای هر می باشد که در جملات سوالی یا منفی می آید و با اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش بکار می رود. no به معنای هیچ می باشد که فقط در جملات مثبت می آید و معنای آن جمله را منفی می کند. ما می توانیم به جای (not و any) از no استفاده کنیم که در اینصورت باید به زمان جمله دقت داشته باشیم . مانند:

There isn't any milk in the cup — در فنجان هیچی شیر وجود ندارد.

دِر ایزِنْتْ انی میلْکْ اینْ دِ کاپْ

There is no milk in the cup — در فنجان هیچی شیر وجود ندارد.

دِر ایزِ نُ میلْکْ اینْ دِ کاپْ

There aren't any cars in the street — در خیابان هیچ اتومبیلی وجود ندارد.

دِر آرِنْتْ انی کارز اینْ دِ سْتریتْ

There are no cars in the street — در خیابان هیچ اتومبیلی وجود ندارد.

دِر آر نُ کارز اینْ دِ سْتریتْ

آیا تو (هیچ) پولی در جیبت داری؟ Do you have any money in your pocket?

دو یو هَوْ انی مآنی اینْ یُرْ پاکتْ ؟

بله. من دارم.(جواب کوتاه مثبت) یِس آیْ دو Yes, I do.

من مقداری پول در جیبم دارم. (جواب بلند) I have some money in my pocket.

آیْ هَوْ سآمْ مآنی اینْ مآیْ پاکتْ

نه. من ندارم. (جواب کوتاه منفی) نُ آیْ دُنْتْ No, I don't.

من هیچ پولی در جیبم ندارم. (جواب منفی بلند) I don't have any money in my pocket

آیْ دُنْتْ هَوْ انی مآنی اینْ مآیْ پاکتْ

من هیچ پولی در جیبم ندارم. (جواب منفی بلند) I have no money in my pocket.

آیْ هَوْ نُ مآنی اینْ مآیْ پاکتْ

توجه ۱ : any را در جملات مثبت ، تبدیل به some می کنیم.

توجه ۲ : any و no با اسامی مفرد و جمع بکار می روند.

توجه ۳ : any و no با فعل های مفرد و جمع بکار می روند.

به مثال های بیشتر در این مورد توجه بفرمایید.

آیا تو (هیچ) پولی در جیبت داشتی؟ Did you have any money in your pocket?

دید یو هَوْ انی مآنی اینْ یُرْ پاکتْ ؟

بله. من داشتم.(جواب کوتاه مثبت) یِس آیْ دید Yes, I did.

من مقداری پول در جیبم داشتم. (جواب بلند) I had some money in my pocket.

آیْ هَد سآمْ مآنی اینْ مآیْ پاکتْ

نه. من نداشتم. (جواب کوتاه منفی) نُ آیْ دیدنْتْ No, I didn't.

من هیچ پولی در جیبم نداشتم. (جواب منفی بلند) I didn't have any money in my pocket

آیْ دیدنْتْ هَوْ انی مآنی اینْ مآیْ پاکتْ

من هیچ پولی در جیبم نداشتم. (جواب منفی بلند) I had no money in my pocket.

آیْ هَد نُ مآنی اینْ مآیْ پاکتْ

every – some – any – no – else   مبحث ترکیبات

everyone	اِوْری وآنْ	هرکس - همه
everybody	اِوْری بآدی	هرکس - همه
everything	اِوْری ثینگْ	هرچیز - همه چیز
everywhere	اِوْری وِر	هرجا - همه جا
someone	سآمْ وآنْ	یه کسی
somebody	سآمْ بآدیْ	یه کسی
something	سآمْ ثینْگْ	یه چیزی
somewhere	سآمْ وِر	یه جایی
some people	سآمْ پیپِلْ	کسانی
some things	سآمْ ثینْگزْ	چیزهایی
some places	سآمْ پلِیسزْ	جاهایی
anyone	اِنی وآنْ	هرکس
anybody	اِنی بآدی	هرکس
anything	اِنی ثینْگْ	هرچیز
anywhere	اِنی وِر	هرجا
no one	نُ وآنْ	هیچ کس
nobody	نُ بآدی	هیچ کس
nothing	نآثینْگْ	هیچ چیز
nowhere	نُ وِر	هیچ جا
someone else	سآمْ وآنْ اِلسْ	یه کس دیگه
somebody else	سآمْ بآدی اِلسْ	یه کس دیگه
something else	سآمْ ثینْگْ اِلسْ	یه چیز دیگه
somewhere else	سآمْ وِر اِلسْ	یه جای دیگه
where else ?	وِر اِلسْ؟	دیگه کجا ؟
what else ?	وآتْ اِلسْ؟	دیگه چی ؟
who else ?	هو اِلسْ؟	دیگه کی ؟
why else ?	وآیْ اِلسْ؟	دیگه چرا ؟

مبحث either – neither

either - neither به عنوان صفت قبل از اسم می آیند. either به معنیِ هر یک از دو و neither به معنای هیچ یک از دو می باشد.

Either student needs a pen — هر یک از دو دانش آموز به یک قلم نیاز دارند

ایدِر سْتیودِنْتْ نیدز اِ پِنْ

Neither boy knows the address — هیچ یک از دو پسر آدرس را نمی دانند

نیدِر بُیْ نُزْ دِ (دی) آدرِسْ

توجه۱: فاعلی که قبل از آن either یا neither باشد باید به صورت مفرد بیاید.

توجه۲: اگر either یا neither با حرف of همراه باشند در این صورت اسم بعد از آن ها، جمع می باشد. مانند:

Either of your parents likes you — هر یک از والدینتان، شما را دوست دارند

ایدِر آو یُرْ پِرِنْتْسْ لایْکْسْ یو

Neither of the boys is here — هیچ یک از دو پسر، اینجا نیستند

نیدِر آو دِ بُیْزْ ایزْ هیرْ

مبحث did you say ... ?

گاهی از کسی سوالی می پرسیم و آن شخص جوابی می دهد و ما متوجه ی جواب نمی شویم و یا آن را نمی شنویم در این صورت می گوییم:

گفتی ... ؟ که انگلیسی آن می شود did you say ... ? مانند:

Where do you live? — ور دو یو لِو (لیو)؟ — کجا زندگی می کنی؟

Where did you say you live? — گفتی کجا زندگی می کنی؟

ور دید یو سِیْ یو لِو (لیو)؟

Where do you go? — ور دو یو گُ؟ — کجا می روی؟

Where did you say you go? — ور دید یو سِیْ یو گُ؟ — گفتی کجا می روی؟

What do you want? — وآت دو یو وآنْتْ؟ — چی می خواهی ؟

What did you say you want? — وآت دید یو سِیْ یو وآنْتْ؟ — گفتی چی می خواهی ؟

مبحث ? ..... do you think

گاهی از کسی سؤالی پرسیده می شود و او به جای جواب دادن ، سوال دیگری را با عبارت (فکر می کنی ... ؟) مَطرح می کند. مثلاً به کسی می گویید: کجا زندگی می کنی؟ و او به شما می گوید: فکر می کنی (که) کجا زندگی می کنم؟

در این جمله فکر می کنی می شود ? ... do you think (دو یو ثینک ... ؟) مانند:

کجا زندگی می کنی؟ Where do you live? ور دو یو لِوْ (لیو) ؟

فکر می کنی (که) کجا زندگی می کنم؟ Where do you think I live?

ور دو یو ثِنْکْ آیْ لِوْ (لیو) ؟

چند تا خواهر داری؟ How many sisters do you have?

هاوْ مِنی سیسْتِرْز دو یو هَوْ؟

فکر می کنی (که) چند تا خواهر دارم؟ How many sisters do you think I have?

هاوْ مِنی سیسْتِرْز دو یو ثِنْکْ آیْ هَوْ ؟

چرا او خانه را زود تَرک می کند؟ Why does she leave home early?

وآیْ دآز شی لیو هُمْ اِرلی؟

Why do you think she leaves home early?

وآی دو یو ثِنْکْ شی لیوز هُمْ اِرلی؟

چرا فکر می کنی (که) او خانه را زود تَرک می کند؟

چقدر پول داری؟ How much money do you have? هاوْ مآچْ مآنی دو یو هَوْ ؟

فکر می کنی که چقدر پول دارم؟ How much money do you think I have?

هاوْ مآچْ مآنی دو یو ثِنْکْ آیْ هَوْ ؟

قرار ملاقات شما با او کِی می باشد؟ When is your appointment with her?

وِنْ ایزْ یُرْ اَپِنْتمِنْتْ وِتْ هِرْ ؟

When do you think my appointment is with her?

وِنْ دو یو ثِنْکْ مآی اَپِنْتمِنْتْ ایزْ وِتْ هِرْ ؟

فکر می کنی که قرار ملاقات من با او کِی می باشد؟

طرز استفاده از when – as – since به عنوان حرف ربط

When به معنای وقتیکه حرف ربط زمان می باشد و هنگامی بکار می رود که یک عمل بعد از عمل دیگری صورت بگیرد. مانند:

When I heard the doorbell, I opened the door.

وِنْ آیْ هِرْدْ دِ دُرْبِلْ آیْ اُپِنْدْ دِ دُرْ

وقتیکه صدای زنگ را شنیدم، درب را باز کردم.

توجه: یعنی ابتدا عمل شنیدن و سپس عمل بازکردن صورت گرفته است.

As به معنای وقتیکه حرف ربط زمان می باشد و هنگامی بکار می رود که هر دو عمل باهم و در یک زمان انجام شوند. مانند:

I saw an accident as I was walking home.

آیْ سا اَنْ اَکْسیدِنْتْ اَز آیْ وآز واکینْگْ هُمْ

وقتیکه داشتم قدم زنان به منزل می رفتم، تصادفی را دیدم.

توجه: عمل قدم زدن و دیدن تصادف بطور همزمان اتفاق افتاده است.

توجه: به جای as به عنوان حرف ربط زمان می توان از while استفاده نمود.

توجه مهم: As به معنای چونکه (به علت اینکه ، چون ، زیرا) حرف ربط علت و دلیل هم می باشد و برای بیان اینکه چرا چیزی اتفاق افتاده است و یا اینکه چرا کسی کاری را انجام داده است نیز مورد استفاده دارد. مانند:

As I was too hungry, I stopped to buy a sandwich.

اَز آیْ وآز تو هآنْگری آیْ سْتاپْتْ تو بآیْ ا سَنْدویچْ

چون خیلی گرسنه بودم، ایستادم تا یک ساندویچ بخرم.

توجه: در اینجا as به معنای چون، مساوی با because می باشد و می توانند به جای یک دیگر قرار بگیرند.

Because I was too hungry, I stopped to buy a sandwich.

بیکآز آیْ وآز تو هآنْگری آیْ سْتاپْتْ تو بآیْ ا سَنْدویچْ

توجه: Since اگر به معنای چونکه (از آنجایی که - به دلیل اینکه) باشد، حرف ربط دلیل و علت است و مترادف با because می باشد اما رسمی تر است. مانند:

Since the exercise is too easy, we can easily do it.

سینْسْ دِ اَکْسِرْسآیْزْ ایز تو ایزی وی کَنْ ایزیلی دو ایتْ

از آنجایی که (چون) آن تمرین خیلی آسان است، ما می توانیم آنرا به سادگی انجام دهیم.

توجه: در اینجا **since** به معنای چون، مساوی با **because** می باشد و می توانند به جای یک دیگر قرار بگیرند.

Because the exercise is too easy, we can easily do it.

بیکآز دِ اِکسِرْسآیْزْ ایز تو ایزی وی کَنْ ایزیلی دو ایتْ

چون (از آنجایی که) آن تمرین خیلی آسان است، ما می توانیم آنرا به سادگی انجام دهیم.

طرز استفاده از whether .... or به عنوان حرف ربط

whether .... or این حرف ربط به معنای (چه .... چه ....) و یا (خواه .....خواه....) می باشد و می تواند دوجمله و یا دو بخش از یک جمله را به هم متصل نماید. از این حرف ربط برای بیان وضعیت انجام کار استفاده می شود یعنی بیان می کند که انجام یا عدم انجام آن کار هیچ اهمیتی ندارد چرا که در هر دو حالت، نتیجه ی آن عمل یکسان است. مانند:

We must do all these exercises whether they are easy or difficult.

وی ماسْتْ دو آلْ دیزْ اِکسِرْسآیْزِزْ وِدِر دِیْ آر ایزی اُرْ دیفیکآلْتْ

ما باید تمام این تمرینات را انجام بدهیم چه آنها آسان باشند چه سخت.

نکاتی در خصوص افعال
help – make – let

فعل **help** به معنای کمک کردن می باشد و بعد از آن می تواند مفعول قرار بگیرد و بعد از مفعول می توانیم فعل را به دو شکل مصدر با **to** یا مصدر بدون **to** بیاوریم. مانند:

She helped me (to) clean my house.

او به من کمک کرد که خانه ام را تمیز کنم.

شی هِلْپْتْ می (تو) کیلینْ مآیْ هآوْسْ

فعل **make** به معنای مجبور کردن (وادار کردن – وادار ساختن) می باشد و بعد از آن مفعول قرار می گیرد و بعد از مفعول، فعل را به شکل مصدر بدون **to** می آوریم. مانند:

She made me clean her house.

او مرا وادار کرد که خانه اش را تمیز کنم.

شی مِیْد می کیلینْ هِرْ هآوْسْ

در اینجا **me** مفعول است که بعد از فعل **made** که بصورت گذشته است، آمده و بعد از آن از مصدر بدون **to** استفاده کرده ایم.

توجه بسیار مهم:

اگر جمله مجهول باشد باید از مصدر با to استفاده کنیم. پس در جملات مجهول بعد از make مصدر با to می آید. مانند:

I was made to clean her house. من مجبور شدم خانه اش را تمیز کنم.

آیْ وآز مِیْد تو کیلینْ هِرْ هاوْسْ

توجه: درصورت نیاز به مبحث جملات مجهول مراجعه نمایید.

فعل let به معنای اجازه دادن می باشد و بعد از آن می تواند مفعول قرار بگیرد و بعد از مفعول فعل را به شکل مصدر بدون to می آوریم. مانند:

She lets her son play football in the park.

شی لِتْسْ هِرْ سآنْ پلِیْ فُتْبآلْ اینْ دِ پآرکْ

او به پسرش اجازه می دهد در پارک فوتبال بازی کند.

توجه: لطفاً به مبحث طرز قرارگیری یک فعل بعد از فعل دیگر مراجعه کنید.

طرز استفاده از
by + فعل +ing

اگر بخواهیم بعد از حرف اضافه، فعل بیاوریم باید آن فعل به شکل (Gerund) یعنی از فعلی استفاده کنیم که دارای ing باشد.

حرف اضافه by در این فرمول به معنای ازطریق (به وسیله ی - با - به شکلِ) می باشد و درحقیقت مساوی by means of می باشد که برای بیان روش انجام کار، مورد استفاده دارد. مانند:

Reza passed the test by studying hard. رضا با سخت مطالعه کردن در امتحان قبول شد.

رِضا پَسْد دِ تِسْتْ بآیْ سْتآدینْگْ هآرد

طرز تبدیل جمله ی وصفی (adjective clause) به عبارت وصفی (adjective phrase)

در حقیقت در این موارد به بیان چگونگی حذف ضمایر موصولی می پردازیم.

همانگونه که می دانید ضمایر موصولی عبارتند از: who - whom - which یعنی همان that با معنای که.

برای حذف ضمایر موصولی به موارد زیر دقت می کنیم.

۱ - اگر جمله ی وصفی در حالت معلوم باشد ابتدا ضمیر موصولی را حذف کرده و سپس فعل بعد از آنرا بصورت استمراری (یعنی فعل به شکل ing دار) می آوریم. مانند:

The men who work in this area are in danger.(جمله ی وصفی)

دِ مِنْ هو وُرکْ این دیسْ اری آ آر اینْ دِینْجِرْ

مردانی که در این منطقه کار می کنند، در خطر می باشند.

The men working in this area are in danger (عبارت وصفی)

دِ مِنْ وُرکینْگْ این دیسْ اری آ آر اینْ دِینْجِرْ

مردانی که در این منطقه کار می کنند، در خطر می باشند.

در حقیقت who حذف شده و فعل به شکل ing دار، آمده است و معنای جمله تغییری نمی کند.

۲ - اگر جمله ی وصفی در حالت معلوم باشد و استمراری، ابتدا ضمیر موصولی و سپس فعل tobe را حذف می کنیم. مانند:

The boy who is playing football is my friend.(جمله ی وصفی)

دِ بُیْ هو ایز پلیْ اینْگْ فُتْبالْ ایز مایْ فرِنْد

پسری که درحال بازی کردن فوتبال می باشد، دوستم است.

The boy playing football is my friend.(عبارت وصفی)

دِ بُیْ پلیْ اینْگْ فُتْبالْ ایز مایْ فرِنْد

پسری که درحال بازی کردن فوتبال می باشد، دوستم است.

در حقیقت who و is حذف شده ومعنای جمله تغییری نمی کند.

۳ - اگر جمله ی وصفی در حالت معلوم و مفعولی باشد دراینصورت فقط باید ضمیر موصولی را حذف کنیم. مانند:

The boy whom (who) you saw in the park yesterday is my friend. (جمله ی وصفی)

دِ بُیْ هومْ (هو) یو سا اینْ دِ پارْکْ یِسْتِرْدِیْ ایز مایْ فرِنْد

پسری را که تو دیروز در پارک دیدی، دوست من است.

The boy you saw in the park yesterday is my friend. (عبارت وصفی)

دِ بُیْ یو سآ اینْ دِ پآرکْ یِسترْدِی ایز مآی فرِنْد

پسری را که تو دیروز در پارک دیدی، دوست من است.

۴- اگر جمله ی وصفی درحالت مجهول باشد، ابتدا ضمیر موصولی و سپس فعل to be را حذف می کنیم. مانند:

(A

The cars which are produced in this factory use a lot of fuel. (جمله ی وصفی)

دِ کآرْز ویچْ آر پْرُدیوسْد این دیسْ فَکْتری یوز ا لآتْ آو فیوالْ

اتومبیل هایی که در این کارخانه تولید می شوند، سوخت زیادی استفاده می کنند.

The cars produced in this factory use a lot of fuel. (عبارت وصفی)

دِ کآرْز پْرُدیوسْد این دیسْ فَکْتری یوز ا لآتْ آو فیوالْ

اتومبیل هایی که در این کارخانه تولید می شوند، سوخت زیادی استفاده می کنند.

(B

Most of the people who were invited to the party were old friends. (جمله ی وصفی)

مُسْتْ آو دِ پیپلْ هو ورْ اینْوآیْتِد تو دِ پآرتی ور اُلد فرِنْدز

بیشتر افرادی که به مهمانی دعوت شدند، دوستان قدیمی بودند.

Most of the people invited to the party were old friends. (عبارت وصفی)

مُسْتْ آو دِ پیپلْ اینْوآیْتِد تو دِ پآرتی ور اُلد فرِنْدز

بیشتر افرادی که به مهمانی دعوت شدند، دوستان قدیمی بودند.

توجه: اگر جمله ی وصفی منفی باشد، در هنگام تبدیل شدن به عبارت وصفی باید از not استفاده کنیم. مانند:

Parents who don't earn enough money send their children to work. (جمله ی وصفی)

پَرِنْتْسْ هو دُنْتْ ارنْ اینآفْ مآنی سِنْد درْ چیلْدرِنْ تو وُرکْ

والدینی که درآمد کافی ندارند، فرزندانشان را به سرکار می فرستند.

Parents not earning enough money send their children to work. (عبارت وصفی)

پَرِنْتْسْ نآتْ ارنینْگْ اینآفْ مآنی سِنْد در چیلْدرِنْ تو وُرکْ

والدینی که درآمد کافی ندارند، فرزندانشان را به سرکار می فرستند.

توجه: در اینجا علاوه بر اینکه ضمیر موصولی who حذف شده و فعل به شکل ing دار نوشته شده است،

می بینیم که به جای don't قید منفی not آمده است.

طرز استفاده از enough به معنای کافی (به اندازه ی کافی) در فرمول های زیر

A) فرمول : فاعل + tobe + صفت + enough + (for مفعول) + to مصدر با + ...

توجه: آوردن عبارت داخل پرانتز اجباری نمی باشد.

He is tall enough to touch the ceiling.

هی ایزْ تآلْ ایناَفْ تو تآچْ دِ سیلینْگْ

او به اندازه ی کافی بلند قد است که سقف را لمس کند.(دستش به سقف می رسد)

He is rich enough to help the poor. او به اندازه ی کافی ثروتمند است که به فقرا کمک کند.

هی ایزْ ریچْ ایناَفْ تو هلْپْ دِ پور

B) فرمول : فاعل + فعل اصلی + قید + enough + (for مفعول) + to مصدر با + ...

She practiced hard enough to pass the examination.

شی پرکْتیسْد هآرد ایناَفْ تو پَسْ دِ اگْزَمینیْشِنْ

او به اندازه ی کافی سخت تمرین کرد تا در امتحان قبول شود.

C) فرمول : فاعل + فعل + enough + اسم + (for مفعول) + to مصدر با + ...

Ali had enough time to read this novel.

علی هَد ایناَفْ تآیْمْ تو رید دیسْ نآوِلْ

علی به اندازه ی کافی برای خواندن این رُمان وقت داشت.

There's enough money for you to take a vacation.

درْزْ ایناَفْ مآنی فُرْ یو تو تِیْکْ اِ وکِیْشِنْ

برای شما به اندازه ی کافی پول هست که به تعطیلات بروید.

طرز استفاده از too به معنای خیلی زیاد (خیلی خیلی)

در فرمول های زیر too به معنایی خیلی خیلی بوده و معنای جمله را منفی می کند. مانند:

A) فرمول : فاعل + tobe + too + صفت + (For مفعول) + to مصدر با + ...

The coffee is too hot for me to drink.

دِ کآفی ایز تو هآتْ فُرْ می تو دیرینْکْ

آن قهوه برای من خیلی زیاد داغ است که بنوشم. یعنی آن قهوه آنقدر داغ است که من نمی توانم آنرا بنوشم.

B) فرمول : فاعل + فعل اصلی + too + قید + (مفعول For) + مصدر با to + ...

He works too slowly to finish it on time.

هی وُرکس تو سْلُلی تو فینیش ایت آنْ تایْم

او خیلی کند کار می کند که بتواند آن را به موقع تمام کند. یعنی او آنقدر کند کار می کند که نمی تواند آن کار را به موقع به اتمام برساند.

طرز استفاده از such به معنای چنین (چنان) در فرمول زیر

فرمول : فاعل + فعل + such (a/an) + اسم + that + فاعل + فعل + ...

توجه: در این فرمول ۱ – می توانیم قبل از اسم از صفت هم استفاده کنیم.۲ – a درصورتی می آید که حرف بعد از آن بی صدا و مفرد باشد.۳ – an زمانی می آید که حرف بعد از آن باصدا و مفرد باشد.-۴ اگر اسم ما جمع باشد، دیگر نیازی به a یا an نمی باشد. مانند:

It was such a nice day that we went to the seaside.

ایت واز ساچْ ا نایْس دیْ دَتْ وی وِنْتْ تو دِ سی سایْد

آنقدر روز قشنگی بود که ما به کنار دریا رفتیم.

It was such an easy test that everybody answered it.

ایتْ واز ساچْ اَنْ ایزی تِسْتْ دَتْ اِوْری بادی آنْسِرْدْ ایتْ

آنقدر تست آسانی بود که همه به آن جواب دادند.

They were such good boys that everybody liked them.

دیْ وِر ساچْ گودْ بُیْزْ دَتْ اِوْری بادی لایْکْتْ دِمْ

آنها چنان پسران خوبی بودند که همه آنها را دوست می داشتند.

طرز استفاده از while و whereas به عنوان حرف ربط

این کلمات، حروف ربطی هستند که به معنای (درحالیکه – گرچه – اما – حال آنکه – با وجود اینکه) می باشند و برای بیان تضاد مستقیم (مانند: زرنگ و تنبل – زشت و زیبا – خوب و بد – چاق و لاغر – کوتاه و بلند، ...) در اول و یا وسط جمله ی مرکب بکار می روند. مانند:

While Ali is a clever student, his brother is lazy.

وآیْلْ علی ایزْ ا کلوِرْ سْتیودِنْتْ هیزْ برادِرْ ایزْ لِیْزی

درحالی که علی دانش آموز زرنگی است، برادرش تنبل می باشد.

توجه: در اینجا تضاد بین زرنگ و تنبل را می بینیم که با حرف ربط while بیان شده است و می توانیم به جای آن از whereas استفاده کنیم. مانند:

Whereas Ali is a clever student, his brother is lazy.

وِراَز عَلی ایزْ اِ کِلِوِرْ سْتیودِنْتْ هیزْ بِراَدِرْ ایزْ لِیْزی

درحالی که علی دانش آموز زرنگی است، برادرش تنبل می باشد.

به یک مثال دیگر توجه نمایید.

Some people like team sports, whereas others prefer individual sports.

سَمْ پیپِل لاَیْکْ تیمْ سْپُرْتْسْ وِراَز اَدِرز پیریفِرْ ایندیویجواَلْ سْپُرْتْسْ

برخی از مردم ورزش های تیمی را دوست دارند درحالی که مابقی، ورزش های انفرادی را ترجیح می دهند.

Some people like team sports, while others prefer individual sports.

سَمْ پیپِل لاَیْکْ تیمْ سْپُرْتْسْ واَیْلْ اَدِرز پیریفِرْ ایندیویجواَلْ سْپُرْتْسْ

برخی از مردم ورزش های تیمی را دوست دارند درحالی که مابقی، ورزش های انفرادی را ترجیح می دهند.

توجه: هر دو جمله به یک معنی می باشد.

توجه: حرف ربط but بیان کننده ی تضاد کلی و یا تضاد تناقض می باشد و فقط در وسط جمله کاربرد دارد و بهتر است که قبل از آن یک کاما آورده شود. مانند:

جمله ی مثبت but ، جمله ی منفی

I don't like sweet food ,but I like chocolates.

آیْ دُنْتْ لاَیْکْ سوایتْ فود بَاتْ آیْ لاَیْکْ چاَکلِتْسْ

من غذای شیرین دوست ندارم اما شکلات دوست دارم.

جمله ی منفی but ، جمله ی مثبت

I like chocolates ,but I don't like sweet food

آیْ لاَیْکْ چاَکلِتْسْ بَاتْ آیْ دُنْتْ لاَیْکْ سوایتْ فود

من شکلات دوست دارم اما غذای شیرین دوست ندارم.

طرز استفاده از so .... that

so .... that به معنای (آنقدر ... که) و یا (آنچنان .... که) می باشد و جمله ی بعد از that بیشتر منفی بوده و با افعال کمکی can't ویا couldn't می آید. مانند فرمول زیر

A) فرمول : فاعل + to be + so + صفت + that + جمله ی دوم

The food was so salty that I couldn't eat it. غذا آنقدر شور بود که من نتوانستم آنرا بخورم .

دِ فود واز سُ سالْتی دَتْ آیْ کودِنْتْ ایتْ ایتْ

The film was so good that I saw it twice. فیلم آنقدر خوب بود که من آنرا دوبار دیدم.

دِ فیلْمْ واز سُ گود دَتْ آیْ سآ ایتْ توآیْس

فرمول B) : فاعل + فعل اصلی + so + قید + that + جمله ی دوم

She ran so fast that she forgot to take her keys.

شی رَنْ سُ فَسْتْ دَتْ شی فُرگاتْ تو تِیْکْ هِرْ کیزْ

او آنقدر سریع دوید که فراموش کرد کلیدهایش را ببرد.

توجه: در این فرمول می توان بعد از so از little – much – few – many استفاده کرد.

طرز استفاده از so that

So that به معنای تا (تا اینکه – برای اینکه – به منظور اینکه) می باشد و برای بیان هدف و منظور خاص، در جملات مرکب بکار می رود و معمولاً بعد از آن از فعل کمکی can برای زمان حال و فعل کمکی could برای زمان گذشته، استفاده می کنند. مانند فرمول:

فرمول A) : جمله در زمان حال + so that + فاعل + can + to مصدر بدون + ...

Ali goes to the library so that he can study in a quiet place.

علی گُزْ تو دِ لآیْبْرِری سُ دَتْ هی کَنْ سْتآدی اینْ اِ کوآیِتْ پلِیْسْ

علی به کتابخانه می رود تا (بمنظور اینکه) او بتواند در محل ساکتی مطالعه کند.

فرمول B) : جمله در زمان گذشته + so that + فاعل + could + to مصدر بدون + ...

Ali went to the library so that he could study in a quiet place.

علی وِنْتْ تو دِ لآیْبْرِری سُ دَتْ هی کود سْتآدی اینْ اِ کوآیِتْ پلِیْسْ

علی به کتابخانه رفت تا (بمنظور اینکه) او بتواند در محل ساکتی مطالعه کند.

توجه: در این فرمول بین so that هیچ کلمه و یا عبارتی قرار نمی گیرد.

توجه بسیار مهم:

برای بیان هدف یا منظور از انجام کار، می توان از to یا in order to یا so as to به معنای (تا - برای اینکه - تا اینکه - به منظور اینکه) استفاده کرد و باید بعد از آنها مصدر بدون to بیاوریم. مانند:

She is going to the post office to buy some stamps.

شی ایز گُ اینگْ تو دِ پُسْتْ آفیسْ تو بایْ سامْ ستمپْس

She is going to the post office in order to buy some stamps.

شی ایز گُ اینگْ تو دِ پُسْتْ آفیسْ اینْ اُرْدِرْ تو بایْ سامْ ستمپْس

She is going to the post office so as to buy some stamps.

شی ایز گُ اینگْ تو دِ پُسْتْ آفیسْ سُ اَز تو بایْ سامْ ستمپْس

او قصد دارد به اداره ی پست برود تا (به منظور اینکه) تعدادی تمبر بخرد.

توجه: ۱ - معنای هر سه جمله، یکی می باشد. ۲ - in order to و so as to حالت رسمی تر از to دارند.

طرز استفاده از although - though - even though

although - though این کلمات به معنای گرچه (اگرچه - هرچند که - علی رغم) می باشند و می توان در حالت تأکید از even though به معنای حتی اگر چه (به رغم اینکه) استفاده نمود.

این حروف ربط نشان دهنده ی تضاد کلی هستند و در اول و یا وسط جملات مرکب می آیند. مانند:

Although she doesn't enjoy her job, she works very hard.

آلدُ شی دازنْتْ اِنْجُیْ هِرْ جابْ شی وُرکْسْ وری هارد

اگرچه (هرچند که) او از شغلش لذت نمی برد، او خیلی سخت کار می کند.

توجه: در اینجا Although تضاد بین لذت نبردن از کار و سخت کار کردن را می رساند.

They didn't hurry, though they were very late.

دیْ دیدنْتْ هری دُ دیْ ور وری لیْتْ

آنها عجله نکردند، گرچه خیلی دیرشان شده بود.

توجه: در اینجا though تضاد بین عجله نکردن و دیر بودن وقت را می رساند.

I saw the movie once more even though I had seen it several times.

آیْ سا دِ مووی وانْسْ مُرْ ایونْ دُ آیْ هَد سینْ ایتْ سِورآلْ تایْمْزْ

یک بار دیگر آن فیلم را دیدم علی رغم اینکه آنرا چندین بار دیده بودم.

توجه: در اینجا even though تضاد بین یک بار و چندین بار را نشان می دهد.

توجه: درمکالمات though را در آخر جمله هم می آورند که در اینصورت معنای اما (but) می دهد.مانند:

The house isn't very nice, I like the garden though.

دِ هاوْسْ ایزِنْتْ وری نایْسْ آیْ لایْکْ دِ گاردِنْ دُ

آن خانه خیلی خوب نیست گرچه من باغ آنرا دوست دارم.

توجه: این جمله برابر است با جمله ی **The house isn't very nice, but I like the garden.**

دِ هاوْسْ ایزِنْتْ وری نایْسْ بات آیْ لایْکْ دِ گاردِنْ

آن خانه خیلی خوب نیست اما من باغ آنرا دوست دارم.

طرز استفاده از in spite of – despite

این دو حرف ربط به معنای (علی رغم- با وجود) می باشند و برای بیان تضاد بکار می روند، فقط باید دقت داشته باشیم که بعد از آنها اسم می آید. (این اسم می تواند صفت هم داشته باشد و یا بصورت اسم مصدر بیان شود) مانند:

In spite of the heavy traffic, I arrived on time.

اینْ سْپایْتْ آو دِ هوی ترَفیکْ آیْ اَ رایْوْدْ آنْ تایْمْ

علی رغم ترافیک سنگین، من به موقع رسیدم.

He didn't eat anything despite being very hungry.

هی دیدِنْتْ ایتْ انی ثینگْ دیسْپایْتْ بینگْ وری هانْگیری

او علی رغم اینکه خیلی گرسنه بود، هیچی نخورد.

طرز استفاده از
Should have + p.p (قسمت سوم فعل یا همان اسم مفعول)

از این فرمول برای بیان عملی استفاده می شود که بهتر بوده در زمان گذشته انجام شود اما انجام نشده است به همین دلیل به آن گذشته ی غیر واقعی می گویند. مانند:

I should have helped the poor man. (but I didn't)

آیْ شود هَو هِلْپْتْ دِ پور مَنْ (بَاتْ آیْ دیدِنْتْ)

من باید به آن مرد فقیر کمک می کردم. (اما آن کار را نکردم - اما به او کمک نکردم)

Ali should have seen his brother. (but he didn't)

علی شود هَو سینْ هیزْ برآدر (بَاتْ هی دیدِنْتْ)

علی باید برادرش را می دید. (اما آن کار را نکرد)

طرز استفاده از
Shouldn't have + p p (قسمت سوم فعل یا همان اسم مفعول)

از این فرمول برای بیان عملی استفاده می شود که بهتر بوده در زمان گذشته انجام نشود اما انجام شده است.

I shouldn't have helped the man. (but I did)

آیْ شودِنْتْ هَو هِلْپْتْ د مَنْ (بآتْ آیْ دید)

من نباید به آن مرد کمک می کردم. (اما آن کار را کردم – اما به او کمک کردم)

Ali shouldn't have seen his brother. (but he did)

علی شودِنْتْ هَو سینْ هیزْ برآدِر (بآتْ هی دید)

علی نباید برادرش را می دید. (اما آن کار را کرد)

طرز استفاده از
May/ Might have + p p (قسمت سوم فعل یا همان اسم مفعول)

از این فرمول برای بیان عملی استفاده می شود که در زمان گذشته انجام شده و ما درخصوص آن عمل اطمینان کامل نداریم یعنی هنگامی که جمله را به این فرم بیان می کنیم ضریب اطمینان ما کمتر از ۵۰ درصد می باشد. برای ترجمه ی این گونه جملات از عبارت های (لابد – ممکن است – شاید) استفاده می شود.مانند:

Ali went to bed early last night. علی دیشب زود خوابید .

علی وِنْتْ تو بِد اِرلی لَسْتْ نآیْتْ

He may have been too tired. او لابد خیلی خسته بوده

هی مِیْ هَو بینْ تو تآیِرْدْ

He might have been too tired. او لابد خیلی خسته بوده

هی مآیْتْ هَو بینْ تو تآیِرْدْ

توجه: در جمله ی بالا می دانیم که علی شب گذشته زود خوابیده است اما بطور صد درصد نمی دانیم علت آن چه بوده و با حدس کمتر از پنجاه درصد می گویم که شاید او خیلی خسته بوده، که زود خوابیده

توجه: might احتمالش از may کمتر است. به یک مثال دیگر توجه کنید.

Ali was absent yesterday. علی وآز آبسِنْتْ یِسْتِرْدِیْ علی دیروز غایب بود

He may / might have been sick. هی مِیْ / مآیْتْ هَو بین سیک او لابد بیمار بوده

توجه: ما حدس می زنیم که شاید علت غیبت علی، بیماری او بوده.

طرز استفاده از
Must have + p p (قسمت سوم فعل یا همان اسم مفعول)

از این فرمول برای بیان عملی استفاده می شود که در زمان گذشته انجام شده و ما درخصوص آن عمل اطمینان و یقینی در حدود ۹۵ درصد داریم که در اینصورت جمله را با عبارت، باید یا حتماً بیان می کنیم. مانند:

Ali went to bed early last night. علی دیشب زود خوابید

عَلی وِنْتْ تو بِدْ اِرْلی لَسْتْ نآیْتْ

He must have been too tired. او حتماً خیلی خسته بوده

هی مآسْتْ هَو بینْ تو تآیِرْد

توجه: در جمله ی بالا می دانیم که علی شب گذشته زود خوابیده است و همچنین اطمینان داریم که علت آن، خستگی زیاد بوده.

به یک مثال دیگر توجه کنید.

Ali was absent yesterday. علی دیروز غایب بود

عَلی وآز آبِسِنْتْ یِسْتِرْدِی

He must have been sick. او حتماً بیمار بوده

هی مآسْتْ هَو بینْ سیکْ

توجه: ما با اطمینان می گوییم که علت غیبت علی، بیماری او بوده.

Try to be good and to do good

سعی کنید آدم های خوبی باشید و کارهای خوب انجام دهید.

با آرزوی موفقیت برای شما عزیزان

لیست افعال بی قاعده

توجه۱ : این لیستی از افعال بیقاعده می باشد وآن هایی که با رنگ آبی هستند، بیشتر به کار می روند.

توجه۲ : در این لیست، تمام افعال ستون اول به صورت مصدر ترجمه شده اند.

arise	arose	arisen	رخ دادن - برخاستن
awake	awoke	awoken	بیدار شدن - بیدار کردن
be	was	been	بودن
bear	bore	born/ borne	تحمل کردن -حمل کردن- زاییدن
beat	beat	beaten	زدن - کُتک زدن - مَغلوب شدن
become	became	become	شدن
befall	befell	befallen	اتفاق افتادن - رُخ دادن
beget	begot	begotten	تولیدکردن - به وجودآوردن
begin	began	begun	شروع کردن
behold	beheld	beheld	دیدن - مشاهده کردن - نظاره کردن
bend	bent	bent	خَم کردن - کَج کردن - دولاکردن
bereave	bereft - bereaved	bereft - bereaved	مَحروم کردن
beseech	besought	besought	التماس کردن
bet	bet	bet	شرط بستن
bid	bid	bid	امر کردن - دستور دادن- دعوت کردن
bind	bound	bound	بَستن - صَحافی کردن
bite	bit	bitten	گازگرفتن - گزیدن
bleed	bled	bled	خون آمدن - خونریزی کردن
blow	blew	blown	وَزیدن - دَمیدن - فوت کردن
break	broke	broken	شکستن - پاره کردن
breed	bred	bred	تولیدکردن - پروراندن - بارآوردن
bring	brought	brought	آوردن

broadcast	broadcast	broadcast	پَخش کردن از رادیو
build	built	built	ساختن
burn	burnt	burnt	سوزاندن - سوختن
burst	burst	burst	ترکیدن - منفجرشدن
buy	bought	bought	خریدن
cast	cast	cast	انداختن
catch	caught	caught	گرفتن
chide	chid	chid	سرزنش کردن - گله کردن
choose	chose	chosen	انتخاب کردن
cleave	cleft - clove	cleft - clove	شکافتن - شکستن
cling	clung	clung	چسبیدن
come	came	come	آمدن
cost	cost	cost	ارزش داشتن - ارزیدن
creep	crept	crept	خزیدن
cut	cut	cut	بریدن
deal	dealt	dealt	مُعامله کردن
dig	dug	dug	کَندن
do	did	done	انجام دادن
draw	drew	drawn	رَسم کردن-کشیدن (نقاشی)
dream	dreamt	dreamt	خواب دیدن
drink	drank	drunk	نوشیدن
drive	drove	driven	رانندگی کردن
dwell	dwelt	dwelt	ساکن بودن یا شدن- دَوام آوردن
eat	ate	eaten	خوردن
fall	fell	fallen	اُفتادن

feed	fed	fed	غذا دادن
feel	felt	felt	احساس کردن - حس کردن
fight	fought	tought	جنگیدن - مبارزه کردن
find	found	found	پیدا کردن
fling	flung	flung	پَرت کردن - جُفتک زدن
fly	flew	flown	پرواز کردن
Forbear	forbore	forborne	گذشت کردن- اجتناب کردن
Forbid	forbade	forbidden	قدغن کردن
Forecast	forecast	forecast	پیش بینی کردن
forget	forgot	forgotten	فراموش کردن
forgive	forgave	forgiven	بَخشیدن
forsake	forsook	forsaken	تَرک کردن- فراموش کردن
freeze	froze	frozen	یَخ زدن - یَخ بَستن
get	got	got	به دست آوردن
give	gave	given	دادن
go	went	gone	رفتن
grind	ground	ground	آسیاب کردن - خُردکردن
grow	grew	grown	روییدن - رویاندن - بزرگ شدن
hang	hung - hanged	hung - hanged	آویزان کردن- به دار آویختن
have	had	had	داشتن - خوردن
hear	heard	heard	شنیدن
hew	hewed	hewn - hewed	بریدن - قطع کردن- تراشیدن
hide	hid	hidden	مَخفی کردن - پنهان کردن
hit	hit	hit	زدن - کُتک زدن - تنه زدن
hold	held	held	نگه داشتن

hurt	hurt	hurt	صَدمه زدن - آسیب رساندن
keep	kept	kept	نگه داشتن
kneel	knelt	knelt	زانو زدن - به زانو درآوردن
knit	knit	knit	بافتن
know	knew	known	دانستن - شناختن
lead	led	led	راهنمایی کردن - هدایت کردن
lean	leant	leant	کَج شدن - تکیه کردن
leap	leapt	leapt	پَریدن - جستن - خیز زدن
learn	learnt	learnt	آموختن
leave	left	left	تَرک کردن - جا گذاشتن
lend	lent	lent	قَرض دادن
let	let	let	اجازه دادن
lie	lay	lain	درازکشیدن
light	lit - lighted	lit - lighted	روشن کردن
lose	lost	lost	گُم کردن - باختن
make	made	made	ساختن - وادار کردن
mean	meant	meant	معنی دادن - منظورداشتن
meet	met	met	مُلاقات کردن - دیدارکردن
Mislead	misled	misled	گمراه کردن
Mistake	mistook	mistaken	اشتباه کردن
Misunderstand	misunderstood	misunderstood	دُرُست نفهمیدن
mow	mowed	mown - mowed	دروکردن - چیدن
Outdo	outdid	outdone	شکست دادن- بهتر انجام دادن
Outgrow	outgrew	outgrown	زودتر روییدن از- بزرگتر شدن از
Overbid	overbid	overbid	بیشتر پیشنهاد دادن

Overcome	overcame	overcome	چیره شدن - پیروز شدن
Overdo	overdid	overdone	بیش از حد انجام دادن
Overfeed	overfed	overfed	بیش از حد خوراندن
Override	overrode	overridden	بی اعتنایی کردن به
Overrun	overran	overrun	پایمال کردن - اشغال کردن
Overtake	overtook	overtaken	سبقت گرفتن از - غافلگیر کردن
overthrow	overthrew	overthrown	مُتفرق کردن - سَرنگون کردن
pay	paid	paid	پَرداختن - پول دادن
put	put	put	گذاشتن - قراردادن
quit	quit	quit	تَرک کردن - رَهاکردن
read	read	read	خواندن (مطلب)
rend	rent	rent	پاره کردن - چاک دادن
Rewind	rewound	rewound	باز پیچیدن - به محل اول برگرداندن
rid	rid	rid	خَلاص کردن - آزادکردن
ride	rode	ridden	راندن - سوارشدن
ring	rang	rung	زنگ زدن
rise	rose	risen	برخاستن- طلوع کردن- تَرَقی کردن
run	ran	run	دویدن
saw	sawed	sawn - sawed	اَرّه کردن
say	said	said	گفتن
see	saw	seen	دیدن
seek	sought	sought	جستجو کردن - بازجویی کردن
sell	sold	sold	فروختن
send	sent	sent	فرستادن
set	set	set	قراردادن - غروب کردن

sew	sewed	sewn – sewed	خیاطی کردن – دوختن
shake	shook	shaken	تکان دادن
shed	shed	shed	اَشک ریختن – پوست انداختن
shine	shone	shone	درخشیدن
shoot	shot	shot	تیراَندازی کردن – با تیر زدن
show	showed	shown – showed	نشان دادن
shrink	shrank	shrunk	چروک شدن – مُنقبض شدن
shut	shut	shut	بَستن
sing	sang	sung	آوازخواندن
sink	sank	sunk	فرو رفتن – غرق شدن
sit	sat	sat	نشستن
Slay	slew	slain	با خشونت کُشتن – به قتل رساندن
sleep	slept	slept	خوابیدن
slide	slid	slid	سُرخوردن– لیز خوردن– خَطاکردن
sling	slung	slung	آویزان کردن – پرتاب کردن
slink	slunk	slunk	جیم شدن – دُزدانه راه رفتن
slit	slit	slit	چاک دادن – شکافتن – دریدن
smell	smelt	smelt	بوکردن – بو دادن
smite	smote	smitten	زدن– اثر گذاشتن– نیست و نابودکردن
sow	sowed	sown – sowed	کاشتن – بَذر افشاندن
speak	spoke	spoken	صحبت کردن
speed	sped	sped	سرعت گرفتن
spell	spelt	spelt	هجی کردن
spend	spent	spent	گذراندن – خَرج کردن
spill	spilt	spilt	ریختن(مایع) – سَر رفتن

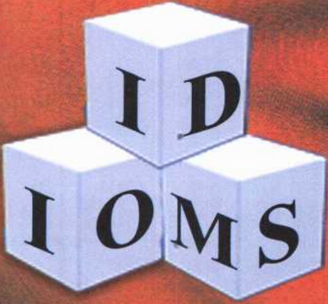
spin	span	spun	تابیدن - چرخاندن - چرخیدن
spit	spat	spat	تُف انداختن - تُف کردن
split	split	split	شکافتن - تقسیم کردن
spoil	spoilt	spoilt	خراب کردن - ضایع کردن - لوس کردن
spread	spread	spread	پهن کردن - مالیدن روی - اشاعه دادن
spring	sprang	sprung	پَریدن - جَستن
stand	stood	stood	ایستادن
steal	stole	stolen	دُزدیدن
stick	stuck	stuck	چسباندن - چَسبیدن - فرو رفتن - گیرکردن
sting	stung	stung	نیش زدن - گزیدن - زخم زبان زدن
stink	stank	stunk	بوی بَد دادن
strew	strewed	strewn - strewed	ریختن - افشاندن - پاشیدن - پخش کردن
stride	strode	strode	تلو تلو خوردن
strike	struck	struck	تصادف کردن - زدن - اعتصاب کردن
string	strung	strung	کشیدن - با نَخ بستن
strive	strove	striven	کوشیدن - تَقلاکردن
swear	swore	sworn	سوگندخوردن - فُحش دادن - ناسزاگفتن
sweat	sweat	sweat	عَرَق کردن - عرق کسی را در آوردن
sweep	swept	swept	جاروکردن - گردگیری کردن
swell	swelled	swollen - swelled	مُتورم شدن - بادکردن - بالا آمدن
swim	swam	swum	شناکردن
swing	swung	swung	تاب دادن - تاب خوردن - چرخیدن
take	took	taken	گرفتن - بردن
teach	taught	taught	درس دادن
tear	tore	torn	پاره کردن

tell	told	told	گفتن
think	thought	thought	فکرکردن
thrive	throve	thrived	تَرقی دادن - کامیاب شدن
throw	threw	thrown	انداختن
thrust	thrust	thrust	سوراخ کردن - فرو بردن
tread	trod	trodden	لگدکردن - له کردن
unbend	unbent	unbent	راست شدن - خودمانی شدن
underbid	underbid	underbid	کمتر قیمت دادن(در مناقصه)
undergo	underwent	undergone	تَحمیل کردن-دستخوش تغییراتی شدن
understand	understood	understood	فهمیدن
undertake	undertook	undertaken	به عُهده گرفتن
undo	undid	undone	بازکردن - رشته ها را پنبه کردن
unwind	unwound	unwound	باز کردن(نَخ) - استراحت کردن
uphold	upheld	upheld	حمایت کردن - تایید کردن
upset	upset	upset	واژگون کردن -منقلب شدن
wake	woke	woken	بیدارشدن
wear	wore	worn	پوشیدن
weave	wove	woven	بافتن
wed	wed	wed	ازدواج کردن
weep	wept	wept	گریه کردن
wet	wet	wet	خیس کردن
win	won	won	برنده شدن - بردن - پیروز شدن
wind	wound	wound	کوک کردن - پیچیدن - پیچاندن
withdraw	withdrew	withdrawn	عقب کشیدن - دریغ داشتن
withhold	withheld	withheld	ندادن - دریغ داشتن - امتناع کردن
withstand	withstood	withstood	تاب آوردن - مقاومت کردن در برابر
wring	wrung	wrung	فشردن - چلاندن - به زورگرفتن
write	wrote	written	نوشتن

اصطلاحات انگلیسی

بخش سوم

IDIOMS



A bolt from the blue	اِ بُلت فرآم د بولو	مثل اَجَلِ مُعلّق
A bungalow	اِ بانگالُ	خانه ی ویلایی
A close friend	اِ کلُس فرِند	یه دوست صمیمی
A couple of years	اِ کاپل آو یرز	دو سال
A flat	اِ فلَت	یه آپارتمان
A hectic life	اِ هکتیک لآیف	یه زندگی پُر مشغله
A holiday cottage	اِ هالیدی کاتِج	ویلای اجاره ای
A light sleeper	اِ لآیت سلیپر	آدم سبک خواب
A money making job	اِ مآنی میکینگ جآب	یه شُغل پول ساز
A slip of the ear	اِ سلِپ آو د ایِر	اشتباه شنیداری
A slip of the pen	اِ سلِپ آو د پِن	اشتباه چاپی
A slip of the tongue	اِ سلِپ آو د تآنگ	اشتباه لُپی
A ten dollar book	اِ تِن دآلر بوک (بُک)	یک کتاب ده دلاری
A two hundred dollar passport	اِ تو هآندرد دآلر پَسپُرت	یک پاسپورت دویست دُلاری
A very hectic day	اِ وری هکتیک دی	یه روز پُر مشغله
A well-paid job	اِ وِل- پید جآب	یه شغل پُر درآمد
Act your age	اَکت یُر ایج	خجالت داره، تو بزرگ شدی
After all	آفتر آل	عاقبت - سرانجام
After having lunch	آفتر هَوینگ لآنچ	بعد از صَرف ناهار
After quarreling with his wife	آفتر کوآرلینگ ویت هیز وآیف	بعد از دعوا با همسرش
After ten years of marriage	آفتر تِن یرز آو مَرِج	بعد از ده سال ازدواج
after this interview	آفتر دیس اینترویو	بعد از این مُصاحبه
All and all put together	آل اَند آل پوت توگِدر	روی هم رفته
All night	آل نآیت	تمام شب
All of a sudden	آل آو اِ سآدن	ناگهان
All right	آل رآیت	بسیار خوب - باشد
All together	آل توگِدر	همه با هم
Almost always	آلمُست آلویز	تقریباً همیشه

Am I making myself understood or not?	اَمْ آیْ مِیکینْگْ مآیْ سِلْفْ آندِرسْتود اُر نآتْ؟	آیا می توانم منظورم را به شما برسانم یا نه؟
Am I right?	اَمْ آیْ رآیْتْ؟	درست میگم؟
Am I wrong?	اَمْ آیْ رآنْگْ؟	اشتباه می کنم؟
An eye for an eye	اَنْ آیْ فُرْ اَنْ آیْ	چشم در برابر چشم
Anybody else?	اِنی بآدی اِلْسْ؟	آیا شخص دیگری هست؟
Anything else?	اِنی ثینْگْ اِلْسْ؟	آیا چیز دیگری هست؟
Anything to drink?	اِنی ثینْگْ تو دیرینْکْ؟	آیا چیزی برای نوشیدن هست؟ (شخص سؤال می کند)
Anything to drink?	اِنی ثینْگْ تو دیرینْکْ؟	چیزی می نوشی؟ (به شخصی تعارف می کنیم)
Are you all right?	آر یو آلْ رآیْتْ؟	آیا حالت خوب است؟
Are you angry with me?	آر یو اَنْگیری ویتْ می؟	آیا از دستم عصبانی هستی؟
Are you bashful?	آر یو بَشْفولْ؟	آیا خجالت می کشی؟
Are you busy these days?	آر یو بیزی دیزْ دِیزْ؟	آیا این روز ها گرفتار هستی؟
Are you crazy?	آر یو کرِیْزی؟	مگه دیوانه هستی؟
Are you driving today?	آر یو دِرآیوینْگْ تودِیْ؟	امروز ماشین داری؟
Are you feeling okay?	آر یو فیلینْگْ اُکِیْ؟	حالت خوب است؟
Are you fond of poetry?	آر یو فآنْد آو پُ اِتری؟	آیا به شعر و شاعری علاقه داری؟
Are you free today?	آر یو فیری تودِیْ؟	آیا امروز کاری نداری؟
Are you out of mind?	آر یو آوْتْ آو مآیْند؟	مگه عَقلت را از دست دادی؟
Are you ready?	آر یو رِدی؟	آیا آماده ای؟
Are you shy?	آر یو شآیْ؟	آیا خجالت می کشی؟
Are you sure?	آر یو شُرْ؟	مطمئنی؟
Are you tied up nowadays?	آر یو تآیْد آپْ نآوْ اِدیْزْ؟	آیا این روزها خیلی گرفتاری؟
Are you tired?	آر یو تآیِرْد؟	آیا خسته ای؟
Are you usually on time?	آر یو یوژوالی آنْ تآیْمْ؟	آیا شما معمولاً به موقع می رسید؟
As a manager	اَز اِ مَنِجِرْ	به عنوان یک مدیر

As a matter of fact	اَز ا مَتِرْ آو فَکْتْ	در حقیقت
As a tourist	اَز ا توریسْتْ	به عنوان یک توریست
As far as I know	اَز فآر اَز آیْ نُ	تا آنجا که من می دانم
As I told you	اَز آیْ تُلْد یو	همان طور که بهت گفتم
As usual	اَز یوژوءِلْ	طبق معمول
As you know	اَز یو نُ	همان طور که می دانی
As you please	اَز یو پیلیزْ	هر طور راحت تری
At any cost	اَتْ انی کآسْتْ	به هر قیمتی که شده
At first appearance	اَتْ فِرْسْتْ اَپییرِنْس	در نگاه اول
At last her dad went along with that	اَتْ لَسْتْ هِرْ دَد وِنْتْ اَلآنْگْ ویتْ دَتْ	بالاخره پدرش راضی شد
At the age of nine	اَتْ دِ ایجْ آو نآینْ	در سنّ نه سالگی
At the moment	اَتْ دِ مُمِنْتْ	در حال حاضر - اکنون - حالا
Away with you	اِوِیْ ویتْ یو	بزن به چاک - برو پی کارت
Be careful	بی کِرْفولْ	مراقب باش - مواظب باش
Be comfortable	بی کآمْفْتوبِلْ	راحت باش (باشید) - آسوده باش
Be cool	بی کولْ	خونسرد باش
Be patient	بی پیْشِنْتْ	صبور باش
Be polite	بی پُلآیْتْ	مؤدب باش
Be quiet	بی کوآیْتْ	ساکت باش
Be short in your remarks	بی شُرْتْ اینْ یُرْ ریمآرکْسْ	مختصر، توضیح بدهید
Be silent	بی سآیْلِنْتْ	ساکت باش
Be useful	بی یوزْفولْ	مُفید باش
Become free of danger	بی کآمْ فیری آو دِینْجِرْ	آب، از آسیاب اُفتادن
Believe it or not	بیلیو ایتْ اُر نآتْ	چه باور کنی چه نکنی
Better if we meet in the park	بِتِرْ ایف وی میت این دِ پآرکْ	اگر در پارک یکدیگر را ببینیم، بهتر است
Better late than never	بِتِرْ لِیْتْ دَنْ نِوِر	بهتر است که دیر بشه تا اصلاً نشه

Better to cut it	بِترْ تو کآتْ ایتْ	بهتر است (مشاجره را) تَمومش کنیم
Big boys don't cry	بیگْ بُیْزْ دُنْتْ کرآیْ	مَرد (پسرِ بزرگ) که گِریه نمی کنه
Bite your tongue	بآیْتْ یُرْ تآنگْ	زَبانت را گاز بگیر
Both of you	بُثْ آو یو	هر دو تا تون - هر دو ی شما
Break up	برِیکْ آپْ	پَراکنده شوید
Business is business	بیزینِسْ ایزْ بیزینِسْ	حساب حسابِ، کاکا برادر
But that aside	بآتْ دَتْ اِسآیْد	ولی از آن گذشته
But, then again you are not too far بآتْ ، دِنْ اِگِینْ یو آر نآتْ تو فآر		امّا از طرفی هم، زیاد بی ربط نمی گویید
Butter is made from milk	بآتِرْ ایزْ مِیْد فِرآم مِلْکْ (میلْکْ)	کَره از شیر ساخته می شود
Button your lip	بآتِنْ یُرْ لیپْ	دیگه حرف نزن
By air	بآیْ اِر	هوایی - از طریق هوا
By any chance	بآیْ اِنی چَنْسْ	بر حسب اِتّفاق
By chance	بآیْ چَنْسْ	شانسی - اِتّفاقی
By heart	بآیْ هآرتْ	از روی علاقه - قلباً
By land	بآیْ لَنْد	زمینی
By mistake	بآیْ میسْتِیْکْ	اشتباهاً
By no means	بآیْ نُ مینْزْ	ابداً - به هیچ وجه - به هیچ طریق (وسیله)
By sea	بآیْ سی	دریایی - از طریق دریا
By the grace of God	بآیْ دِ گرِیْسْ آو گآد	به لطف خدا
By the way	بآیْ دِ وِیْ	راستی
Call me back	کآلْ می بَکْ	به من زنگ بزن
Call off	کآلْ آفْ	لَغو کردن - کَنسِل کردن
Can I count on you?	کَنْ آیْ کآونْتْ آنْ یو ؟	می تونم روت حساب کنم؟
Can I give you a lift?	کَنْ آیْ گیو یو اِ لیفْتْ ؟	می تونم برسونمت؟ (با ماشین)
Can I give you a ride? کَنْ آیْ گیو یو اِ رآیْد ؟		می تونم برسونمت؟ (با موتور یا دوچرخه)
Can I leave a message?	کَنْ آیْ لیو اِ مِسِجْ ؟	می تونم پیغام بگذارم؟

Can I rely on you?	کَنْ آیْ ریلاًیْ آنْ یو ؟	می تونم بهت اتّکا کنم؟
Can I rent that car?	کَنْ آیْ رِنْتْ دَتْ کار ؟	می تونم آن ماشین را اجاره کنم؟
Can I take a message?	کَنْ آیْ تیکْ اِ مِسِجْ ؟	می تونم پیغامتان را بگیرم؟
Can you drop me off ?	کَنْ یو دراپْ می آفْ ؟	میشه مَنو پیاده کنی؟
Can you keep it a secret?	کَنْ یو کیپْ ایتْ اِ سیکْرِتْ ؟	میتونی آن را ، یک راز نگهداری؟
Can you let me off	کَنْ یو لِتْ می آفْ ؟	میشه مَنو پیاده کنی؟
Carry it right through	کَری ایتْ رآیْتْ ثورو	به همین منوال ادامه دهید
Catch you later	کَچْ یو لِیْتِرْ	بعداً می بینمت - تا بَعد
certainly	سِرْتِنْ لی	مطمئناً
Cheer her on	چیرْ هِرْ آنْ	او را تشویق کنید
Cheer up	چیرْ آپْ	خوشحال باش - سخت نگیر
Clap for her	کِلَپْ فُرْ هِرْ	برای او دست بزنید
Clear up the area, please	کیلییرْ آپْ دِ اری یا پیلیزْ	لطفاً منطقه را خلوت کنید
Clog your ears	کلاگْ یُرْ اییرْزْ	گوش هایت را بگیر
Coffee doesn't agree with me	کآفی دآزِنْتْ اگیری ویتْ می	بَخت را بلند نمی بینم. شانس با من یار نیست
Come beside me	کآمْ بی سآیْد می	بیا کنارم
Come here	کآمْ هییرْ	بیا اینجا
Come in, please	کآمْ اینْ ، پیلیزْ	خواهش می کنم، بفرمایید داخل
Come near	کآمْ نییرْ	بیا نزدیک
Come on	کآمْ آنْ	ادامه بده - بجُنب - شوخی نکن
Come on in	کآمْ آنْ اینْ	نَمومش کُن
Come to the point	کآمْ تو دِ پُینْتْ	بریم سَرِ اَصلِ مطلب
Come what may	کآمْ وآتْ مِیْ	هرچی میشه ، بشه
Congratulation to you	کآنْ گِرَجولِیْ شِنْ تو یو	به شما تبریک می گویم
Could I be excused?	کود آیْ بی اِکْسْکییوزد ؟	منو می بخشی؟
Could I have a word with you?	کود آیْ هَوْ اِ وُرد ویتْ یو ؟	می تونم یه چیزی بهت بگم؟ می تونم باهات صحبت کنم؟

- Could I join you? کود آیْ جُیْن یو ؟ می تونم بهت مُلحق بشم؟
- Could you do me a favor? کود یو دو می اِ فِیوِر؟ می تونی یه لُطفی به من بکنی؟
- Could you excuse us? کود یو اِکْسْکیوز آس ؟ ما را می بخشی؟
- Could you pass the salt,please? کود یو پَس دِ سالْتْ پیلیزْ ؟ میشه لطفاً نمک را بدهید؟
- Count me out کاونْتْ می آوْتْ رو من حساب نکن
- Cross as two sticks کرآسْ آز تو سْتِکْسْ مثل بُرج زهر مار
- Cross my heart کرآسْ مآیْ هآرتْ به خدا قسم
- Cut it off خلاصه اش را بگو - کوتاهش کُن - تَمومش کُن - بسه دیگه

  کاتْ ایتْ آفْ
- Day after day دِیْ آفْتِرْ دِیْ همه روزه
- Did I tell you so? دید آیْ تِلْ یو سُ ؟ آیا من چنین چیزی را به تو گفتم؟
- Did you get physical with him? آیا با او درگیر شدی؟

  دید یو گِتْ فیزیکالْ ویتْ هیمْ ؟
- Did you insure the jewels before they were stolen?

  دید یو اینْشُرْ دِ جولْزْ بیفُرْ دِیْ ور سْتُلِنْ ؟

  آیا جواهرات را قبل از اینکه بدزدند، بیمه کردید ؟
- Did you see how red face she was? دیدی چطور از خجالت، سُرخ شد؟

  دید یو سی هآوْ رِد فِیسْ شی وآز ؟
- Did you sell your passport? دید یو سِلْ یُرْ پَسْپُرْتْ ؟ آیا پاسپورتت را فروختی؟
- Didn't I tell you? دیدِنْتْ آیْ تِلْ یو ؟ مگه بهت نگفتم؟
- Disperse دیسْ پِرْسْ مُتفرّق شوید
- Do as you see it fit هر کاری را که فکر می کنی صَلاح است، انجام بده

  دو اَز یو سی ایتْ فیتْ
- Do me a favor, please دو می اِ فِیوِر، پیلیز لطفاً یه لطفی در حقّم بکن
- Do this more often دو دیس مُرْ آفِنْ باز هم از این کارها بکنید
- Do you agree with me? دو یو اَگیری ویتْ می ؟ آیا با من موافقی؟
- Do you believe in fortunetellers? آیا به آینده گویان، اعتقاد داری؟

  دو یو بیلیو اینْ فُرْچونْ تلِرْزْ ؟

* Do you expect me to believe that? — از من انتظار داری که آن را باور کنم؟
دو یو اِکس‌پِکت می تو بیلیو دَت؟

* Do you forgive me? — دو یو فُرگیو می؟ — آیا منو می بخشی؟

* Do you have a big family? — آیا تعداد افراد خانواده ی شما زیاد هستند؟
دو یو هَو ا بیگ فَمیلی؟

* Do you have a go with me? — دو یو هَو ا گُ ویت می؟ — می خواهی دعوا کنی؟

* Do you have any plans for this summer vacation?
دو یو هَو انی پلَنز فُر دیس سآمِر وکِی‌شِن؟
آیا برای تعطیلات این تابستان هیچ برنامه ای داری؟

* Do you hear me? — دو یو هییِر می؟ — آیا صدای مرا می شنوی؟

* Do you know me? — دو یو نُ می؟ — آیا منو می شناسی؟

* Do you know what I am saying? — می فهمی چی دارم میگم؟
دو یو نُ وآت آیْ اَم سی‌اینگ؟

* Do you know what I mean? — دو یو نُ وآت آیْ مین؟ — آیا منظورم را متوجه میشی؟

* Do you live alone? — دو یو لِو (لیو) اَلُن؟ — آیا تنها زندگی می کنی؟

* Do you need help? — دو یو نید هِلپ؟ — آیا به کمک نیاز داری؟

* Do you see what he means? — دو یو سی وآت هی مینز؟ — آیا مقصود او را می فهمی؟

* Do you sell your car? — دو یو سِل یُر کآر؟ — آیا ماشینت را می فروشی؟

* Do you speak English with your friends? — آیا با دوستانت انگلیسی صحبت می کنی؟
دو یو سْپیک اینگلیش ویت یُر فرِندز؟

* Do your best — دو یُر بِست — نهایت سَعیت را بکُن

* Does she like swimming? — داز شی لآیک سوایمینگ؟ — آیا او شناکردن را دوست دارد؟

* Does she usually eat breakfast? — آیا او معمولاً صبحانه می خورد؟
داز شی یوژوالی ایت برِکفَست؟

* Does this read? — داز دیس رید؟ (آیا پیام واضح است؟) — آیا مفهوم است؟

* Don't be jealous on me — دُنت بی جِلِس آن می — به من حسادت نکن

* Don't borrow trouble — دُنت بآرُ ترابِل — دنبال دَرد سَر، نرو

* Don't let the opportunity slip — دُنت لِت دِ آپِرچونیتی سْلیپ — فُرصت را از دست ندهید

- Don't put yourself out for us — به خاطر ما خودت را به زحمت نینداز

دُنْتْ پوتْ یُرْسِلْفْ آوْتْ فُرْ آسْ

- Don't squeeze my hand — دُنْتْ سْکوای ز مآیْ هَنْد — این قَدر دَستم را فشار نده
- Don't wait up for me tonight.I may be very late

دُنْتْ وِیْتْ آپْ فُرْ می تو نآیْتْ. آیْ مِیْ بی وِری لِیْتْ

- امشب، منتظرم نباش. ممکن است خیلی دیر بیایم
- Don't waste your money — دُنْتْ وِیْسْتْ یُرْ مآنی — پولت را هدر نده
- Don't abandon hope — دُنْتْ اِبآنْدَنْ هُپْ — نا امید نشو
- Don't backbite, please — دُنْتْ بَکْ بآیْتْ، پیلیزْ — لطفاً غیبت نکن
- Don't be afraid — دُنْتْ بی اَفْرِیْد — نترس
- Don't be angry — دُنْتْ بی اَنگیری — عصبانی نباش
- Don't be funny — دُنْتْ بی فآنی — خودت را لوس نکن - مَسخره نشو
- Don't be late — دُنْتْ بی لِیْتْ — دیر نکن- دیر نیا
- Don't be shy — دُنْتْ بی شآیْ — خجالت نکش - تعارف نکن
- Don't be silly — دُنْتْ بی سیلی — احمق نباش
- Don't be so rude — دُنْتْ بی سُ رود — این قدر گستاخ نباش
- Don't be so stupid — دُنْتْ بی سُ سْتیو پید — این قدر احمق نباش
- Don't be too choosy — دُنْتْ بی تو چوزی — خیلی زیاد وسواسی نباش
- Don't blame me — دُنْتْ بلیْم می — مَنو سَرزنش نکن
- Don't bother me — دُنْتْ بآذر می — منو اذیّت نکن
- Don't bother me, please — دُنْتْ بآذر می، پیلیزْ — لطفاً منو اَذیت نکن
- Don't bother to knock, just go right in — احتیاجی به دَر زدن نیست، مستقیم برو داخل

دُنْتْ بآذر تو ناکْ، جآسْتْ گُ رآیْتْ اینْ

- Don't bother with the dishes, I'll take care of them

دُنْتْ بآذر ویتْ دِ دیشیزْ، آیلْ تِیکْ کِرْ آو دِمْ

- به ظرف ها کاری نداشته باش، من ترتیب آن ها را می دهم
- Don't bother yourself — دُنْتْ بآذر یُرْسِلْفْ — خودت را (اذیت نکن) به زحمت نینداز
- Don't break my heart — دُنْتْ بریْکْ مآیْ هآرتْ — قلبم را نَشکن

Don't die on me	دُنتْ دآیْ آنْ می	مَنو نَکاری - مَنو سَر کار نگذاری
Don't do that	دُنتْ دو دَتْ	آن کار را نکن
Don't drag me into this	دُنتْ درگْ می اینْتو دیسْ	پای من را وسط نکش
Don't fall for him	دُنتْ فآلْ فُرْ هیمْ	گول حرف هایش را نخور
Don't forget me	دُنتْ فُرگتْ می	مرا فراموش نَکن
Don't get angry	دُنتْ گتْ اَنگیری	عصبانی نشو
Don't get mouthy with him	دُنتْ گتْ مآوثی ویثْ هیمْ	با او دَهن به دَهن، نشو - با او کَل کَل نَکُن
Don't get mouthy with me	دُنتْ گتْ مآوثی ویثْ می	با من دَهن به دَهن نَشو - با من کَل کَل نَکُن
Don't get picky with me	دُنتْ گتْ پیکی ویثْ می	به من گیر، نده . سَر به سَر من نگذار
Don't get proud of yourself	دُنتْ گتْ پرآوْد آو یُرْسلفْ	به خودت مَغرور نشو
Don't give up	دُنتْ گیو آپْ	تَسلیم نشو
Don't hurry	دُنتْ هری	عَجله نکن
Don't interfere in my business	دُنتْ اینترْفرْ اینْ مآیْ بیزینسْ	در کار من دخالت نکن
Don't keep your hopes too high	دُنتْ کیپْ یُرْ هُپسْ تو هآیْ	زیادی امیدوار نباش
Don't laugh at me	دُنتْ لَفْ اَتْ میْ	به من نَخَند - منو مَسخره نکن
Don't let your life go to waste	دُنتْ لتْ یُرْ لآیفْ گُ تو وِیْستْ	نگذار زندگیت ، فَنا شود
Don't look at me like this	دُنتْ لوکْ اَتْ می لآیکْ دیسْ	این جوری به من نگاه نکن
Don't loose your hair	دُنتْ لوز یُرْ هِرْ	دست و پایت را گُم نکن
Don't loose your head	دُنتْ لوز یُرْ هد	عَقلت را از دست نده
Don't loose your temper	دُنتْ لوزْ یُرْ تمپِرْ	عصبانی نشو - کُنترلت را از دست نده
Don't make a fuss over it	دُنتْ میکْ اِ فآسْ اُور ایتْ	وَسواس به خرج نده
Don't make an idiot out of yourself	دُنتْ میکْ اَنْ ایدییتْ آوتْ آو یُرْسلفْ	خودت را ضایع نکن
Don't make it sound like a big deal	دُنتْ میکْ ایت ساوْند لآیکْ اِ بیگْ دیلْ	زیاد قَضیه را بزرگ نکن

Don't make me say it again	دُنتْ مِیکْ می سی اِیتْ اِگِینْ	مجبورم نکن، آن را یک بار دیگه بگم
Don't make me laugh	دُنتْ مِیکْ می لَفْ	مَنو نخندون - خنده ام را در نیاور
Don't meddle	دُنتْ مِدِلْ	دخالت نکن
Don't mention it	دُنتْ مِنشِنْ اِیتْ	قابلی ندارد-حَرفش را هم نزن-خواهش می کنم
Don't molest me	دُنتْ مِلِسْتْ می	مرا اذیّت نکن
Don't move	دُنتْ مووْ	تکان نخور - حرکت نکن
Don't panic me	دُنتْ پَنیکْ می	هُلَم نکن
Don't push me	دُنتْ پوش می	مَنو مجبور نکن
Don't push yourself	دُنتْ پوش یُرْسِلْفْ	خودت را اذیّت نکن
Don't put yourself in trouble	دُنتْ پوتْ یُرْسِلْفْ اینْ ترآبِلْ	خودت را به زحمت نینداز
Don't put yourself through hell	دُنتْ پوتْ یُرْسِلْفْ ثورو هِل	به خودت فشار نیار
Don't rush	دُنتْ رآشْ	عجله نکن
Don't rush me	دُنتْ رآشْ می	هُلم نکن
Don't say anything	دُنتْ سِیْ انی ثینْگْ	هیچی نگو - جیکت در نیاد
Don't say it	دُنتْ سِیْ اِیتْ	این حرف را نزن
Don't shy	دُنتْ شآیْ	خجالت نَکش - تعارف نکن
Don't sit late at night	دُنتْ سِیتْ لِیتْ اَتْ نآیْتْ	شب، تا دیر وقت نَشین (بیدار نمون)
Don't speak too soon	دُنتْ سْپیکْ تو سونْ	خیلی زود، قضاوت نکن
Don't spoil her	دُنتْ سْپُیِلْ هِرْ	او را لوس نکن
Don't take it the wrong way	دُنتْ تِیکْ اِیتْ دِ رآنْگْ وِیْ	اشتباه برداشت نکن
Don't tell a lie	دُنتْ تِلْ اِ لآیْ	دروغ نگو
Don't think of the past	دُنتْ ثینْکْ آوْ دِ پَسْتْ	به فکر گذشته نباش - گذشته ها گذشته
Don't touch it	دُنتْ تآچْ اِیتْ	به آن دست نزن
Don't trouble yourself	دُنتْ ترآبِلْ یُرْسِلْفْ	خودت را به زحمت نَنداز
Don't trust him	دُنتْ ترآسْتْ هیمْ	به او اعتماد نکن
Don't walk out on me	دُنتْ واکْ آوتْ آنْ می	مَنو نَکاری - منو سَر کار نگذاری
Don't waste the time	دُنتْ وِیْسْتْ دِ تآیْمْ	وقت را هَدَر نده

Don't work too hard	دُنْتْ وُرکْ تو هاَرد	این قدر سخت کار نکن
Don't worry my dear	دُنْتْ وُری مآیْ دییرْ	عزیزم نگران نباش
Don't you know me?	دُنْتْ یو نُ می؟	آیا منو نمی شناسی؟
Don't you know?	دُنْتْ یو نُ؟	آیا تو نمی دانی؟ - آیا تو نمی شناسی؟
Don't you see?	دُنْتْ یو سی؟	نمی بینی؟ - مگه نمی بینی؟
Don't you trust me?	دُنْتْ یو تراَسْتْ می؟	آیا به من اعتماد نداری؟
Duck your head	داکْ یُرْ هد	سَرت را بدُزد - سَرت را بگیر پایین
Duty calls	دیوتی کاُلزْ	وظیفه ایجاب می کند
Eager to see you	ایگِرْ تو سی یو	مُشتاق دیدار
Eat your heart out	ایتْ یُرْ هاَرتْ آوْتْ	دلت بسوزه
Either this or that	ایدر دیسْ اُر دَتْ	یا این یا آن
very funny!	وری فانی!	ایَخ کُنی! خیلی لوس هستی! خیلی خنده داره
Every now and then	اوْری ناوْ آند دِنْ	گاه گاهی
Every other day	اوْری آدِر دیْ	یک روز در میان
Every other week	اوْری آدِر ویکْ	یک هفته در میان
Everybody knows that	اوْری بآدی نُزْ دَتْ	همه آن را می دانند
Everything is under control	اوری ثینگْ ایزْ آندِر کنتُرل	همه چیز تحت کُنترل است
Everything will work out all right	اوری ثینگْ ویلْ وُرکْ آوْتْ آلْ رآیْتْ	همه چیز رو به راه و درست خواهد شد
Excuse my back	اکْسْکیوز مآیْ بَکْ	ببخشید که پُشتم به شماست
Face to face	فیسْ تو فیسْ	رو در رو - مقابل
Feel free to do so	فیلْ فیری تو دو سُ	تعارف نکن
Fifty-fifty	فیفْتی - فیفْتی	پنجاه - پنجاه
First and foremost	فِرْسْتْ آند فُرمُسْتْ	اولّین و مهمترین
First of all	فِرْسْتْ آو آلْ	اول از همه
Fling away	فیلینْگْ اوِیْ	بزَن به چاک - برو پی کارت
Follow her	فآلُ هِرْ	دنبالش برو
Follow me	فآلُ می	دنبالم بیا

For all that	فُرْ آلْ دَتْ	با همه ی این حرف ها
For appearance sake	فُرْ اَپی یرِنْس سِیْکْ	برای حفظ ظاهر
for fun	فُرْ فَانْ	واسه خنده - برای تفریح
For God's sake	فُرْ گَادز سِیْکْ	مَحض رضای خدا
For good	فُرْ گود	برای همیشه
For nothing	فُرْ نَاثینْگْ	به خاطر هیچی
For the time being	فُرْ دِ تَایْمْ بینگْ	عجالتاً - فعلاً - در حال حاضر
For your information	فُرْ یُرْ اینْفُرْمِیْشِنْ	مَحض اطلاع شما
For your sake only	فُرْ یُرْ سِیْکْ آنْلی	فقط به خاطرِ تو
Forever = for ever	فُرْاوِر	برای همیشه
Forget about it	فُرْگِتْ اِبَاوْتْ ایتْ	فراموشش کن
Forget it	فُرْگِتْ ایتْ	فراموشش کن
Forgive me	فُرْگیو می	منو ببخش
Forgive me if I have used myself unmannerly	فُرْگیو می ایفْ آیْ هَوْ یوزد مَایْسِلْفْ آنْمَنِرْلی	من را ببخشید اگر که درست رفتار نکردم
Frankly speaking	فرَنْکْ لی سْپیکینْگْ	راستش را بخواهی - صادقانه بگم
freeze	فیریز	بی حرکت - تکان نخور - تکان نخورید
From now on	فرآمْ نَاوْ آنْ	از این به بعد
Get away from me	گِتْ اِوِیْ فرآمْ می	از من دور شو - نزدیک من نیا - وِلَم کُن
Get comfortable	گِتْ کَامْفْتِبِل	راحت باش - آسوده باش
Get comfy	گِتْ کَامْفی	راحت باش - آسوده باش
Get down	گِتْ دَاوْنْ	پیاده شو
Get dressed	گِتْ دِرِسْد	لباست را بپوش - آماده شو
Get lost	گِتْ لَاسْتْ	گُم شو - برو پی کارت
Get on	گِتْ آنْ	سَوار شو
Get out	گِتْ آوْتْ	خارج شو - برو بیرون
Get out of here	گِتْ آوْتْ آو هیرْ	از اینجا برو بیرون
Get out of my face	گِتْ آوْتْ آو مَایْ فِیسْ	از جلوی چشمم، دور شو

Get out of the car	گتْ آوتْ آو د کاَر	از ماشین برو بیرون
Get serious with me	گتْ سیریِس ویتْ می	با من، جدّی باش
Get up	گتْ آپْ	بلند شو
Get your hands off me	گتْ یُرْ هَندس آفْ می	دَستت را بنداز - به من دَست نَزَن
Give a good word for me	گیو ا گود وُرد فُرْ می	سفارش من را بکن
Give her my regards	گیو هِرْ مآیْ ریگآردز	سلام مرا به او برسان
Give it another try	گیو ایتْ اَنْ آدر ترآیْ	یک دَفعه ی دیگر هم تَلاشت را بکن
Give it back to me	گیو ایتْ بَکْ تو می	آن را به من برگردان - به من پَسش بده
Give me a call	گیو می ا کآلْ	یه زَنگی به من بزن
Give me a chance	گیو می ا چَنْس	یه فُرصتی (شانسی) به من بده
Give me a hand	گیو می ا هَند	به من کمک کن - کمکم کن
Give me a ring	گیو می ا رینْگْ	یه زنگی به من بزن - با من تماس بگیر
Give me five	گیو می فآیوْ	بزن قَدش - دَست بده، ببینم
Give my best to him	گیو مآیْ بِستْ تو هیمْ	سلام مرا به او برسانید
Glad to hear it	گلَد تو هییرْ ایتْ	از شنیدن آن خوشحال شدم
Glad to meet you	گلَد تو میتْ یو	از ملاقات با شما خوشحال شدم
Glad to see you	گلَد تو سی یو	از دیدار شما خوشحال شدم
Glad to visit you	گلَد تو ویزیتْ یو	از دیدار شما خوشحال شدم
Go ahead	گُ اهد	ادامه بده
Go chase yourself	گُ چیسْ یُرسلْفْ	بُرو پی کارت - گُم شو
Go easy on that	گُ ایزی آنْ دَتْ	بی خیال - سخت نگیر
Go straight ahead	گُ سْترِیْتْ اهد	مستقیم به جلو بروید
Go to the hell	گُ تو د هلْ	برو به جهنّم
God bless him	گآد بلسْ هیمْ	خداوند او را رَحمت کند
God bless you	گآد بلسْ یو	خدا عُمرت بده - عافیت باشی
God damn	گآد دَمْ	لعنتی
God damn you	گآد دَمْ یو	خدا لَعنتت کُنه
God spell	گآد سْپِل	به اَمان خدا

God willing	گاد ویلینگ	هرچه که خدا بخواهد
Good bye	گود بآی	خدا حافظ
Good enough	گود ایناف	کافی است
Good for you	گود فُر یو	خوش به حالت
Good heavens	گود هونز	خدای من
Good job	گود جاب	آفرین - کارت خوب بود - اَحسنت
Good luck	گود لاک	موفق باشی
Good old days	گود اُلد دیز	یاد اون روزها بخیر
Good time	گود تآیم	اوقات خوش
Good to see you	گود تو سی یو	خوب شد که دیدمت
Guess what!	گِس وآت !	حدس بزن که چی شده! راستی خبر داری!
Hands up	هَندس آپ	دست ها بالا
Happy birthday to you	هَپی برث دی تو یو	تولدت مبارک
Happy new year	هَپی نیو یر	سال نو مبارک
Have a French leave	هَو ا فرنچ لیو	جیم شدن
Have a good time	هَو ا گود تآیم	خوش بگذره - اوقات خوشی داشته باشی
Have a little bite with me	هَو ا لیتل بآیت ویت می	یه لُقمه با من بخور
Have a nice day	هَو ا نآیس دی	روز خوبی داشته باشی
Have a nice trip	هَو ا نآیس تریپ	سفر خوبی داشته باشی
Have a nice weekend	هَو ا نآیس ویکند	تعطیلات پایان هفته، خوش بگذرد
Have a seat, please	هَو ا سیت، پیلیز	لطفاً بفرمایید بنشینید
Have you been there before?	هَو یو بین در بی فُر؟	آیا قبلاً آنجا بودی؟
Have you ever eaten with her?	هَو یو اِور ایتن ویت هِر؟	آیا تا حالا با او ، غذا خورده ای؟
Have you ever found money in the street?	هَو یو اِور فآند مآنی این د ستیریت ؟	آیا هرگز در خیابان، پول پیدا کرده ای؟
Have you ever met a famous person?	هَو یو اِور مت ا فیمس پرسن؟	آیا هرگز شخص معروفی را، ملاقات کرده ای؟

Have you ever won a prize?	هَوْ یو اِوِر وَنْ اِ پِرآیْزْ؟	آیا هرگز جایزه برده ای؟
Have you got a smoke?	هَوْ یو گاتْ اِ سْمُکْ؟	آیا سیگار داری؟
Have you had breakfast?	هَوْ یو هَد بِرِکْفَسْتْ؟	آیا صبحانه خورده ای؟
Haven't I seen you before?	هَوِنْتْ آیْ سینْ یو بیفُرْ؟	آیا قبلاً شما را جایی ندیده ام؟
He bought this book at that shop	هی بآتْ دیسْ بوکْ اَتْ دَتْ شآپْ	او این کتاب را از آن مغازه خرید
He didn't turn a hair	هی دیدِنْتْ تِرْنْ اِ هِرْ	خَم به اَبرو نیاورد
He doesn't relish advice	هی دآزِنْتْ رِلیشْ اَدوآیْسْ	او از نَصیحت خوشش نمی آید
He ducked out of the responsibility	هی دآکْتْ آوتْ آو دِ ریسْپآنْسیبیلیتی	او از زیر بار مسئولیت، شانه خالی کرد
He faded	هی فِیدِد	رنگش پَرید
He flew off the handle	هی فولو آفْ دِ هَنْدِلْ	او از کوره در رفت– او یه مَرتبه جوش آورد
He gets above himself	هی گِتْسْ اِباَوْ هیمْ سِلْفْ	او آدمِ از خود راضی است
He gets on my nerves	هی گِتْسْ آنْ مآیْ نِرْوْزْ	او اعصابم را خُرد می کند
He has a bad memory	هی هَزْ اِ بَد مِمُری	او حافظه ی بَدی دارد
He has a lot of faces	هی هَزْ اِ الآتْ آو فِیسِزْ	او خیلی پُررو است
He has some good friends	هی هَزْ سآمْ گود فرِنْدز	او تعدادی دوست خوب داره
He has some money	هی هَزْ سآمْ مآنی	او مقداری پول داره
He is a button short	هی ایزْ اِ بآتِنْ شُرْتْ	عقلش پاره سنگ بر می دارد
He is a buzz killer	هی ایزْ اِ باز کیلِرْ	او آدم ضد حالی است
He is a clear thinker	هی ایزْ اِ کیلییِرْ تینْکِرْ	او آدم روشن فکری است
He is a conceited guy	هی ایزْ اِ کَنْسیتِد گآی	او آدم خودخواهی است
He is a convict	هی ایزْ اِ کآنْ ویکْتْ	او سابقه دار (مُجرم) است
He is a crook	هی ایزْ اِ کِرُکْ	او آدمی، کُلاه بردار است
He is a dangerous man	هی ایز اِ دِینْجِرِسْ مَنْ	او آدمِ خطرناکی است
He is a designing man	هی ایزْ اِ دیزآینینگْ مَنْ	او آدمِ حیله گری است
He is a grind on the nerves	هی ایزْ اِ گِرآیْند آنْ دِ نِرْوْزْ	مثل سوهانِ روح است

- He is a man of his own word — او مردی است که به حَرفش عَمل می کند
  هی ایزْ اِ مَنْ آو هیزْ اُنْ وُرد
- He is a man of experience — هی ایزْ اِ مَنْ آو اِکْسْپیری اِنْسْ — او آدمِ با تجربه ای است
- He is a man of great honor — هی ایزْ اِ مَنْ آو گِرِیْتْ آنِرْ — او مردِ خیلی مُحترمی است
- He is a man of influence — هی ایزْ اِ مَنْ آو اینْفِلاَنْسْ — او آدمِ با نفوذی است
- He is a man of means — هی ایزْ اِ مَنْ آو مینْزْ — او مردِ ثروتمندی است
- He is a man of sixty — هی ایز اِ مَنْ آو سیکْسْتی — او مردی شصت ساله است
- He is a man of wealth — هی ایزْ اِ مَنْ آو وِلْثْ — او مردی ثروتمند است
- He is a marked man — هی ایز اِ مآرکْتْ مَنْ — او آدمِ تابلویی است
- He is a mommy's baby — هی ایزْ اِ مآمیزْ بِیْبی — او بچه ننه است
- He is a mooch — هی ایزْ اِ موچْ — او آدمِ ولگَردی است
- He is a narrow minded guy — هی ایزْ اِ نَرُ مآیْنْدِد گآیْ — او آدمِ کوتاه فکری است
- He is a posy guy — هی ایز اِ پُزی گآیْ — او آدم افاده ای است
- He is a real bonehead — هی ایزْ اِ ریِلْ بُنْهِد — او خیلی اَحمق است - او کَلّه پوک است
- He is a risky man — هی ایزْ اِ ریسکی مَنْ — او اهلِ ریسک است
- He is a short sighted guy — هی ایزْ اِ شُرْتْ سآیْتِد گآیْ — او آدمِ کوتاه نظری است
- He is a sly one! — از این دُم بُریده، هرچه بگویند، بَر می آید! (او یه آب زیر کاهی است که نگو !)
  هی ایزْ اِ سْلآیْ وآنْ!
- He is a solid guy — هی ایزْ اِ سآلید گآیْ — او آدمِ نیرومندی است
- He is a sticker — هی ایزْ اِ سْتیکِرْ — او آدمِ گیری است
- He is a timid guy — هی ایزْ اِ تیمید گآیْ — او آدمِ تَرسویی است
- He is a tough guy — هی ایزْ اِ تآفْ گآیْ — او آدمِ پُرطاقتی(سَرسختی) است
- He is a trouble maker — هی ایزْ اِ ترآبِلْ مِیْکِرْ — او دَردِ سَر ساز است
- He is a wet blanket — هی ایزْ اِ وِتْ بِلَنْکِتْ — او آدمِ ضدّحالی است
- He is after some mischief — هی ایزْ آفْتِرْ سآمْ میسْچیفْ — باز دَرصَدَد (شیطنت) موذیگری است
- He is ahead of himself — هی ایزْ اِهِد آو هیمْسِلْفْ — او سَر از پا نمی شناسد
- He is always quarrelling with his wife — او همیشه درحال دعوا کردن با همسرش است
  هی ایزْ آلْوِیْزْ کوآرِلینْگْ ویتْ هیزْ وآیْفْ

He is an old hand	هی ایزْ اَنْ اُلد هَند	او آدم با تجربه ای است
He is an opportunist	هی ایزْ اَنْ آپِرْچونیسْتْ	او آدمِ فُرصت طَلَبی است
He is easily huffed	هی ایزْ ایزیلی هآفْد	او زود، اوقات تَلخی می کند
He is experienced about it	هی ایزْ اِکْسْپیریانْسْد اِباوْتْ ایتْ	او در این مورد ، با تجربه است
He is faulty	هی ایزْ فُلْتی	او مُقصر است
He is idling around	هی ایزْ آیْدلینْگْ اَرآونْد	او وِل می چرخه
He is lavish	هی ایزْ لَویشْ	او ولخرج است
He is lying	هی ایزْ لآی اینْگْ	او دراز کشیده – او داره دروغ میگه
He is making a mischief	هی ایزْ میْکینْگْ اِ میسْچیفْ	او داره دو به هم زَنی (شِرارت) می کنه
He is not in	هی ایزْ نآتْ اینْ	تو باغ نیست – حَواسِش جمع نیست
He is on drugs	هی ایزْ آنْ دِراگْزْ	او مواد مُخدر استفاده کرده
He is on leave	هی ایزْ آنْ لیوْ	او در مُرخصی است
He is on you today	هی ایزْ آنْ یو تودیْ	امروز رو تو ،کلید کرده– امروز به تو، گیر داده
He is sitting	هی ایزْ سیتینْگْ	او نشسته
He is sleeping	هی ایزْ سْلیپینْگْ	او خوابیده
He is standing	هی ایزْ سْتَندینْگْ	او ایستاده
He is tight-fisted	هی ایز تآیْتْ - فیسْتِد	آب از دستش نمی چکد
He is too far off	هی ایزْ تو فآر آفْ	خیلی از مسئله پَرت است
He is under suspicion	هی ایزْ آندِر سآسْپیشِنْ	او مورد سوء ظَن است
He is very brainy	هی ایزْ وِری بِرِیْنی	او خیلی باهوش است
He is very intelligent	شی ایزْ وِری اینْتلیجِنْتْ	او خیلی باهوش است
He is washed out for the time being هی ایزْ وآشْتْ آوْتْ فُرْ دِ تآیْمْ بینْگْ		او درحال حاضر، خَسته و کوفته است
He is wearing a black shirt	هی ایزْ وِرینْگْ اِ بِلَکْ شِرْتْ	او لباس سیاه پوشیده
He leaped down from a wall	هی لیپْتْ داوْنْ فرآمْ اِ وآلْ	از بالای دیوار به پایین پَرید
He leaped over the fence	هی لیپْتْ اُوِر دِ فِنْسْ	او از روی نَرده، پَرید
He let the cat out of the bag هی لِتْ دِ کَتْ آوْتْ آو دِ بَگْ		(آن خبر) از دَهنش در رفت

He misused his talents	هی میسْیوزد هیزْ تَلنْتسْ	او از استعدادهایش در راه بد استفاده کرد
He pounced into the room	هی پاوْنْسْد این تو دِ روم	او ناگهان به درون اُتاق پَرید
He ran with his life	هی رَنْ ویتْ هیزْ لایْف	او جان سالم، به دَر بُرد
He refuses to give back my money	هی ریفییوزز تو گیو بَکْ مآیْ مآنی	او از پس دادن پولم، امتناء می کند.(پولم را پَس نمی دهد)
He regrets what he has done	هی ریگْرِتْسْ وآتْ هی هَزْ دآن	از آنچه که انجام داده، پشیمان است
He slid out of the room	هی سْلایْد آوْتْ آو دِ روم	او از اتاق، جیم شد
He sold his passport	هی سُلد هیزْ پَسْپُرْتْ	او پاسپورتش را فروخت
He spares himself	هی سْپِرْز هیمْ‌سِلْفْ	او با احتیاط، رَفتار می کند
He took a leave of absence	هی توکْ اِ لیوْ آو اَبْسِنْسْ	او مُرخصی بدون حقوق گرفت
He took my passport away from me	هیْ توکْ مآیْ پَسْپُرْتْ اِوِیْ فِرآمْ می	او پاسپورتِ مرا گرفت و بُرد
He took my visa	هی توکْ مآیْ ویزآ	او ویزای من را گرفت
He used to smoke	هی یوسْ تو سْمُکْ	او سابقاً سیگار می کشید
He was no-good at anything	هی وآز نُ-گود اَتْ اِنیثینْگْ	به درد هیچ کاری نمی خورد
He was run over by that car	هی وآز رآن اُور بآیْ دَتْ کآر	او زیر آن ماشین رفت (تصادف کرد)
He went back on his word	هی وِنْتْ بَکْ آنْ هیزْ وُرد	او زیر حَرفش زَد
He went back on the deal	هی وِنْتْ بَکْ آنْ دِ دیلْ	او دَبّه در آورد
Help yourself	هِلْپْ یُرْسِلْفْ	از خودت پذیرایی کُن
Her face was lined	هِرْ فیسْ وآز لایْنْد	صورتش پُر از چین و چروک بود
Here and there	هییِرْ اَند دِر	گاه گاهی - اینجا و آنجا
Here lies the point	هییِرْ لایْز دِ پُیْنْتْ	اَصل نُکته در اینجا است
Here you are	هییِرْ یو آر	بفرمایید بگیرید
His attention isn't fixed	هیزْ اَتِنْشِنْ ایزِنْتْ فیکْسْد	حَواسش جمع نیست
His car is out of order	هیزْ کآر ایزْ آوْتْ آو اُردِر	ماشینش خراب است
His prayer was answered	هیزْ پریرْ وآز آنْسِرْد	دُعایش مُستجاب شد

His prayer was heard	هیزْ پِریرْ وآز هِرْد	دُعایش مُستجاب شد
Hold me responsible for that	هُلْد می ریسْپآنْسیبِلْ فُرْ دَتْ	من مسئولیتش را قبول می کنم
Hold the line, please	هُلْد دِ لآیْنْ، پیلیزْ	لطفاً گوشی خدمتتان باشد
Honest to goodness	آنِسْتْ تو گودنِسْ	به خدا قَسم
Hope revived in her	هُپْ ریوآیْوْد اینْ هِرْ	اُمید، در او زنده شد
Hope to see you again	هُپْ تو سی یو اِگِینْ (اِگِنْ)	امیدوارم که دوباره شما را ببینم
How about going out for dinner?	هآوْ اِبآوْتْ گُاینگْ آوْتْ فُرْ دینِرْ؟	چطور است که برای صَرفِ شام، بیرون برویم؟
How about you?	هآوْ اِبآوْتْ یو؟	شما چطور؟
How are things with you?	هآوْ آر ثینگْزْ ویتْ یو؟	اوضاع و احوال با شما چطور است؟
How are you doing?	هآوْ آر یو دواینگْ؟	حالت چطوره؟ اوضاع چطوره؟
How are you?	هآوْ آر یو؟	حالت چطوره؟
How can I help you?	هآوْ کَنْ آیْ هِلْپْ یو؟	چطور می تونم کمکت کنم؟
How come!	هآوْ کآمْ!	چه جوری اتّفاق اُفتاد؟
How dare you!	هآوْ دِر یو!	چطور جرأت می کنی!
How did you do that?	هآوْ دید یو دو دَتْ؟	چطوری آن کار را انجام دادی؟
How do you do?	هآوْ دو یو دو؟	احوال جناب عالی - سلام - از دیدارتان خوشحالم
How do you feel?	هآوْ دو یو فیلْ؟	چه احساسی داری؟
How do you get to school?	هآوْ دو یو گِتْ تو سْکولْ	چطوری به مدرسه می روی؟
How do you know?	هآوْ دو یو نُ؟	از کجا می دانی؟
How do you like it?	هآوْ دو یو لآیْکْ ایتْ؟	دوست داری آن چطوری باشد؟
How do you make your bread and butter?	هآوْ دو یو مِیْکْ یُرْ بِرِد اَنْد بآتِرْ؟	چطوری اِمرارِمَعاش می کنی؟
How do you put up with her?	هآوْ دو یو پوتْ آپْ ویتْ هِرْ؟	با او چگونه کنار می آیی؟ (چطوری او را تَحمّل می کنی؟)
How is he?	هآوْ ایزْ هی؟	حال او چطوره؟
How is it going?	هآوْ ایز ایت گُاینگْ؟	اوضاع چطوره؟
How is your feeling?	هآوْ ایزْ یُرْ فیلینگْ؟	حالت چطور است؟

- How late are you open? هاوْ لِیتْ آر یو اُپِنْ؟ تا ساعت چند (باز هستید) کار می کنید؟
- How late can you call me? هاوْ لِیتْ کَنْ یو کاآلْ می؟ تا کی می توانی به من زنگ بزنی؟
- How long are you staying? هاوْ لاَنگْ آر یو سْتِیْ اینگْ؟ چه مدت اقامت خواهید کرد؟
- How long have you been married? چه مدت است که ازدواج کرده ای؟
  هاوْ لاَنگْ هَوْ یو بین مَرید؟
- How many times do I have to tell you? چند بار باید بهت بگویم؟آخه چند بار باید به شما بگم؟
  هاوْ مِنی تایْمز دو آیْ هَفْ تو تِلْ یو؟
- How may I help you? هاوْ مِیْ آیْ هِلْپْ یو؟ چطور می توانم کمکت کنم؟
- How much are you paid each month? هر ماه چقدر حقوق می گیری؟
  هاوْ ماچْ آر یو پِیْد ایچْ ماَنْثْ؟
- How much do I owe you? هاوْ ماچْ دو آیْ اُ یو؟ چقدر باید تقدیم کنم؟(چقدر بدهکارم ؟)
- How much does it cost? هاوْ ماچْ داَز ایتْ کاَسْتْ؟ آن چقدر ارزش دارد؟(قیمتش چنده؟)
- How much is it? هاوْ ماچْ ایزْ ایتْ؟ قیمتش چند است؟
- How much time a day do you spend studying?
  هاوْ ماچْ تایْمْ ا دیْ دو یو سْپِنْد سْتادینگْ؟
  چه مدت در روز را برای مطالعه صَرف می کنی؟
- How often do you go shopping? چند وقت به چند وقت به خَرید می روید؟
  هاوْ آفِنْ دو یو گُ شاَپینگْ؟
- How often do you go to the movies? چندوقت به چندوقت به سینما می روید؟
  هاوْ آفِنْ دو یو گُ تو دِ موویزْ؟
- How old are you? هاوْ اُلْد آر یو؟ چند ساله هستی؟
- How should I know? هاوْ شود آیْ نُ؟ از کجا باید بدانم؟
- How was I supposed to know? از کجا می دانستم ؟ مگه کَف دستم را بو کرده بودم؟
  هاوْ واَز آیْ ساَپُزْد تو نُ؟
- How's business? هاوْزْ بیزینِسْ؟ اوضاع کَسب و کار، چطور است؟
- How's everything with you? هاوْزْ اِوْریثینگْ ویتْ یو؟ اوضاع و احوال چطوره؟
- How's life? هاوْزْ لاَیفْ؟ زندگی چطوره؟
- How's school? هاوْزْ سْکولْ؟ (اوضاع) مدرسه چطوره؟

How's the family?	هاوْز د فَمیلی ؟	خانواده چطورند؟
How's work?	هاوْز وُرکْ ؟	کار و کاسبی چطوره؟
I will get used to speaking English	آیْ ویلْ گتْ یوزد تو سْپیکینگْ اینگلیشْ	به صحبت کردن انگلیسی عادت خواهم کرد
I am in a hurry	آیْ اَمْ این اِ هری	عجله دارم
I am not speaking to you	آیْ اَم نَاتْ سْپیکینْگْ تو یو	با شما صحبت نمی کنم
I am not sure	آیْ اَمْ نَاتْ شُرْ	مطمئن نیستم
I am swimming now	آیْ اَمْ سوای مینگْ نَاوْ	الان دارم شنا میکنم
I am used to watching TV	آیْ اَمْ یوزد تو وآچینْگْ تی.وی	به تماشای تلویزیون عادت دارم
I am working now	آیْ اَمْ وُرکینْگْ نَاوْ	حالا دارم کار می کنم
I am worried about you	آیْ اَمْ وُرید اِبَاوْت یو	من نگران شما هستم
I beg your pardon	آیْ بِگْ یُرْ پَاردِنْ	ببخشید - معذرت می خواهم
I bet you win	آیْ بِتْ یو وینْ	شرط می بندم که تو موفق می شوی
I bought this car from my friend	آیْ بَاتْ دیسْ کَار فرآمْ مَایْ فرِنْد	من این ماشین را از دوستم خریدم
I came short	آیْ کِیْمْ شُرْتْ	دیگه خَسته شدم - دیگه کَم آوردم
I can hear you	آیْ کَنْ هیرْ یو	می توانم صدایت را بشنوم
I can see through you	آیْ کَنْ سی ثورو یو	می توانم فکرت را بخوانم
I can tell you that in confidence	آیْ کَنْ تلْ یو دَتْ اینْ کآنفیدنْسْ	می توانم با اطمینان به شما بگویم
I can't tell the difference	آیْ کَنْتْ تلْ د دیفرنْسْ	من نمی توانم تَفاوت آن ها را بگویم
I can't place you	آیْ کَنْتْ پلیسْ یو	شما را به جا، نمی آورم
I can't place your face	آیْ کَنْتْ پلیسْ یُرفیسْ	شما را به جا، نمی آورم
I can't tell you anything	آیْ کَنْتْ تلْ یو انیثینْگْ	نمی توانم چیزی بهت بگم
I caught a cold	آیْ کآتْ اِ کُلْد	سرما خوردم
I changed my mind	آیْ چِینْجْد مَایْ مَایْند	تصمیمم را عَوض کردم
I couldn't get a hold on him	آیْ کودنْتْ گتْ اِ هُلْد آنْ هیمْ	من نتوانستم او را گیر بیاورم

- I couldn't make sense of what you said — متوجّه نشدم که چی گفتی

  آیْ کودنْتْ مِیکْ سِنْس آو واتْ یو سِد

- I count on you — آیْ کاوْنْتْ آنْ یو — رو شما حساب می کنم
- I 'd like to have a word with you — می خواهم با شما صحبت کنم-(می خوام باهات حرف بزنم)

  آیْد لایْکْ تو هَوْ ا وُرد وِیتْ یو

- I did it by myself — آیْ دید ایتْ بآیْ مآیْسِلفْ — من به تنهایی آن کار را کردم
- I didn't expect you — آیْ دیدنْتْ اِکْسْپِکْتْ یو — از شما انتظار نداشتم
- I do apologize — آیْ دو آپاُلجآیْزْ — واقعاً مَعذرت می خواهم
- I do what you say — آیْ دو وآتْ یو سِیْ — هر کاری را که بگویی انجام می دهم
- I do whatever you say — آیْ دو وآت اِوِر یو سِیْ — هر کاری را که بگویی، انجام می دهم
- I don't give a damn — آیْ دُنْتْ گیو ا دَمْ — اَهمّیتی نمی دهم
- I don't believe it — آیْ دُنْتْ بیلیوْ ایتْ — باورم نمیشه
- I don't care — آیْ دُنْتْ کِرْ — اَهمّیتی نمی دهم
- I don't feel very well — آیْ دُنْتْ فیلْ وِری وِلْ — حالم خیلی خوب نیست
- I don't have much time — آیْ دُنْتْ هَوْ ماچْ تآیْمْ — وقت زیادی ندارم
- I don't have permission — آیْ دُنْتْ هَوْ پِرْمیشِنْ — اجازه ندارم
- I don't have the face to tell her — آیْ دُنْتْ هَوْ دِ فِیسْ تو تِلْ هِرْ — روم نمیشه که بهش بگم
- I don't have the presence of mind — آیْ دُنْتْ هَوْ دِ پِرِزِنْسْ آو مآیْنْد — حُضور ذهن ندارم
- I don't have time to breathe — آیْ دُنْتْ هَوْ تآیْمْ تو بیریز — وقتِ نَفَس کشیدن (سَر خاروندن) ندارم
- I don't know what to do — آیْ دُنْتْ نُ وآتْ تو دو — نمی دانم که چکار کنم
- I don't know where I am standing — نمی دانم که وضعیتم چگونه است

  آیْ دُنْتْ نُ وِر آیْ اَمْ سْتَنْدینگْ

- I don't know whose side to take

  آیْ دُنْتْ نُ هوز سآیْد تو تِیکْ

  نمی دانم که طرف چه کسی را بگیرم - نمی دانم که هوای چه کسی را داشته باشم

- I don't remember you — آیْ دُنْتْ ریمِمْبِرْ یو — شما را به خاطر نمی آورم
- I don't think so — آیْ دُنْتْ ثینْکْ سُ — من که این طور فکر نمی کنم
- I don't understand — آیْ دُنْتْ آنْدِرسْتَنْد — متوجه نمی شوم

- I don't want to upset you — آیْ دُنْتْ وآنْتْ تو آپْسِتْ یو — نمی خواهم که تورا غمگین کنم
- I doubt it! — آیْ داوْتْ ایتْ ! — من که شک دارم !
- I enjoy reading — آیْ اینْجُیْ ریدینگ — من از خواندن لذت می برم
- I feel drowsy — آیْ فیلْ درآوْزی — احساس گیجی می کنم
- I feel honored — آیْ فیلْ آنرْدْ — احساس افتخار می کنم
- I go swimming everyday — آیْ گُ سوای مینگْ اوریدیْ — هر روز به شنا می روم
- I got a back — آیْ گاتْ ا بَکْ — جا خوردم
- I got embarrassed — آیْ گاتْ اِمْبِرسْد — دَستپاچه شُدم
- I got to go — آیْ گاتْ تو گُ — دیگه باید برم
- I got used to them — آیْ گاتْ یوزد تو دِمْ — من به آن ها عادت کردم
- I had a blast at your party! — در مهمانیِ شما، به من خیلی خوش گذشت !
  آیْ هَد ا بِلَسْتْ اَتْ یُرْ پآرتی !
- I had to get physical with him — مجبور شدم با او دعوا کنم
  آیْ هَد تو گِتْ فیزیکآلْ ویتْ هیمْ
- I hate all of you — آیْ هِیْتْ آلْ آو یو — از همه ی شما، بَدم می آید - از هَمَتون مُتنفرم
- I hate cooking — آیْ هِیْتْ کوکینگ — از آشپزی مُتنفرم
- I hate you all — آیْ هِیْتْ یو آلْ — از هَمَتون مُتنفرم
- I have a connection — آیْ هَوْ ا کآنکْشِن — یه پارتی دارم (کسی که هوایم را داشته باشد)
- I have a lot to get done — خیلی کار (عَقب مانده) دارم که انجام بدم - سَرم شلوغ است
  آیْ هَوْ ا لآتْ تو گِتْ دآنْ
- I have a query about him — آیْ هَوْ ا کواری اباوْتْ هیمْ — درمورد او تَردید دارم
- I have a surprise for you — آیْ هَوْ ا سورپرآیزْ فُرْ یو — یه خبر مُتعجب کُننده برایت دارم
- I have already done that — آیْ هَوْ آلردی دآنْ دَتْ — آن را قبلاً انجام داده ام
- I have an interest in this affair — آیْ هَوْ اَنْ اینترِسْتْ این دیسْ اَفرْ — من به این کار علاقه دارم
- I have got a headache — آیْ هَوْ گاتْ ا هداکْ — سَرم، دَرد می کُند
- I have got a stomachache — آیْ هَوْ گاتْ ا سْتآمَکْ اکْ — دل درد دارم
- I have got a toothache — آیْ هَوْ گاتْ ا توثْ اکْ — دندونم درد می کنه
- I have had sufficient — آیْ هَوْ هَد سآفیشِنْتْ — به اندازه ی کافی (غذا) خورده ام

- I have heard so much about you — درباره ات زیاد شنیده ام
  آیْ هَوْ هِرْد سُ ماَچْ اِباَوْتْ یو
- I have just eaten lunch — همین الان ناهار خوردم
  آیْ هَوْ جاَسْتْ ایتِنْ لاَنْچْ
- I have never seen her — هرگز اورا ندیده ام
  آیْ هَوْ نِوِر سینْ هِرْ
- I have no idea — نظری ندارم - فکری ندارم
  آیْ هَوْ نُ آیْدی یا
- I have no money — من پول ندارم
  آیْ هَوْ نُ ماَنی
- I have no more use for it — آن دیگه به دَردم، نمی خورد
  آیْ هَوْ نُ مُرْ یوز فُرْ ایت
- I have no objection — اعتراضی (مخالفتی) ندارم
  آیْ هَوْ نُ آبجِکْشِنْ
- I have no problem with that — مشکلی با آن ندارم
  آیْ هَوْ نُ پراَبْلِمْ ویت دَتْ
- I have nothing to be nervous about — علّتی ندارد که نگران باشم
  آیْ هَوْ ناَثینْگْ تو بی نِرْوِسْ اِباَوْتْ
- I have nothing to say — حرفی برای گفتن ندارم
  آیْ هَوْ ناَثینْگْ تو سِیْ
- I have seen that movie before — آن فیلم را قبلاً دیده ام
  آیْ هَوْ سینْ دَتْ مووی بیفُرْ
- I have to give it up — مجبورم آن را رَها کنم
  آیْ هَفْ تو گیو ایتْ آپْ
- I have to meet the dead line — مجبورم تا آخر مرحله را بروم
  آیْ هَفْ تو میتْ دِ دِد لاَیْنْ
- I haven't eaten yet — هنوز غذا نخورده ام
  آیْ هَوِنْتْ ایتِنْ یِتْ
- I haven't seen her since last week — از هفته ی گذشته تا حالا او را ندیده ام
  آیْ هَوِنْتْ سینْ هِرْ سینْس لَسْتْ ویکْ
- I haven't told you because I forgot — بهت نگفتم، چون که فراموش کردم
  آیْ هَوِنْتْ تُلْد یو بیکاَز آیْ فُرگاَتْ
- I heard you were sick — شنیدم که بیمار بودی
  آیْ هِرْد یو وِر سیکْ
- I hope everything works for the best — امیدوارم که همه چیز مُرتّب شود
  آیْ هُپْ اِوریثینْگْ وُرکْسْ فُرْ دِ بِسْتْ
- I hope in God — به خدا اُمید دارم
  آیْ هُپْ اینْ گاد
- I hope not — اُمیدوارم که این طور نباشد
  آیْ هُپْ ناَتْ
- I hope so — اُمیدوارم که این طور باشد
  آیْ هُپْ سُ
- I hope to see you again — امیدوارم که دوباره شما را ببینم
  آیْ هُپْ تو سی یو اِگِیْنْ

- I know exactly what you mean — دقیقاً می دانم که منظور شما چیست
  آیْ نُ اگْزَ کْتْلی واتْ یو مینْ
- I know her by face — آیْ نُ هرْ بآیْ فیسْ — او را از روی قیافه اش می شناسم
- I know it from A to Z — آیْ نُ ایتْ فرآمْ اِیْ تو زِد — همه ی آن را (از اول تا آخر) می دانم
- I know what you are going through! — می دونم که چه رنجی داری می کشی!
  آیْ نُ واتْ یو آر گُ اینگْ ثورو!
- I know what you mean — آیْ نو واتْ یو مینْ — می دانم منظور شما چیه
- I like reading — آیْ لآیکْ ریدینگْ — خواندن (مطالعه) را دوست دارم (در حالت کلی)
- I like to read — آیْ لآیکْ تو رید — دوست دارم، بخوانم (اکنون)
- I made her cry — آیْ مِیْد هرْ کرآیْ — گریه اش را در آوردم
- I mean business — آیْ مینْ بیزینِسْ — دارم جدّی میگم
- I miss you very much — آیْ میسْ یو وری ماچْ — دلَم خیلی برات تنگ شده
- I missed you — آیْ میسْد یو — دلم برات تنگ شد - جات خالی بود
- I once knew her well — آیْ وآنسْ نیو هرْ ولْ — یک زمانی او را خوب می شناختم
- I owe you an apologize — آیْ اُ یو اَنْ آپآلُجآیْزْ — یه مَعذرت خواهی به شما بدهکارم
- I owe you one — آیْ اُ یو وآنْ — یکی طَلبت
- I paid him back in his own coin — مثل خودش، با هاش رفتار کردم
  آیْ پِیْد هیمْ بَکْ اینْ هیزْ اُنْ کُیْنْ
- I panicked — آیْ پَنیکْتْ — از تَرس، هُل شدم
- I promise you — آیْ پرآمیسْ یو — بهت قول می دهم
- I ran out of money — آیْ رَنْ آوْتْ آو مآنی — پولم تمام شد
- I really apologize — آیْ ری یلی آپآلُجآیْزْ — واقعاً معذرت می خواهم
- I really appreciate — آیْ ری یلی آپریشی اِیْتْ — واقعاً تَشکر می کنم
- I really mean it — آیْ ری یلی مینْ ایتْ — واقعیت را میگم - واقعاً منظورم این است
- I really must go — آیْ ری یلی مآسْتْ گُ — دیگه باید بروم
- I remember it — آی ریممبِرْ ایتْ — آن را بخاطر می آورم
- I reside in Tehran — آیْ ریزآیْد این تهرآنْ — من مُقیم تهران هستم
- I rest my hope on him — آیْ رِسْتْ مآیْ هُپْ آنْ هیمْ — تمام اُمیدم، به او است

- I rest on your promise — من به وعده ی شما مُتّکی هستم (اُمیدم، به قول شماست)
  آیْ رِسْتْ آنْ یُرْ پرآمیس
- I revenged myself upon him — آیْ ریونْجْد مآیْسِلْفْ اپآنْ هیمْ — انتقام خودم را از او گرفتم
- I spoke too soon — آیْ سْپُکْ تو سون — خیلی زود قضاوت کردم
- I suppose you are off the subject — فکر می کنم که شما از موضوع خارج شدید
  آیْ سآپُزْ یو آر آفْ دِ سآبْجِکْتْ
- I swear — آیْ سوِءر — قسم می خورم . سوگند یاد می کنم
- I swim everyday — آیْ سوایْمْ اِوْریدِیْ — من هرروز شنا می کنم
- I take my hat off to you — آیْ تِیْکْ مآیْ هَتْ آفْ تو یو — بابا ای وَل – بابا خیلی کارت باحاله
- I talked her into it — آیْ تآکْتْ هِرْ این تو ایتْ — اورا با حرف، راضیش کردم
- I talked her out of it — آیْ تآکْتْ هِرْ آوْتْ آو ایتْ — اورا با حرف، مُنصرف کردم
- I think otherwise — آیْ ثینْکْ آدرواآیْزْ — من، غیراز این فکر می کنم
- I think we are getting too far with it — فکر می کنم که داریم از مسئله پَرت می شویم
  آیْ ثینْکْ وی آر گِتینْگْ تو فآر ویتْ ایتْ
- I think you pick up a cold from one of them
  آیْ ثینْکْ یو پیکْ آپْ ا کُلْد فِرآمْ وآنْ آو دِمْ
  من فکر می کنم که شما سرماخوردگی را از یکی از آن ها گرفتی
- I took a risk — آیْ توکْ ا ریسْکْ — ریسک کردم – دل به دریا زدم
- I tried my best — آیْ ترآیْد مآیْ بِسْتْ — من نهایت تلاشم را کردم
- I try to make it up — آیْ ترآیْ تو مِیْکْ ایتْ آپْ — سَعی می کنم، جُبران کُنم
- I try to stop by tonight — آیْ ترآیْ تو سْتآپْ بآیْ تونآیْتْ — سعی می کنم امشب سَری بهت بزنم
- I usually go hiking — آیْ یوژوالی گُ هآیْکینْگْ — من معمولاً به پیاده روی، می روم
- I value my reputation — آیْ وَلیو مآیْ ریپیتیْشِنْ — من برای آبروی خودم ،اَرزش می گذارم
- I waited up for her until 2 — آیْ وِیْتِد آپْ فُرْ هِرْ آنْتیلْ تو — دیر وقت، تا ساعت دو، مُنتظر او ماندم
- I want to know — آیْ وآنْتْ تو نُ — می خوام، بدانم
- I was flustered — آیْ وآز فلآسْتِرْد — هَل شُدم
- I was shocked — آیْ وآز شآکْتْ — شوکّه شُدم
- I was surprised — آیْ وآز سورپرآیْزْد — ذوق زَده شدم

- I was totally tongue-tied — آیْ وآز تُتآلی تآنْگْ - تآیْد — زبانم به کُلّی، بَند آمد
- I was worried about you — آیْ وآز وُرید اِبآوْتْ یو — نگرانت بودم
- I wasn't born yesterday (من که هالو نیستم - من که بچه نیستم) — من دیروز مُتولد نشدم
  آیْ وآزِنْتْ بُرْنْ یِسْتِرْدِیْ
- I will hang you dry — آیْ ویلْ هَنْگْ یو درآیْ — پوستت را غلفتی در می آورم
- I will just see you to the door — فقط تا دَم در، شما را بَدرَقه می کنم
  آیْ ویلْ جآسْتْ سی یو تو دِ دُر
- I will just walk you to the door — فقط تا دَم در، با شما می آیم
  آیْ ویلْ جآسْتْ وآکْ یو تو دِ دُر
- I wish I could go — آیْ ویشْ آیْ کود گُ — ای کاش می توانستم، بروم
- I wish I knew her — آیْ ویشْ آیْ نیو هِرْ — ای کاش او را می شناختم
- I wish I were you — آیْ ویشْ آیْ وِر یو — ای کاش به جای شما بودم
- I wish she were here — آیْ ویشْ شی وِر هییرْ — ای کاش او اینجا بود
- I wish the best for you — آیْ ویشْ دِ بِسْتْ فُرْ یو — بهترین ها را برایت آرزو می کنم
- I wish you all the luck in the world — تمام خوشی های دنیا را برایت آرزو دارم
  آیْ ویشْ یو آلْ دِ لآکْ اینْ دِ وُلْد
- I wish you the best — آیْ ویشْ یو دِ بِسْتْ — بهترین ها را برایت آرزو می کنم
- I wish you were here now — آیْ ویشْ یو وِر هییرْ نآوْ — ای کاش شما حالا اینجا بودید
- I would if I could — آیْ وُود ایفْ آیْ کود — ای کاش می توانستم
- I would like to be with you — آیْ وُود لآیکْ تو بی ویثْ یو — می خواهم با تو باشم
- I would like to get off anywhere here — این اطراف، هرجا که شد، پیاده می شوم
  آیْ وُود لآیکْ تو گِتْ آفْ انی ور هییرْ
- I would like to see more of you — من دوست دارم شما را بیشتر ببینم
  آیْ وُود لآیکْ تو سی مُرْ آو یو
- I'll give you my reason — آیلْ گیو یو مآیْ ریزِنْ — من دلیل خودم را به شما می گویم
- I'm going to the airport to see a friend off — من برای بَدرقه ی دوستم به فرودگاه می روم
  آیْمْ گُ اینگْ تو دِ اِرپُرْتْ تو سی اِ فِرِنْد آفْ
- I'm working like hell — آیْمْ وُرکینْگْ لآیکْ هِلْ — به سختی دارم کار می کنم

I'd like to stay at home	آید لآیک تو ستی آت هُم	می خواهم در منزل بمانم
idiot	ایدییت	آدم احمق و بی شعور
If God wills	ایف گاد ویلز	اگر خدا بخواهد
If I remember it right	ایف آی ریممبر ایت رآیت	اگر دُرست به خاطر بیاورم
If I were in your place	ایف آی ور این یُر پلیس	اگر به جای تو بودم
If I were you	ایف آی ور یو	اگر به جای تو بودم
If it is inconvenient for you	ایف ایت ایز اینکنوینیانت فُر یو	اگر برای شما اسباب زَحمت است
If you don't mind	ایف یو دُنت مآیند	اگر زحمتی نیست
If you please	ایف یو پیلیز	اگر لطف کنی
I'll be back before you know it	آیل بی بَک بیفُر یو نُ ایت	تا چشم به هم بزنی، بر می گردم
I'll be back in a flash	آیل بی بَک این اِ فلَش	تا چشم به هم بزنی، بر می گردم
I'll be back in no time	آیل بی بَک این نُ تآیم	فوراً بر می گردم
I'll be in touch with you	آیل بی این تآچ ویت یو	با شما تماس خواهم گرفت
I'll be right with you	آیل بی رآیت ویت یو	همین اَلان بهت می رسم
I'll be there in five minutes	آیل بی دِر این فآیو مینِتس	تا پنج دقیقه ی دیگه، آنجا خواهم بود
I'll be with you in a minute	آیل بی ویت یو این اِ مِنت	تا یک دقیقه ی دیگه، پیشت خواهم بود
I'll call you back	آیل کآل یو بَک	بعداً بهت زنگ می زنم
I'll give you a lift	آیل گیو یو اِ لیفت	من می رسونمت (با ماشین)
I'll give you a ride	آیل گیو یو اِ رآید	می رسونمت (با دوچرخه یا ماشین)
I'll love you forever	آیل لآو یو فُراوِر	همیشه دوستت خواهم داشت
I'll never forgive you	آیل نِور فُرگیو یو	هرگز تورا نمی بخشم
I'll pick you up	آیل پیک یو آپ	میام دنبالت (با وسیله)
I'm a great fan of you	آیم اِ گریت فَن آو یو	از ارادتمندان شما هستم
I'm afraid	آیم اَفرِید	متأسفم
I'm afraid of dogs	آیم اَفرِید آو داگز	از سگ ها می ترسم
I'm afraid, I can't help you	آیم اَفرِید، آی کَنت هِلپ یو	متأسفم، نمی تونم کمکت کنم

I'm all ears	آیْمْ آلْ ایرْز	سَر تا پا ، گوش هستم
I'm as happy as ever	آیْمْ اَز هَپی اَز اِوِر	مثل همیشه خوشحالم
I'm ashamed	آیْمْ اَشیمْد	شرمنده ام
I'm at your service	آیْمْ اَتْ یُرْ سِرویسْ	در خدمت شما هستم
I'm awfully sorry	آیْمْ آفولی سآری	واقعاً متأسفم
I'm busy	آیْمْ بیزی	گرفتارم - سَرم شلوغ است - مشغولم
I'm busy now	آیْمْ بیزی نآوْ	فعلاً گرفتارم - حالا سَرَم شلوغ است
I'm cooked	آیْمْ کُکْتْ (کوکْتْ)	دیگه بُریدم - دیگه کَم آوردم
I'm divorced	آیْمْ دیوُرسْتْ	مُتارکه کرده ام
I'm done	آیْمْ دآنْ	دیگه کارم تموم است - بیچاره شدم
I'm fed up with the work	آیْمْ فِد آپْ ویت دِ وُرک	از این کار خیلی خسته (دِلَه) شدم
I'm glad to hear it	آیْمْ گِلَد تو هیرْ ایت	از شنیدن آن خوشحالم
I'm going swimming tomorrow	آیْمْ گُ اینگْ سوای مینگْ تومآرُ	قَصد دارم، فردا به شنا بروم
I'm going to see the sights	آیْمْ گُ اینگْ تو سی دِ سآیْتسْ	قَصد دارم، جاهای دیدنی را ببینم
I'm in love with you	آیْمْ اینْ لآو ویْتْ یو	من عاشقتم - عاشقت شدم
I'm in tiptop shape	آیْمْ اینْ تیپْ تآپْ شِیْپْ	توپِ توپم - خیلی سَرحال هستم
I'm just looking	آیْمْ جآسْتْ لوکینْگْ	فقط دارم نگاه می کنم
I'm married	آیْمْ مَرید	ازدواج کرده ام
I'm not able to …	آیْمْ نآتْ اِیبِلْ تو …	من قادر نیستم …
I'm not allowed	آیْمْ نآتْ اِلآوْد	من اجازه ندارم
I'm not finished with you	آیْمْ نآتْ فینیشْتْ ویثْ یو	کارم با شما تمام نشده
I'm not kidding	آیْمْ نآتْ کیدینْگْ	شوخی نمی کنم - جِدّی می گویم
I'm not talking to you	آیْمْ نآتْ تاکینْگْ تو یو	با شما نبودم - باشما صحبت نمی کنم
I'm pleased	آیْمْ پیلیزْد	خوشحالم - مُفتخرم
I'm proud of myself	آیْمْ پِرآوْد آو مآیْ سِلْفْ	من به خودم افتخار می کنم
I'm proud of you	آیْمْ پِرآوْد آو یو	من به تو افتخار می کنم
I'm single	آیْمْ سینگِلْ	مُجرّد هستم
I'm sorry	آیْمْ سآری	متأسف هستم

I'm standing by you	آیم ستندینگ بای یو	هَوایت را دارم (کنارت ایستاده ام)
I'm sure as hell	آیم شُر از هل	صَد در صَد، مُطمئن هستم
I'm terribly sorry	آیم تریبلی ساری	واقعاً متأسفم
I'm tired because	آیم تایرد بیکاز	خسته ام، چون
I'm usually late for class on Mondays	آیم یوژوالی لیت فُر کلس آن ماندیز	معمولاً دوشنبه ها دیر به کلاس می رسم
In a very short time	این ا وری شُرت تایم	در مدت بسیار کوتاه
In a word tell me what went on	این ا وُرد تل می وات وِنت آن	خلاصه بگو که چی شد
In advance	این ادونس	از قبل
In any case	این انی کیس	در هر صورت
In due time	این دو تایم	به وقت مناسب
In my opinion	این مای آپینین	به عقیده ی من - به نَظر من
In my view	این مای ویو	به نظر من - از دید من
In plain term	این پلین ترم	به زَبان ساده
In short	این شُرت	خلاصه
In the long run	این د لانگ ران	در دراز مدت
In your presence	این یُر پرزنس	در حضور شما
Interesting painting, don't you think?	اینترستینگ پینتینگ ، دنت یو تینک؟	نقاشیِ قشنگی است، اینطور نیست؟
Is everything okay?	ایز اوریثینگ اُکی؟	آیا همه چیز مُرتّب است؟
Is he nice?	ایز هی نایس؟	آیا او مُؤدّب (نجیب) است؟
Is that enough?	ایز دَت ایناف؟	آیا کافی است؟
Is that right?	ایز دَت رایت؟	آیا درسته؟ - آیا آن درست است؟
Is that you?	ایز دَت یو؟	خودتی؟ - تویی؟
Is there anything else?	ایز دِر انیثینگ اِلس؟	چیز دیگری هست؟
It became critical	ایت بیکیم کیریتیکال	کار به جای باریک رسید
It can't be helped	ایت کَنت بی هِلپت	چاره ای نیست
It could be better	ایت کود بی بِتِر	(اوضاع) می تونست، بهتر از این ها باشه

It could be worse	ایتْ کود بی وُرسْ	(اوضاع) می تونست، بدتر از این ها باشه
It couldn't be any better	ایتْ کودنْتْ بی انی بِتِرْ	دیگه بهتر از این نمی شه
It crossed my mind	ایتْ کِراسْتْ مایْ مایْنْد	به ذِهنم خُطور کرد
It depends on you	ایتْ دیپِنْدز آنْ یو	به خودت بستگی داره
It does more harms than good	ایتْ داز مُرْ هارمْزْ دِنْ گود	ضَررش بیشتر از فایده اش است
It doesn't bother me at all	ایتْ دازِنْتْ باذِر می اَتْ آلْ	اصلاً مرا اذیّت نمی کنه
It doesn't matter	ایتْ دازِنْتْ مَتِرْ	مسئله ای نیست
It doesn't matter to me	ایتْ دازِنْتْ مَتِرْ تو می	برای من مسئله ای نیست
It doesn't suit you very much	ایتْ دازِنْتْ سوتْ یو وِری ماچْ	(آن لباس) زیاد بِهِت نمی آید
It drifts your mind away	ایتْ دیریفْتْسْ یُرْ مایْنْد اِوِیْ	آن فکر شما را مُنحرف می کند
It goes both ways	ایتْ گُزْ بُثْ ویزْ	این رابطه، دوطرفه است
It goes for me too	ایتْ گُزْ فُرْ می تو	من هم همین طور
It goes with out saying	ایتْ گُزْ ویتْ آوتْ سیْ اینگْ	واضح است
It in no matter	ایتْ ایزْ نُ مَتِرْ (مَدِر)	اشکالی ندارد
It is all over	ایتْ ایزْ آلْ اُوِر	به کلی تمام شد
It is no bad for a change	ایتْ ایزْ نُ بَد فُرْ اِ چِیْنْجْ	برای تَنوّع هم که شده، بد نیست
It is no good	ایتْ ایزْ نُ گود	خوب نیست
It is no use	ایتْ ایزْ نُ یوز	فایده ای ندارد
It is pleased to see a friend	ایتْ ایزْ پلیزْد تو سی اِ فرِنْد	دیدن یک دوست، خوشایند است
It is well worth the effort	ایتْ ایزْ وِلْ وُرثْ دِ اِفُرْتْ	به زحمتش می ارزد
It is worth	ایتْ ایزْ وُرثْ	ارزش داره
It isn't worth	ایتْ ایزِنْتْ وُرثْ	ارزشش را ندارد
It isn't worth the hassle	ایتْ ایزِنْتْ وُرثْ دِ هَسِلْ	به دَردِ سَرش نمی ارزد
It looks good on you	ایتْ لوکْسْ گود آنْ یو	(آن لباس) به شما می آید
It made me tired	ایتْ مِیْد می تایِرْد	آن مرا خسته کرد
It makes me no difference	ایتْ مِیکْسْ می نُ دیفِرِنْسْ	برای من فَرقی نمی کند

- It makes no difference to me — ایتْ مِیکْسْ نُ دیفِرِنْسْ تو می — برای من فرقی نمی کند
- It occurred to me suddenly — ایتْ آکِرْد تو می سآدِنْلی — ناگهان به ذهنم خُطور کرد
- It pays to suffer — ایتْ پِیْزْ تو سآفِرْ — به زَحمتش می اَرزد
- It rained all night — ایتْ رِیْنْد آلْ نآیْتْ — تمام شب باران بارید
- It sounds a little bit fishy — ایتْ ساوُنْدز ا لیتِلْ بیتْ فیشی — قَضیه یه کمی بو دار به نظر می رسد
- It sounds a little bit odd — ایتْ ساوُنْدز ا لیتِلْ بیتْ آد — قَضیه یه کمی عجیب به نظر میرسد
- It stands to reason that... — ایتْ سْتَنْدز تو ریزِنْ دَت ... — بَدیهی است که ...
- It was a good get away — ایتْ وآز ا گود گِتْ اوِیْ — استراحت خوبی بود
- It was a good pass time — ایت وآز ا گود پَسْ تآیْمْ — وقت گذرانی خوبی بود
- It was all my fault — ایتْ وآز آلْ مآیْ فُلْتْ — هَمه اش ، تَقصیرِ من بود
- It was cruel of him to beat you
  ایتْ وآز کوروالْ آو هیم تو بیتْ یو
  این نشان دهنده ی ظُلم او بود که تو را زَد - ظالمانه بود، که تو را زَد
- It was done in joke — ایتْ وآز دآنْ اینْ جُکْ — به شوخی این کار را کرد
- It was kind of you — ایتْ وآز کآیْنْد آو یو — لطف کردید
- It was kind of you to do it — لُطف کردید که این کار را انجام دادید
  ایتْ وآز کآیْنْد آو یو تو دو ایتْ
- It was kind of you to employ him — لطف کردید که اورا استخدام کردید
  ایتْ وآز کآیْنْد آو یو تو ایمْپْلُیْ هیمْ
- It was quite uncivilly — آن رفتار دور از آدابِ اجتماعی بود
  ایتْ وآز کوآیْتْ آنْ سیویلی
- It was quite unlike you — ایتْ وآز کوآیْتْ آنْلآیْکْ یو — از شما بَعید بود
- It was unkind — ایتْ وآز آنْکآیْنْد — بی انصافی بود
- It was unkind of you — ایتْ وآز آنْکآیْنْد آو یو — این، بی انصافیِ شما بود
- It was unkind of you to beat him — بی انصافیِ شما بود که او را زَدید
  ایت وآز آنْکآیْنْد آو یو تو بیتْ هیمْ
- It wasn't me, maybe it was my double — من نبودم، شاید یکی شبیه به من بوده
  ایتْ وآزِنْتْ می ، مِیْبی ایتْ وآز مآیْ دآبِلْ

- It wasn't me, maybe it was my look alike — من نبودم، شاید یکی شبیه به من بوده
  ایتْ وآزِنْتْ می ،مِیْبی ایتْ وآز مآیْ لوکْ اَلآیکْ
- It went out of my mind ایتْ وِنْتْ آوْتْ آو مآیْ مآیْنْد — از ذهنم پرید – از ذهنم خارج شد
- It wouldn't be too far if I say — زیاد هم بی ربط نگفته ام اگر بگویم
  ایتْ وُودِنْتْ بی تو فآر ایفْ آیْ سِیْ
- It's a nice day today, isn't it? — امروز روز خوبی است، مگه نه؟
  ایتْسْ ا نآیْس دِیْ تودِیْ، ایزِنْتْ ایتْ؟
- It's not worth the trouble ایتْسْ نآتْ وُرثْ دِ ترآبِل — به زحمتش نمی ارزد
- It's odd you didn't know ایتْسْ آد یو دیدِنْتْ نُ — عجیب است که نمی دانستی
- It's a piece of cake ایتْسْ ا پیسْ آو کِیْکْ — مثل آب خوردن (ساده است)
- It's a tiring work ایتْسْ ا تآیرینگْ وُرکْ — کارِ خسته کننده ای است
- It's about the birds and the bees — موضوع، چراغونیِ پارساله
  ایتْسْ اِبآوْتْ دِ بِرْدز اَنْد دِ بیز
- It's an open secret ایتْسْ اَنْ اُپِنْ سیکْرِتْ — این راز، بَرملا شده است
- It's as better as ever ایتْسْ اَز بِتِرْ اَز اِوِر — به خوبی همیشه
- It's better than nothing ایتْسْ بِتِرْ دَنْ نآتینگْ — از هیچی، بهتر است
- It's both fun and game ایتْسْ بُتْ فآنْ اَند گِیْمْ — هم فال است و هم تماشا
- It's hard to get a job here ایتْسْ هآرد تو گِتْ ا جآبْ هییِرْ — پیدا کردن کار در اینجا مشکل است
- It's me ایتْسْ می — مَنم – من هستم
- It's my honor ایتْسْ مآیْ آنِرْ — باعث افتخار من است
- It's my treat ایتْسْ مآیْ تیرِیتْ — مهمان من هستید – پرداخت هزینه با من است
- It's my turn ایتْسْ مآیْ تِرْنْ — نوبت من است
- It's nice to meet you ایتْسْ نآیْس تو میتْ یو — دیدار شما باعث خوشبختی است
- It's no bother at all ایتْسْ نُ بآذِرْ اَتْ آلْ — اصلاً زحمتی نیست
- It's no use crying ایتْسْ نُ یوز کِرآیْ اینگْ — گریه کردن فایده ای ندارد
- It's none of your business ایتْسْ نآنْ آو یُرْ بیزینِس — به شما ربطی ندارد
- It's not fair ایتْسْ نآتْ فِرْ — این انصاف نیست
- It's not in fashion ایتْسْ نآتْ اینْ فَشِنْ — آن مُد نیست

It's not in style	ایتْس نآتْ اینْ سْتآیْل	آن مُد نیست
It's not your business	ایتْس نآتْ یُرْ بیزینِس	به شما ربطی ندارد
It's okay with me	ایتْس اُکِیْ ویتْ می	برای من مسئله ای نیست
It's on me	ایتْس آنْ می	به حساب من است - من هزینه را می پردازم
It's on sale	ایتْس آنْ سِیْل	برای فروش (می باشد)
It's out dated	ایتْس آوْتْ دِیْتِد	آن دمُده شده - آن از مُد اُفتاده
It's out of fashion	ایتْس آوْتْ آو فَشِنْ	آن دمُده شده
It's quite the ways	ایتْس کوآیْتْ دِ وِیْز	راهش نسبتاً طولانی است
It's really kind of you	ایتْس ری یلی کآیْنْد آو یو	واقعاً نظر لطف شماست
It's really nice of you	ایتْس ری یلی نآیْس آو یو	واقعاً نظر لطف شماست
It's so sad that ...	ایتْس سُ سَد دَتْ ...	جای تأسف دارد که ...
It's time to go	ایتْس تآیْمْ تو گُ	وقت رفتن است
It's two kilometers further down	ایتْس تو کیلآمیترْز فِرْدِر دآوْن	دو کیلومتر پایین تر است
It's two kilometers further up	ایتْس تو کیلآمیترْز فِرْدِر آپْ	دوکیلومتر بالاتر است
It's up to you	ایتْس آپْ تو یو	به خودت بستگی دارد
It's way up here	ایتْس وِیْ آپْ هیِرْ	از اینجا خیلی بالاتر است
It's your fault	ایتْس یُرْ فُلْتْ	تقصیر خودت است
It's your turn	ایتْس یُرْ تِرْنْ	نوبت شما است
I've no patience with you	آیْوْ نُ پِیْشِنْس ویتْ یو	حوصله ات را ندارم
Jokes aside	جُکْس اسآیْد	از شوخی گذشته
Just a minute, please	جآسْتْ اِ مِنِتْ، پلیزْ	یک دقیقه لطفاً
Just a moment, please	جآسْتْ اِ مُمِنْتْ، پلیز	یک لحظه لطفاً
Just a second, please	جآسْتْ اِ سِکِنْد، پلیزْ	یک ثانیه لطفاً
just for the hell of it	جآسْتْ فُرْ دِ هِلْ آو ایتْ	فقط واسه خنده
Just for this odd night	جآسْتْ فُرْ دیسْ آد نآیْتْ	فقط برای این یک شب
Just hush it up from dad	جآسْتْ هآشْ ایتْ آپْ فِرآمْ دَد	فقط به بابا چیزی نگو
Keep an eye on it	کیپْ اَنْ آیْ آنْ ایتْ	چشم از آن بر ندار - مُراقب آن باش
Keep away	کیپْ اِوِیْ	دور شو

Keep in mind	کیپْ اینْ مآیْند	یادت باشه - به خاطر داشته باش
Keep in touch	کیپْ اینْ تآچْ	در تماس باش
Keep in touch with me	کیپْ اینْ تآچْ ویتْ می	با من در تماس باش
Keep it to yourself	کیپْ ایتْ تو یُرْسلْفْ	به کَسی چیزی نگو - پیش خودت بمونه
Keep it under your hat	کیپْ ایتْ آندر یُرْ هَتْ	به کَسی چیزی نگو
Keep it up	کیپْ ایتْ آپْ	همان طور به کارت، ادامه بده
Keep off the grass	کیپْ آفْ دِ گرَسْ	وارد چَمن نشوید
Keep quiet	کیپْ کوآیتْ	ساکت باش - بی سرو صدا
Keep talking	کیپْ تآکینْگْ	به صُحبتت ادامه بده
Keep trying	کیپْ ترآیْاینگْ	به تَلاشت ادامه بده - باز هم ، سَعی کُن
Keep writing	کیپْ رآیْتینگْ	به نوشتن، ادامه بده
Keep your mouth shut	کیپْ یُرْ مآوْثْ شآتْ	دَهنت را ببند - صحبت نکن
Knock it off	ناکْ ایتْ آفْ	تَمومش کُن
Knock on your desk	ناکْ آنْ یُرْ دسْکْ	بزن روی میزت
Knowing this	نُ اینگْ دیسْ	با دانستن این (موضوع)
Ladies and Gentlemen	لِیدیزْ آند جنتلمن	خانم ها و آقایان
Ladies first	لِیدیزْ فرْسْتْ	خانم ها مُقدم ترند - اول خانم ها
Leave it to me	لیو ایتْ تو می	آن را به عُهده ی من بگذار
Leave it up to me	لیو ایتْ آپْ تو می	بگذارش به عهده ی من
Leave me alone	لیو می الُنْ	منو تنها بگذار - ولَم کُن
Lend me	لِنْد می	به من قَرض بده
Let her know	لتْ هِرْ نُ	خوب است که او هم بداند
Let him go	لتْ هیمْ گُ	اجازه بدهید او برود - بذار بِرِ - ولش کُن، بِرِ
Let me go	لتْ می گُ	اجازه بده، برم - ولم کُن، برم
Let me help you	لتْ می هلْپْ یو	بگذار کمکت کنم
Let me know	لتْ می نُ	به من بگو - اجازه بده که من بدانم - بگذار بدونم
Let me see	لتْ می سی	اجازه بده ببینم - بگذار ببینم

- Let me tell it direct and forward — اجازه بدهید رُک و رو راست به شما بگویم
  لِتْ می تِلْ ایت دیرِکْتْ اَند فُروآرد
- Let me tell you — لِتْ می تِلْ یو — اجازه بده بهت بگم
- Let 's start — لِتس سْتآرتْ — بیا شروع کنیم
- Let's play, shall we? — لِتسْ پِلِیْ، شَلْ وی؟ — بیا بازی، می آیی؟
- Let's get a feel of the place! — لِتسْ گِتْ ا فیلْ آو دِ پِلِیْسْ! — بیا یه سر و گوشی آب بدهیم
- Let's get out of here — لِتسْ گِتْ آوْتْ آو هییِرْ — بیا از اینجا بریم بیرون
- Let's get to the point straight away — اجازه بدهید مستقیم برویم سَرِ اَصلِ مطلب
  لِتسْ گِتْ تو دِ پُوْئِنْتْ سْتْرِیْتْ اِوِیْ
- Let's get together — لِتسْ گِتْ توگِدِر — بیا با هم باشیم - بیا دور هم باشیم
- Let's get together tonight — لِتسْ گِتْ توگِدِر تونآیْتْ — بیا امشب دور هم باشیم
- Let's go — لِتسْ گُوْ — بزن بریم - بیا بریم
- Let's go back — لِتسْ گُوْ بَکْ — بیا بَرگردیم
- Let's go half and half — لِتسْ گُوْ هَفْ اَند هَفْ — هر کَسی سَهمِ (دُنگِ) خودش را بدهد
- Let's go to the movies. It'll take your mind off troubles
  لِتسْ گُوْ تو دِ موویزْ. ایتْ ایلْ تِیْکْ یُرْ مآیْنْد آفْ تِرآبِلْزْ
  بیا بریم سینما. آن باعث می شود که از فکر مشکلات بیرون بیایی
- Let's just drop it — لِتسْ جاسْتْ دِرآپْ ایتْ — بهتر است تَمومش کنیم - وِلش کُن
- Let's stop kidding ourselves — لِتسْ سْتآپْ کیدینگْ آوِرسِلْوْزْ — بیا خودمان را گول نزنیم
- Let's take a nap — لِتسْ تِیْکْ ا نَپْ — بیا یه چُرتی بزنیم
- Lie down here — لآیْ دآوْنْ هییِرْ — همین جا دراز بِکش
- Lie down on the back — لآیْ دآوْنْ آنْ دِ بَکْ — روی زمین به پشت دراز بِکش
- Lie down on the face — لآیْ دآوْنْ آنْ دِ فِیْسْ — روی زمین دَمَر دراز بِکش
- Lie like a rug! — لآیْ لآیْکْ ا رآگْ! — دُروغ به این بزرگی !
- Like a fish out of water — مثل یه ماهیِ بیرون از آب (مثل مُرغِ پَر کنده)
  لآیْکْ ا فیشْ آوْتْ آو وآتِرْ
- like hell — لآیْکْ هِلْ — مثل جَهنَم (hell عامیانه به معنای خیلی زیاد، می باشد)
- Like the man says — لآیْکْ دِ مَنْ سِیْزْ — به قول یارو گُفتنی

Listen to me	لیسِنْ تو می	به من گوش بده
Little by little	لیتِلْ بآیْ لیتِلْ	کم کم - یواش یواش
Live on your effort	لِو (لیو) آنْ یُرْ اِفُرْتْ	نانِ بازویت را بخور
Long after	لآنگْ اَفْتِرْ	مدت ها پس از آن
Look out	لوکْ آوْتْ	بپا - مواظب باش
Luck wasn't on her side	لَاکْ وآزِنْتْ آنْ هِرْ سآیْد	بَخت با او یار نبود
Lucky you	لآکی یو	خوش به حالت
Make a phone call to me	مِیْکْ اِ فُنْ کاآلْ تو می	یه زنگی به من بزن
Make fun of yourself	مِیْکْ فآنْ آو یُرْسِلْفْ	خودت را مسخره کُن
Make up your mind	مِیْکْ آپْ یُرْ مآیْنْد	فکرهایت را بکن - تصمیمت را بگیر
Make your own decision	مِیْکْ یُرْ اُنْ دیسیژِنْ	تصمیم خودت را بگیر
Make your will	مِیْکْ یُرْ ویلْ	وصیّت را بکن
Make yourself at home	مِیْکْ یُرْسِلْفْ اَتْ هُمْ	فکر کن اینجا خانه ی خودت است
Many happy returns	مِنی هَپی ریتِرْنْز	صَد سال به، از این سال ها
May God bless you if	مِیْ گآد بِلِسْ یو ایفْ	خدا بِهِت رَحم کُنه اگه
May I have a message?	مِیْ آیْ هَوْ اِ مِسِجْ ؟	می توانم یه پیغام بِگذارم؟
May I have your attention, please?	مِیْ آیْ هَوْ یُرْ اَتِنْشِنْ، پیلیزْ؟	میشه لطفاً توجه کنی؟
May I help you?	مِیْ آیْ هِلْپْ یو ؟	اجازه هست کمکت کنم؟
May I take a message?	مِیْ آیْ تِیْکْ اِ مِسِجْ ؟	می توانم پیغامتان را بگیرم؟
May I trouble you for the salt?	مِیْ آیْ ترآبِلْ یو فُرْ دِ ساآلْتْ ؟	ممکن است زَحمت بکشید و نمک را بدهید
May you never see a bad day	مِیْ یو نِوِر سی اِ بَد دِیْ	چِشمت روز بد نَبینه
Mind if I join you?	مآیْنْد ایف آیْ جُیْنْ یو ؟	اشکالی دارد اگر به شما مُلحق بشوم؟
Mind you that	مآیْنْد یو دَتْ	یادت باشه که
More or less	مُرْ اُر لِسْ	کَم و بیش
My dad went for that	مآیْ دَد وِنْتْ فُرْ دَتْ	پدرم آن را پذیرفت
My English is poor	مآیْ اینگلیشْ ایزْ پور	انگلیسیِ من ضعیف است
My eyes aren't acting up	مآیْ آیْزْ آرِنْتْ اَکْتینگْ آپْ	چشم هایم خوب نمی بینند

My faculty doesn't function well	مایْ فَکُلتی دازِنْتْ فانْکْشِنْ وِلْ	فکرم خوب کار نمی کند
My goodness!	مای گودنِسْ!	خدای من !
My heart is bleeding	مایْ هارتْ ایزْ بلیدینْگْ	دلم خیلی خون است
My heart is heavy	مایْ هارتْ ایزْ هوی	حالم گرفته - دلم گرفته
My house is far from here	مایْ هاوْسْ ایزْ فار فرامْ هییرْ	خانه ام از اینجا دور است
My memory doesn't serve me best	مایْ مِمُری دازِنْتْ سِرْوْ می بِسْتْ	حافظه مرا یاری نمی کند - چیزی یادم نمی آید
My memory fails me	مایْ مِمُری فِیْلْزْ می	حافظه مرا یاری نمی کند
My memory keeps wandering	مایْ مِمُری کیپْسْ واندرینْگْ	حَواسم دائماً پَرت میشه
My mind wandered for a second	مایْ مایْنْد واندرد فُرْ ا سکنْد	یک لحظه حَواسم پَرت شد
My mind went blank	مایْ مایْنْد وِنْتْ بلَنْکْ	همه چیز از ذهنم پَرید
My pocket has been picked	مایْ پاکِتْ هَزْ بین پیکْتْ	جیبم را زدند
Neither this nor that	نیدِر دیسْ نُرْ دَتْ	نه این نه آن
Never mind	نِوِر مایْنْد	اشکالی ندارد - مهم نیست - بی خیال
News flies apace	نیوز فلایْزْ اِپِیْسْ	خبر زود مُنتشر می شود
Nice guy	نایْسْ گایْ	چه آدم خوبی
Nice having you around with us	نایْسْ هَوینْگْ یو اَراوْنْد ویت آسْ	باعث خوشحالی است که شما پیش ما هستید
Nice job	نایْسْ جابْ	خسته نباشی - آفرین - کارت خوب بود
Nice meeting you	نایْسْ میتینْگْ یو	ملاقات شما باعث خوشحالیم شد
Nice party, isn't it?	نایْسْ پارتی، ایزِنْتْ ایتْ؟	جَشن خوبی است، مگه نه؟
Nice to meet you	نایْسْ تو میتْ یو	از دیدارتان خوشحال شدم
Nice to see you	نایْسْ تو سی یو	از دیدنتان خوشحال شدم
Nice to see you again	نایْسْ تو سی یو اِگِیْن	از دیدار دوباره ی شما خوشحالم
No buts and ifs!	نُ باتْس آنْد ایفْس!	دیگه، اگه و اَمّا نداره
No complain	نُ کامْپْلِیْنْ	گله ای نیست - شکایتی ندارم
No doubt	نُ داوْتْ	بدون شک - بدون تَردید
No matter how you do it	نُ مَتِرْ هاوْ یو دو ایتْ	مهم نیست که چطوری انجامش میدی

No matter when you come	نُ مَتِرْ وِنْ یو کآمْ	مهم نیست که چه موقع می آیی
No matter where you go	نُ مَتِرْ وِر یو گُ	مهم نیست که کجا می روی
No matter who comes	نُ مَتِرْ هو کآمْزْ	مهم نیست که چه کسی می آید
No matter who you are	نُ مَتِرْ هو یو آر	مهم نیست که چه کسی هستی
No offense man	نُ آفِنْسْ مَنْ	آقا، منظور بدی نداشتم
No problem	نُ پِرآبْلِمْ	مشکلی نیست
No spitting	نُ سْپیتینگْ	تُف انداختن، ممنوع
No sweat	نُ سواتْ	کاری نداره - آسونه
No sweat man!	نُ سواتْ مَنْ!	بابا بی خیال !
No time for jawing	نُ تآیْمْ فُرْ جآاینگْ (جُاینگْ)	وقت برای وراجی نیست (فَک زدن، ممنوع)
No trouble	نُ تِرآبِلْ	زحمتی نیست
No way	نُ وِیْ	راهی نداری
No, he's never nice	نُ، هیزْ نِوِر نآیْسْ	نه، او اصلاً آدم خوبی نیست
No, I'm often late	نُ، آیْمْ آفِنْ لِیْتْ	نه ، من اَغلب دیر می رسم
No, more's the pity !	نُ، مُرْزْ دِ پیتی !	نه، متأسفانه!
No, Sir	نُ، سِرْ	نه آقا - نه قربان
Nobody move	نُبآدی مووْ	هیچ کس از جایش، تکان نخورد
None of that	نآنْ آو دَتْ	دیگه تکرار نشه - دیگه نبینم ها
None of them	نآنْ آو دِمْ	هیچ کُدامشان - هیچ یک از آن ها
None of your business	نآنْ آو یُرْ بیزینِسْ	به تو رَبطی ندارد
None taken	نآنْ تِیْکِنْ	من هم به دِل نگرفتم
Not a word to any one	نآتْ اِ وُرد تو اِنی وآنْ	به کسی چیزی نگو
Not at all	نآتْ اَتْ آلْ	به هیچ وجه - اصلاً
Not bad	نآتْ بَد	بد نیست
Not care at all	نآتْ کِرْ اَتْ آلْ	اصلاً اهمیت نده
Not give a damn	نآتْ گیو اِ دَمْ	اصلاً اهمیت نده
Not me	نآتْ می	من اَهلش نیستم - من این کاره نیستم
Not trouble at all	نآتْ ترابِلْ اَتْ آلْ	اصلاً زَحمتی نیست

Note his conduct	نُتْ هیزْ کَنْداکْتْ	مراقب رفتارش باش
Nothing	نآثینْگْ	هیچی
Nothing happened	نآثینْگْ هَپِنْد	هیچ اتفاقی رُخ نداد
Nothing important	نآثینْگْ ایمْپُرْتَنْتْ	چیز (خبر) مهمی نیست
Nothing serious	نآثینْگْ سیرییِسْ	چیز (مسئله ی) جدّی ای نیست
Nothing special	نآثینْگْ سْپِشَلْ	چیز (خبر) خاصّی نیست
Of course	آفْکُرْسْ	اَلبته
Off with his head	آفْ ویتْ هیزْ هِد	سَرِش را از تَنِش، جدا کنید
Oh my God	اُه مآیْ گآد	اُه خدای من
Oh, shit	اُه، شِتْ	اُه ، لعنتی
Oh. Come off it!	اُه. کآمْ آفْ ایتْ!	اُه . دست وردار بابا ! - اُه. بی خیال بابا !
Oil and water don't mix	اُیلْ آند وآتِرْ دُنْتْ میکْسْ	آبشان توی یک جوی، نمی رود
ok	اُکی	باشه - خُب - خوب است - بسیار خوب
On a long-term bases	آنْ ا لآنْگْ - تِرْمْ بِیْسِزْ	در دراز مدت
On a second	آنْ ا سِکَنْد	در یک ثانیه - در یک چشم به هم زدن
On the contrary	آنْ د کآنْتْرِری	برعکس - معکوس - مخالف
On the instant	آنْ د اینْسْتَنْتْ	یک لحظه
On the other hand	آن د (دی) آدِرْ هَنْد	به عبارت دیگر
Once a month	وآنْسْ ا مآنْثْ	یک بار در ماه
Once a week	وآنْسْ ا ویکْ	یک بار در هفته
Once a year	وآنْسْ ا یِرْ	یک بار در سال
Once again	وآنْسْ اگِیْنْ	یه بار دیگه
Once and for all	وآنْسْ اَنْد فُرْ آلْ	یک بار برای همیشه
Once more	وآنْسْ مُرْ	یکی دیگه
Once upon a time	وآنْسْ اپآنْ ا تآیْمْ	روزی روزگاری - یه زمانی - یکی بود یکی نبود
One by one	وآنْ بآیْ وآنْ	یکی یکی
One final thing	وآنْ فآیْنآلْ ثینْگْ	یه چیز دیگه
One final word	وآنْ فآیْنآلْ وُرد	حرف آخر - خَتم کَلام

One moment, please	وآنْ مُمِنْتْ، پلیزْ	یه لحظه، لطفاً - لطفاً یک لحظه صبر کنید
One more thing	وآنْ مُرْ ثینگْ	یه چیز دیگه
One more time	وآنْ مُرْ تآیْمْ	یک بار دیگر
One of them	وآنْ آو دِمْ	یکی از آنها
One of us	وآنْ آو آسْ	یکی از ما
One of you	وآنْ آو یو	یکی از شما
One of your friends	وآنْ آو یُرْ فرِنْدز	یکی از دوستانت
Over and over again	اُور آنْد اُور اَگِیْنْ	بارها و بارها
Over your head	اُور یُرْ هِد	از سَرت هم زیاد است
Pack it in	پَکْ ایتْ اینْ	جَمع و جورکُن (و برو)
Pardon me	پآرْدُنْ می	مرا ببخشید - معذرت می خواهم - متوجه نشدم
Pay attention, please	پِیْ اَتِنْشِنْ، پلیزْ	لطفاً توجه کنید
Pity melted my heart	پیتی مِلْتِد مآیْ هآرتْ	دلم براش کباب شد
Place a call to me	پلِیْسْ اِ کآلْ تو می	یه زنگی به من بزن
Place a phone call to me	پلِیْسْ اِ فُنْ کآلْ تو می	یه زنگی به من بزن
Please	پلیزْ	لطفاً - خواهش می کنم
Please keep an eye on my bag	پلیزْ کیپْ اَنْ آیْ آنْ مآیْ بَگْ	لطفاً مواظب کیف من باش
Please send me the chambermaid	پلیزْ سِنْد می دِ چِیْمبِرْمِیْد	لطفاً خَدمه ی اُتاق را پیش من بفرستید
Please speak louder	پلیزْ سْپیکْ لوْدِر	لطفاً بلند تر صحبت کنید
Pleased to meet you	پلیزْد تو میتْ یو	از دیدنتان خوشحال شدم
Praise is to God	پرِیْزْ ایزْ تو گآد	خدا را شُکر
Put it on my tap	پوتْ ایتْ آنْ مآیْ تَپْ	به حساب من بزن - بذار پا حسابم
Put yourself together	پوتْ یُرْسِلْفْ توگِدِر	به خودت، مُسلط باش
Quite so	کوآیْتْ سُ	همین طور است که می فرمایید
Reason with me	ریزِنْ ویتْ می	با دلیل با من صحبت کن
Remember me to him	ریمِمْبِرْ می تو هیمْ	مرا به یاد او بنداز

Remind me	ریمآیند می	مرا به خاطر بیاور
Right now	رآیت ناو	همین الان - همین حالا
Run away	رآن اوی	فرار کُن
Say cheese	سِی چیز	بگو (پنیر) هُلو
Say my hello to him	سِی مآی هِل تو هیم	سلام مرا، به او برسان
Say no more	سِی نُ مُر	بس کُن - دیگه حرف نزن
Say nothing	سِی ناثینگ	هیچی نگو - جیکت در نیاد
Say nothing of it man!	سِی ناثینگ آو ایت مَن !	رفیق اصلاً حرفش هم نزن ! - قابلی ندارد !
Say something	سِی سآم ثینگ	به چیزی بگو
Say your prayers	سِی یُر پریرز	آشهدت را بگو - (نمازت را بخوان)
See the notes for further information	سی دِ نُتس فُر فِردر اینفُرمِیشن	برای اطلاعات بیشتر به یادداشت ها مراجعه کنید
See you	سی یو	می بینمت - به اُمید دیدار
See you later	سی یو لِیتر	بعداً می بینمت
See you then	سی یو دن	بعداً می بینمت - پس تا بعد
See you tomorrow	سی یو تومآرُ	فردا می بینمت
Send your father my regards	سِند یُر فآدر مآی ریگآردز	به پدرت سلام مرا برسان
Set the price of it, please	سِت دِ پرآیس آو ایت، پیلیز	لطفاً قیمت آن را تعیین کنید
Shall I help you?	شَل آی هِلپ یو ؟	می خواهی کمکت کنم؟
Shall we go to the cinema?	شَل وی گُ تو دِ سینمآ ؟	می آیی برویم سینما؟
She designs to be a lawyer	شی دیزآینز تو بی اِ لُیِر	قصد دارد که وکیل شود
She feels funny today	شی فیلز فآنی تودی	او امروز یه جورایی سَرحال (شَنگول) است
She feels so resentful of him	شی فیلز سُ ریزِنت فول آو هیم	خانم از او خیلی دلخور است
She has her job on the line	شی هَز هِر جآب آن دِ لآین	شُغلش در خطر است - مُمکنه شُغلش را از دست بده
She is a decent girl	شی ایز اِ دیسِنت گِرل	او دختر نَجیبی است
She is a friend all around	شی ایز اِ فرِند آل اَرآوند	او همه رقمه یه دوست است

- she is a nonsense and some — او آدم مُزخرفی است، یه چیزی هم بیشتر
  شی ایز ا نآنسِنس آند سآمْ
- She is a super duper friend — شی ایزْ ا سوپِرْ دوپِرْ فرِنْد — او یه دوست تمام عَیار است
- She is about to go — شی ایزْ اباَوْتْ تو گُ — او عازم رفتن است
- She is always in time — شی ایز آلویزْ اینْ تآیمْ — او همیشه کمی زودتر می رسد
- She is always on the ball — شی ایز آلویزْ آنْ دِ بآلْ — او همیشه مشغول یه کاری جدید است
- She is always on time — شی ایز آلویزْ آنْ تآیمْ — او همیشه سَر وقت می رسد
- She is always up to something — او همیشه مشغول یه کاری است
  شی ایزْ آلویزْ آپْ تو سآمْثینْگْ
- She is dishonest and I want out now — او صداقت ندارد و من می خواهم از دستش خَلاص شوم
  شی ایزْ دیسآنِسْتْ آند آیْ وآنْتْ آوتْ نآوْ
- She is free on Sundays — شی ایز فیری آنْ سآندیزْ — او یکشنبه ها وقت آزاد دارد
- she is kind, yet very exact — او مهربان است، و با این حال خیلی دقیق و سختگیر
  شی ایزْ کآیْند، یِتْ وِری اِگزَکْتْ
- She is looking a bit under par — او یه کمی بدحال و ناخوش به نظر می آ ید
  شی ایزْ لوکینْگْ ا بیتْ آندِر پآر
- She is poor — شی ایزْ پور — او فقیر است
- She is punctual — شی ایزْ پآنْکْ چوآلْ — او وقت شناس است
- She is quick to answer — شی ایزْ کوای کْ تو آنسِرْ — او حاضر جواب است
- She is rich — شی ایزْ ریچْ — او ثروتمند است
- She is shyness — شی ایزْ شآیْنِسْ — او خجالتی است
- She is so talkative — شی ایزْ سُ تآکتیوْ — او خیلی پُر حرف (وراّج) است
- She is very proud — شی ایزْ وری پرآوْدْ — او خیلی مَغرور است
- She is very nervous — شی ایزْ وری نِرْوِسْ — او خیلی عَصبی است
- She is watching me all the time like a hawk
  شی ایزْ وآچینْگْ می آلْ دِ تآیمْ لآیْکْ ا هآکْ
  او همیشه من را مثل عُقاب (شاهین) تحت نظر دارد
- She just comes up with — شی جآسْتْ کآمْزْ آپْ ویِتْ — او همیشه بهانه گیر است

- She made such a scene in public — اون تو در و همسایه، چنان آبرو ریزی راه انداخت که نگو
  شی مِید ساچْ اِ سینْ اینْ پَآبلیکْ
- She never eats meat — شی نِور ایتْسْ میتْ — او هرگز گوشت نمی خورد
- She offered to help me — شی آفِرْدْ تو هِلْپْ می — او به من پیشنهاد کمک داد
- She promised to come, but she never showed up
  شی پرآمیسْدْ تو کآمْ، بآتْ شی نِور شُدْ آپْ
  او قول داد که بیاید اما هرگز خودش را آفتابی نکرد
- She put me into the spot — شی پوتْ می این تو دِ سْپآتْ — او مرا در رودربایستی گذاشت
- She ran away from there — شی رَنْ اِوِیْ فرآمْ دِر — او از آنجا گُریخت
- She said the word — شی سِد دِ وُرد — او موافقت کرد
- She sat in silence — شی سَتْ اینْ سآیْلِنْسْ — او ساکت نشست
- She scowls — شی سْکآوْلْزْ — او اَخم می کند – او تُرشرویی می کند
- She set me up for this — شی سِتْ می آپْ فُرْ دیسْ — او برای من، پاپوش درست کرد
- She smiles through everything — او با خوش رویی، مسائل را حَل می کند
  شی سْمآیْلْزْ ثورو اِوْریثینگْ
- She speaks much — شی سْپیکْسْ مآچْ — او زیاد حرف می زند
- she stayed up late — شی سْتِیْد آپْ لِیْتْ — تا دیر وقت بیدار ماند
- She talked my ear off for an hour
  شی تآکْتْ مآیْ ایرْ آفْ فُرْ اَنْ آور
  او یه ساعت تمام مُخَم را کار گرفته بود (در گوشم حَرف می زد)
- She talks through everything — شی تآکْسْ ثورو اِوْری ثینگْ — او با صحبت مسائل را حل می کند
- She was excited — شی وآز اِکْسآیْتِد — او هیجان زده شد
- She was her family's pride — شی وآز هِرْ فَمیلیزْ پرآیْد — او باعثِ سرافرازی خانواده اش بود
- She was lost — شی وآز لآسْتْ — او گُم شد
- She was out of luck — شی وآز آوْتْ آو لآکْ — او خوش شانس نبود
- she was up late — شی وآز آپْ لِیْتْ — تا دیر وقت بیدار بود
- She wasn't right fat — شی وآزِنْتْ رآیْتْ فَتْ — او خیلی هم چاق نبود
- She wasn't lucky — شی وآزِنْتْ لآکی — او خوش شانس نبود

* She whispered me to stay شی ویسْپِرْد می تو سْتِیْ او آهسته به من گفت که بمانم
* she would like to stand out او دوست دارد تو چشم باشد - او دوست دارد که خودی نشان دهد
  شی وُود لآیکْ تو سْتَنْد آوْتْ
* She's blowing some steam on داره عقده ی دلش را خالی میکنه
  شیزْ بِلُ اینگْ سآمْ سْتیمْ آنْ
* She's clapping شیزْ کِلَپینگْ او داره دست میزنه
* She's my body body شیزْ مآیْ بآدی بآدی او دوست جون جونی من است
* She's my chum chum شیزْ مآیْ چآمْ چآمْ او دوست جون جونی من است
* She's not in a high spirit today امروز از نظر روحی سَر حال نیست
  شیزْ نآتْ اینْ ا هآیْ سْپیریتْ تودِیْ
* She's not in the good mood today امروز زیاد حال و حوصله ندارد
  شیزْ نآتْ این د گود مود تودِیْ
* She's reading my letter شیزْ ریدینگْ مآیْ لِتِرْ او داره نامه ی مَنو می خونه
* She's scarcely 17 years old شیزْ سْکِرْسْلی سِوِنْتینْ یرزْ آلْد او هنوز هفده ساله نشده است
* She's singing شیزْ سینگینگْ او داره آواز می خونه
* She's speaking her heart شیزْ سْپیکینگْ هِرْ هآرتْ داره حرفِ دلشو، می زنه
* Shut up شآتْ آپْ خفه شو
* Since he went سینْسْ هی وِنْتْ از وقتی که رفته
* Since I last saw her سینْسْ آیْ لَسْتْ سآ هِرْ از آخرین باری که او را دیدم
* Since I last went to his house از آخرین باری که به خانه ی او رفتم
  سینْسْ آیْ لَسْتْ وِنْتْ تو هیزْ هآوْسْ
* Since when? سینْسْ وِنْ؟ از کی تا حالا؟
* Since when have you been here? سینْسْ وِنْ هَوْ یو بینْ هییرْ؟ از کی تا حالا اینجایی؟
* Sink or swim سینْکْ اُر سوایمْ هرچه باداباد
* Sit down, please سیتْ دآوْنْ، پیلیزْ لطفاً بفرمایید بنشینید
* Slap the cuffs on him سْلَپْ د کآفْسْ آنْ هیمْ به او دَستبند بزنید
* sleepy سْلیپی خواب آلو - چُرتی
* Slip no advantage سْلِپْ (سْلیپْ) نُ اَدوَنْتیج هیچ فُرصتی را از دست نده

Smoking prohibited	سْمُکینگْ پرُهیبیتد	استعمال دُخانیات ممنوع است
So long	سُ لآنگْ	به آرزوی دیدار - تا بعد - خدا حافظ
So much the better	سُ مآچْ دِ بِتِرْ	چه بهتر - هرچه بیشتر، بهتر
So so	سُ سُ	ای، بد نیستم - نه خوب نه بد
So what?	سُ وآتْ؟	که چی؟
Somebody help me, please	سآمْ بآدی هِلْپْ می، پلیزْ	لطفاً یه نفر به من کمک کنه
somehow	سآمْ هآوْ	یه طوری - یه طریقی - هر جور هست
Somewhat	سآمْ وآتْ	قَدری - اَندکی
Somewhere	سآمْ وِر	یه جایی
Sooner or later	سونِرْ اُر لِیتِرْ	دیر یا زود
Sorry bothered you	سآری بآذِرد یو	ببخشید که شما را اَذیّت کردم
Sorry for cutting you off	سآری فُرْ کآتینگْ یو آفْ	ببخشید که حرف شما را قَطع می کنم
Sorry to bother you	سآری تو بآذِر یو	ببخشید که شما را به زحمت می اندازم
Sorry to interrupt you	سآری تو اینترآپْتْ یو	ببخشید که حرف شما را قَطع می کنم
Sorry, I didn't get it	سآری، آیْ دیدِنْتْ گِتْ ایتْ	ببخشید، متوجه (ی منظورتان) نشدم
Sorry, I didn't get the hint	سآری، آیْ دیدِنْتْ گِتْ دِ هینْتْ	ببخشید، منظورتان را نگرفتم
Sorry, you got the wrong number	سآری، یو گآتْ دِ رآنگْ نآمْبِرْ	ببخشید، شماره ی اشتباهی گرفتید
Sorry,I took you for your brother	سآری، آیْ توکْ یو فُرْ یُرْ برآدِر	ببخشید، شما را با برادرتان اشتباه گرفتم
Spare my blushes	سْپِرْ مآیْ بلآشِزْ	خجالتم ندهید
Speak up	سْپیکْ آپْ	بلند تر صحبت کنید
Speak your heart	سْپیکْ یُرْ هآرتْ	حرف دلت را بزن
Stand still	سْتَنْد سْتیلْ	بی حرکت
Stay a little	سْتِیْ اِ لیتِلْ	کمی صَبر کنید
Stay alive	سْتِیْ اَلآیْوْ	زنده بمان
Stay away	سْتِیْ اَوِیْ	دور شوید - نزدیک نشوید
Stay overtime	سْتِیْ اُورتآیْم	اضافه کاری ماندن

Stop horsing around	سْتآپْ هُرْسینگْ اَرآوْند	دیگه مَسخره بازی درنیار
Stop wolfing down your food	سْتآپْ وُلْفینْگْ دآوْنْ یُرْ فود	یَواش تر غذا بخور، چه خَبرته - دیگه مثل گُرگ، غذا نَخو
Stop being so noisy	سْتآپْ بینگْ سُ نُیْزی	این قدر سر و صدا نکن
Stop being such a baby	سْتآپْ بینگْ ساچْ اِ بِیْبی	بچه بازی در نیار - این قدر بچه نشو
Stop fooling around	سْتآپْ فولینْگْ اَرآوْند	دیگه مسخره بازی در نیار
Stop it	سْتآپْ ایتْ	دیگه بس کن
Stop pulling my leg	سْتآپْ پولینْگْ مآیْ لِگْ	دیگه سَر به سَرم نگذار- این قدر اَذیّت نکن
Stop quarreling	سْتآپْ کوآرِلینْگْ	دیگه دعوا نکن
Stop ragging on her!	سْتآپْ رَگینْگْ آنْ هِرْ!	! دیگه مُزاحم او نَشو ! - دیگه او را دَست نینداز
Stop smoking	سْتآپْ سْمُکینْگْ	دیگه سیگار نَکش
Stop telling me what to do	سْتآپْ تِلینْگْ می وآتْ تو دو	اینقدر به من نگو که چکار کنم
Stop that silly argument	سْتآپْ دَتْ سیلی آرگیومِنْتْ	اون گفتگوی احمقانه را تمام کن
Stop your fooling	سْتآپْ یُرْ فولینْگْ	مَسخره بازی در نیار
Such a mess!	ساچْ اِ مِسْ!	! چه افتضاحی ! - عجب بی نَظمی ای
sure	شُرْ	حتماً - مطمئناً - البته
swear to God	سوءِر تو گآد	به خدا قسم
Take a nap	تِیکْ اِ نَپْ	چُرتی بزن
Take a nap for an hour	تِیکْ اِ نَپْ فُرْ آنْ آور	یه ساعت، یه چُرتی بزن
Take a seat,please	تِیک اِ سیتْ، پیلیزْ	لطفاً بفرمایید بنشینید
Take care	تِیکْ کِرْ	مواظب باش - مُراقب باش
Take care of your mother	تِیکْ کِرْ آو یُرْ مآدر	از مادرت مواظبت کن
Take his example	تِیکْ هیزْ اِگْزَمْپل	از او سرمشق بگیر
Take it as you like	تِیکْ ایتْ آز یو لآیْکْ	هر جوری که می خواهی برداشت کن
Take it easy	تِیکْ ایتْ ایزی	بی خیال - سخت نگیر - آسون بگیر
Take it off the table	تِیکْ ایتْ آفْ د تِیْبل	آن را از روی میز بردارید
Take my advice	تِیکْ مآیْ اَدوآیْس	نصیحت مرا گوش کن - به حرفم گوش بده
Take this way	تِیکْ دیسْ وِیْ	از این راه بروید

- Take your anger out on someone else — عصبانیتت را ببَر رو به شخص دیگه خالی کُن
  تِیکْ یُرْ اَنگرْ آوْتْ آنْ سامْوآنْ اِلسْ
- Take your hands off me — تِیکْ یُرْ هَندز آفْ می — دستت را بنداز - دستت را بردار
- Take your turn — تِیکْ یُرْ تِرْنْ — نوبت را رعایت کُن
- Taking photograph is prohibited — تِیکینگْ فُتگرَفْ ایزْ پرُهیبیتِد — عکاسی ممنوع است
- Tell me — تِلْ می — به من بگو
- Tell me about that girl — تِلْ می اِباوْتْ دَتْ گِرْلْ — به من در مورد آن دختر، بگو
- Tell me something — تِلْ می سامْ‌ثینگْ — به من یه چیزی بگو
- Telling lies is one of her faults — دروغ گویی یکی از معایب اوست
  تلینگْ لایْزْ ایزْ وآنْ آو هِرْ فُلْتسْ
- Ten dollars — تِنْ دالِرز — ده دُلار
- Thank God — تَنکْ گاد — خدا را شُکر
- Thank heavens — تَنکْ هِوِنْز — خدا را شکر
- Thank you — تَنکْ یو — متشکرم - مَمنون - مرسی
- Thank you very much indeed — درحقیقت، خیلی از شما ممنون هستم
  تَنکْ یو وِری ماچ ایندید
- Thanks a lot — تَنکْسْ اِ لاَتْ — خیلی ممنون
- Thanks a million — تَنکْسْ اِ میلیِنْ — بینهایت ممنونم
- Thanks for everything — تَنکْسْ فُرْ اِوْریثینگْ — بابت همه چیز، ممنونم
- Thanks for the lift — تَنکْسْ فُرْ دِ لیفْتْ — ممنون از اینکه مرا رساندید (با ماشین)
- Thanks for the ride — تَنکْسْ فُرْ دِ رآیْد — ممنون از اینکه مرا رساندید (با موتور یا دوچرخه)
- That burns me up — دَتْ بِرنْزْ می آپْ — اون منو می سوزونه (آتیش میزنه)
- That is out of question — دَتْ ایزْ آوْتْ آو کواسْچِنْ — این مسئله، خارج از موضوع است
- That makes sense — دَتْ مِیکْسْ سِنْسْ — حالا شد یه چیزی
- That place is too ritzy for us
  دَتْ پلِیسْ ایزْ تو ریتْسی فُرْ آسْ
  اون مکان (آن جا) به گروه خونی ما نمی خورد (خیلی مُجلّل است)
- That sounds good — دَتْ ساوْندز گود — خوب به نظر می آید (از طریق گوش)

That sounds like a good idea	دَتْ ساوَنْدز لآیکْ اِ گود آیدیا	به نظر، عقیده ی خوبی می باشد
That sounds like a plan	دَتْ ساوَنْدز لآیکْ اِ پِلَنْ	این شد یه حرفی
That was a silly talk	دَتْ واز اِ سیلی تاکْ	آن حرف احمقانه ای بود
That's it	دَتْسْ ایتْ	خودش است
That's a cock and bull story	دَتْسْ اِ کاکْ آند بُلْ ستُری	آن چرت و پرت است
That's a good idea	دَتْسْ اِ گود آیدیا	فکر (نظر) خوبی است
That's a great idea	دَتْسْ اِ گریْتْ آیدیا	فکر بکری است
That's a marvelous idea	دَتْسْ اِ مآروِلسْ آیدیا	فکر مَحشری است
That's a money for jam	دَتْسْ اِ مآنی فُرْ جَمْ	آن پول باد آورده است
That's a relief	دَتْسْ اِ ریلیفْ	راحت شدم
That's all	دَتْسْ آلْ	کافی است
That's as obvious as a bright daylight	دَتْسْ آز آبوی اِسْ آز اِ برآیْتْ دِیلآیْتْ	(موضوع) مثل روز، روشن است
That's beyond a joke	دَتْسْ بیآند اِ جُکْ	شوخی نمی کنم – از شوخی گذشته
That's clean as a whistle	دَتْسْ کیلینْ آز اِ ویسلْ	(موضوع) مثلِ روز روشنه
That's correct	دَتْسْ کُرکْتْ	دُرست است
That's enough	دَتْسْ ایناف	کافی است
That's fine with me	دَتْسْ فآینْ ویتْ می	برای من خوب است
That's not something doubtful	دَتْسْ نآتْ سآمْ ثینگْ دآوْتفول	آن چیز شکَ برانگیزی نیست
That's not true	دَتْسْ نآتْ تورو	حقیقت ندارد – درست نیست
That's nothing new	دَتْسْ نآثینگْ نیو	چیز جدیدی نیست – تعجبی ندارد
That's right	دَتْسْ رآیْتْ	دُرست است – دُرسته – حقیقت دارد
That's so hard to deal without you	دَتْسْ سُ هآرد تو دیلْ ویتْ آوْتْ یو	بدون شما سپری کردن خیلی سخته
That's the naked truth	دَتْسْ دِ نِیکد (نِیکید) توروث	این حَقیقت مَحض است
That's too much	دَتْسْ تو مآچْ	خیلی زیاد است
That's totally clear	دَتْسْ تُتآلی کیلییرْ	کاملاً واضح است
That's true	دَتْسْ تورو	حقیقت دارد

That's very cheap	دَتْسْ وری چیپْ	خیلی اَرزان است
That's very kind of you	دَتْسْ وری کاینْد آو یو	نظر لطف شماست - خیلی لطف دارید
That's wrong	دَتْسْ رآنگْ	اشتباه است - غلط است
The audience poured out	دِ آدیانْسْ (اُدیانْسْ) پُرْدْ آوْتْ	جمعیت بیرون ریختند
The best of luck for you	دِ بِسْتْ آو لاکْ فُرْ یو	با آرزوی بهترین موفقیّت برای شما
The blue one	دِ بولو وآنْ	اون آبیه (اون رنگ آبیه)
The blue one is cheap	دِ بولو وآنْ ایزْ چیپْ	رنگ آبیه، ارزان است
The blue ones	دِ بولو وآنْزْ	اون رنگ آبی ها
The blue ones are mine	دِ بولو وآنْزْ آر مآیْنْ	رنگ آبی ها، مال من هستند
The cat's got your tongue?	دِ کَتْسْ گآتْ یُرْ تآنگْ؟	گربه زبونت را گاز گرفته؟ - چرا حَرف نمی زنی؟
The day after	دِ دِیْ اَفْتِرْ	روز بعد
The Doctor turned him away	دِ داکْتِرْ تِرْنْد هیمْ اوِیْ	دکتر او را جواب کرد
The door of the car is dented	دِ دُرْ آو دِ کآر ایزْ دِنْتِد	در ماشین، قُر شده
The green one is expensive	دِ گیرینْ وآنْ ایزْ اِکْسْپِنْسیوْ	آن رنگ سبزه، گران است
The house is vacant	دِ هآوْسْ ایزْ وِیکِنْتْ	آن خانه، خالی است
The meeting was put off until tomorrow	دِ میتینگْ وآزْ پوتْ آفْ آنتیلْ تومآرُ	جلسه تا فردا به تَعویق اُفتاد
The more the better	دِ مُرْ دِ بِتِرْ	هرچه بیشتر، بهتر
The night is yet young	دِ نآیْتْ ایزْ یِتْ یآنگْ	تازه سَر شب است
The other day	دِ (دی) آدِر دِیْ	روز بعد
The pay is really good	دِ پِیْ ایزْ ری یلی گود	حُقوقش واقعاً خوب است
The penny is just dropped	دِ پنی ایزْ جآسْتْ درآپْتْ	دوزاریش تازه افتاده
The pie looks good	دِ پآیْ لوکْسْ گود	آن کلوچه به نظرخوشمزه می آید
The prisoner got away	دِ پریزِنِرْ گآتْ اوِیْ	زندانی فَرار کرد
The result will soon be evident	دِ ریزآلْتْ ویلْ سونْ بی اویدِنْتْ	نتیجه به زودی آشکار خواهد شد
The Same to you	دِ سِیْمْ تو یو	شما هم همین طور

- The situation calls | دِ سیچوایْشِنْ کالْزْ | موقعیت ایجاب می کند
- The sky will not fall in | دِ اسْکآیْ ویلْ نآتْ فآلْ اینْ | آب از آب تکان نمی خورد
- The sooner the better | دِ سونِرْ دِ بِتِرْ | هر چه زودتر، بهتر
- The third | دِ ثِرْد | سوّمین - سوّمی
- The train leaves right away | دِ ترِیْنْ لیوز رآیْتْ اِوِیْ | قطار همین الان حرکت می کند
- The whole of my life | دِ هُلْ آوْ مآیْ لآیْفْ | در سراسرِ زندگی ام
- There and back, I'll have done it | تا بِری و بَرگردی، آن را انجام داده ام
  دِر اَند بَکْ، آیلْ هَوْ دآنْ ایتْ
- There is a box of matches right under your nose
  دِر ایزْ اِ بآکْسْ آوْ مَچیزْ رآیْتْ آندِر یُرْ نُزْ
  یک جعبه کِبریت، دُرُست دَم دستت است
- There is a lot of fuzz in the line | خَط، خیلی پارازیت دارد
  دِر ایز اِ لآتْ آوْ فآز اینْ دِ لآیْنْ
- There is a way out | دِر ایزْ اِ وِیْ آوْتْ | یه راه خَلاصی است
- There is no hope | دِر ایزْ نُ هُپْ | اُمیدی نیست
- There is no hurry | دِر ایزْ نُ هِری | عجله در کار نیست - هیچ عجله ای نیست
- There is no truth in what he says | هیچ حقیقتی در چیزهایی که او می گوید نیست
  دِر ایزْ نُ توروثْ اینْ وآتْ هی سِیْزْ
- They are not in speaking term | آن ها با هم حرف نمی زنند
  دِیْ آر نآتْ اینْ سْپیکینگْ تِرْمْ
- They are twins | دِیْ آر توایْنْزْ | آن ها دوقلو هستند
- They are well matched | دِیْ آر وِلْ مَچْتْ | آن ها به هم می آیند
- They know him | دِیْ نُ هیمْ | آن ها او را می شناسند
- They live with us | دِیْ لِو (لیو) ویتْ آسْ | آن ها با ما زندگی می کنند
- They made him liquidated | دِیْ مِیْد هیمْ لیکوایدِیْتِد | سَرش را زیر آب کردند
- They put you in the device | دِیْ پوتْ یو این دِ دیوآیْس | آن ها شما را تحت فشار می گذارند
- They take turns helping their mother | آن ها به نوبت به مادرشان کمک می کنند
  دِیْ تِیْکْ تِرْنْز هِلْپینگْ دِر مآدِر

- Things are a little bit sour between them — رابطه ی بین آن ها، شکر آب است
  تینگز آر ا لیتل بیت سوئر بیتوین دم
- This chair is made of wood — دیس چر ایز مید آو وود — این صندلی از چوب ساخته شده
- This day week — دیس دی ویک — هفته ی آینده، همین روز
- This food is spoiled — دیس فود ایز سپُیلد — این غذا فاسد است
- This is a non-stop flight — دیس ایز ا نان-ستاپ فلایت — این یک پرواز بدون توقف می باشد
- This might get you in the trouble — این کار ممکن است شما را به زحمت بیاندازد
  دیس مایت گت یو این د ترابل
- This tea is very comforting — دیس تی ایز وری کامفرتینگ — این چای خیلی آرام بخش است
- This water is not potable — دیس واتر ایز نات پاتبل — این آب، آشامیدنی نیست
- This will tip your life over — این زندگیت را از این رو به آن رو خواهد کرد
  دیس ویل تیپ یر لایف اور
- Three times a week — ثیری تایمز ا ویک — سه بار در هفته
- Time after time — تایم افتر تایم — بارها و بارها
- Time is gold — تایم ایز گلد — وقت طلاست
- Time to hit the shower — تایم تو هیت د شاوِر — وقتش است که دوشی بگیرم (حَمّام کنم)
- Time's over — تایمز اور — وقت تمام است
- Time's up — تایمز آپ — وقت تمام است
- Tit for Tat — تیت فر تت — این به اون در
- To be honest — تو بی آنست — صادقانه بِگَم - راستش را بگویم
- To be out of — تو بی آوت آو — نداشتن
- To be out of order — تو بی آوت آو اُردر — خَراب شدن
- To be used to — تو بی یوزد تو — عادت داشتن به
- To buy at — تو بای اَت — از جایی خریدن
- To buy from — تو بای فرآم — از کَسی خریدن
- To drop by — تو درآپ بآی — سَرزدن - دیدن - مُلاقات کردن
- To get used to — تو گت یوزد تو — عادت کردن به
- To make a defence — تو میک ا دیفنس — دفاع کردن

To run out of	تو رآنْ آوْتْ آو	به اتمام رسیدن - تمام شدن
To set terms and condition	تو سِتْ تِرْمْزْ آنْد کاْندیشِنْ	شرط و شروط گذاشتن
To sink in the morass	تو سینْکْ اینْ دِ مُرَسْ	در مَنجلاب فرو رفتن
To some extend	تو سآمْ اِکْسْتِنْد	تا حَدّی
To stop by	تو سْتآپْ بآیْ	سَرزدن - دیدن
To tell a fortune	تو تِلْ اِ فُرْچونْ	آینده را پیش بینی کردن
To tell a joke	تو تِلْ اِ جُکْ	جوک گفتن
To tell a lie	تو تِلْ اِ لآیْ	دروغ گفتن
To tell a secret	تو تِلْ اِ سیکْرِتْ	راز کَسی را گفتن
To tell a story	تو تِلْ اِ سْتُری	داستان گفتن
To tell a tale	تو تِلْ اِ تِیْلْ	داستان گفتن
To tell the difference	تو تِلْ دِ دیفِرِنْسْ	اختلاف را گفتن
To tell the time	تو تِلْ دِ تآیْمْ	زمان (وقت) را گفتن
To tell the truth	تو تِلْ دِ توروثْ	در حقیقت - راستش را بگم
To the best of my ability	تو دِ بِسْتْ آو مآیْ اَبیلیتی	تا آنجایی که من می دانم
To the best of my knowledge	تو دِ بِسْتْ آو مآیْ نآلِجْ	تا آنجایی که من می دانم
To the best of my recollection	تو دِ بِسْتْ آو مآیْ رِکالِکْشِنْ	تا آنجا که به خاطر می آورم
Too much	تو مآچْ	خیلی زیاد
Top left	تآپْ لِفْتْ	به خدا قسم
Trust me	تْرآسْتْ می	به من اعتماد کن
Try your best	تْرآیْ یُرْ بِسْتْ	تمام تلاشت را بکن
Try your greatest effort	تْرآیْ یُرْ گْرِیْتِسْتْ اِفِرْتْ	نهایت سَعیت را بکن
Trying to make an honest money	تْرآیْاینْگْ تو مِیْکْ اَنْ آنِسْتْ مآنی	سَعی می کنم یه لقمه نان شرافتمندانه بدست بیاورم
Twice a week	توآیْس اِ ویکْ	دوبار در هفته
Twist the lion's tail	توایْسْتْ دِ لآیِنْزْ تِیْلْ	با دُم شیر بازی کردن
Two hundred dollars	تو هآندرِدْ دآلِرْزْ	دویست دُلار

Two sons of his are doctors	تو سانْز آو هیزْ آر داکْترز	دوتا از پسرهایش، دکتر هستند
Two years has elapsed since that event	تو یرز هَز اِلَپْسْد سینْس دَت ایونْت	از آن واقعه دو سال گذشته است
Used to	یوسْ تو	سابقاً
Very briefly tell me what went on	وری بیریفلی تلْ می واتْ ونْتْ آنْ	خلاصه بگو که چی شد
Very much	وری ماچْ	بسیار - خیلی زیاد
Wait a minute	ویْتْ ا منتْ	یک دقیقه صبر کن
Wait a moment	ویْتْ ا مُمِنْتْ	یک لحظه صبر کن
Wait a second	ویْتْ ا سِکِنْد	یک ثانیه صبر کن
Wake up	ویْکْ آپ	بیدار شو
wake up , lazy bones	ویْکْ آپْ، لِیْزی بُنْز	آی تَنبل ، بلند شو
Was it an accident or a design?	واز ایتْ اَنْ اَکسیدِنْتْ اُر ا دیزآینْ؟	آن اتّفاقی بود یا عَمدی؟
Watch up	واچْ آپْ	مراقب باش- بپّا
Watch your mouth	واچْ یُرْ ماوْتْ	مواظبِ صحبت کردنت باش
Watch your tongue	واچْ یُرْ تانْگْ	مواظب حرف زدنت باش
We are in bad terms	وی آر اینْ بَدْ ترْمْزْ	با هم رابطه ی زیاد خوبی نداریم
We are out of sugar	وی آر آوْتْ آوْ شوگرْ	شکر نداریم
We belong to each other	وی بیلانْگْ تو ایچْ آدر	ما مُتعلّق به یک دیگر هستیم
We came to a fight	وی کیْمْ تو ا فایْتْ	ما دَعوا کردیم - دَعوامون شد
We have work to do	وی هَوْ وُرکْ تو دو	باید به کارها برسیم
We will sort it out	وی ویلْ سُرْتْ ایت آوْتْ	با صحبت آن را حَلّ خواهیم کرد
We will work it out	وی ویلْ وُرکْ ایت آوْتْ	ما کارها را رو به راه خواهیم کرد
Well attended	ولْ اَتِندِد	خسته نباشی
Well done	ولْ دآنْ	آفرین - خسته نباشی - کارت عالی بود
Well done indeed	ولْ دآنْ ایْندید	گُلی به گوشه ی جَمالت - واقعاً که آفرین
Well known	ولْ نُنْ	مَشهور - مَعروف - شناخته شده

- Well, suppose it is so — وِلْ، سآپُزْ ایتْ ایزْ سُ — خوب، فرض کنیم که این طور باشد
- Were you a good boy? — وِر یو اِ گودْ بُیْ ؟ — آیا پسر خوبی بودی؟
- Were you a good student in highschool? — وِر یو اِ گودْ سْتیودِنْتْ اینْ هایْ سْکول؟ — آیا در دبیرستان دانش آموز خوبی بودی؟
- What a coincidence ! — وآتْ اِ کُئینْسیدِنْسْ! — عَجب اتّفاقی !
- What a dumb bunny ! — وآتْ اِ دآمْ بآنی! — چه آدم خُلی ! – چه آدم اَبلهی !
- What a nice girl ! — وآتْ اِ نآیْسْ گِرْلْ! — چه دختر زیبایی !
- What a pity ! — وآتْ اِ پیتی ! — چه حیف !
- What a relief ! — وآتْ اِ ریلیفْ! — چه راحت شدم ! – آخش !
- What a shame ! — وآتْ اِ شِیْمْ! — خجالت آور است ! – چه شَرمی !
- What about me? — وآتْ اِبآوتْ می ؟ — من چی؟
- What about you? — وآتْ اِبآوتْ یو ؟ — شما چی؟ – شما چطور؟
- What an old house ! — وآتْ اَنْ اُلْد هآوْسْ! — چه خانه ی قدیمی!
- What are you doing these days? — وآتْ آر یو دواینْگْ دیزْ دِیْزْ ؟ — این روزها چه کار می کنی؟
- What are you doing tonight? — وآتْ آر یو دواینْگْ تونآیْتْ ؟ — امشب چه کار می کنی؟
- What are you doing? — وآتْ آر یو دواینْگْ ؟ — چکار داری می کنی؟
- What are you going to do? — وآتْ آر یو گُاینْگْ تو دو ؟ — قصد داری چه کار بکنی؟
- What are you looking forward to? — وآتْ آر یو لوکینْگْ فُروآرد تو ؟ — دنبال چه چیزی داری می گردی؟
- What are you talking about? — وآتْ آر یو تاکینْگْ اِبآوتْ ؟ — درباره ی چی داری صحبت می کنی؟
- What are you up to these days? — وآتْ آر یو آپْ تو دیزْ دِیْزْ ؟ — این روزها چه کار می کنی؟
- What are you up to? — وآتْ آر یو آپْ تو ؟ — چی تو سَرت است ؟ – برنامه ات چیه ؟
- What are your interests? — وآتْ آر یُرْ اینْتِرِسْتْسْ ؟ — چیز های مورد علاقه ی تو کدامند؟
- What brings you here? — وآتْ بیرینگْزْ یو هییِرْ ؟ — چی باعث شده بیایی اینجا ؟ – اینطرفا ؟
- What burns me is that ... — وآتْ بِرْنْزْ می ایزْ دَتْ ... — دلم از این می سوزه که ...

- What can I do for you? — چه فَرمایشی دارید؟ (چه کار می توانم برایتان بکنم؟)
  وآتْ کَنْ آی دو فُرْ یو؟
- What can I tell you? وآتْ کَنْ آیْ تِلْ یو؟ — چی می تونم بِهِت بِگَم؟
- What did you ask? وآتْ دید یو اَسْکْ؟ — چه سؤالی کردید؟ (چی پرسیدید؟)
- What did you do last weekend? — هفته ی گذشته، چه کار کردی؟
  وآتْ دید یو دو لَسْتْ ویکْنْد؟
- What did you do last year? وآتْ دید یو دو لَسْتْ یِرْ؟ — سال گذشته، چه کار کردی؟
- What did you mean? وآتْ دید یو مینْ؟ — منظورت چی بود ؟
- What did you say? وآتْ دید یو سِیْ؟ — چی گفتی؟
- What do you care? وآتْ دو یو کِرْ؟ — تو، چه اهمّیّتی می دهی؟
- What do you do for a living? — برای اِمرارِ مَعاش چه کار می کنی؟
  وآتْ دو یو دو فُرْ ا لیوینگْ؟
- What do you do? وآتْ دو یو دو؟ — شُغلت چیه؟ - چه کار می کنی؟
- What do you know about me? وآتْ دو یو نُ اِباوْتْ می؟ — درباره ی من چی می دانی؟
- What do you mean? وآتْ دو یو مینْ؟ — منظورت چیه؟
- What do you recommend? وآتْ دو یو رِکاَمِنْد؟ — شما چی توصیه می کنی؟
- What do you suggest? وآتْ دو یو سَاجِسْتْ؟ — شما چی پیشنهاد می کنی؟
- What do you think? وآتْ دو یو ثِینْکْ؟ — تو چی فکر می کنی؟
- What do you usually do on weekends? — معمولاً تعطیلات آخر هفته، چه کار می کنی؟
  وآتْ دو یو یوژوالی دو آن ویکْنْدز؟
- What do you want me to say? — چی می خواهی که بِهِت بِگَم؟ وآتْ دو یو وآنْتْ می تو سِیْ؟
- What do your parents do? — والدینت چه کار می کنند؟ (چه کاره هستند؟)
  وآتْ دو یُرْ پِرِنْتْس دو؟
- What does she eat? وآتْ داز شی ایتْ؟ — او چی می خورد؟
- what does she think about me? — او درمورد من چه فکری می کند؟
  وآتْ داز شی ثِینْکْ اِباوْتْ می؟
- What does your best friend look like? — بهترین دوستت چه شکلی است؟
  وآتْ داز یُرْ بِسْتْ فِرِنْد لوکْ لاَیْکْ ؟

- What happened? وآتْ هپّنْد ؟ — چه اتّفاقی افتاد؟
- What is that good for? وآتْ ایزْ دَتْ گود فُرْ ؟ — آن به چه دَردی می خورد؟
- What is your birth order? وآتْ ایز یُرْ بِرْثْ اُرْدِرْ؟ — چندمین فرزند خانواده هستی؟
- What is your favorite sport? وآتْ ایز یُرْ فِیوریتْ سْپُرْتْ؟ — ورزش مورد علاقه ی شما چیست؟
- What is your favorite vacation? — تعطیلیِ مورد علاقه ی شما چیست؟

  وآتْ ایزْ یُرْ فِیوریت وِکِیْشِنْ؟
- What kind of job do you have? وآتْ کایْنْد آو جابْ دو یو هَوْ ؟ — چه نوع شغلی داری؟
- What kind of movies do you like? — چه نوعی از فیلم ها را دوست داری؟

  وآتْ کایْنْد آو موویزْ دو یو لآیْکْ؟
- What next! وآتْ نکْسْتْ! — دیگه چی ! - چشمم روشن ! - بعدش چی !
- What should I do? وآت شود آیْ دو؟ — من چه کار باید بکنم؟
- What should you do if you lose your passport?

  وآتْ شود یو دو ایفْ یو لوز یُرْ پَسْپُرْتْ؟

  اگر پاسپورتت را گُم کُنی، چه کار باید بکنی؟
- What should you do if you lose your wallet?

  وآتْ شود یو دو ایفْ یو لوز یُرْ وآلِتْ؟

  اگر کیف پولت را گُم کُنی ، چه کار باید بکنی؟
- What should you do when you see her ? — وقتی که او را می بینی، چه کار باید بکنی؟

  وآتْ شود یو دو وِنْ یو سی هِرْ ؟
- What time do you get up in the morning? — صبح چه ساعتی بلند می شوی؟

  وآتْ تآیْمْ دو یو گِتْ آپْ این دِ مُرْنینْگْ؟
- What time do you usually get up? — معمولاً چه ساعتی بلند می شوی؟

  وآتْ تآیْمْ دو یو یوژوالی گِتْ آپْ ؟
- What time is it? وآتْ تآیْمْ ایزْ ایتْ؟ — ساعت چند است؟
- What time is the breakfast served? — چه ساعتی صبحانه سرو می شود؟

  وآتْ تآیْمْ ایزْ دِ بِرِکْفِسْتْ سِرْوْدْ؟
- What would you like to drink? وآتْ وُود یو لآیْکْ تو دیرینْکْ؟ — دوست داری چی بنوشی؟
- What's it to you? وآتْس ایتْ تو یو؟ — به تو چه رَبطی دارد ؟

- What's that to you? — واتس دَت تو یو؟ — به شما چه مربوط است؟- به تو چه؟
- What's the job? — واتس د جاب؟ — آن (کار) شُغل، چیست؟
- What's the last news? — واتس د لَست نیوز؟ — چه خبر تازه ای دارید؟- آخرین خبر، چیه؟
- What's the most exciting thing you've ever done? — واتس د مُست اِکسایتینگ ثینگ یوو اِوِر دان؟ — مُهیج ترین کاری که تاکنون انجام داده ای، چیست؟
- What's your favorite color? — واتس یُر فِیوریت کالِر؟ — رنگ مورد علاقه ی شما چیه؟
- What's your favorite restaurant? — واتس یُر فِیوریت رِستورَنت؟ — رستوران مورد علاقه ی شما چیه؟
- What's your job? — واتس یُر جاب؟ — شُغلت چیه؟
- What's your occupation? — واتس یُر آکیوپِیشِن؟ — شُغلت چیه؟
- Whatever I have is yours — وات اِوِر آی هَو ایز یُرز — هرچی که دارم، مُتعلق به شماست
- Whatever made you think that...? — وات اِوِر مِید یو ثینک دَت...؟ — چی باعث شد، فکر کنی که ...؟
- What's bothering you? — واتس باذرینگ یو؟ — چی داره تورا اذیت می کنه؟
- What's going on here? — واتس گُاینگ آن هییِر؟ — اینجا چه خبر است؟
- What's happening? — واتس هَپنینگ؟ — چه اتفاقی داره می افته؟
- What's she like? — واتس شی لایک؟ — قیافه اش چطوری است؟
- What's so funny? — واتس سُ فانی؟ — کجاش خنده دار است؟
- What's the date? — واتس د دِیت؟ — امروز چه تاریخی است ؟ - امروز چندم است ؟
- What's the matter with you? — واتس د مَتِر ویت یو؟ — چی شده؟ - چته؟ - چه مَرگته؟
- What's the pay like? — واتس د پِی لایک؟ — حقوق و مزایا، چطور است؟
- What's the problem? — واتس د پرابلِم؟ — مُشکل چیه؟ - مَسئله چیه؟
- What's the time, please? — واتس د تایم، پیلیز؟ — لطفاً (بگویید) ساعت چند است؟
- What's up? — واتس آپ؟ — چه خبر؟ - چی شده؟
- What's wrong with you? — واتس رانگ ویت یو؟ — مُشکلت چیه؟ - چه مَرگته؟
- What's wrong? — واتس رانگ؟ — مشکل چیه؟ - مسئله چیه؟
- What's your name? — واتس یُر نِیم؟ — اسمت چیه؟

* When do you feel bored? — وِنْ دو یو فیلْ بُرْد ؟ — چه موقع شما خسته می شوید؟
* When donkeys fly — وِنْ دآنکیز فلآیْ — وقت گُل نی - هرگز
* When I was younger — وِنْ آیْ وآز یآنگِرْ — وقتی که جوان تر بودم
* When is your birthday? — وِنْ ایزْ یُر بِرثْ دیْ ؟ — تولدت ، چه موقع است؟
* When you aren't around, things aren't the same — وِنْ یو آرنْتْ اَرآونْد، ثینگزْ آرنْتْ دِ سِیمْ — وقتی که شما نیستید، انگار هیچی مثل قبل نیست
* Whenever the situation arises — وِنْ اورْ دِ سیچوایْشِنْ اِرآیْزِز — هر وقت که موقعیت پیش بیاید
* Whenever you go — وِنْ اور یو گُ — هر وقت که بروی
* Whenever you want — وِنْ اور یو وآنْتْ — هر وقت که تو بخواهی
* Where are you from? — وِر آر یو فرآمْ ؟ — أهل کجایی؟
* Where are you off to? — وِر آر یو آفْ تو ؟ — کجا داری می ری؟
* Where are you? — وِر آر یو ؟ — کجا هستی؟
* Where did you get that dent? — وِر دید یو گِتْ دَتْ دِنْتْ ؟ — کجا زدی آن را قُر کردی؟
* Where did you grow up? — وِر دید یو گُرُ آپْ ؟ — کجا بزرگ شدی؟
* Where do you usually eat dinner? — وِر دو یو یوژوالی ایتْ دینِرْ ؟ — شما معمولاً کجا شام می خورید؟
* Where have you been? — وِر هَوْ یو بینْ ؟ — کجا بودی؟ - (کجا بوده ای)
* Where is he? — وِر ایزْ هی ؟ — او کجاست؟
* Where is your family from? — وِر ایزْ یُرْ فَمیلی فرآمْ ؟ — خانواده ات أهل کجا هستند؟
* Where were you born? — وِر وِر یو بُرْنْ ؟ — کجا مُتولد شدی؟
* Where were you? — وِر وِر یو ؟ — کجا بودی؟
* Where's the best place to shop? — وِرز دِ بِسْتْ پلِیْسْ تو شآپْ ؟ — بهترین مکان برای خرید،کجا است؟
* Where's your hometown? — وِرز یُرْ هُمْ تآونْ ؟ — زادگاه شما کجاست؟
* Wherever you go — وِراوِر یو گُ — هر کجا که بروی
* Which school are you studying at? — ویچْ سْکولْ آر یو سْتآدیئنگْ اَتْ ؟ — در کدام مدرسه مشغول تحصیل هستی؟

Who are you going with?	هو آر یو گُ اینگْ ویتْ ؟	با کی داری می ری؟
Who cares?	هو کِرْز ؟	چه کَسی اهمیت می دهد؟
Who do you think you are?	هو دو یو ثینْکْ یو آر ؟	فکر می کنی کی هستی؟
Who do you live with?	هو دو یو لو (لیو) ویتْ ؟	با کی زندگی می کنی؟
Who do you think you are talking to?	هو دو یو ثینْکْ یو آر تاکینْگْ تو ؟	فکر می کنی داری با کی حرف می زنی؟
Who do you want to speak to?	هو دو یو وآنْتْ تو سْپیکْ تو؟	با کی می خواهی حرف بزنی ؟
Who do you want to talk?	هو دو یو وآنْتْ تو تاکْ ؟	با کی می خواهی صحبت کُنی؟
Who do you wish to talk?	هو دو یو ویشْ تو تاکْ ؟	با کی آرزو داری صحبت کنی؟
Who ever said that?	هو اِوِر سِد دَتْ ؟	اصلاً چه کسی این حرف را گفت؟
Who is it?	هو ایزْ ایتْ ؟	اون دیگه کیه؟
Who is there?	هو ایزْ درِ؟	کی اونجاست؟
Who is your best friend?	هو ایزْ یُرْ بِسْتْ فرِنْد ؟	بهترین دوست شما ، کیست؟
Who is your reference?	هو ایزْ یُرْ رِفرِنْسْ ؟	مُعرف شما کیست؟
Who knows?	هو نُزْ ؟	کی می دونه؟
Who told you that?	هو تُلد یو دَتْ ؟	کی اونو بهت گفت؟
Who was it?	هو وآزْ ایتْ ؟	چه کَسی بود؟ – کی بود؟
Whom do they know?	هومْ دو دِیْ نُ ؟	آن ها چه کسی را می شناسند؟
Whom do they live With?	هومْ دو دِیْ لو (لیو) ویتْ ؟	آن ها با چه کسی زندگی می کنند؟
Whom do you know?	هومْ دو یو نُ ؟	تو چه کَسی را می شناسی؟
Who's calling?	هوز کالینْگْ ؟	چه کَسی داره تماس می گیره؟ – ببخشید شما؟
Who's on the line?	هوز آنْ د لآیْنْ ؟	چه کَسی پشت خط است؟
Who's on the phone?	هوز آنْ د فُنْ ؟	چه کَسی پشت خط است؟ – ببخشید شما؟
Whose fault was it?	هوز فُلْتْ وآز ایتْ ؟	تَقصیر چه کسی بود؟
Why are you laughing?	وآیْ آر یو لَفینگْ ؟	چرا داری می خندی؟
Why are you limping?	وآیْ آر یو لیمْپینگْ ؟	چرا می شَلی ؟
Why are you usually late?	وآی آر یو یوژوالی لِیْتْ ؟	چرا شما معمولاً دیر می کنید؟

Why did you do that?	وآیْ دید یو دو دَتْ؟	چرا آن کار را کردی؟
Why didn't you tell me?	وآیْ دیدنْتْ یو تِلْ می؟	چرا به من نگفتی؟
Why does she like English?	وآیْ دآز شی لآیْکْ اینْگلیشْ؟	چرا او انگلیسی دوست دارد؟
Why don't you drop by sometimes?	وآیْ دُنْتْ یو دِراپْ بآیْ سآمْ تآیْمْزْ؟	چرا گاهی به ما سَری نمی زنی؟
Why don't you answer?	وآیْ دُنْتْ یو آنْسِرْ؟	چرا جواب نمی دهی؟
Why haven't you told me?	وآیْ هَونْتْ یو تُلْد می؟	چرا به من (نگفتی) نگفته ای؟
Why not?	وآیْ نآتْ؟	چرا که نه؟
Will he name a price?	ویلْ هی نِیْمْ اِ پِرآیْسْ؟	آیا او قیمتی (می گوید) می دهد؟
Will I see her again?	ویلْ آیْ سی هِرْ اگِیْنْ (اگِنْ)؟	آیا دوباره او را خواهم دید؟
Will I see you again?	ویلْ آیْ سی یو اگِیْنْ؟	می توانم دوباره ببینمت؟
Will you excuse us, please?	ویلْ یو اِکْسْکیوزْ آسْ، پلیزْ؟	میشه لطفاً ما را ببخشید؟
Wishful thinking	ویشْفولْ تِیْنکینگْ	به همین خیال باش
With a lot of effort	ویتْ اِ لآتْ آوْ اِفُرْتْ	با تلاش فراوان
With all my heart	ویتْ آلْ مآیْ هآرتْ	با تمام احساسم - با کمال میل
With all my heart and soul	ویتْ آلْ مآیْ هآرتْ اَند سُلْ	با تمامِ (قلب و روحم) وجودم
With pleasure	ویتْ پِلِژِر	با کمال میل
With whom do they live?	ویتْ هومْ دو دِیْ لِو (لیو)؟	آن ها با چه کسی زندگی می کنند؟
With your permission	ویتْ یُرْ پِرْمیشِنْ	با اجازه ی شما
Without you I'm nothing	ویتْ آوْتْ یو آیْمْ نآتینگْ	بدون تو من هیچم
Won't you come in?	وُنْتْ یو کآمْ اینْ؟	چرا تو نمی آیی؟ - بفرمایید داخل؟
Word for word	وُرد فُرْ وُرد	کلمه به کلمه
Would I lie to you?	وُود آیْ لآیْ تو یو؟	آخه من به تو دروغ می گم؟
Would you join us?	وُود یو جُیْنْ آسْ؟	می خواهی به ما ملحق بشی؟
Would you like me to do anything for you?	وُود یو (وُوجْ یو) لآیکْ می تو دو اینیثینگْ فُرْ یو؟	آیا میل داری، کاری برایت انجام بدهم؟
Would you like to go out for dinner?	وُود یو لآیکْ تو گُ آوْتْ فُرْ دینِرْ؟	آیا دوست دارید که برای صرف شام بیرون بروید؟

Would you like to work here?	وود یو لایک تو وُرک هیر؟	آیا دوست داری اینجا کار بکنی؟
Would you please do me a favor?	وود یو پلیز دو می اِ فی وِر؟	میشه خواهش کنم به من یه لطفی بکنی؟
Would you please elaborate on it more?	وُود یو پلیز اِلَبرِیت آن ایت مُر؟	میشه لطفاً در مورد آن بیشتر توضیح دهید؟
Would you please explain on it further?	وُود یو پلیز اِکسپلِین آن ایت فِردِر؟	میشه لطفاً در مورد آن بیشتر توضیح دهید؟
Would you please give it to me	وُود یو پلیز گیو ایت تو می؟	میشه لطفاً آن را به من بدهید؟
Would you stop worrying?	وُود یو سْتاپ وُرینگ؟	میشه دیگه نگران نباشی؟
Write on every other line	رآیت آن اوری آدر لآین	یک خط در میان بنویس
Yellow press	یِلُ پِرس	مطبوعات جنجالی
Yes, I'm always on time	یِس آیم آلویز آن تایم	بله من همیشه به موقع حاضر هستم
Yes, sir	یِس، سِر	بله قربان - بله آقا
You are exception	یو آر اِکسِپشِن	شما استثناء هستید - شما فرق می کنید
You are excused	یو آر اِکسکیوزد	شما بخشیده شدید
You are foolish	یو آر فولیش	تو احمقی
You are in your turf	یو آر این یُر تِرف	منزل خودتونه
You are joking!	یو آر جُکینگ!	شوخی می کنی!
You are just hearing things	یو آر جاسْت هیرینگ تینگز	فقط خیالاتی شدی
You are just the pick of the bunch	یو آر جاسْت دِ پیک آو دِ بانْچ	تو واقعاً گُلِ سَر سَبَدی
You are looking good	یو آر لوکینگ گود	خوش تیپ شدی - قشنگ به نظر می آیی
You are most welcome	یو آر مُسْت وِلکام	قدمتان به روی چشم - خیلی خوش آمدید
You are right	یو آر رآیت	حق با شماست - شما راست می گویید
You are seeing stars	یو آر سی اینگ سْتارز	خیالاتی شدی
You are seeing things	یو آر سی اینگ تینگز	خیالاتی شدی
You are spoiling him	یو آر سْپُیلینگ هیم	شما دارید او را لوس می کنید
You are stupid	یو آر سْتیوپید	تو احمقی
You are very kind	یو آر وری کآیند	شما خیلی مهربان هستید - شما خیلی لطف دارید

- You are welcome یو آر وِلْکامْ — خواهش می کنم- قابلی نداره -خوش آمدید
- You are wrong یو آر رآنگْ — شما اشتباه می کنید
- You aren't kidding me, are you? یو آرِنْتْ کیدینگْ می، آر یو؟ — شوخی که نمی کنی، می کنی؟
- You aren't lying, are you? یو آرِنْتْ لآیْ اینگْ ،آر یو ؟ — دروغ که نمی گویی، اینطور نیست؟
- You bet you یو بِتْ یو — صد در صد مُطمئن باش
- You can count on me یو کَنْ کاوْنْتْ آنْ می — می توانی رو من حساب کنی
- You can't count on him یو کَنْتْ کاوْنْتْ آنْ هیمْ — شما نمی توانید روی او حساب کنید (آبی آزش گرم نمی شود)
- You devil you یو دِوِلْ یو — ای شیطون - ای ناقُلا - ای کَلَک
- You did a good job یو دید ا گود جآبْ — کارت را خوب انجام دادی - آفرین
- You don't look well یو دُنْتْ لوکْ وِلْ — ظاهراً سلامت نیستی - خوب به نظر نمی آیی
- You got a nerve یو گآتْ ا نِرْو — خیلی جُرأت داری - خیلی نَترس هستی
- You had better go now یو هَد بِتِرْ گُ نآوْ — بهتر است همین آلان بروی
- You have no right یو هَوْ نُ رآیْتْ — تو هیچ حَقّی نداری
- You have no right to protest یو هَوْ نُ رآیْتْ تو پرُتِسْتْ — تو حقِّ اعتراض نداری
- You have to make an extension of your visa یو هَفْ تو مِیکْ اَنْ اکْستِنْشِنْ آو یُرْ ویزآ — شما باید ویزای خود را تمدید کنید
- You have to pay your debt یو هَفْ تو پِیْ یُرْ دِتْ — باید (مجبوری) بدهی را بپردازی
- You know how unreasonable she is یو نُ هآوْ آنریزِنِبِلْ شی ایزْ — تو می دانی که او چقدر غیر منطقی است
- You know what I mean یو نُ وآتْ آیْ مینْ — تو می دانی که منظورم چیست
- You know what I wish یو نُ وآتْ آیْ ویشْ — تومی دانی که چی دلم می خواهد
- You look older than your age یو لوکْ آلدِر دَنْ یُرْ اِیْجْ — به نظر، مُسن تر می آیی
- You look up to her یو لوکْ آپْ تو هِرْ — تو از او پیروی (تقلید) می کنی
- You look white as a ghost! یو لوکْ وآیْتْ اَز ا گُسْتْ! — مثل روح سفید به نظر می آیی (رَنگت مثل گچ سفید شده)
- You look younger than your age یو لوکْ یآنگِرْ دَنْ یُرْ اِیْجْ — جوان تر از سنّت به نظر می آیی

- You made a monkey out of her — یو میْد اِ ماٰنکی اَوْتْ آو هِرْ — از او یه میمون ساختی (خیلی کنفتش کردی)
- You make me laugh — یو میْکْ می لَفْ — تو من را به خنده می اندازی
- You may do as you like — یو مِیْ دو اَز یو لاَیْکْ — هرطوری که دلت می خواهد، انجام بده
- You maybe run by a car — یو میْبی رآنْ بآیْ اِ کاٰر — ممکن است زیر ماشین بری
- You mean a world to me — یو مینْ اِ وِلْد تو می — تو برای من یک دنیا ارزش داری
- You must be crazy if … — یو ماٰسْتْ بی کریْزی ایفْ... — باید احمق شده باشی اگه ...
- You ought to know better — یو اُتْ تو (آتْ تو) نُ بِترْ — شما باید بهتر بدانید
- You Put your finger on it — یو پوتْ یُرْ فینگرْ آنْ ایتْ — گُل گفتی - زَدی به هَدَف
- You seem upset — یو سیمْ آپْسِتْ — به نظر غمگین می آیی
- You should meet each other in half way — یو شود میتْ ایچْ آدِر اینْ هَفْ وِیْ — شما باید با یک دیگر،کوتاه بیایید
- You too! — یو تو! — شما هم، همین طورا!
- You were a grind on the nerve — یو وِر اِ گِرآیْنْد آنْ دِ نِرْو — خیلی اعصابمان را خُرد کردی
- You're really cool — یور ری یِلی کولْ — خیلی باحالی - واقعاً باحالی
- You're out of your mind — یور آوْتْ آو یُرْ مآیْنْد — عَقل از سَرت، پریده
- Yours truly — یُرْزْ تورولی — ارادتمند شما - چاکرِ شما
- Yours truly will do his best — یُرْزْ تورولی ویلْ دو هیزْ بِسْتْ — چاکرِ شما، نهایت تلاشش را خواهد کرد
- Zip up your lip — زیپْ آپْ یُرْ لیپْ — هیچی نگو - زیپ دَهنت را بِکش

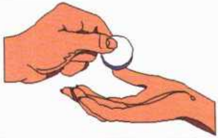
If you want to know the value of money,
go and try to borrow some !!!!!!

ضرب المثل های انگلیسی

بخش
چهارم

PROVEBS





A bad penny always comes back

اِ بَد پنی آلویز کامز بَک

سکّه ی بد همیشه به دست خود آدم بر می گردد

(مال بَد، بیخِ ریشِ صاحبش است)

A bad thing never dies

اِ بَد ثینگ نِور دآیز

به چیز بد، هرگز نمی میرد (بادمجان بم، آفت ندارد)

A bad workman blames his tools

اِ بَد ورک مَن بلیمز هیز تولز

کارگر بد، همیشه اَبزارش را مُقصّر می داند (عَروس نمی تونه برقصه، میگه زمین کَجه)

A big head has a big ache

اِ بیگ هد هَز اِ بیگ اِیک

سَر بزرگ، دَرد زیادی دارد (هرکه بامش بیش، برفش بیشتر)

A bird in hand is worth two in the bush

اِ بِرد این هَند ایز وُرث تو این د بوش

یک پرنده در دست داشتن ، بهتر از دو پرنده در بوته زار است (سیلی نَقد به از حَلوای نسیه است)

A book is like a garden carried in the pocket

اِ بوک ایز لایک اِ گاردن کَرید این د پاکت

یک کتاب مثل باغی است که در جیب حَمل می شود

A broken hand works, but not a broken heart

اِ برُکن هَند ورکس، بات نات اِ برُکن هارت

دست شکسته کار می کند امّا قلب شکسته نه

A burnt child dreads fire

اِ بِرنت چایلد دردز فایر

بچه ی سوخته از آتش واهمه دارد (مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد)

A cat has nine lives

اِ کَت هَز نایِن لایوز

گربه ۹ جان دارد (گربه هفت جان دارد)

A change is as good as a rest

اِ چِینج ایز اَز گود اَز اِ رِست

تَغییر و تَنوع، به خوبیِ یک استراحت است

A clear conscience fears no accusation

اِ کلییر کانشنس فییرز نُ اَکیوزیشن

وجدانِ پاک هیچ ترسی از مُتهم شدن ندارد (آن را که حساب پاک است از مُحاسبه چه باک است)

A clear conscience is a soft pillow

اِ کلییر کانشنس ایز اِ سافت پیلُ

وجدان زُلال مانند بالشِ نرمه (آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است)

A close friend can become a close enemy

اِ کلُس فرِند کَن بیکام اِ کلُس اِنمی

دوستِ نزدیک، می تواند دشمن نزدیک باشد

A closed mouth catches no flies

اِ کلُزد ماوث کَچیز نُ فلایز

دَهان بسته هیچ مگسی را نمی گیرد



A drowning man is not troubled by rain

ا درآوْنینگْ مَنْ ایزْ ناتْ ترآبِلْد بآیْ رِیْنْ

آب که از سر بگذرد، چه یک وَجب چه صد وَجب

A constant guest is never welcome

ا کآنْسْتَنْتْ گِسْتْ ایزْ نِوِر وِلْکآمْ

به مهمان دائمی هرگز خوشامد نمی گویند (مهمان تا سه روز عزیز است)

A creaking door hangs longest

ا کیریکینْگْ دُر هَنْگزْ لآنْگِسْتْ

دروازه ی شکسته مدت بیشتری دوام می آورد (دود از کُنده بلند می شود)

A door must be either shut or open

ا دُر مآسْتْ بی ایدِر شآتْ اُر اُپِنْ

دَر، یا باید بسته باشد یا باز (هم خُدا را می خواهد هم خُرما را)

A faint heart never won a lady

ا فِیْنْتْ هآرتْ نِوِر وُنْ ا لِیْدی

قلبِ ضعیف هرگز نمی تونه دلِ خانمی را تصاحب کُنه

A few germs never hurt anyone

ا فیو جِرْمْزْ نِوِر هِرْتْ انی وآنْ

چند تا میکروب، هرگز به کَسی آسیب نمی رساند

A fool and his money are soon parted

ا فولْ آنْد هیزْ مآنی آر سونْ پآرتِد

آدم احمق به سرعت پولش را به خاطر چیز های بی ارزش از دست می دهد

A fool's tongue is long enough to cut his own throat

زبان نادان به اندازه ی کافی دراز است که گلویش را ببرد (زبانِ سُرخ ، سَرِ سبز، می دهد بر باد)

ا فولْزْ تآنْگْ ایزْ لآنْگْ ایناف تو کآتْ هیزْ اُنْ ثِرُتْ

A foolish and harmful friendship

ا فولیشْ آنْد هآرمْفولْ فرِنْدشیپْ

یه اَحمق و رابطه ی دوستیِ ضَرَر وارش (دوستیِ خاله خِرسه)

A friend in need is a friend indeed

ا فرِنْد اینْ نید ایزْ ا فرِنْد اینْ دید

دوست در هنگام نیاز، دوست واقعی است

(دوست آن است که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی)

A friend who shares is a friend who cares

ا فرِنْد هو شِرْز ایزْ ا فرِنْد هو کِرْز

یار نباشد که دست یار نگیرد

A friend's eye is a good mirror

ا فرِنْدز آیْ ایزْ ا گود میرِر

چشمِ دوست آینه ی خوبی است (مؤمن آینه ی مؤمن است)

A full purse never lacks friends

ا فولْ پِرْسْ نِوِر لَکْسْ فرِنْدز

یه کیسه ی پُر از پول، هرگز بدون رفیق نمی ماند



A hungry man is an angry man

ا هاَنگیری مَنْ ایز آنْ اَنگیری مَنْ

آدم گرسنه، عصبانی است (آدم گرسنه، ایمان ندارد)

A good deed is never lost

ا گُد (گود) دیْد ایزْ نِور لاَسْتْ

خوبی هرگز گم نمی شود (تو نیکی می کُن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز)

A good wife and health is a man's best wealth

یک زن خوب و سالم ، بهترین سرمایه ی مرد است (زن خوب و فرمان بر و پارسا - کُند مرد درویش را پادشاه)

ا گود وآیفْ اَند هِلْثْ ایزْ ا مَنْزْ بِسْتْ وِلْثْ

A great talker is a great liar

ا گرِیْتْ تاکِزْ ایزْ ا گرِیْتْ لاَیِرْ

سخنگوی خوب، دروغگوی خوبی است

A hard beginning makes a good ending

ا هاَرد بیگینینْگْ میْکْسْ ا گود اَندینْگْ

شروع دشوار، پایان خوبی دارد (هر سربالایی یک سرپایینی دارد)

A healthy man is a successful man

ا هِلْثی مَنْ ایزْ ا ساکْسِسْفولْ مَنْ

یک مرد سالم یک مرد موفق است

A hedge between keeps friendship green

ا هِجْ بیتْوینْ کیپْسْ فرِنْدشیپْ گیرینْ

یه حفاظ (دیوار) در میان بگذار ، دوستیت را نگه دار (در خانه ات را ببند، همسایه ات را دُزد نکُن)

A hound's food is in its legs

ا هاَوْندزْ فود ایز اینْ ایتْسْ لِگزْ

غذای سگ شکاری، به پاهایش بستگی دارد

A leopard can't change its spots

ا لِپِرْد کَنْتْ چِیْنجْ ایتْسْ سْپاَتْسْ

خُلق و مَنش در بعضی ها قابل تغییر نیست - زَنگی به شُستن نگردد سپید

A liar is not believed when he tells the truth

ا لاَیِرْ ایزْ ناَتْ بیلیوْد وِنْ هی تِلزْ د توروثْ

کسی حرف آدم دروغگو را باور نمی کند حتی وقتی که او حرف راست می زند (مثل چوپان دروغگو)

A liar should have a good memory

ا لاَیِرْ شود هَوْ ا گود مِمُری

دروغگو باید حافظه ی خوبی داشته باشد (آدم دروغگو کم حافظه است)

A lie travels round the world while truth is putting her boots on

وقتی که حقیقت دارد کفش هایش را می پوشد، دروغ به دور دنیا می رود

ا لاَیْ تراَوِلزْ راَوْنْد دِ وُلْد وآیِلْ توروثْ ایزْ پوتینْگْ هِرْ بوتْسْ آنْ

A light purse is a heavy curse

ا لاَیْتْ پِرْسْ ایزْ ا هِوی کِرْسْ

جیب خالی، فُحش و لَعنت سنگینی است



A lock is better than suspicion

اِ لاکْ ایزْ بِترْ دَنْ سآسْپیشِنْ

یک قُفل، بهتر از بدگمانی و سوء ظَن است

(مالت را سِفت نگه دار، همسایه ات را دُزد نَکن)

A little knowledge is a dangerous thing

اِ لیتِلْ نآلِجْ ایزْ اِ دِینْجِرِسْ ثینْگْ

آگاهی سَطحی، چیزِ بسیار خطرناکی است

A little pot is soon hot

اِ لیتِلْ پآتْ ایزْ سونْ هآتْ

کتری کوچک، زود داغ می شود (آدم کم جَنبه زود از کوره در می رود)

A little thing in hand is worth more than a great thing in prospect

چیز کمی در دست داشتن ، باارزش تر است از چیزهای زیادی که در تصور و خیال می باشد

(سیلی نقد به از حلوای نسیه است)

اِ لیتِلْ ثینْگْ این هَند ایزْ وُرثْ مُرْ دَنْ اِ گرِیْتْ ثینْگْ اینْ پرآسْپکْتْ

A man doesn't seek his luck, luck seeks its man

شخص به دنبال شانس نمی رود، این شانس است که به دنبال شخص می رود

اِ مَنْ دآزِنْتْ سیکْ هیزْ لآکْ ،لآکْ سیکْسْ ایتْسْ مَنْ

A man is as old as he feels

اِ مَنْ ایزْ آز آلْد آز هی فیلْزْ

شخص به همان سِنّی است که احساس می کند

A man is known by the company he keeps

اِ مَنْ ایزْ نُنْ بآیْ دِ کآمْپِنی هی کیپْس

یه شخص با افرادی که رفت و آمد می کند. شناخته می شود

A miss is as good as a mile

اِ میسْ ایزْ آز گود آز اِ مآیْلْ

آب که از سَر گذشت، چه یک وَجب چه صد وَجب

A moneyless man goes fast through the market

مردی که پول ندارد سریع ازمیان بازار رد می شود

اِ مآنی لِسْ مَنْ گُزْ فَسْتْ ثورو دِ مآرکِتْ

A monkey never thinks her baby's ugly

اِ مآنکی نِوِر ثینْکْسْ هِرْ بِیبیزْ آگْلی

یه میمون هرگز فکرنمی کنه که بچه اش زشته

(سوسکه به بچه اش میگه، قربون دست و پای بلوریت برم، مادرا)

A penny saved is a penny earned

اِ پِنی سِیْوْد ایزْ اِ پِنی اِرْنْد

یک پنی پس انداز، یک پنی درآمد است

(یک ریال هم یک ریال است)



A rose by any other name would smell as sweet

اِ رُز بآیْ اِنی آدِر نِیْمْ وُود سْمِلْ اَز سوای تْ

به گُل رُز هر اسمی که بدهند باز بوی خوش دارد

(مُشک آن است که خود ببوید نه آن که طبله ی عطار بگوید)

A poor beauty finds more lovers than husbands

اِ پور بییوتی فآیْندز مُرْ لآوِرزْ دَنْ هآزبِنْد

یه دختر فقیروزیبا، عاشقان زیادی پیدا می کنه تا شوهر

A rolling stone gathers no moss

اِ رُلینگْ سْتُنْ گَزِرز نُ مآسْ

یه سنگ غَلتان هیچ خَزه ای به خود نمی گیرد (آدم همه کاره و هیچ کاره)

A rule isn't unfair if it applies to everyone

اِ رول ایزِنْتْ آنفِرْ ایفْ ایتْ اَپلآیْزْ تو اِوْری وآنْ

قانون اگر برای همه بکار برود، غیر مُنصفانه نیست

A rumor goes in one ear and out many mouths

اِ رومِرْ گُزْ این وآنْ اییِرْ آند آوْتْ مِنی مآوْزِزْ

شایعه وارد یک گوش می شود و از دهان های بسیاری خارج می شود

A small spark makes a great fire

اِ سْمُلْ سْپآرکْ مِیکْسْ اِ گرِیْتْ فآیِرْ

یک جرقه ی کوچک آتش بزرگی به پا می کند

A stitch in time saves nine

اِ سْتِچْ اینْ تآیْمْ سِیْوْز نآیْنْ

یک کوک (بَخیه) به موقع به جای نُه کوک بی موقع است (جلوی ضَرَر را هر وقت بگیری، سود است)

A teacher is better than two books

اِ تیچِرْ ایزْ بِتِرْ دَنْ تو بُکْسْ (بوکْسْ)

یک معلم بهتر از دو کتاب است

A thief believes everybody steals

اِ ثیفْ بیلیوز اِوْری بآدی سْتیلْزْ

یک دُزد فکر می کند که همه (دُزدند) می دُزدند

A thorn defends the rose, harming only those who would steal the blossom

اِ ثُرْنْ دیفِنْدز دِ رُز، هآرمینگْ آنْلی دُز هو وُود سْتیلْ دِ بلآسِمْ

خار از گُل سُرخ دفاع می کند و فقط صَدمه می زند به آن هایی که می خواهند غنچه را بدُزدند

A throne is only a bench covered with velvet

اِ ثرُنْ ایزْ آنْلی اِ بِنچْ کاوِرد ویتْ وِلوِتْ

تخت نیمکتی است که با مَخمل پوشیده شده



A tree falls the way it leans

اِ تیری فالْز دِ ویْ ایتْ لینْز

یک درخت به همان سمتی که کج می شود، می افتد

A watched pot/kettle never boils

اِ واچْتْ پاتْ/کتِل نور بیلْز

به ظرفی (کتری) را که تماشا می کنی هرگز نمی جوشد

(انتظار هر چیزی را که بکشی، استرس بیشتری را متحمل می شوی)

A wild goose chase

به دنبال نخود سیاه فرستادن

اِ وآیْلد گوسْ چیْس

A wise man hears one word and understands two

مرد عاقل یکی می شنود و دوتا می فهمد

اِ وآیْزْ مَنْ هییرْز وآنْ وُرد اَنْ آندِرستَندز تو

A wise man makes his own decisions, an ignorant man follows the public opinion

اِ وآیْزْ مَنْ میْکْسْ هیزْ اُنْ دیسیژنْز، اَنْ ایگْنرنْتْ مَنْ فالْزْ دِ پآبْلیکْ آپینیِنْ

مرد عاقل خودش تصمیم می گیرد،و مرد سطحی نگر از عقاید دیگران پیروی می کند

A woman's place is in the home

اِ وُمنْز پلیْسْ ایزْ اینْ دِ هُمْ

جایگاه زن، در منزل است

A worthy woman is far more precious than jewels, strength and dignity are her clothing

اِ ورثی وُمنْ ایزْ فآر مُرْ پرشسْ دَنْ جوالْزْ، سْترِنْثْ آند دیگْنیتی آر هِرْ کلُزینْگْ

ارزش یک زن شایسته خیلی بیشتر از جواهرات می باشد . استقامت و وقار، لباس زن است

Absence makes the heart grow fonder

آبسِنْس میْکْسْ دِ هآرتْ گرُ فآنْدر

غیبت و جدایی، باعث افزایش علاقه می شود (دوری و دوستی)

Action is proper fruit of knowledge

اَکْشِنْ ایزْ پرآپِرْ فوروتْ آو نآلِجْ

عمل، میوه ی دانش است (بار درخت علم نباشد مگر عمل)

Actions speak louder than words

اَکْشِنْزْ سْپیکْ لآوْدر دَنْ وُردز

عمل بلندتر از کلمات حرف می زند (دو صد گفته چون نیم کردار نیست)

Advice should be viewed from behind

اَدوآیْسْ شود بی وییود فرآمْ بیهآیْند

نصیحت باید بطور غیر مستقیم باشد

After death the doctor

آفتِرْ دِثْ دِ داکْتِرْ

دکتر، بعد از مرگ (نوشدارو بعد از مرگ سهراب)



All roads lead to Rome   آلْ رُدز لید تو رُم

همه ی جاده ها به رُم ختم می شود
(هرجا بری آسمان همین رنگ است)

After sorrow comes joy   اَفتِرْ سآرُ کآمْزْ جُیْ

بعد از هر گریه، خنده ای است

All clouds bring not rain   آلْ کِلاَوْدز بیرینْگْ نآتْ رِیْنْ

هر گردی، گردو نیست

All fellows in football   آلْ فِلُزْ اینْ فوتْبآلْ

بازی اشکَنکْ داره، سَر شکستنک داره

All good things come to an end   آلْ گود ثینگْزْ کآمْ تو آنْ اِنْد

به روزی تمام چیزهای خوب به پایان می رسند   (هیچ عیشی بی پایان نیست)

All is for the best   آلْ ایزْ فُرْ دِ بِسْتْ

همه چیز به خاطر بهترین است   (هرچه پیش آید، خوش آید)

All is well that ends well   آلْ ایزْ وِلْ دَتْ اِنْدز وِلْ

همه ی آن هایی خوب است که به خوبی خَتم شود   (شاهنامه آخرش خوش است)

All talk and no action   آلْ تآکْ آند نُ اَکْشِنْ

همه اش صحبت و عمل هیچ   (به عَمل کار برآید به سخنرانی نیست)

All that glitters is not gold   آلْ دَتْ گیلیترْز ایزْ نآتْ گُلْد

همه ی چیزهایی که می درخشند، طلا نیستند   (هر گردی،گردو نیست)

All the better   چه بهتر   آلْ دِ بِترْ

All things are easy that are done willingly   آلْ ثینگْزْ آر ایزی دَتْ آر دآنْ ویلینگْلی

همه ی چیز هایی که با میل انجام می شوند، آسان هستند

All things come to those who wait   آلْ ثینگْزْ کآمْ تو دُز هو وِیْتْ

همه چیز می آید برای آن هایی که صَبر می کنند   (گر صبر کُنی زِ غوره، حلوا سازی)

All things grow with time, except grief   آلْ ثینگْزْ گِرُ ویتْ تآیْمْ، اِکْسِپْتْ گیریفْ

همه چیز با زمان رُشد می کند بجُز غَم و غُصَه

All truth will not bear telling   آلْ توروثْ ویلْ نآتْ بِرْ تِلینگْ

دروغ مَصلحت آمیز، بهتر از راست فِتنه انگیز است

Anger is a short madness

اَنگِرْ ایزْ اِ شُرْتْ مَدْنِس

عصبانیت یک دیوانگی کوتاه مدت است



All work and no play makes Jack a dull boy

کار زیاد و بدون تفریح آدم را سُست و بی حال می کند

آلْ وُرکْ اَند نُ پِلِیْ مِیْکْسْ جَکْ اِ دآلْ بُیْ

Always have two strings to your bow

آلْوِیْزْ هَوْ تو سْتِرینْگْزْ تو یُرْ بُ

همیشه برای کَمانت دوتا سیم (ریسمان) داشته باش (کار از مُحکم کاری عیب نمی کند)

An apple a day keeps the doctor away

اَنْ اَپِلْ اِ دِیْ کیپْسْ د دآکْتِرْ اوِیْ

روزانه یک سیب، دکتر را دور نگه می دارد - روزی یه سیب بخور تا بیمار نشوی

An evil lesson is soon learned

اَنْ ایولْ لِسنْ ایزْ سونْ لِرْنْد

کارِ بَد، زود آموخته می شود

An eye for an eye and a tooth for a tooth

اَنْ آیْ فُرْ اَنْ آیْ اَند اِ توثْ فُرْ اِ توثْ

چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان

an ill beginning, an ill ending

اَنْ ای لْ بیگینینْگْ ، اَنْ ای لْ اَندینْگْ

یک شروع بد، یک پایان بد دارد (خشت اوّل چون نَهد معمار کَج تا ثُریا می رود دیوار کَج)

An ounce of discretion is worth a pound of wit

یه اُنس بصیرت بهتر از یک پوند هوش است

اَنْ آوِنْسْ آو دیسکِرِشِنْ ایز وِرثْ اِ پاوِنْد آو ویتْ

An old rat is a brave rat

اَنْ اُلد رَتْ ایزْ اِ بریوْ رَتْ

یه موش پیر، یه موش شجاع است (دود، از کُنده بلند می شود)

Anger and hate hinder good counsel

اَنگِرْ اَند هِیْتْ هیِنْدِر گود کاوْنْسل

عَصبانیت و تَنفّر، مانع از مشورت خوب، می شوند

Answer one in his own language

آنْسِرْ وآنْ اینْ هیزْ اُنْ لَنگواج

جواب هر کسی را به زبان خودش بده (جواب های، هوی است)

Any port in a storm

انی پُرْتْ اینْ اِ سْتُرْمْ

در طوفان، هر بَندری (لنگرگاه) که باشد (لنگه کفش در بیابان نعمت است)

Appetite comes with eating

اَپِتآیْتْ کآمْزْ ویثْ ایتینگْ

اشتها با خوردن می آید



As you make your bed, so you must lie in it

اَز یو مِیکْ یُرْ بِد ، سُ یو مَاسْتْ لاَیْ اینْ ایتْ

جایت را که می اندازی، خودت هم باید بخوابی

(هرکَسی که خربزه می خورد، پای لرزش هم می نشیند.

چاه مَکَن بهر کَسی اول خودت، دوم کَسی)

April and May the keys of the year — اِیْپریلْ اَند مِیْ دِ کیزْ آو دِ یِرْ

ماه آوریل و ماه مه، کلید های سال هستند (سالی که نِکوست از بَهارش پیداست)

As bold as brass — اَز بُلد اَز بِرَسْ — مثل سنگ پای قزوین

As easy as ABC — اَز ایزی اَز اِیْ بی سی

به آسانی اِی بی سی (مِثل آب خوردن ساده است)

As well be hanged for a sheep as for a lamb — اَز وِلْ بی هَنگد فُرْ اِ شیِپْ اَز فُرْ اِ لَمْ

آب که از سَر گذشت چه یک وَجَب چه صَد وَجَب

Bad news travels fast — بَد نیوز تِراوِلزْ فَسْتْ

خبر بد سریع پخش می شود (یک کلاغ و چهل کلاغ کردن)

Barking dogs seldom bite — بَارکینْگْ داگزْ سِلْدِمْ بَایْتْ

سگی که پارس می کند به ندرت گاز می گیرد (از آن نترس که های و هوی دارد- از آن بترس که سر به تو دارد)

Be slow to promise and quick to perform — بی سْلُ تو پِرآمیسْ اَند کو ای کْ تو پِرفُرْمْ

در قول دادن عجله نکن و در عَمل به آن سریع باش

Beauty is in the eyes of the beholder — بیوتی ایزْ این دِ آیْزْ آو دِ بیهُلْدِر

زیبایی بستگی به دید و نظر شخصی دارد که نگاه می کند

(عَلف باید به دهان بُزی شیرین باشد - آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است)

Beauty is only skin deep — بیوتی ایزْ آنْلی سْکینْ دیپْ

صورت زیبا، هیچ نیست، سیرت زیبا بیار (تن آدمی شریف است به جان آدمیت)

Beggars' bags are bottomless — بِگِرْز بَگزْ آر بَاتِمْلِسْ

کیسه ی گدایان بدون ته می باشد

Beggars can't be choosers — بِگِرْز کَنْتْ بی چوزِرز

فقرا نمی توانند انتخاب گر باشند (مُفت خور، صاحب سلیقه نمی باشد)

Believe not all you hear — بیلیوْ نَاتْ آلْ یو هیِرْ

همه ی چیزهایی که می شنوی را، باور نکن (بشنو و باور نکن)



Better to light a candle than to curse the darkness

بِترْ تو لآیْتْ ا کَنْدِلْ دَنْ تو کِرْسْ د دارْکْنِسْ

به جای اینکه به تاریکی ناسزا بگویی بهتر است که شمع روشن کنی

Better a coward for a minute than dead for the rest of your life

بِترْ ا کاوْارد فُرْ ا مِنِتْ دَنْ دِد فُرْ د رِسْتْ آو یُرْ لآیفْ

بهتر است که برای چند دقیقه آدم، ترسو باشه تااینکه مابقی عُمرش را، مُرده باشه

(آدم ترسو همیشه جان سالم بدَر می برد)

Better alive coward than a dead hero — بِترْ الآیْوْ کاوْارد دَنْ ا دِد هیرُ

ترسوی زنده، بهتر است تا قهرمان مرده (پهلوان زنده را عشق است)

Better do it than wish it done — بِترْ دو ایتْ دَنْ ویشْ ایتْ دآنْ

بهتر است که آن کار را بکنی تااینکه آرزوکنی، انجام داده شود

Better have it out than be always aching — بِترْ هَوْ ایتْ آوتْ دَنْ بی آلویْزْ ایکینْگْ

بهتر است که آن را در بیاوری تا اینکه همیشه دَرد بکشی

(دندانی که درد می کند را باید کشید)

Better late than never — بِترْ لِیتْ دَنْ نِوِر

دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است (آهسته برو همیشه برو)

Better the devil you know than the devil you don't know

دشمن دانا به از دوست نادان بود

بِترْ د دِولْ یو نُ دَنْ د دِولْ یو دُنْتْ نُ

Better to ask the way than to go astray — بِترْ تو اَسْکْ د ویْ دَنْ تو گُ اَسْتریْ

بهتر است که مسیر را بپرسی تا اینکه سرگردان بروی

(دانا هم می داند و هم می پرسد امّا نادان نه می داند و نه می پرسد)

Better to be alone than in bad company — بِترْ تو بی اَلُنْ دَنْ اینْ بَد کامْپنی

تنها بودن بهتر است تا همنشینی با بَدان

Better untaught than ill taught — بِترْ آنْتاتْ دَنْ ایلْ تاتْ

تعلیم نیافته بهتر است تا بد آموخته

Better to be safe than sorry — بِترْ تو بی سِیْفْ دَنْ ساری

چرا عاقل کُند کاری که باز آرد پشیمانی



Birds of a feather flock together

بِرْدز آو اِ فِدِر فلاکْ توگِدِر

کبوتر با کبوتر، باز با باز، کند همجنس با همجنس پرواز

Between the devil and the deep blue sea — بیتْوینْ دِ دِوِلْ اَند دِ دیپْ بولو سی

بین شیطان و دریای عمیق آبی بودن (میان بد و بدتر گیر کردن)

Beware of a silent dog and still water — بیور آو اِ سایْلِنْتْ داگْ اَند سْتیلْ واتِرْ (وآدر)

بر حذر باش از سگ ساکت و آب راکد

Black will take no other hue — بلَکْ ویلْ تِیْکْ نُ آدِر هیو

سیاهی هیچ رنگ دیگری به خود نمی گیرد (بالاتر از سیاهی رنگی نیست)

Blood is thicker than water — بلاَدْ ایزْ ثیکِرْ دَنْ وآتِرْ

خون غلیظ تر از آب است

(پیوند با خون قویتر است - همبستگی بین اعضای خانواده نسبت به افراد غریبه بیشتر است)

Brain is better than brawn — بریْنْ ایزْ بِتِرْ دَنْ بِرُنْ

عقل بهتر از نیروی عضلانی است (یه جو عقل بهتر از یک خربار زور بازو است)

Burn the candle at both ends — بِرْنْ دِ کَنْدِلْ اَتْ بُتْ اِنْدز

شمع را از دوطرف بسوزان (مثل شمع سوختن)

Business before pleasure — بیزینِسْ بیفُرْ پلیژِر — کار، قبل از تفریح

Call a spade a spade — کاْلْ اِ سْپِیْد اِ سْپِیْد

به یک بیل، بیل بگو (آن را که عیان است، چه حاجت به بیان است)

Cattle do not die from crows cursing — کَتِلْ (کَدِلْ) دو ناتْ دایْ فرآم کِرُز کِرْسینْگْ

گلّه با نفرین کلاغ از بین نمی رود (به حرف گربه سیاه باران نمی آید)

Charity begins at home — چِریتی بیگینْز اَتْ هُمْ

دستگیری(صدقه دادن) از منزل شروع می شود (چراغی که به منزل رواست،به مسجد حرام است)

Cleanliness is next to godliness — کیلین لینِسْ ایزْ نِکْسْتْ تو گادْلینِسْ

نظافت نزدیکی به دینداری(خداشناسی) است (پاکیزگی نشانه ی ایمان است)

Clothes do not make the man — کِلُزْ دو ناتْ مِیکْ دِ مَنْ

لباس، مرد را نمی سازد (لباس شخصیت نمی دهد)

(تن آدمی شریف است به جان آدمیت - نه همین لباس زیباست نشان آدمیت)



Courtesy on one side only lasts not long

کِرتسیْ آنْ وآنْ سآیْد آنلی لَستْس نآتْ لآنگ

احترام از یکْ جانب هرگز دوام زیادی ندارد (محبت، دو سر دارد)

Clouds gather before a storm

کلاوْدز گَزِر بیفُرْ اِ ستُرْمْ

قبل از طوفان، ابرها جمع می شوند

Coming events cast their shadows before

کامینگْ ایوِنْتس کَسْتْ دِر شَدُز بیفُرْ

حوادثی که در راه هستند، سایه هایشان را قبلاً گسترده اند

(سالی که نکوست از بهارش پیداست)

Cowards die many times before their death

کاوِاردز دآیْ مِنی تآیْمْز بیفُرْ دِر دِثْ

ترسوها قبل از فرارسیدن مرگشان، بارها می میرند (آدم های ترسو روزی هزار بار می میرند)

Curiosity killed the cat

کیورآسیتی کیلْد دِ کَتْ

کنجکاوی آن گربه را کُشت (کنجکاوی زیاد باعث درد سَر می شود)

Cut your coat according to your cloth

کاتْ یُرْ کُتْ اَکُرْدینگْ تو یُرْ کلاثْ

پایت را به اندازه ی گلیمت دراز کن

Darkness reigns at the foot of the lighthouse

تاریکی بر پایین فانوس حُکومت می کند

دآرکْنس رِینْز اَتْ دِ فوتْ آو دِ لآیْتْهآوْسْ

Death closes all doors

دِثْ کِلُزِز آلْ دُرز

مرگ، همه ی درها را می بندد

Death keeps no calendar

دِثْ کیپْس نُ کَلِندر

مَرگ، خبر نمی کند

Delays are dangerous

دیلِیْز آر دِینْجِرِسْ

تأخیرها، خطرناک هستند (کار امروز را به فردا، نینداز)

Diamonds cut diamonds

دآیمِنْدز کاتْ دآیمِنْدز

سنگ، سنگ را می شکند

Different strokes for different folks

دیفرِنْتْ سْتِرُکْس فُرْ دیفرِنْتْ فُکْسْ

ضربات (نوازش) مختلف برای مردم مختلف (گروهی این ، گروهی آن پسندند)

Discretion is the better part of valor

دیسکِرِشِنْ ایز دِ بِتِرْ پآرتْ آو وَلِرْ

احتیاط، بهترین قسمت شُجاعت است



Do not use a hatchet to remove a fly from your friend's forehead

دو نات یوز ا هَچِت تو رِیموو ا فلای فرام یُر فرِندز فُرهِد

برای بلند کردن یک مگس از روی پیشانی دوستت، از ساتور (تیشه) استفاده نکن

(دوستی خاله خرسه)

Do as I say, not as I do — دو از آی سِی، نات از آی دو

کاری که می گویم را انجام بده ، نه کاری را که می کنم (نبین چه کار می کنم، ببین چی می گویم)

Do as you would be done by — دو از یو وُود بی دان بای

آنچه برای خودت می پسندی برای دیگران هم بپسند

Do not be born good or handsome, but be born lucky

یک جو شانس بهتر از صد جو، خوشگلی است

دو نات بی بُرن گود اُر هَندسام، بات بی بُرن لاکی

Do not blame God for having — دو نات بلِیم گاد فُر هَوینگ

created the tiger,but thank him — کیریایتِد د تایگِر، بات تَنک هیم

for not having given it wings — فُر نات هَوینگ گیوِن ایت وینگز

خدا را سرزنش نکن که چرا ببر را خلق کرده ، برو خدا را شکر کن چون که به آن بال نداده

Do not rejoice at my grief, for when mine is old, yours will be new

در غم من شادی نکن چون زمانی که غم من تمام می شود ، غم تو شروع می شود

دو نات ریجُیس اَت مای گیریف، فُر وِن ماین ایز اُلد ، یُرز ویل بی نیو

Do not speak of secrets in a field that is full of little hills

اسرار را بازگو نکن در محل هایی که پُر از تپه های کوچک است (دیوار موش دارد ، موش هم گوش دارد)

دو نات سْپیک آو سیکِرتس این ا فیلد دَت ایز فُل (فول) آو لیتل هیلز

Do what is right, come what may — دو وات ایز رایت ، کام وات مِی

کار دُرست را بکن، می آید هرچه که ممکن باشد (هرچه باداباد)

Dog doesn't eat dog — داگ دازنت ایت داگ

سگ، سگ را نمی خورد

Don't ignore the remark — دُنت ایگنُر د ریمارک

از آن علامت چشم پوشی نکن (خودت را به کوچه ی علی چپ نزن)

Don't make a mountain out of a mole hill — دُنت میک ا ماونتن آوت آو ا مُل هیل

از تپه ی کوچک ، کوه نساز (از کاه، کوه ساختن)



Don't look a gift horse in the mouth

دُنْتْ لوکْ ا گیفْتْ هُرْسْ اینْ دِ ماوْثْ

دهان اسب هدیه ای را نگاه نکن (دندان های اسب پیشکش را نمی شمارند)

Don't bite the hand that feeds you دُنْتْ بایْتْ دِ هَنْد دَتْ فیدز یو

گاز نگیر دستی را که به تو غذا داده است (نمک می خوری، نمکدان را نشکن)

Don't bite off more than you can chew دُنْتْ بایْتْ آفْ مُرْ دَنْ یو کَنْ چو

گاز نَزَن بیشتر از آن چیزی را که می توانی بجَوی (لُقمه ی بزرگتر از دَهانت برندار)

Don't count your chickens before they're hatched

جوجه هایت را قبل از اینکه از تخم بیرون بیایند، نشمار (جوجه را آخر پاییز می شمارند)

دُنْتْ کاوْنْتْ یُرْ چیکِنْزْ بیفُرْ دِیْرْ هَچْتْ

Don't cry over spilled (spilt) milk دُنْتْ کِرآیْ اُور سْپیلْد (سْپیلْتْ) میلْکْ

بخاطر شیر ریخته شده ، گریه نکن (آب رفته به جوی باز نیاید)

Don't judge a book by its cover دُنْتْ جاجْ اِ بُکْ (بوکْ) بآیْ ایتْسْ کاوِر

درمورد کتاب نباید از روی جلدش قضاوت کرد (نه هرکه به قامت مِهتَر به قیمت بِهتَر)

Don't judge a man until you've walked in his boots

تا وقتی که در موقعیت شخصی قرار نگرفتی، درمورد او قضاوت نکن

(کنارگود نشسته، میگه لنگش کُن)

دُنْتْ جاجْ اِ مَنْ آنْتیلْ یووْ واکْتْ اینْ هیزْ بوتْسْ

Don't put all your eggs in one basket دُنْتْ پوتْ آلْ یُرْ اِگْزْ اینْ وآنْ بَسْکِتْ

همه ی تخم مرغ هایت را در یک سبد نگذار (همه ی پُل های پشت سرت را خراب نکُن)

Don't put off for tomorrow what you can do today

کار امروز را به فردا نینداز

دُنْتْ پوتْ آفْ فُرْ تومآرُ وآتْ یو کَنْ دو تودِیْ

Don't put the cart before the horse دُنْتْ پوتْ دِ کآرتْ بیفُرْ دِ هُرْسْ

گاری (کالسکه) را جلوی اسب نبند

Early to bed and early to rise, it makes the man healthy, wealthy and wise

زود بخوابی ، زود بلند می شوی. این عَمل باعث می شود که مَرد ، سلامت ، پول دار و عاقل باشد

(سحر خیز باش تا کامروا گردی)

اِرلی تو بِد آند اِرلی تو رآیز، ایتْ میکْسْ دِ مَنْ هِلثی، وِلثی آند وآیْزْ



Empty vessels make the most noise
امپتی وسلز میک د مُست نیز
خُم خالی (ظرف تو خالی) صدای بیشتری را تولید می کند

East or west, home is best
ایسْت اُر وِسْت، هُمْ ایزْ بِسْت
شرق یا غرب، خانه بهتر است (هیچ جا خانه ی خود آدم نمی شود)

Easy come, easy go
ایزی کآمْ، ایزی گُ
آسان (به دست) آمده، آسان (از دست) می رود (باد آورده را باد می برد)

Eat to live, but do not live to eat
ایت تو لِوْ (لیو)، بآتْ دو نآتْ لِوْ (لیو) تو ایتْ
خوردن برای زیستن است ، نه زیستن برای خوردن

Every cloud has a silver lining
اِوْری کلآوْد هَزْ ا سیلْور لآیْنینگْ
هر ابری یک پوشش نقره ای دارد (در نا اُمیدی بسی اُمید است پایان شب سیه، سفید است)

Every dog has his day
اِوْری دآگْ هَزْ هیزْ دیْ
هر سگی روز خودش را دارد (هیچ سری بی روزی نیست - هرکس را لاجرم روز خوشی است)

Every dog is a lion at home
اِوْری دآگْ ایز ا لآینْ اَتْ هُمْ
هر سگی در لانه ی خود، شیر است

Every madman thinks all other men mad
اِوْری مَدْمَنْ ثینْکْس آلْ آدر مِنْ مَد
دیوانه فکر می کند که همه دیوانه هستند (کافر همه را به کیش { دین } خود پندارد)

Every man has his price
اِوْری مَنْ هَزْ هیزْ پرآیْس
هر مَردی ، قیمتی دارد

Every medal has its reverse
اِوْری مدآلْ هَزْ ایتْس ریورس
هر مدالی ، پشت هم دارد (سکّه دو رو دارد)

Everything has an end
اِوْریثینگْ هَزْ اَنْ اِند
هر چیزی پایانی دارد

Everything is good in its season
اِوْریثینگْ ایزْ گود اینْ ایتْس سیزنْ
هر چیزی در فصل خودش خوب است (هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد)

Example is better than precept
اِگْزَمْپلْ ایزْ بِتِر دَنْ پریسِپْتْ
مثال بهتر از قواعد، تعلیم می دهد (سرمشق دیگران بودن بهتر از فرمان دادن به آن ها است)

Example teaches more than precept
اِگْزَمْپلْ تیچِزْ مُر دَنْ پریسِپْتْ
مثال بهتر از قواعد تعلیم می دهد (سَرمشق دیگران بودن بهتر از فرمان دادن به آن ها است)



Fair exchange is no robbery — فِرْ اِکْسْچِیْنْجْ ایزْ نُ رآبِری

تَعویض مُنصفانه، دُزدی نیست

(چیزی که عَوَض دارد، گله ندارد)

Familiarity breeds contempt — فَمیلیاَرِتی بیریدز کاَنْتِمْپْتْ

اُنس باعث اهانت (خواری) می شود (می خواهی عزیز شوی یا دور شو یا گمشو)

Fire and water do not mix — فآیِرْ آند واتِرْ (وآدِر) دو ناتْ میکْسْ

آب و آتش باهم سازگار نیستند

First come, first served — فِرْسْتْ کاَمْ ، فِرْسْتْ سِرْوْد

شَخص اول آمده، اول سرویس داده می شود (آسیاب به نوبت)

Fish and guest stink after three days — فیشْ آند گِسْتْ سْتینْکْ اَفْتِرْ ثْری دِیْزْ

ماهی و مهمان بعد از سه روز می گَندند (مهمان تا سه روز عزیز است)

Fools ask questions that wise men can't answer

آدم احمق سؤالاتی را می پرسد که عاقلان هم نمی توانند جواب بدهند

(یه دیوانه سنگی را به ته چاه می اندازد و چهل عاقل هم نمی توانند آن را در بیاورند)

فولْزْ اَسْکْ کواِسْچِنْزْ دَتْ وآیْزْ مِنْ کَنْتْ آنْسِرْ

Fools have the best luck — فولْزْ هَوْ دِ بِسْتْ لاَکْ

احمق ها بهترین شانس را دارند (دنیا به کام اَبلهان است)

Forewarned is forearmed — فُرْوآرْنْد ایزْ فُرْآرمْد

از قبل هُشدار دادن، از قبل تجهیز شدن است (عَلاج واقعه، قبل از وقوع باید کرد)

Forgive and forget — فُرْگیو آند فُرْگِتْ

بِبَخش و فَراموش کُن (تو نیکی می کُن و در دِجله انداز ...)

From a bad paymaster get what you can — فِرآمْ اِ بَد پِیْمَسْتِرْ گِتْ وآتْ یو کَنْ

از آدم خَسیس هرچه که می توانی بگیر

(از خرس یک مو کندن، غنیمت است)

Give a negative reply — گیو اِ نِگِتیوْ ریپْلاَیْ

جواب منفی بده (آب پاکی را روی دست کسی ریختن - یه نَه بگو، خیال خودت را راحت کُن)

Give and take — گیو آند تِیْکْ

بده و بِگیر (با هر دست بِدی، با همان دست می گیری)



God helps those who help themselves

گاد هلپْسْ دُز هو هلپْ دِمسلوز

خداوند به آن هایی کمک می کند که به خودشان کمک می کنند

(از تو حرکت از خدا برکت)

Give someone an inch and they will take a mile

یه اینچ بده به اندازه ی یه مایل می خواهند بردارند

(به او دست بدی، شانه نداری - اگر به او رو بدهی، آسترش را هم می خواهد)

گیو سامْوانْ اَنْ اینْچْ اَند دِیْ وِیلْ تِیکْ اِ مایْلْ

Give the devil his due

گیو دِ دِوِلْ هیزْ دو

انصاف را نباید از یاد برد حتی برای اشخاصی که فکر می کنی بی ارزش هستند (انصاف را رعایت کُن)

Good things come in small packages

گود ثینگزْ کامْ اینْ سْمُلْ پَکیجزْ

چیز های خوب در بسته های کوچک می آیند (فلفل نبین چه ریزه، بشکن ببین چه تیزه)

Great boast and small roast

گرِیتْ بُسْتْ اَند سْمالْ رُسْتْ

لاف زیادی و نان کَم (پُز عالی و جیب خالی)

Grin and bear it

گیرینْ اَند بِرْ ایتْ

لبخند بزن و تحمّل کُن (دندان روی جگر گذاشتن)

Half a loaf is better than no bread

هَفْ اِ لُفْ ایزْ بِترْ دَنْ نُ برِد

لقمه ی نان، بهتر از نبودن آن است (کاچی به از هیچی)

Haste makes waste

هِیْسْتْ مِیکْسْ وِیْسْتْ

عجله باعث اتلاف وقت می شود (عَجله کارِ شیطان است)

Have God and have all

هَوْ گاد اَند هَوْ آلْ

خداوند را داشته باش، همه چیز را داری (با خدا باش و پادشاهی کُن)

He fights with his shadow

هی فایْتْسْ ویتْ هیزْ شَدُ

او با سایه ی خودش، می جنگد (او از سایه ی خودش هم می ترسد)

He has not a penny to bless himself with

هی هَزْ نَاتْ اِ پِنی تو بِلِسْ هیمْسِلْفْ ویتْ

او یک پنی هم ندارد که خَرج خودش بکُند

(آه در بَساط ندارد که با آن ناله کند)



He is an imposter هی ایز اَنْ ایمْپِسْتِرْ

او آدم دَغلکاری است (اگر صد تا چاقو بسازد ، یکیش هم دسته ندارد)

He is close-fisted هی ایز کِلُسْ - فیسْتِد

او کاملاً دستش (به صورت مُشت شده) بسته است (او آدم خسیسی است - او نَم پس نمی دهد)

He is rich that has few wants هی ایزْ ریچْ دَتْ هَزْ فیو وآنْتس

آن کسی ثروتمند است که خواسته ی کمتری دارد (قناعت هرکه کرد آخر غَنی شد)

He that blows in the dust, fills his own eyes

کسی که در خاک فوت کند، گرد و خاک در چشم خودش می رود (دودش، به چشم خودت می رود)

هی دَتْ بِلُزْ اینْ دِ دآسْتْ، فیلْزْ هیزْ اُنْ آیْزْ

He wants to have it both ways هی وآنْتْس تو هَوْ ایتْ بُتْ ویْزْ

او می خواهد که آن را از هر دو طرف داشته باشد

(هم از توبره می خورد هم از آخور - هم خر را می خواهد هم خرما را)

He who begins many things, finishes but few

کسی که کارهای زیادی را با هم شروع می کند، تعداد کمی را به پایان می رساند

(با یک دست نمی شود دوتا هندوانه برداشت)

هی هو بیگینْزْ مِنی ثینْگزْ، فینیشیزْ بآتْ فیو

He who has the frying pan in his hand turns it at will

آن کسی که در دستش ماهی تابه است، هروقت که بخواهد آن را می چرخاند

(ریش و قیچی هر دو، دست شماست)

هی هو هَزْ دِ فرآیْ اینگْ پَنْ اینْ هیزْ هَنْد ترْنْزْ ایتْ آتْ ویلْ

He who hesitates is lost هی هو هزیتِیْتْس ایزْ لآسْتْ

کسی که شک کُنَد ، از دست می دهد (اگر شَک کُنی، باختی)

He who laughs last, laughs best هی هو لَفْسْ لَسْتْ، لَفْسْ بِسْتْ

آن کسی که آخرین نفر می خندد، بهتر می خندد (شاهنامه آخرش خوش است)

He who travels far, knows much هی هو ترآوِلْزْ فآر، نُزْ مآچْ

آن کسی که به جاهای دور سفر می کند ، بیشتر می داند (بسیار سفر باید کرد تا پخته شود خامی)

Health is better than wealth هِلْثْ ایزْ بِترْ دَنْ وِلْثْ

سلامتی بهتر از ثروت است



Health is not valued until sickness comes
هِلْث ایز نات وَلیود آنتیل سیکْنِس کامْز
سلامتی بهتر از ثروت است
آدم تا مَریض نشود قدر سَلامتی را نمی داند

Hear twice before you speak once — هییر توآیس بیفُر یو سْپیک وآنس
دوبار گوش بده قبل از اینکه یک بار صحبت کنی (دو بشنو و یک بیش نگو)

Heart speaks to heart — هآرت سْپیکْس تو هآرت
دل با دل صحبت می کند (دل به دل راه دارد)

Hindsight is better than foresight — هآیندسآیت ایز بِتِر دَن فُرسآیت
درس عبرت گرفتن بهتر است تا پیشگویی کردن

Honesty is the best policy — آنِستی ایز د بِسْت پآلِسی
صداقت بهترین سیاست است (بار کَج به مَنزل نمی رسد)

Honey is sweet, but the bee stings — هآنی ایز سوای ت، بآت د بی سْتینگز
عَسَل شیرین است اما زنبور هم نیش می زند (عَطایش را به لِقایش بَخشیدم)

Hope for the best and prepare for the worst — هُپ فُر د بِسْت آند پیرپِر فُر د وُرِسْت
اُمید بهترین را داشته باش اما خودت را برای بدترین هم آماده کُن

Hope keeps man alive — هُپ کیپْس مَن الآیو
اُمید، انسان را زنده نگاه می دارد (آدمی، به اُمید زنده است)

Hot love is soon cold — هآت لآو ایز سون کُلد
عشق سوزان زود سرد می شود

Hunger is the best sauce — هآنگِر ایز د بِسْت سآس
گرسنگی بهترین چاشنی است (اگر گرسنه اش باشد، سَنگ را هم می خورد)

Hunger knows no law — هآنگِر نُز نُ لآ
گرسنگی قانون نمی شناسد (آدم گرسنه، دین و ایمان ندارد)

I beat him to frighten you — آیْ بیت هیم تو فرآیتِن یو
او را می زنم که تو را بتر سانم (به در می گویم تا دیوار گوش دهد)

I have no pretension to begin with — آیْ هَو نُ پیریتِنْشِن تو بیگین ویت
من دَعوا ندارم که شروع کنم (خَرِ ما از کُرّه گی دُم نداشت)



If the shoe fits wear it

ایف د شو فیتْسْ ور ایتْ

اگر که کفش اندازه است ، آنرا بپوش (حرف حساب جواب ندارد)

Idle folks lack no excuses

آیدِلْ فُکْسْ لَکْ نُ اکسْکییوسزْ

آدم تنبل، بهانه گیر هم می شود

Idleness is the root of all evil

آیدِلْنِسْ ایزْ دِ روتْ آو آلْ ای وِلْ

بیکاری و تنبلی ریشه ی تمام بدبختی ها (بدی ها) می باشد

If at first you don't succeed try, try again

اگر برای مرتبه ی اول موفق نشدی ، سعی کن ، دوباره تلاش کن

(هر کسی طاووس خواهد، جور هندوستان کشد)

ایف اَتْ فِرْسْتْ یو دُنْتْ ساکسید ترآیْ، ترآیْ اگِینْ

If it ain't broke , don't fix it

ایفْ ایتْ اِینْتْ برُکْ ، دُنْتْ فیکْسْ ایتْ

اگر آن نشکسته است، تعمیرش نکن (سری که درد نمی کند، دستمال نمی بندند)

If the cat had wings she'd chock all the birds in the air

اگر گربه بال داشت، تمام پرندگان آسمان را می گرفت

(خدا خر را شناخت که بهش شاخ نداد)

ایفْ دِ کَتْ هَد وینگزْ شید چاکْ آلْ دِ بردز این دِ ار

If you can't beat them, join them

ایفْ یو کَنْتْ بیتْ دِمْ (اِمْ)، جُینْ دِمْ (اِمْ)

اگر نمی توانی آن ها را بزنی ، به آن ها ملحق شو (با آن که خصومت نتوان کرد، بساز)

If you can't stand the heat, get out of the kitchen

اگر نمی توانی گرما را تحمل کنی، از آشپزخانه برو بیرون

(چونکه زورت نمی رسد بر خر،گرد پالان همی چرا گردی)

ایفْ یو کَنْتْ سْتَنْد دِ هیتْ، گِتْ آوْتْ آو دِ کیچِنْ

In at one ear and out at the other

این اَتْ وآنْ ایِرْ اَند آوْتْ اَتْ دِ (دی) آدر

از یه گوش بشنو و از گوش دیگر، بیرون کن (یه گوش در و یه گوش دروازه)

In for a penny, in for a pound

اینْ فُرْ ا پنی ، اینْ فُرْ ا پاوْنْد

چه برای یک پنی، چه برای یک پوند (آب که از سر گذشت چه یک وجب چه صد وجب)

In unity there is strength

اینْ یونیتی در ایزْ سْترِنگْتْ

در اتحاد ، قدرت می باشد (یک دست، صدا ندارد)



It never rains but it pours

ایتْ نِور رِینْز باتْ ایتْ پُرْز

باران نمی آید وقتی هم که می آید سیل راه می اندازد

It is all over — ایتْ ایزْ آلْ اُوِر

همه اش تمام شد (آب ها از آسیاب اُفتاد)

It is an endless talk — ایتْ ایز اَنْ اِندلِسْ تاکْ

این یک صحبتِ بی پایان است (این قصّه سَرِ دراز دارد)

It is better to do well than to say well — ایتْ ایزْ بِترْ تو دو وِلْ دَنْ تو سِیْ وِلْ

خوب انجام دادن بهتر است تا خوب گفتن

(عمل خوب بهتر از گفتار خوب است - به عمل کار برآید به سخنرانی نیست)

It is easier to pull down than to build up — ایت ایزْ ایزی یِرْ تو پولْ داوْن دَنْ تو بیلْد آپْ

خراب کردن آسان تر است تا ساختن

It is easy to be wise after the event — ایتْ ایزْ ایزی تو بی وآیْزْ آفتِرْ دِ ایوِنْتْ

بعد از وقوع حادثه عاقل بودن آسان است (مسئله (مُعَمّا) چون حَل شود، آسان شود)

It is never too late to mend — ایتْ ایزْ نِوِر تو لِیْتْ تو مِنْد

هرگز برای تعمیر کردن دیر نیست (ماهی را هر وقت از آب بگیری، تازه است)

It is the first step that is difficult — ایتْ ایز دِ فِرْسْتْ سْتِپْ دَتْ ایزْ دیفیکاٰلْتْ

اولین گام است که سخت است (هر کاری، اولش سَخت است)

It is the same story in the same day — ایت ایزْ دِ سِیْمْ سْتُری اینْ دِ سِیْمْ دِیْ

این همان داستان قدیمی است در همان روز (همان آش و همان کاسه)

It is useless to flog a dead horse — ایت ایزْ یوزْلِسْ تو فِلاگْ اِ دِد هُرْسْ

شلاق زدنِ اسبِ مرده، بی فایده است

(آب در هاون (کوبیدن) ساییدن - باد در قفس کردن)

It takes all kinds (to make a world) — ایتْ تِیْکْسْ آلْ کاٰیْنْدز (تو مِیْکْ اِ وُرْلْد)

برای ساختن جهان، از همه ی اَنواع می گیرد (خداوند همه را یک جور خلق نکرده است)

It takes two to tango — ایتْ تِیْکْسْ تو تو تَنْگُ

این فَطیر از آن خَمیر است

Jack of all trades and master of none — جَکْ آو آلْ تِرِیْدز اَند مَسْتِرْ آو نآنْ

آدم همه کاره و هیچ کاره



Liars have need of good memories

لَآیِرْز هَوْ نید آو گود مِمُریز

دروغگوها نیاز به حافظه ی خوب دارند

(آدم دروغگو، کم حافظه است)

Kill not the goose that lays the golden eggs کیلْ نَاتْ دِ گوسْ دَتْ لِیْزْ دِ گُلْدِنْ اِگْزْ

غازی که تُخم های طلا می دهد را نمی کُشند

Killing two birds with one stone کیلینْگْ تو بِرْدز ویتْ وآنْ سْتُنْ

با یک سَنگ دو پرنده را کُشتن (با یک تیر دو نشان زدن)

Knowledge is power نَالِجْ ایزْ پَآوِر

دانش، نیرو است (توانا بود هرکه دانا بود)

Laugh and grow fat لَفْ آنْد گِرُ فَتْ

بخند و چاق شو (فکر شیرین مرد را فَربه کند)

Leave well alone لیو وِلْ اِلُنْ

تو نیکی می کن و در دجله انداز ...

Leave well enough alone لیوْ وِلْ اینآفْ اِلُنْ

سَری که درد نمی کنه، چرا دستمال می بندی

Lend your money and lose your friend لِنْد یُرْ مآنی آنْد لوز یُرْ فرِنْد

قَرض دادن به دوست، مساوی با از دست دادن آن است

Let bygones be bygones لِتْ بآیْگآنْزْ بی بآیْگآنْزْ

دعواهای گذشته را فراموش کُن (گذشته ها، گذشته)

Let sleeping dogs lie لِتْ سْلیپینگْ داگْزْ لآیْ

بِگذار سگ های خوابیده ، بخوابند (با دُم شیر، بازی نکن)

Life without a friend is death without a witness

زندگی بدون رفیق مانند مرگ بدون شاهد است

لآیْفْ ویتْ آوْتْ اِ فرِنْد ایزْ دِثْ ویتْ آوْتْ اِ ویتْنِسْ

Lightning never strikes twice in the same place

صاعقه هرگز دوبار در یک محل اصابت نمی کند

(آدم از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود)

لآیْتِ نینْگْ نِوِر سْتِرآیْکْسْ توآیْسْ این دِ سِیْمْ پِلِیْسْ



Love me, love my dog
لَاو مِی، لَاو مَای داگ
من را دوست داری، سگ من را هم دوست بدار
(اگر گوش عزیز است، گوشواره اش هم عزیز است)

Like father, like son
لَایکْ فادِر، لَایکْ سانْ
مثل پدر ، مثل پسر   (تَره به تُخمش می رود و حسنی به باباش)

Live not to eat, but eat to live
لِو (لیو) نَاتْ تو ایت ،بَاتْ ایت تو لِو (لیو)
برای خوردن زندگی نکن، بلکه بخور تا زندگی کنی

Look before you leap
لُکْ (لوکْ) بیفُرْ یو لیپْ
قبل از اینکه بپَری، نگاه کُن
(بی گُدار به آب نَزَن-اول چاه بِکن، بعداً مناره بِدزد-تا نکنی جای قدم استوار، پای مَنه در طَلب هیچ کار)

Love is blind
لَاو ایزْ بلَایند
عشق کور است   (آنجا که عشق خیمه زند جای عقل نیست)

Love makes the world go round
لَاو مِیکْسْ دِ وُلْد گُ رَاوْند
عشق باعث می شود که جهان بچرخد   (مردی کُن که مردی کردن، مرد آزاده را کُند بنده)

Make hay while the sun shines
مِیکْ هِیْ وَایلْ د سَانْ شَاینْز
تا زمانیکه آفتاب می تابد، خرمن کُن   (تا تنور داغ است، نان را بچسبان)

Man does not live by bread alone
مَنْ دَزْ نَاتْ لو (لیو) بَای بِرد الِنْ
مرد تنها با نان خالی زندگی نمی کند - زندگی که همه اش (مادّیات) خورد و خوراک نیست

Man proposes, God disposes
مَن پرپُزز، گَاد دیسپُزز
انسان طَلب می کند و خداوند برآورده می سازد   (از تو حرکت از خدا بَرکت)

Many a little makes a mickle
مِنی ا لیتلْ مِیکْسْ ا میکِلْ
بسیار کَم (از یه چیز کَم اگر بسیار باشد، آن کَم تبدیل به زیاد می شود) ، می شود خیلی
(قطره قطره جمع گردد ، وانگهی دریا شود)

Many drops make a flood
مِنی دِرآپسْ مِیکْ ا فلَاد
قطرات زیاد ،یک سیل را تشکیل می دهد   (قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود)

Many hands make light work
مِنی هَندز مِیکْ لَایتْ وُرکْ
کمک زیاد باعث سبکیِ کار می شود   (یک دست صدا ندارد)

Might makes right
مَایتْ مِیکْسْ رَایتْ   زورت بیش است، حرفت پیش است



more haste, less speed

مُرْ هِیْسْتْ، لِسْ سْپید

عجله ی بیشتر ، سرعتِ کمتر (عجله کار شیطان است)

Mischief comes by the pound and goes away by the ounce

بدبختی خَروار خَروار می آید و ذَرّه ذَرّه می رود

میسْچیفْ کامْزْ بایْ دِ پاوَنْد اَند گُزْ اِویْ بایْ دِ آنسْ

Misery loves company
میزِری لاوز کامْپِنی

شخص بدبخت دوست دارد که همراه داشته باشد (خَرمن سوخته، خَرمن سوخته را خواهد)

Misfortune seldom comes alone
میسفُرْچونْ سِلْدِمْ کامْزْ اِلُنْ

بدشانسی بندرت به تنهایی می آید (بدبختی که می آید، پشت سر هم می آید)

Money answers all things
مانی آنسِرْزْ آلْ تینگْزْ

پول جواب همه چیز را می دهد (هرکه زَر دارد همه چیز دارد - پول حَلاّل مُشکلات است)

Money does not grow on trees
مانی داْزْ ناتْ گِرُ آنْ تیریزْ

پول بر روی درخت نمی روید (پول که عَلف خرس نیست)

Money is the root of all evil
مانی ایزْ دِ روتْ آو آلْ ای وِلْ

پول، ریشه ی تمام پَلیدی ها می باشد

Money makes money
مانی میکس مانی

پول، پول می سازد (پول، پول می آورد)

Money will do anything
مانی ویلْ دو اِنیثینگْ

پول هر کاری را انجام خواهد داد (پول حَلاّل مُشکلات است - پول داری غَم نداری)

More catholic than pope
مُرْ کاتْلیکْ دَنْ پاپْ

از پاپ کاتولیک تر شدن (کاسه ی داغ تر از آش شدن)

Necessity is the mother of invention
نِسیتی ایزْ دِ مادِر آو اینْوِنْشِنْ

نیاز، مادر اختراع است

Never look a gift horse in the mouth
نِوِر لوکْ اِ گیفْتْ هُرْسْ اینْ دِ ماوْثْ

هرگز دهان اسب پیشکشی را نگاه نکن (دندانِ اسبِ پیشکشی را نمی شمارند)

Never put off till tomorrow what you can do today

هرگز تا فردا به تأخیر نَینداز ، آنچه را که می توانی امروز انجام بدهی (کار امروز را به فردا نینداز)

نِوِر پوتْ آفْ تیلْ تومارُ واتْ یو کَنْ دو تودِیْ



Never say die — نِوِر سِیْ دآیْ

هرگز نگو مرگ

(هرگز نااُمید نشو - در نااُمیدی، بَسی اُمید است   پایان شب سیه، سفید است)

No joy without annoy — نُ جُیْ ویتْ آوْتْ اِنُیْ

شادی بی غم در این بازار نیست

No love like the first love — نُ لآو لآیکْ دِ فِرْسْتْ لآو

هیچ عشقی مثل اولین عشق نمی باشد

(نباشد یار، چون یار نخستین - نه هر مَعشوق، چون معشوق پیشین)

No man can serve two masters — نُ مَنْ کَنْ سِروْ تو مَسْتِرْز

هیچ کَس نمی تواند در خدمت دو اَرباب باشد   (با یک دست نمی شود دو هندوانه برداشت)

No news is good news — نُ نیوز ایزْ گُد (گود) نیوز

بی خبری، خوش خبری

No pain, no gain — نُ پِینْ ، نُ گِینْ

زَحمت نباشد ، چیزی حاصل نمی شود   (نابرده رنج، گنج مُیسّر نمی شود)

No wife no worry — نُ وآیفْ نُ وُری

زن نداری، غَم نداری

Nothing comes of nothing — ناثینگْ کامْزْ آو ناثینگْ

هیچ چیز، از هیچ می آید   (بی مایه فَطیر است)

Nothing dries sooner than tears — ناثینگْ دِرآیزْ سونِرْ دَنْ تیارز

هیچ چیز زود تر از آشک خُشک نمی شود

Nothing hurts like the truth — ناثینگْ هِرْتْسْ لآیکْ دِ توروثْ

هیچ چیز مانند حرف حَق، صَدَمه نمی زند   (حرف حَق ، تَلخ است)

Nothing is so easy as revenge, nothing so grand as forgiveness

هیچ چیز مانند انتقام ، آسان نمی باشد - هیچ چیز مانند بخشش ، بزرگوارانه نیست

(در عَفو، لذّتی است که در انتقام، نمی باشد)

ناثینگْ ایزْ سُ ایزی آزْ ریوِنْجْ ، ناثینگْ سُ گِرَنْد آز فُرگیوْنِسْ

Nothing seek, nothing find — ناثینگْ سیکْ ، ناثینگْ فآیْنْد

جستجو نکنی، هیچی نمی یابی   (جوینده، یابنده است)



One bird in the hand is better than two in the bush

وآنْ بِرْد اینْ دِ هَند ایزْ بِتِرْ دَنْ تو این دِ بوش

یک پرنده در دست داشتن بهتر از دو پرنده در بوته زار است

(سیلی نقد به از حلوای نسیه است)

Nothing ventured, nothing gained — نآثینگ ونچِرْد ، نآثینگ گِیْنْد

بدون (جرأت) ماجراجویی ، چیزی بدست نمی آید (نابرده رنج، گنج مُیسر نمی شود)

Oil and water don't mix — اُیل آند واتِرْ دُنْتْ میکْس

آب و روغن با هم مخلوط نمی شوند (آبشان به یک جوی نمی رود)

Old habits die hard — اُلد هَبیتْسْ دایْ هارد

عادات قدیمی به سختی از بین می روند (تَرک عادت، موجب مَرض است)

Once bitten, twice shy — وآنسْ بیتِنْ ، توآیْسْ شآیْ

یکبار گزیدگی ، دوبار شرمندگی (آدم عاقل از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود)

One good turn deserves another — وآنْ گُد (گود) تِرْنْ دیزِرْوْز آنآدِر

به کسانی که در گذشته خوبی کرده اند ، باید خوبی کرد

(تو نیکی می کُن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز)

One man's breath, another's death — وآنْ مَنْزْ بِرِثْ ، آنآدِرز دِثْ

نفس (سلامتی) شخصی ، مرگ دیگری است (مرگ خَر، عروسی سگ است)

One man's gravy is another man's poison — وآنْ مَنْزْ گرِیْوی ایزْ آنآدِر مَنْزْ پُیْزِنْ

شادی شخصی ، برای دیگری سَمّ است (آنچه برای یکی نوش است، دیگری را نیش است)

One man's meat is another man's poison — وآنْ مَنْزْ میتْ ایزْ آنآدِر مَنْزْ پُیْزِنْ

(گوشت) شادی شخصی ، برای دیگری سَمّ است (آنچه برای یکی نوش است، دیگری را نیش است)

One nail drives out another — وآنْ نِیْلْ درآیوز آوتْ آنآدِر

یک میخ می تواند میخ دیگری را (در آورد) حرکت دهد (دَست بالای دَست، بسیار است)

One swallow does not make summer — وآنْ سوآلُ داز نآتْ مِیْکْ سآمِرْ

یک پرستو، تابستان را نمی سازد (با یک گُل بهار نمی آید)

One's bark is worse than one's bite — وآنْزْ بآرکْ ایزْ وُرسْ دَنْ وآنْزْ بآیْتْ

سَر و صدای (آبرو ریزی) یک شخص ، بدترَ از نیش زدن است

(زخم زبان، بدتر از زخم شمشیر است)



Out of sight, out of mind

آوْتْ آو سایْتْ ، آوْتْ آو مایْنْد

دور از چشم ، دور از فکر (از دل برود ، هر آنچه از دیده برفت)

Opportunity seldom knocks twice

آپِرْچونیتی سِلْدِمْ ناکْسْ توآیْسْ

شانس، بندرت دوبار درب منزل را می زند (شانس یکبار در خانه ی هر کسی را می زند)

Out of frying pan into the fire

آوْتْ آو فِرآیْ اینگْ پَنْ این تو دِ فایِرْ

از ماهی تابه در آمدن و تو آتش اُفتادن (از چاله در آمد، اُفتاد تو چاه)

Patience opens all doors

پِیْشِنْسْ اُپِنْزْ آلْ دُرز

صَبر، همه ی دَرها را باز می کند

People who live in glass houses should not throw stones

مردمی که در خانه های شیشه ای زندگی می کنند، نباید (به دیگران) سنگ پرتاب کنند

(تو که بر بام خود آیینه داری ، مَزن بر بام دیگران سنگ)

پیپِلْ هو لِوْ (لیوْ) اینْ گِلَسْ هاوزِز شود نات ثرُ ستُنْز

Play fast and loose

پِلیْ فَسْتْ آند لوز

شُل کُن، سِفت کُن، در آوردن (دَمدَمی بودن)

Poor and proud

پور آند پِرآوْد

فقر و فَخر (آدم گدا و این همه اَدا)

Poverty is no disgrace

پاوِرتی ایزْ نُ دیسگِرِیْسْ

فقر، ننگ نیست

Poverty is no sin

پاوِرتی ایزْ نُ سینْ

فقر، گناه نیست (فقیری، عار نیست)

Poverty parts friends

پاوِرتی پارْتْسْ فرِنْدز

فَقر، رُفقا را جُدا می کند

Practice makes perfect

پِرکْتیسْ مِیْکْسْ پِرْفِکْتْ

تمرین باعث تکامل (بی نقصی) می شود (کار نیکو کردن از پُر کردن است)

Prevention is better than the cure

پیرِیوِنْشِنْ ایزْ بِتِرْ دَنْ دِ کییور

پیشگیری بهتر از دَرمان است

Promise little and do much

پِرآمیسْ لیتِلْ آند دو ماچْ

کَم قول بده و بیشتر عَمل کُن



Some die that others may live

سَامْ دَایْ دَتْ آدِرز مِیْ لِوْ (لیوْ)

بعضی ها می میرند تا دیگران امکان زندگی داشته باشند

(اگر مَرگ نبود آدم، آدم را می خورد)

Respect is greater from a distance رِسْپِکْتْ ایزْ گرِیْتِرْ فرآمْ ا دیستَنْس

احترام از مسافت دور ، بیشتر است (دوری و دوستی)

Revolutions are not made with rose water ریوُلوشِنْزْ آر نَاتْ مِیْد ویتْ رُز وآتِرْ

انقلاب که با آب و گُل به وجود نیامد (میان دعوا، حلوا قسمت نمی کنند)

Rome wasn't built in a day رُمْ وآزِنْتْ بیلْتْ اینْ ا دیْ

رُم در یک روز ساخته نشد (چیز های مهم یک شَبه اتّفاق نمی اُفتند)

Saying is one thing and doing another سیْ اینْگْ ایزْ وآنْ ثینْگْ اَند دو اینْگْ آنآدِر

گفتن یک چیز است و عَمل کردن چیز دیگری (به عمل کار بر آید به سخنرانی نیست)

Seeing is believing سی اینْگْ ایزْ بیلیوینْگْ

دیدن، باورکردن است (شنیدن کی بُوَد مانند دیدن)

Seldom seen, soon forgotten سِلْدِمْ سینْ، سونْ فُرگآتِنْ

(اگر چیزی) به ندرت دیده شود ، زود فراموش می شود (از دل برود هر آنچه از دیده برَفت)

Set a thief to take a thief سِتْ ا ثیفْ تو تِیْکْ ا ثیفْ

برای گرفتن یک دُزد باید یک دُزد، اَجیر کُنی

(شُغال بیشه ی مازندران را نگیرد جز سگ مازندرانی)

Sleep is the brother of death سْلیپْ ایزْ دِ برآدِر آو دِثْ

خواب، برادر مرگ است

So got, so gone سُ گآتْ ، سُ گآنْ

چون آمده ، پس می رود (هرچه به یَلّلی می آید به تَلّلی می رود - باد آورده را باد می برد)

So many heads, so many minds سُ مِنی هِدز، سُ مِنی مآیْندز

سَرهای بیشتر ، فکرهای بیشتر (هر سَری یه فکری دارد)

So much the better سُ مآچْ دِ بِتِرْ

هرچه بیشتر، بهتر (نورٌ علی نور)

Soon ripe, soon rotten سونْ رآیْپْ ، سونْ رآتِنْ

زود رسیده، زود فاسد می شود



Take the bull by the horns

تیکْ دِ بولْ بآیْ دِ هُرنْزْ

از شاخ های گاو بگیر (هر کاری را از راهش وارد شو)

Speak well of the dead سْپیکْ وِلْ آو دِ دد

صحبتِ خوب مردگان را بکنید (پشتِ سَر مرده بد نگو)

Spear when you are young, and spend when you are old

در جوانی پس انداز کُن تا در پیری خَرج کُنی

سْپیرْ وِنْ یو آر یَانْگْ ، آند سْپِنْد وِنْ یو آر اُلْد

Standing pools gather filth سْتَندینْگْ پولْزْ گِزِر فیلْثْ

استخر بدونِ استفاده ، کثافت به خود می گیرد (آب که در یک جا بماند ، می گندد)

Still waters run deep سْتیلْ وآتِرْزْ رآنْ دیپْ

آب ایستاده به عُمق زمین می رود (فلفل نبین چه ریزه، بشکن ببین چه تیزه)

Stretch your legs according to your coverlet سْترِچْ یُرْ لِگْزْ اَکُردینْگْ تو یُرْ کاوِرلِتْ

پایت را به اندازه ی گلیمَت دراز کُن

Strike while the iron is hot سْترآیْکْ وآیْلْ دِ آینْ ایزْ هآتْ

تا آهن داغ است، ضَربه بزن (تا تنور داغ است، نان را بچسبان)

Success has many friends ساکْسِسْ هَزْ مِنی فرِنْدز

موفقیت، دوستان زیادی دارد

That's only the tip of the iceberg دَتْسْ اُنْلی دِ تیپْ آو دِ آیْسْبِرْگْ

این فقط نوک کوه یَخی است (این رشته، سَر دراز دارد)

The apple doesn't fall far from the tree دِ اَپِلْ دآزِنْتْ فآلْ فآر فرآمْ دِ تیری

سیب ، دور از درختش نمی اُفتد (باشد پسر چنین، چو پدر باشد آن چنان)

The apples on the other side of the wall are the sweetest

سیب های آن طرف دیوار شیرین تر هستند (مرغِ همسایه، غاز است)

دِ اَپِلْزْ آنْ دِ آدِر سآیْد آو دِ وآلْ آر دِ سوای تِسْتْ

The baby is the king of the house دِ بِیْبی ایزْ دِ کینْگْ آو دِ هآوْسْ

بچه فرمانروای خانه است (حکم بچه، حکم پادشاه است)

The best things in life are free دِ بِسْتْ تینْگْزْ اینْ لآیْفْ آر فیری

بهترین چیزها در زندگی، مجانی هستند



The bigger they are, the harder they fall — دِ بیگِرْ دِیْ آر، دِ هآردِر دِیْ فآلْ

هرچقدر که بزرگتر هستند ، سخت تر می اُفتند (سَر بزرگ، بَلای بزرگ دارد)

نَردبان این جهان ما و منی است — عاقبت این نردبان اُفتادنی است

لاجَرَم هر کَس که بالاتر نشت — اُستخوانش سخت تر خواهد شکست

The blind can not lead the blind — دِ بلاَیْنْد کَنْ نآتْ لید دِ بلاَیْنْد

آدم نابینا نمی تواند راهنمای نابینای دیگری بشود (کوری که عَصاکش کور دگر بُوَد)

The blind leading the blind — دِ بلاَیْنْد لیدینْگْ دِ بلاَیْنْد

کوری که عَصا کِش کور دگر شود

The cat dreams of mice — دِ کَتْ دیریمْزْ آو مآیْسْ

گربه در رویایش، موش می بیند

(شتر در خواب بیند پنبه دانه گهی لُپ لُپ خورد گه دانه دانه)

The die is cast — دِ دآیْ ایزْ کَسْتْ

مرگ سایه اَنداخته (کار از کار گذشته - مرغ از قفس پریده)

The early bird catches the worm — دِ اِرلی بِرْد کَچیزْ دِ وِرمْ

پرنده ی سَحرخیز ، کرم را می گیرد (سحرخیز باش تا کامروا شوی)

The first hundred years are the hardest — دِ فِرْسْتْ هآندرِد یِرْز آر دِ هآردِسْتْ

صد سال اولش سخت ترین است (سختی اش همین صد سال اولش است)

The first step is always the hardest — دِ فِرْسْتْ سْتِپْ ایزْ آلْوِیْزْ دِ هآردِسْتْ

اولین مرحله (گام) ، همیشه سخت ترین است (هر کاری همیشه اولش سخت است)

The full do not believe the hungry — دِ فُلْ (فولْ) دو نآتْ بیلیوْ دِ هآنْگْری

آدم سیر، (حرف آدم) گرسنه را باور نمی کند (آدم سیر از گرسنه خبر ندارد و آدم سواره، از پیاده)

The game is not worth the candle — دِ گیْمْ ایز نآتْ وُرثْ دِ کَنْدلْ

آن بازی، اَرزش شمع روشن کردن را ندارد (آفتابه، خرج لحیم است)

The golden key can open any doors — دِ گُلْدِنْ کی کَنْ اُپِنْ انی دُرز

کلید طلایی، هر دَری را باز می کند (پول حلاّل مُشکلات است - پارتی داری غَم نداری)

The grass looks greener on the other side of the fence

چمن آن طرف نَرده ، سبزتر به نظر می آید (مرغ همسایه، غاز است)

دِ گِرَسْ لوکْسْ گیرینِرْ آن دِ آدِر سآیْد آو دِ فِنسْ



The pen is mightier than the sword

دِ پِنْ ایزْ مآیْتییِرْ دَنْ دِ سُرْد

قَلم قدرتمندتر از شَمشیر است (نوک قَلم از نوک شمشیر، بُرَنده تر است)

The guest is not welcome to the guest, but both to the host

مهمان، مهمان را نمی خواهد و صاحب خانه هیچ کدام را

دِ گِسْتْ ایز نآتْ وِلْکآمْ تو دِ گِسْتْ ، بآتْ بُثْ تو دِ هُسْتْ

The last drop makes the cup run over دِ لَسْتْ دِرآپْ مِیْکْس دِ کآپْ رآنْ اُور

آخرین قطره باعث لبریز شدن فنجان می شود

The longest day must have an end دِ لآنْگِسْتْ دِیْ مآسْتْ هَوْ آنْ اَند

طولانی ترین روز هم باید پایانی داشته باشد

The mills of God grind slowly دِ میلْزْ آو گآد گِرآیْنْد سْلُلی

آسیاب خداوند، به آرامی می ساید (چوب خدا، صدا ندارد وقتی بزَند، دوا ندارد)

The more haste, the less speed دِ مُرْ هِیْسْتْ، دِ لِسْ سْپید

هرچه عجله بیشتر باشد ، سرعت کمتر می شود (آدم دستپاچه کار را دوبار، انجام می دهد)

The pot calls the kettle black دِ پآتْ کآلْزْ دِ کِتِلْ بْلَکْ

قوری به کتری می گوید ، سیاه (دیگ به دیگ می گوید، رویت سیاه است)

The proof of the pudding is in the eating دِ پروفْ آو دِ پودینْگْ ایز این دِ ایتینْگْ

اثبات (خوشمزگی) دسر، در خوردن مَعلوم می شود (مُشک آن است که خود ببوید نه آن که عَطّار بگوید)

The richer they get, the needier they are دِ ریچِرْ دِیْ گِتْ ، دِ نیدیار دِیْ آر

هرچه که ثروتمند تر می شوند ، محتاج تر می شوند (آنان که غَنی ترند، مُحتاج ترند)

The road to hell is paved with good intentions

جاده ای که به جهنم مُنتهی می شود ، با قَصد خوب است (اومَدَم ثواب کُنم، کَباب شُدم)

دِ رُد تو هِلْ ایزْ پِیْوْد ویتْ گود اینْتِنْشِنْزْ

The shoe is on the other foot دِ شو ایزْ آنْ دِ آدِر فوتْ

کَفش در پای دیگر است (کار دنیا وارانه است)

The sky will not fall in دِ سْکآیْ ویلْ نآتْ فآلْ اینْ

آسمان به زمین نخواهد اُفتاد (آب از آب تکان نمی خورد)

The spirit is willing, but the flesh is weak دِ سْپیریتْ ایز ویلینْگْ ، بآتْ دِ فلِشْ ایزْ ویکْ

روح مایل است امّا جسم ضعیف است (دست ما کوتاه و خرما بر نَخیل)



There is no garden without its weeds

دِر ایزْ نُ گاردِنْ ویتْ آوْتْ ایتْسْ ویدْز

هیچ باغی بدونِ عَلف و خار نمی باشد

(هیچ گنجی بی مار و هیچ گُلی بی خار نیست)

The squeaking wheel gets the oil — دِ سْکوای کینگْ ویلْ گِتْس دِ آیل

به چرخی که جیر جیر می کند ، روغن می زنند

(آدم کَمرو همیشه کُلاهش پس مَعرکه است)

The truth will out — دِ توروثْ ویلْ آوْتْ

حقیقت، آشکار می شود (خورشید همیشه پُشت اَبرها نمی ماند)

The water has risen over his head — دِ وآتِرْ هَزْ ریزِنْ اُوِر هیزْ هد

آب به بالای سر او رسیده است (آب از سَرش گذشته)

The way to a man's heart is through his stomach

برای اینکه قلب مردی را تَصاحب کُنی، به شکم او برس (مایه ی عشق آدمی، شکم است)

دِ ویْ تو اِ مَنْز هآرتْ ایزْ ثورو هیزْ سْتآمَکْ

There is a salve for every sore — دِر ایزْ اِ سَ وْ (سَلْوْ) فُرْ اِوری سُرْ

برای هر دَردی ، دَوایی وجود دارد (هر دَردی را دوایی است)

There is no general rule without an exception — دِرایزْ نُ جِنرآلْ رولْ ویتْ آوْتْ اَنْ اِکْسِپْشِنْ

هیچ قانونی نیست که استثناء نداشته باشد (هر کاری یه راهی دارد)

There is no smoke without fire — دِر ایزْ نُ سْمُکْ ویت آوْتْ فآیِرْ

هیچ دودی ، بدون آتش نمی باشد (تا نباشد چیزکی، مردم نگویند چیزها)

There's no place like home — دِرز نُ پِلِیسْ لآیْکْ هُمْ

هیچ مکانی مانند خانه نیست (هیچ جا خانه ی خود آدم نمی شود)

There's a first time for everything — دِرز اِ فِرْسْتْ تآیْمْ فُرْ اِوْریثینْگْ

(شانس) برای هر کاری ،یه مرتبه وجود دارد (شانس یکبار در خانه ی آدم را می زند)

There's a time and a place for everything — دِرز اِ تآیْمْ آنْد اِ پِلِیسْ فُرْ اِوْریثِینْگْ

برای هر چیزی ، یه زمان و مکان خاصّی می باشد (هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد)

There's more than one way to skin a cat — دِرز مُرْ دَنْ وآنْ ویْ تو سْکینْ اِ کَتْ

بیش تر از یک راه برای پوست کندن یک گربه وجود دارد (جهان نیست بر مرد هوشیار تَنگ)

There's no fool like an old fool — دِرز نُ فولْ لآیْکْ اَنْ اُلْدْ فولْ

هیچ اَحمقی مثل یه اَحمقِ پیر نیست (سَر پیری و مَعرکه گیری)



To fish in troubled waters

تو فیشْ اینْ ترآبلْد وآترْز (وآدرز)

از آب گل آلود ماهی گرفتن

Third time lucky ثِرْد تآیْمْ لآکی

بار سوّم خوش شانسی دارد (تا سه نَشه، بازی نَشه)

Time will tell تآیْمْ ویلْ تلْ

زمان خواهد گفت (گذشت زَمان، همه چیز را بَرمَلا خواهد کرد)

To add insult to injury تو اَد اینْسآلْتْ تو اینْجری

بی احترامی را به خسارت (صدمه - آسیب) اضافه کردن

(عَروس خیلی خوشگل بود، آبله هم در آورد)

To beat you to frighten him تو بیتْ یو تو فرآیْتِنْ هیمْ

تورا می زنم که او را بترسانم (به در می گوید که دیوار گوش دهد)

To carry water in a sieve تو کَری وآترْ اینْ ا سیوْ

با آلک، آب را حَمل کردن (آب در هاون کوبیدن - باد در قفس کردن)

To err is human, to forgive divine تو اِر ایزْ هیْومَنْ، تو فُرگیو دیوآیْنْ

انسان خطاکار است و خداوند بخشنده (بشر جایزالخطا است)

To have a finger in every pie تو هَوْ ا فینْگرْ اینْ اوْری پآیْ

در هر کلوچه ای اَنگشتی زدن (نخود هر آشی بودن - در هر کاری فُضولی کردن)

To have the last word تو هَوْ دِ لَسْتْ وُرد

آخرین حرف را زدن (حرف خود را به کُرسی نشاندن)

To learn to command one must learn to obey تو لِرْنْ تو کاْمَنْد وآنْ مآسْتْ لِرْنْ تو اُبِیْ

برای اینکه دستور دادن را یادبگیری ، باید اطاعت کردن را بیاموزی

(آدم تا کوچکی نکند به بزرگی نمی رسد)

Today you, tomorrow me تودِیْ یو ، تومآرْ می

امروز تو، فردا من (همیشه شَعبان، یک بار هم رمضان)

Tomorrow is another day تومآرْ ایزْ آنآدر دیْ

فردا روزی دیگر است (فردا هم روز خداست)

Too many chiefs, not enough Indians تو مِنی چیفْسْ، نآتْ اینآفْ اینْدیآنْزْ

رئیس زیاد است و هندی (کارگر) به اندازه ی کافی نیست (دستور دهنده زیاد، ولی مُجری کم)



Too many cooks spoil the broth

تو مِنی کُکْسْ (کوکْسْ) سْپُیلْ دِ بِرآثْ

آشپز که زیاد باشد، آش ضایع می شود

(آشپز که دوتا شد ، آش یا شور می شود یا بی نمک)

Two and two make four
تو اَنْد تو مِیکْ فُرْ

دو و دو می شود چهار (دو دوتا ، میشه چهارتا - حرف حساب ، جواب ندارد)

Two captains sink the ship
تو کَپِتِنْز سْینْکْ دِ شِپْ (شیپْ)

دوتا کاپیتان، کشتی را (غَرق می کنند) به گل می نشانند

(آشپز که دوتا شد، آش یا شور می شود یا بی نمک)

Two heads are better than one
تو هِدز آر بِتِرْ دَنْ وآنْ

دوتا سَر (فکر) بهتر از یکی است (هر سَری عَقلی دارد - یک دَست صدا ندارد)

Two wrongs don't make a right
تو رانْگزْ دآزِنْتْ مِیکْ اِ رآیْتْ

دو اشتباه ، یک درست نمی سازد (خون را با خون نمی شویند)

Two's company, three's a crowd
توز کامْپِنی، ثیریزْ اِ کِرآوْدْ

دو تا بودن خوب است ، سوّمی زیادی است

(دری باز شد و پیدا شد سَرخَر)

Union is strength
یونیِنْ ایزْ سْترِنْگْثْ
در اتّحاد، قُدرت و عَظمت است

Variety is the spice of life
وِرآیْاِتی ایزْ دِ سْپآیْسْ آو لآیْفْ

تَنوّع، چاشنی زندگی است

Walls have ears
وآلْزْ هَوْ ایِرْزْ

دیوار ها، گوش دارند (دیوار موش دارد ، موش هم گوش دارد)

Waste not, want not
وِیْسْتْ نآتْ ، وآنْتْ نآتْ

(هَدَر نده) تلف نَکن تا مُحتاج نشوی

Water is the staff of the life
وآتِرْ ایزْ دِ سْتَفْ آو دِ لآیْفْ

آب ، عَصای زندگی است (آب مایه ی حیات است)

We seek water in the sea
وی سْیکْ وآتِرْ اینْ دِ سی

ما در دریا ، دنبال آب می گردیم

(آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم)



When the cat's away, the mice play

وِنْ دِ کَتْسْ اِوِیْ ، دِ مآیْسْ پِلِیْ

وقتی که گُربه نیست ، موش ها بازی می کنند

(در منزلی که گربه نباشد، موش کَدخدا است)

Well begun is half done — وِلْ بیگآنْ ایزْ هَفْ دآنْ

شُروع خوب، اَنجام نیمی از کار است

What can't be cured must be endured — وآتْ کَنْتْ بی کیُورد مآستْ بی اِینْدُارد

آنچه که عَلاج نمی شود را باید تَحمّل کرد (با دَرد بساز تا به دَرمان برسی)

What is done can't be undone — وآتْ ایزْ دآنْ کَنْتْ بیْ آندآنْ

چیزی که اَنجام می شود ، نمی تواند به حالت اوّل برگردد (آب رفته به جوی باز نمی گردد)

What you lose in the swings, you gain in the roundabouts

چیزی را که در تاب خوردن از دست می دهی ، آن را بطور غیر مستقیم بدست می آوری

(خداوند گر ز حکمت ببندد دَری. به رَحمت گُشاید دَر دیگری)

وآتْ یو لوز این دِ سوای نگزْ، یو گِینْ این دِ رآوْندابآوْتْسْ

When in Rome, do as the Romans do — وِنْ اینْ رُمْ، دو اَز دِ رُمَنْزْ دو

وقتی که در رُم هستی مانند رُمی ها عَمل کُن (گر خواهی نشوی رُسوا، هم رَنگ جَماعت شو)

When pigs fly — وِنْ پیگْزْ فلآیْ زمانی که خوک ها پرواز می کنند (وقت گُل نی)

When the cat's away, the mice will play — وِنْ دِ کَتْسْ اوِیْ ، دِ مآیْسْ ویلْ پلِیْ

وقتی که گُربه نیست ، موش ها بازی خواهند کرد (آب که سَر بالا رفت، قورباغه ابو عَطا می خواند)

When two Sundays meet — وِنْ تو سآنْدیزْ میتْ

وقتی که دوتا یکشنبه به هم برسند (اگر پُشت گوشت را دیدی)

When you want something done, do it yourself

وقتی که می خواهی کاری انجام شود ، خودت آن را انجام بده

(کَس نَخارد پُشتِ من ، جز ناخنِ اَنگشت من)

وِنْ یو وآنْتْ سآمْثینگْ دآنْ، دو ایتْ یُرسِلفْ

Where it is well with me, there is my country

آنجا که با من خوب است ، کشور من است

(آدمی کُجا خوش است! آنجا که دل خوش است)

وِر ایت ایز وِل ویت می، دِر ایز مآی کآنْتری



Wishes won't wash dishes

ویشیزْ وُنتْ واَشْ دیشیزْ

آرزوها و خیالات، ظرف ها را نخواهند شُست

(با حلوا حلوا گفتن، دَهَن شیرین نمی شود)

Where one door shuts, another opens ور واَنْ دُر شاَتسْ، اَناَدر اُپِنز

وقتی که یک دَرب بسته می شود،دیگری باز می شود

(خداوند گر ز حکمت ببندد دَری. به رَحمت گُشاید دَر دیگری)

Where there's a will there's a way ور دِرز اِ ویلْ دِرز اِ وِیْ

آن جا که خواسته ای هست، راهی هم وجود دارد

(خواستن، توانستن است)

Where there's smoke, there's fire ور دِرز سْمُکْ، دِرز فآیِرْ

آن جا که دود هست ، آتش هم هست

(تا نباشد چیزکی، مردم نگویند چیزها)

While there is life there is hope وآیِلْ دِر ایزْ لآیفْ دِر ایزْ هُپْ

تا زمانیکه زندگی هست ، اُمید هم وجود دارد (تا عُمر هست، اُمید هم هست)

Women are necessary evils وِمنْ آر نِسِسِری ایوِلْز

زنان شیطان های واجب (مورد نیاز) هستند

(زن بَلاست، الهی که هیچ خانه ای بی بَلا نباشد)

You can take a horse to water but you can't make him drink

شما می توانید اسب را به (چشمه ی) آب ببرید امَا نمی توانید آن را به آب خوردن مجبور کنید

(تازی را به زور به شکار نتوان برد)

یو کَنْ تِیکْ اِ هُرْسْ تو وآتِرْ بآتْ یو کَنْتْ مِیکْ هیمْ دیرینْکْ

You can't eat your cake and have it یو کَنْتْ ایتْ یُرْ کِیکْ آند هَوْ ایتْ

شما نمی توانید که کیکتان را بخورید و (آن را داشته باشید) تمام هم نشود

(هم خُدا را می خواهی ، هم خُرما را)

You can't judge a book by its cover

شما نمی توانید کتاب را از روی جِلدش آرزیابی کنید

یو کَنْتْ جآجْ اِ بُکْ (بوکْ) بآیْ ایتْسْ کآوِر



You can't teach an old dog new tricks

یو کَنْتْ تیچْ اَنْ اُلد داگْ نیو تِرِکْسْ

شما نمی توانید به یک سگ پیر فَن های جدید یاد بدهید

(شخص اگر در پیری پلو خوردن را یاد بگیرد، لُقمه را به گوشش می گذارد)

You can't make an omelet without breaking eggs

شما نمی توانید بدون شکستن تخم مرغ ، اُملت درست کنید (بی مایه، فَطیر است)

یو کَنْتْ مِیکْ اَنْ آمْلِتْ ویتْ آوْتْ بیریکینْگْ اِگْزْ

You need this like you need a hole in the head

موش تو سوراخ نمی رفت جارو به دُمِش می بست

یو نید دیسْ لاَیْکْ یو نید اِ هُلْ این دِ هِد

you won't miss so much

یو وُنْتْ میسْ سُ ماَچْ

شما چیز زیادی هم از دست نخواهید داد (هَمچین آش دَهن سوزی هم نیست)

You're never too old to learn

یور نِوِر تو اُلد تو لِرْنْ

هرگز برای یادگیری، پیر نیستی (زِگهواره تا گور دانش بِجوی)

How can you	" sm_le "	without "I"
How can you be	" f_ne "	without "I"
How can you	" w_sh "	without "I"
How can you be	" fr_end "	without "I"

and this

"I"

can never

" s_ccess "

without

"U"

with the best wishes for you

با آرزوی بهترین ها برای شما

Learn English Rapidly



انگلیسی را به سرعت یاد بگیرید یک مجموعه کامل آموزش زبان انگلیسی است که بر اساس نیازهای زبان آموزان برای سطوح مبتدی تا عالی قابل استفاده می‌باشد. نوع چاپ و طبقه بندی موضوعی مطالب و همچنین لوح فشرده ارائه شده، کمک شایانی در آموزش بهتر و کامل این مجموعه می‌نماید.

ویژگیهای این مجموعه:

- تلفظ و ترجمه کلیه جملات کتاب
- بخش مکالمات روزمره شامل ۱۰۰۰ جمله و کلمه کاربردی
- بخش گرامر شامل نکات دستوری ضروری
- ۱۶۰۰ اصطلاح کاربردی و ۴۵۰ ضرب المثل و گفته های جالب و آموزنده
- لوح فشرده صوتی *mp3* شامل کلیه جملات انگلیسی بخش مکالمه با بیان اساتید آمریکایی به همراه صوت ترجمه فارسی
- لوح فشرده *mpeg4* شامل ۲۵۰ دقیقه فیلم اصلی مخصوص مکالمات ارائه شده به روش یادگیری از طریق شنیداری-گفتاری
- استفاده از تصاویر رنگی آموزشی





همچنین می توانید از **فلش کارت** و **کتاب جیبی** این مجموعه استفاده نمایید.

ISBN:978-600-6733-09-8

www.hadafnovin.ir